



پایتخت فرهنگی جهان اسلام

داسلامي نړۍ فرهنگي پلازمېنه

Islamic World

Cultural Center

ویرة غزنی،
پهتخت
فرهنگر
جماسر اسلام

پیم خاتم

سال دوم | شماره چهارم | زمستان 92 | پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

گزارش ها

نگاهی به برخی از فعالیت های حضرت آیت الله محسنی پس از پیروزی جهاد
سفر دکتر عبدالقیوم سجادی به ولسوالی های جاغوری، قره باغ و مالستان
گزارش کوتاهی از مساجد، مدارس دینی و رسانه های غزنی
بخش های سیاسی و اداری ولایت غزنی
بررسی وضعیت حقوقی ولایت غزنی
بررسی وضعیت صحتی ولایت غزنی

مقالات

جلوه های معاونت در جرم مستقل در حقوق جزای اختصاصی افغانستان
نگاهی به جایگاه فرهنگی و تمدنی غزنی در جهان اسلام
بررسی نقش رسانه ها در امنیت ملی و عمومی
آبده های تاریخی غزنی، گنجی در دل ویرانه ها
غزنی و توسعه اقتصادی
غزنی باستان، مهد علم و عرفان

معلمان لیسه ها و دارندگان مدرک تثبیت سوپیه



فرصت طلایی برای ۱۴ پاس ها و کارمندان

پوهنتون خاتم النبیین (س)

کانکور سال ۱۳۹۳ خود را به زودی برگزار می کند



اقتصاد و مدیریت
علوم اجتماعی

فقه و حقوق
علوم سیاسی
انجمنری
کمپوتر ساینس

طب معالجوی
طب دندان
فارمسی
تکنولوژی طی
قبایگی چهار ساله
قبایگی دو ساله

شروع ثبت نام
۱۵ صوت

آدرس: کابل سه راهی لیسه صیبه ۰۰۷۸۷۷۰۰۷۰
غزنی، پلان ۴، پوهنتون خاتم النبیین (س) ۰۷۸۱۱۹۲۰۱۵
خانجوری: بازار عجزور، پوهنتون خاتم النبیین (س) ۰۷۸۷۸۹۹۰۷۳



پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

آمریت فرهنگی_تربیتی

نشریه «پیام خاتم»

شعبه غزنی، پوهنتون خاتم النبیین (ص)

محمد ضیاء «حسینی»

صاحب امتیاز:

مدیر مسئول:

با همکاری:

- حاجی محمد رحیمی
- قــــدردانی: سپاس وقدردانی از جناب استاد حسین حبیبی ریاست محترم شعبه غزنی، که با تلاش شبانه روزی اش، زمینه ساز نشر ویژه نامه «پیام خاتم» شدند.
- طرح روی جلد و عکاس: جلیل «کریمی»
- چاپ: مطبعه تمدن / چوک پل سوخته: ۰۷۸۹۹۹۱۴۸۱

«پیام خاتم» در ویرایش مقاله ها آزاد می باشد
«پیام خاتم» از مقاله های اساتید و دانشجویان به گرمی استقبال می کند
غیر از «پیام اول» مسئولیت مقاله ها به عهده نویسندگان آنها است.

یاد آوری:

از آن عده از دانشجویان عزیز که نوشته های شان در این شماره از نشر باز مانده است ،
پوزش خواسته می شود.

آنچه در این شماره میخوانید

۳..... سرمقاله

۴..... پیام دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان به مناسبت غزنی مرکز فرهنگی تمدن جهان اسلام

گزارشها

۶..... برخی از کارکردهای حضرت آیت الله محسنی (دام ظلّه) پس از جهاد مردم افغانستان

۱۰..... سفردکتر عبدالقیوم سجادی به ولسوالی های قره باغ، جانوری و مالستان

۲۱..... بررسی بخش های سیاسی واداری ولایت غزنی

۲۳..... بررسی وضعیت حقوقی ولایت غزنی

۲۷..... بررسی وضعیت صحن ولایت غزنی

۳۱..... گزارش کوتاهی از مساجد، مدارس و رسانه های غزنی

گفتگو های ویژه

۳۳..... گفتگو با دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان

۳۴..... گفتگو با عبدالجامع جامع رئیس شورای ولایتی غزنی

۳۶..... گفتگو با محی الدین سروری قومندان امنیه غزنی

۳۷..... گفتگو با سمیرا احمدی دانشجوی رشته قابلگی و حافظ کل قرآن کریم

مقاله های اساتید

۳۸..... جلوه های معاونت به صورت جرم مستقل در حقوق جزای اختصاصی افغانستان / خادم حسین حبیبی

۴۲..... نگاهی به جایگاه فرهنگی و تمدنی غزنی در جهان اسلام / محمد رحیمی

۴۸..... بررسی نقش رسانه ها در امنیت ملی و عمومی / محمد جواد محدثی

۵۴..... آبداه های تاریخی غزنی، گنجی در دل ویرانه ها / محمد ضیاء حسینی

۵۸..... غزنی و توسعه اقتصادی / محمد اسحاق مهدوی

۶۵..... غزنی باستان، مهد علم و عرفان / جواد محقق

مقاله های دانشجویان

۷۱..... غزنی در گذر تاریخ / فهیم روستایی

۷۷..... غزنی ۲۰۱۳ و چالش های موجود / محمد نسیم باهر

۷۹..... ابوریحان البیرونی و بیهقی / بسم الله فهمی

۸۳..... گذشته تمدنی غزنی راهی برای فردا / سید نظم سیرت

۸۵..... سیمه ییزی لوبی په غزنی کن / انار گل عظیمی

۸۶..... شخصیتونه هزارونه / اسد الله جلالزی

فرهنگ و ادب

۸۸..... شعر از محمد جمعه مصباح دانشجوی اقتصاد

۸۹..... شعر از محمدرضا نظری دانشجوی علوم سیاسی

۹۰..... نقش حمایتی شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین در کائکور ولایت غزنی

۹۱..... سوهمین جشنواره فراغت دانشگاه خاتم النبیین (ص)

انتخاب غزنه به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام برای سال ۲۰۱۳ از سوی آیسسکو، بهانه ای است که یک بار دیگر به سابقه تمدنی، علمی و تاریخی خود نگاهی تازه ای انداخته و جای این سرزمین باستانی را که مرکز دانش‌اندوزی، عالم‌پروری و مردان دین و سیاست بوده و همواره نقش سازنده و پیشرو در گسترش، علم، فرهنگ، هنر و توسعه فرهنگ همکاری، همدلی و زندگی مسالمت‌آمیز داشته است، به نسل جوان و خسته از نا امنی و خشونت خویش معرفی نماییم. غزنین، در دورانی، از مهم‌ترین مراکز تمدنی اسلامی و محل صادرات فرهنگ اسلامی و ادب فارسی به سرزمین شبه قاره بوده و مدنیت اسلامی را در سرزمین پهناور هند گسترانیده و آنها را در این سرزمین برای همیشه بومی و ماندگار نموده است. غزنه روزگاری محل تولید علم و اندیشه، مهمترین کانون ادب فارسی و مرکز تجمع دانشمندان بزرگ اسلامی بسان فردوسی، البیرونی، ابوالفضل بیهقی، حکیم سنایی، سیستانی، مسعود سعدسلمان، منوچهر دامغانی، هجویری غزنوی، عنصری، عسجدی مروزی و ملافیض محمد کاتب هزاره و ماوای چهارصد شاعر نامدار و جایگاه پیدایش بزرگترین شاهکارهای ادب فارسی از جمله شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی، تاریخ گردیزی، دیوان عنصری، حدیقه الحقیقه سنایی و دیوان فرخی است. این در حالی است که غزنه باستان آرامگاه بزرگانی چون البیرونی، سنایی، مقبره سلطان محمود، سبکتگین و دیگران بوده و اماکن تاریخی این منطقه از جغرافیای جهان اسلام غزنین را به یک شهر تمدنی و تاریخی تبدیل نموده و لقب مدینه ثانی و شهر اولیاء را به خود اختصاص داده است.

اما آنگونه که ریمون آرون می گوید: هر تمدنی زایش، پوییش و افول دارد، این تمدن بنا به دلایلی خاموش شده و غزنی اینک در تاریکی مطلق به سر می برد. بدون تردید، همان گونه که شهرت و شوکت غزنی حاصل علم و اندیشه بوده بنابراین، احیای دوباره این تمدن فراموش شده نیازمند یک رستاخیز علمی و نوزایی است. این امر در صورتی امکان پذیر است که دولت و مردم و به خصوص نسل جوان کشور کمر همت ببندند و تخصص و تعهد را سرلوحه کار خویش سازند. سهم غزنین در گسترش علم و فرهنگ در سطح جهانی و جهان اسلام می طلبد که دولت و ملت و نهادهای بین المللی در راستای احیاء، معرفی و بازسازی این کانون فرهنگ و تمدن، ایفای نقش کنند. ناگفته پیداست که کارهای سخت افزاری نظیر عمران و بازسازی ابدات تاریخی، توسعه و انکشاف شهری، ساختن فرودگاه، پارکهای صنعتی، هتل های بین المللی، سالنهای همایش، فساد زدایی از ادارات دولتی، مدرنیزه کردن ساختار شهری و ولسوالیها و... جزء وظایف دولت مرکزی و مسئولان ولایتی است؛ اما کارهای نرم افزاری نظیر تحقیق و معرفی گنجینه های فرهنگی، شخصیتها، آثار و کارکردهای آنها، بازشناسی تاریخ و هویت تمدنی غزنین جزء وظایف موسسات و نهادهای علمی و دانشگاههاست که آنها گامی هرچند اندک در این راه پر پیچ و خم نهاده و تلاش کنند ذخیره های علمی و فرهنگی غزنین را برای جهان اسلام و نسل آینده کشور بازگویند. دانشگاه خاتم النبیین^(ص) با درک همین ضرورت و نیاز و با نظارت فقیه فرزانه حضرت آیت الله محسنی و مدیریت شایسته دکتر عبدالقیوم سجادی به تاسیس مرکز علمی همت گماشته تا توانسته باشد زمینه های یک رستاخیز علمی در کشور به وجود آورده و تلاش می کند نیروهای متعهد و متخصص را به جامعه خسته از جنگ عرضه نموده تا توانسته باشد گامی هرچند اندک در مسیر رشد و شکوفایی این سرزمین و احیای دوباره تمدن فراموش شده غزنین بردارند. خاتم النبیین باور دارد که تنها راه برون رفت از چالشها و بحرانهای موجود راه سنایی و بیرونی و انکشاف فکر و اندیشه است.

شعبه غزنی خاتم النبیین بر آن است که به بهانه سال ۲۰۱۳ این شماره از پیام خاتم را به صورت ویژه نامه ای منتشر نماید تا در گوشه ای از مراسم ۲۰۱۳ سهم ناچیز داشته و وظیفه خود را در برابر مفاخر و بزرگان غزنه ادا کرده باشد.



پیام دکتر عبدالقیوم سجادی،

رئیس پوهنتون خاتم النبیین (ص)

و نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان

به مناسبت

انتخاب غزنی مرکز فرهنگی تمدن جهان اسلام

در سال ۲۰۱۳

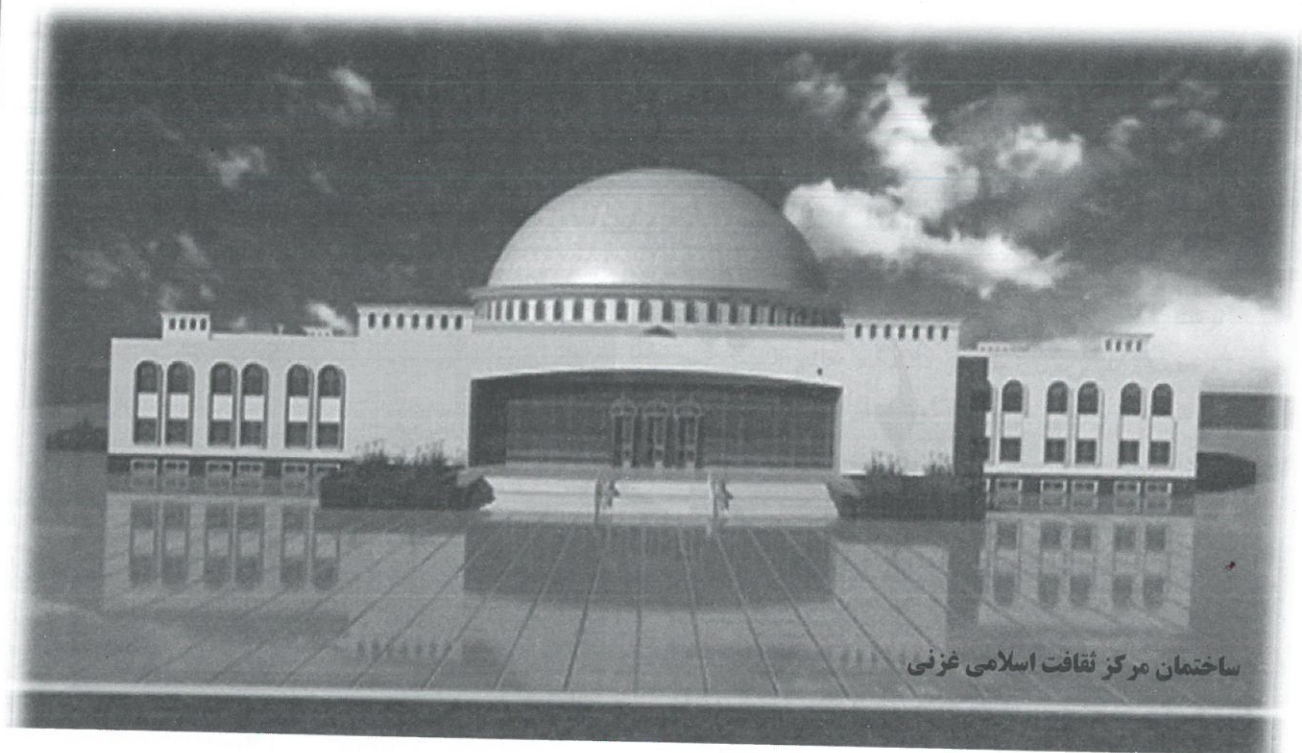
بنام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه بر نگذرد

غزنه نام آشنا و ماندگاری است که علی‌رغم بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌های دولتمردان این مرز و بوم هم‌چنان بر تارک تاریخ علم و دانش بشری بویژه تمدن و فرهنگ اسلامی می‌درخشد. غزنه در روزگاران گذشته مرکز علم و خرد ورزی بوده، که فرزندان دانشمند نامداری را به جامعه علمی و فرهنگی جهان و بویژه جهان اسلام تقدیم داشته است. مروری بر تاریخ علم و دانش بشری و گذری بر تاریخ تمدن و ثقافت اسلامی بار بار چشمان خواننده را با نام غزنه و فرزندان این دیار فرهنگی آشنا می‌سازد. غزنه دیار عالمان و دانشمندانی است که در کنار بلخ، هرات، بست و زابل بخش قابل توجهی از تاریخ علم و ثقافت جهان اسلام را بخود اختصاص می‌دهد.

اما دریغ و درد که این مرکز علمی در فرایند تاریخی با زخم‌ها و رنج‌های بی‌شماری روبرو گردید. زخمی که نه پیکر فرزندان این دیار که روح و جان و گوهر گرانمایه علمی و خردورزی این دیار را نشانه گرفت و

غزنه را به عرصه جهالت و عصیبت تبدیل ساخت. سالها جنگ و ویرانی در کشور غزنویان و ساکنان این آب و خاک، غزنه را همانند دیگر گوشه‌های این کشور از اوج عزت به حضيض ذلت کشانید. دسیسه‌های دشمنان شکوه تاریخی این دیار همراه با بی‌خبری و ناآگاهی فرزندان غزنه، فرازبلند و تاریخی غزنه را به فرود جنگ و تباهی مبدل ساخت.

جنگ و وحشت، ترور و دهشت، عظمت علم‌گرایی و خردگرایی تاریخی این دیار را با ذلت جهل‌گرایی و تقلیدگرایی بیگانه مبدل ساخت. در چنین اوضاع و احوال، تصمیم کشورهای اسلامی مبنی بر اعلام غزنه بعنوان مرکز فرهنگی جهان اسلام در دو هزار و سیزده بارقه‌ای امید بود برای احیای مجدد، مجد و عظمت تاریخی غزنه و بازخوانی شکوه علمی و فرهنگی گذشته این دیار. این مناسبت فرصت ارزشمندی بود تا نخبگان فکری و فرهیختگان علمی این دیار به بازنمایی تازه‌ای از غزنه با استناد به میراث تاریخی و ارزشمند گذشته این دیار همت گمارانند.



ساختمان مرکز ثقافت اسلامی غزنی

سوگمندانه باید گفت هنوز هم وارثان غزنه از بازنمایی تصویر تاریخی غزنه بعنوان مرکز تمدن و فرهنگ اسلامی ناتوان بوده و نتوانستند از این فرصت ارزشمند بهره گیرند. متأسفانه دولتمردان کشور ما هنوز با نگاه فرهنگی و تمدنی غزنه فاصله دارند و حتی از ترسیم گوشه های اندک چشم انداز تاریخی این مرکز عاجز آمدند. هر چند تحولات اندک در سیمای فیزیکی شهر غزنه را نمی توان نادیده انگاشت، اما برای بازنمایی چهره فرهنگی و تمدنی غزنی کمترین گامی برداشته نشد. این امر به یقین دولتمردان ما را در پیشگاه عظمت فرهنگی و تمدنی این دیار با سر افکندگی روبرو ساخته است. انتظار می رفت در این فرصت بی بدیل همه دست بدست هم داده چهره غبارآلود غزنه را از میان جهل و عصبیت به افق های روشن گذشته باز نموده و آوازه تاریخی این دیار را بار دیگر در میان مراکز فرهنگی جهان طنین انداز می ساخت.

خوشحالیم که به سهم خود و بعنوان یکی از فرزندان این دیار، در آستانه نام گذاری غزنه بعنوان مرکز تمدن و ثقافت اسلامی، آنچه از بوضاحت مزجات و اندک در

اختیار داشتیم، نثار جایگاه تاریخی این مرکز تمدنی نمایم. مناسب می دانم از این بابت از همکاران فرهیخته ام در پوهنتون خاتم النبیین غزنی که، با همت و تلاش پیگیر و بی شائبه پرچم دانش افزایی و علم گستری را بر فراز غزنه باستان به اهتزاز در آوردند، خالصانه ابراز سپاس و امتنان نمایم. دانشگاه خاتم النبیین شمعی است در برهوت تاریک دیاری که نام و آوازه جهانی آن همه مان را به رسالت دانش افزایی و بازنمایی چهره فرهنگی و تمدنی این دیار فرا می خواند. آرزومندم با استعانت از پیشگاه خداوند و با همت بلند همکارانم در آینده نزدیک این شمع فروزان را به چراغ فروزنده تری تبدیل سازیم تا باشد که فرزندان امروز این دیار را در جایگاه بی بدیل سنایی و البيرونی ارتقاء بخشیم.

به امید شکوفایی غزنه و غزنویان

دکتر عبدالقیوم سجادی رییس دانشگاه خاتم النبیین و

نماینده مردم غزنی در پارلمان افغانستان

گزارش

○ نگاهی به برخی از فعالیت های حضرت آیت الله العظمی محسنی (دام ظلّه) پس از پیروزی جهاد مردم افغانستان؛ (حوزه علمیه خاتم النبیین^(ص)، تلویزیون تمدن و دانشگاه خاتم النبیین^(ص))

○ برخی از فعالیت های دکتر عبدالقیوم سجادی در سال ۲۰۱۳ در سفر به ولسوالی های قره باغ، جاغوری و مالستان؛

○ بررسی وضعیت سیاسی و اداری ولایت غزنی؛

○ بررسی وضعیت حقوقی ولایت غزنی؛

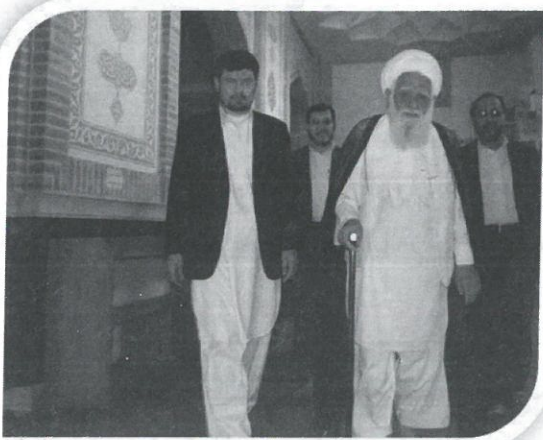
○ بررسی وضعیت صحتی ولایت غزنی؛

○ مساجد، مدارس علمیه و رسانه های غزنی؛

نگاهی به برخی از فعالیت های حضرت آیت الله العظمی محسنی (دام ظلّه)

بعد از پیروزی جهاد مردم افغانستان!

(حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)، تلویزیون تمدن و دانشگاه خاتم النبیین (ص) *



نوشتار حاضر جهت معرفی برخی از عملکردهای حوزه علمیه، تلویزیون تمدن و دانشگاه خاتم النبیین نیم نگاهی انداخته و سعی می کند گوشه از کارکردهای این سه مرکز علمی - فرهنگی را توضیح دهد.

الف) حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)

این مرکز علمی بزرگ توسط فقیه فرزانه دانشمند کم نظیر جهان اسلام حضرت آیت الله محسنی (دام ظلّه) در شهر کابل در زمینی به مساحت سه ونیم هکتار (۳۵۰۰۰ متر مربع = ۱۷,۵ جریب) در جاده دارالامان در سال ۱۳۸۱ تأسیس و در اختیار طلاب برادر و خواهر در راستای فعالیت های علمی فرهنگی دینی در علوم تجربی و انسانی و معارف اسلامی و دروس رایج حوزه های علمیه، قرار گرفت.

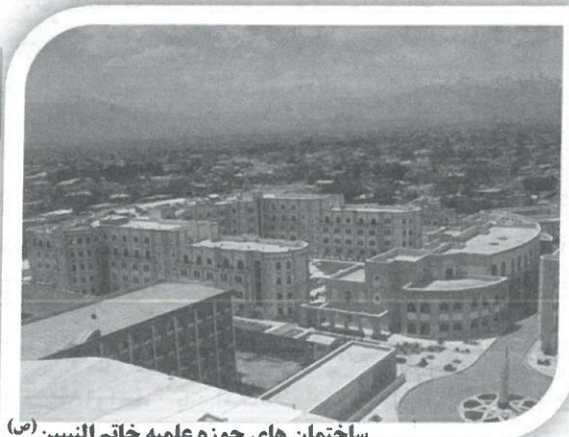
علوم محوری مورد تدریس در این حوزه علمیه عبارتند از:
۱- علم کلام ۲- علم فقه ۳- علم اصول فقه ۴- علم تفسیر ۵- علم حدیث ۶- علم اخلاق ۷- علم رجال ۸- تاریخ اسلام ۹- معارف اسلامی، ۱۰- ادبیات عرب ۱۱- فقه مقارن و سایر دروس تکمیلی و جنبی مانند: ریاضیات، زبان انگلیسی، کامپیوتر، ادبیات فارسی، و.... دروس علوم فوق در دو مقطع؛ عمومی و تخصصی ارائه میگردد.

اهداف:

نشر و ترویج اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مکتب اهل بیت (ع)، تربیت مبلغ دینی، مدرس علوم دینی، مدرس معارف اسلامی، تربیت استاد برای مراکز آموزشی؛ مکاتب و دانشگاهها، نویسنده و محقق، کارشناس مباحث اسلامی برای رسانه های جمعی، مدیر جهت اداره مرکز دینی و حضور علمی در فضای مجازی و رسانه های گفتاری و دیداری. این مجتمع بزرگ علمی که در نوع خود در کشور و خیلی از کشورهای اسلامی بی نظیر و یا کم نظیر میباشد دارای تأسیسات و بخشهای ذیل می باشد:

۱- لیلیه ی مناسب با ظرفیت قریب به ۲۰۰۰ هزار طلبة برادر مجهز به تمامی امکانات عصری.

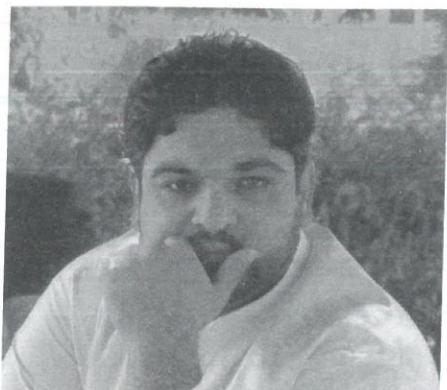
۲- کتابخانه مجهز به امکانات پیشرفته و مدرن عصری با



ساختمان های حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)



اساتید حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)



ظرفیت چیزی در حدود ۶۰۰۰۰ هزار جلد کتاب در زمینه های مختلف علمی جهت استفاده؛ اساتید، طلاب، دانشجویان و عامه مردم از خواهران و برادران.

۳- مدرسه ام المومنین خدیجه الکبری (س):

این مرکز علمی آموزشی که ویژه خواهران می باشد، در دو بخش؛ دروس حوزه وی و دارالقران و معارف اسلامی فعالیت دارند.

الف) دروس حوزوی در مقطع لیسانس در طی چهار سال تحصیلی از سطح ابتدایی تا مقطع دروس متوسطه (اصول فقه و بخشهای از شرح لمعه و مستدرک العروه الوثقی)

که فعلا در این بخش بالای ۲۰۰ طلبه خواهر مشغول به تحصیل هستند تذکر: از آغاز فعالیت حدود ۴ دور فارغ داده است که اکثر آنان در مکاتب و مدارس ویژه خواهران و دارالقران های شهر کابل تدریس و مدیریت دارند.

ب) دارالقران و معارف اسلامی: در این بخش که در ساعات بعد از ظهر هر روز و ایام فراغت دانش آموزان مکاتب دایر می باشد در زمینه؛ علوم قرآنی، معارف اسلامی و مسایل مورد نیاز زنان و خانمها. در این بخش نیز بیش از ۲۰۰ نفر مشغول به تحصیل هستند و این تعداد در فصل رخصتیا به هزار و بیشتر میرسند.

۴- مسجد جامع خاتم النبیین (ص) در دو طبقه با ظرفیت نزدیک ۲۰۰۰ نفری.

۵- حسینیه و سالن کانفرانسها نیز در دو طبقه

۶- مرکز تحقیقات انترنتی: مکان مناسب با امکانات تحقیقاتی جهت تحقیق و پژوهش در نظر گرفته شده است.

۷- مجتمع مسکونی اساتید: این مجتمع مسکونی در ۴ طبقه با ظرفیت ۱۸ واحد با امکانات مورد نیاز جهت اساتید حوزه علمیه در نظر گرفته شده است.

۸- صنوف و مدارس ها: مدارس و صنف های درسی با امکانات صوتی به شکل استندرت های عصری در ۲ طبقه.

۹- مهمانخانه: مهمانخانه مجهز برای اساتید و طلاب مهمان که از ولایات کشور یا از خارج به کابل می آیند.

۱۰- سالن غذاخوری: برای غذاخوری طلاب و کارمندان سالن غذاخوری با امکانات لازم آماده می باشد.

۱۱- مرکز اداری: برای امور اداری و آموزشی حوزه نیز دفاتر اداری مناسب در نظر گرفته شده است.

۱۲- زمین و میدان ورزش: در محوطه مناسب دو زمین ورزش با امکانات ورزشی جهت ورزش طلاب تهیه گردیده است.

۱۳- پارکینک: برای پارک وسایط نقلیه اساتید و کارمندان فضای مناسب وجود دارد.

۱۴- مرکز برق و تلفن: ساختمانی جهت استیژن برق و مخابرات

و کنترل و نظارت بر امور صوتی و مخابراتی در نظر گرفته شده است.

۱۵- سالن آمفی تاتر: جهت جلسات ویژه سالن جداگانه با امکانات مورد نیاز. برای یاد بود ۱۴ سال جهاد شکوهمند مردم مسلمان افغانستان و شهدای سرافراز جهاد عزتند کشور، پل زیبای بنام پل شهیدان در قسمت دروازه شمالی حوزه و میدان شهداء و نماد ۱۴ سال جهاد در محوطه ورودی حوزه.

اساتید حوزه: فعلا در حدود ۶۰ نفر استاد از فارغ التحصیلان حوزه علمیه قم و مشهد مقدس با سوبه ی علمی بالا مشغول تدریس هستند.

تعداد طلاب: فعلا حدود ۳۰۰ نفر طلبه از نقاط مختلف کشور و شهر کابل در سطوح مختلف مشغول تحصیل هستند.

مقاطع تحصیلی طلاب: فعلا از مقطع متوسطه، شرح لمعه و اصول فقه تا سطح عالی، خارج فقه و اصول اساتید مشغول تدریس می باشند.

طلاب دانشجو: حدود ۱۰۰ نفر از طلاب مدرسه با همکاری ویژه دانشگاه خاتم النبیین (ص) در رشته فقه و حقوق در مقطع لیسانس همزمان در دانشگاه مشغول تحصیل هستند.

خواهران طلبه دانشجو: از بخش خواهران مدرسه ام المومنین خدیجه الکبری (س) نیز با همکاری ویژه دانشگاه خاتم النبیین (ص) نیز در رشته علوم قرآنی در دانشگاه

معارف و آموزه های دینی، خبری، آموزشی، کودک و نوجوان نشرات دارد.

۵. چارت تشکیلاتی: این تلویزیون دارای بخش ها و مدیریت های مختلف است از جمله مدیریت اجرایی، مدیر مسئول، مدیریت تولید، مدیریت خبر، مدیریت پخش، مدیریت اداری-مالی، نظارت و برنامه ریزی، مدیریت فنی و.. هرکدام از این مدیریت ها نیز زیرمجموعه های مختلف و مرتبط با خود را دارند.

ج) دانشگاه خاتم النبیین (ص)

معمولا نیازها ضرورت سازند. آنچه تأسیس یک مرکز علمی عالی را ضروری می سازد نیاز نسل جوان به ارتقای ظرفیت علمی شان است. دانشگاه خاتم النبیین با درک همین نیاز در سال ۱۳۸۶ با نظارت فقیه آگاه به زمان حضرت آیت الله العظمی محسنی و مدیریت دانشمند فرزانه داکتر عبدالقیوم سجادی و مشارکت محترم آقا جواد محسنی تأسیس و بنیانگذاری گردید. اینک حدود ۳۰۰۰ دانشجو از ملیتها و اقوام مختلف دختر و پسر در این مرکز علمی مشغول تحصیلات عالی خود هستند.

الف) شعبه مرکزی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

دانشگاه خاتم النبیین (ص) درحال حاضر در مرکز کشور، با بیش از دو هزار دانشجوی پسر و دختر از ملیت های مختلف و یازده رشته تحصیلی در حوزه علوم انسانی، علوم فنی و طبی و با استفاده از اساتید مجرب و توانمند مشغول فعالیت می باشد. سه دوره فراغت دانشجویان رشته های حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه شناسی و کسب ارتقای این مرکز از موسسه تحصیلات عالی به دانشگاه؛ همراه با شروع دوره ماستری در رشته های حقوق، علوم سیاسی و روابط بین الملل از افتخارات این مرکز علمی با برکت می باشد. این مرکز علمی، با داشتن هفت سال تجربه کاری و سابقه درخشان در عرصه های علمی و آموزشی و فراغت موفقیت آمیز تعدادی از دانشجویان و بورسیه نمودن آنها به خارج از کشور، تلاش می کند در آینده ظرفیت های علمی و خدماتی خود را در قبال جوانان علم دوست کشور ارتقا به بخشد.

ب) شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین

دانشگاه خاتم النبیین (ص) در راستای رسالت آموزشی و پژوهشی خود در زمینه تعلیم و تحقیق مهم ترین رشته های علمی و آکادمی مورد نیاز کشور همراه با بکارگیری شیوه های نوین آموزشی همگام با دانشگاه های معتبر جهان در



استودیوی خبر تلویزیون تمدن

همزمان مشغول تحصیل هستند.

ب) تلویزیون تمدن

امروزه، تلویزیون به عنوان یک رسانه نقش اساسی در اطلاع رسانی و تربیت ساکنان یک سرزمین دارد. از تلویزیون فعال و با برنامه به عنوان دانشگاه تعبیر گردیده است. به همین دلیل داشتن رسانه قوی به عنوان معیار قدرت یک کشور محسوب می شود. تلویزیون تمدن از زمان شروع فعالیت توانسته با عرضه محصولات قابل قبول فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رضایت مخاطبان خود را بدست آورد. در زیر به صورت مختصر این رسانه معرفی گردیده است.

۱. تاریخ تاسیس:

تلویزیون تمدن در سال ۱۳۸۵ هجری خورشیدی توسط حضرت آیت الله العظمی محسنی تاسیس گردید و در بهار سال ۱۳۸۶ نشرات آزمایشی و در پائیز همان سال نشرات اصلی خود را آغاز کرد

۲. اهداف نشراتی: تلویزیون تمدن در راستای اعتلای فرهنگ اسلامی، تقویت وحدت ملی و اخوت اسلامی، دفاع از حقوق اکثریت خاموش و در راستای حفظ منافع و مصالح علیای کشور فعالیت دارد.

۳. حوزه جغرافیایی نشرات: تمدن در اکثر ولایات مهم کشور از جمله: کابل، قندهار، هرات، ننگرهار، مزار شریف، بامیان و.. نشرات زمینی دارد. این شبکه از طریق ماهواره Express Am22 و فرکانس ۱۱۱۷۵ ver

در اروپا، آسیا و شمال آفریقا قابل دسترسی می باشد

۴. فعالیت های نشراتی: تلویزیون تمدن، نشرات ۲۴ ساعته دارد و با توجه به اهداف نشراتی خود در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی،

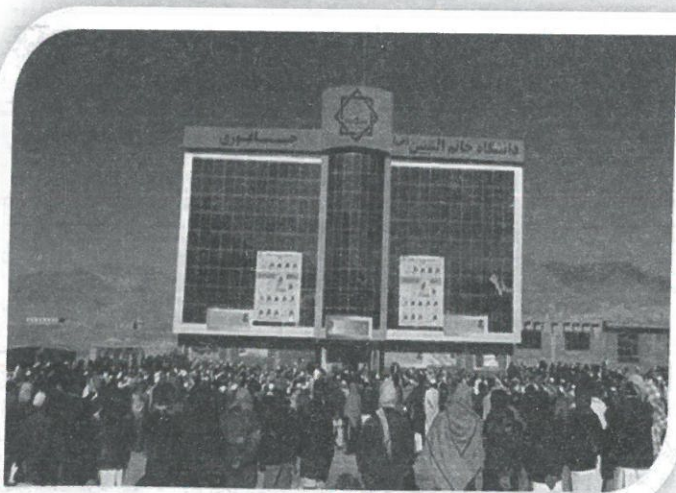


سال ۱۳۹۱، فعالیت های علمی و آکادمی خود را در پایتخت فرهنگی جهان اسلامی، عروس البلاد، غزنه باستان آغاز نموده که با استقبال وسیع و گسترده مردم فرهنگ دوست و متمدن غزنی مواجه شده و در سال جاری افتخار خدمت گذاری به هموطنان خوب و فرهنگ دوست جاغوری، مالستان، ناور و قره باغ را در شعبه جاغوری با خود دارد.

شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین که با ریاست استاد حسین حبیبی (ماستر حقوق جزاء و جرم شناسی) اداره می شود، هم اکنون در رشته های فقه و حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت، طب معالجوی و قابلیت و علوم قرآنی، بیش از ۸۰۰ نفر دانشجوی دختر و پسر از ملیت های مختلف مشغول تحصیل هستند.

ج) دانشگاه خاتم النبیین جاغوری

دانشگاه خاتم النبیین با استراتژی بسط و توسعه علمی، راه اندازی دانشگاه خاتم النبیین جاغوری با ریاست جناب استاد عبدالرحیم اصغری (ماستر حقوق جزاء) را افتخار دیگری برای دانش گستری می داند. چرا که تربیت نیروهای متخصص و متعهد از شعارهای پایدار و اصلی این مرکز علمی محسوب می شود. خاتم النبیین همگام با آهنگ رشد علمی در سطح جهانی، در سال ۱۳۹۲ فعالیت های علمی و آکادمی خود را با استفاده از شیوه های مدرن آموزشی در جاغوری نیز بسط بدهد تا توانسته باشد زمینه های تحصیلات عالی جوانان جاغوری و ولسوالیهای همجوار مانند مالستان، ناور و قره باغ را فراهم نمایند. در این مرکز علمی، در سال جاری بیش از هشتاد دانشجوی دختر و پسر در رشته های حقوق و اقتصاد مشغول فراگیری دانش بودند. که برای سال جدید این مرکز علمی، علاوه بر رشته های مذکور، در رشته های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و قابلیت نیز پذیرای محصلین عزیز می باشد.



نماینده مردم، همراه با مردم!

برخی از فعالیت های دکتر عبدالقیوم سجادی در سال ۲۰۱۳ در سفر به ولسوالی های قره باغ، جاغوری و مالستانی غزنی

آمریت فرهنگی - تربیتی شعبه غزنی



تهداب گذاری مکتب ورقه تمکی قره باغ

دانشگاه از همین امسال شروع شود. در حاشیه ی افتتاح مراکز علمی و فرهنگی، دکتر سجادی با مردم دیدار جداگانه داشته که در آن، درد دلها و خواسته های نمایندگان و موسفیدان مردم را شنیده و به مشکلات آنان رسیدگی می کرد. اینها مواردی از دستاوردهای فرهنگی و زیربنایی این سفر بود که حقیقتاً به مردم امید تازه ای بخشید. انبوهی از مردم که ساعتها منتظر ورود وکیل محبوب شان بودند، اهمیت این سفر را دوچندان می کرد.

بخش مردمی: دکتر سجادی با هدف تجدید دیدار با مردم و آگاهی از درد و خواسته های آنها، همراه با قومندان امنیه ولایت غزنی، ولسوال جاغوری، مالستان و ناهور، قومندانان ولسوالی جاغوری، مالستان و ناهور با پرسنل نظامی شان، شخصیتهای با نفوذ مردمی و حکومتی، اساتید کابل و غزنی و جاغوری و به خصوص استاد حبیبی و استاد اصغری، سفری را به انگوری، حوتقول، داود و زیرک، مهاجرین و بوسعید، ایچه، سنگماشه، خدیلدا، تمکی، میرادینه و زردک مالستان داشتند که در این سفر، ضمن شنیدن درد دل های مردم و آمادگی

در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۴ نماینده محبوب و رئیس دانشگاه خاتم النبیین^(ص) دکتر عبدالقیوم سجادی همراه با وزیر معارف محترم فاروق وردک، محی الدین سروری قومندان امنیه ولایت غزنی، آقای جامع رئیس شورای ولایتی غزنی، آقای عابد رئیس معارف غزنی، جمعی از اساتید دانشگاه خاتم النبیین کابل و غزنی در یک سفر فرهنگی به جاغوری، مالستان و قره باغ سفر نمودند. این سفر با برکات فراوان همراه بود که در زیر به آن اشاره می شود:

بخش فرهنگی:

اولین اقدام هیئت، افتتاح دو مکتب در منطقه تمکی قره باغ بود که با استقبال گرم مردم روبرو گردید.

دومین اقدام، افتتاح لیسه انان مهاجرین جاغوری بود که مردم ساعتها منتظر ورود هیئت بودند.

سومین اقدام، گذاشتن سنگ تهداب موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین جاغوری در غجور بود که با شور و هیجان مردم و به خصوص طیف فرهنگی و جوانان همراه شد. قرار است که کار اعمار این

دارالمعلمین وجود دارد که همگی فعال می باشد. اما معارف در این ولسوالی مشکلات زیاد دارد. مشکلاتی مانند:

نبود تعمیر، چوکی، فرش، لابراتوارهای لازم، تخته، مواد اولیه، کمبود معلم از چالشهای موجود معارف ولسوالی قره باغ می باشد.

سپس دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم در پارلمان سخنانش را با سلام و درود بر مردم غزنی بخصوص ولسوالی قره باغ که زادگاهش نیز می باشد آغاز نمود، دکتر گفت: سال گذشته در همین منطقه وعده داده بودیم که به زودی سنگ تهادب لیسه سرقانی باید به زمین گذاشته شود، امروز همراه با وزیر محترم معارف، رئیس معارف غزنی، معاون مقام ولایت، رئیس شورای ولایتی غزنی، قومندان امنیه غزنی، اساتید دانشگاه خاتم النبیین (ص) کابل و غزنی و جمعی از مهمانان دیگر آمده ایم تا آن وعده ها را عملی سازیم.

دکتر افزود: امروز عزت دینی، قدرت سیاسی در گرو معارف است، مردم توانا است که دانا است، ارزش انسان به علم و دانش انسان است، انسان دانشمند بدلیل علم و دانشش مورد تکریم قرار می گیرد.

ما هفت سال قبل دانشگاه خاتم النبیین (ص) را در کابل راه اندازی کردیم، امروز الحمدلله حدود ۳۰۰۰ دانشجو دختر و پسر در دانشکده های مختلف در کابل و غزنی مشغول تحصیل هستند.

در پایان دکتر عبدالقیوم سجادی وعده داد که تجهیزات و کمبودات مکاتب البیرونی، ذکور و اناث تمکی را اگر وزیر معارف هم وعده ندهد من با بودجه شخصی فراهم می کنم.

امروز برای حل مشکلات معارف شما وزیر معارف کشور آمده است تا مشکلات معارف را از زبان شما بشنود و وعده همکاری



تهداب گذاری مکتب سرقانی تمکی قره باغ

جهت حل مشکلات آنها، از خانواده های شهدای زمان تره کی دیدن نمود. به راستی اگر انسان برای خدا و حل مشکلات خلق خدا کار کند خداوند محبت او را در دل مردم زنده خواهد ساخت. داکتروهیئت همراه در این سفر هر کجا رفت مردم گاو و گوسفند در جلوی پای وی ذبح نمودند و با شکوه تمام از او استقبال کردند. بیشترین حجم این سفر را دیدارهای داکتر با مردم تشکیل می داد. مردم گروه گروه می آمدند و با داکتر در زمینه حل مشکلات شان دیدار می کردند.

بخش سیاسی و اداری: داکتر سجادی با هیئت همراه و به خصوص قومندان امنیه ولایت غزنی با هدف آگاهی از مشکلات اداری، از ولسوالی های جاغوری و مالستان دیدن نمود و با کابینه ولسوالی های مذکور به طور مفصل صحبت کردند. مشکلات را شنیده و در جهت حل مشکلات اداری و کمبود امکانات نظامی راه حل ارائه داده و هدایات لازم را به آنها داده و از قوماندان امنیه ولایت غزنی می خواست که مشکلات آنان را حل نمایند. این گزارش در سه محور قره باغ، جاغوری و مالستان تنظیم گردیده است.

۱ ولسوالی قره باغ

بخش اول: سنگ تهادب لیسه سرقانی ولسوالی قره باغ غزنی با دستان دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم و وزیر معارف کشور
دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم در پارلمان و وزیر معارف کشور جمهوری اسلامی افغانستان، با هیئت همراه صبح روز یکشنبه با دو بالگرد نیروی هوایی وزارت دفاع در منطقه سرقانی تمکی به زمین نشست.

نماینده مردم و وزیر معارف کشور در میان انبوهی از مردم منطقه، شاگردان لیسه های ذکور و اناث تمکی مورد استقبال قرار گرفت.

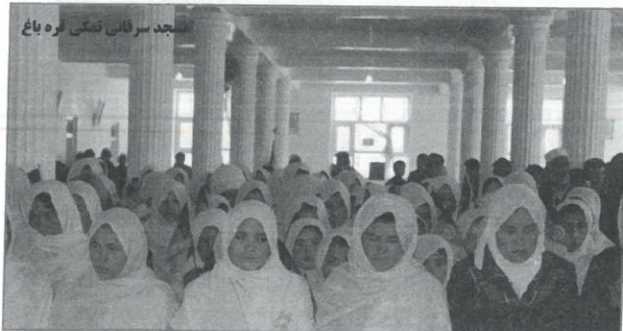
محفلی که به همین مناسبت برگزار شده بود، با تلاوت قرآن کریم آغاز شد و حاضرین به احترام سرود ملی کشور قیام نمودند.

مدیر معارف ولسوالی قره باغ گزارشی از وضعیت معارف این ولسوالی خدمت وزیر معارف و نماینده شان ارائه نمودند. وی گفت در ولسوالی قره باغ ۷ لیسه، ۱۷ مکتب متوسطه و ابتدائیه، یک

مسجد سرقانی تمکی قره باغ



مسجد سرقانی تمکی قره باغ



بدهند.

برای حل مشکلات امنیتی شما نیز قومندان محترم امنیه غزنی آمده است تا این مشکل هم انشاء الله برطرف شود.

فاروق وردک وزیر معارف کشور، ضمن اظهار خوشحالی از این که در این محفل و در کنار مردم ولسوالی قره باغ غزنی همراه با دکتر سجادی حضور یافته اند افزود:

هدف از آمدن ما در غزنی و در کنار شما مردم اعاده حیثیت تاریخی غزنی است، روزی، از همین مرکز تمدن جهان اسلام، علم و دانش به سایر کشورها صادر می شد چرا امروز آن حیثیت دو باره باز نگردد که یقیناً از راه تقویت معارف امکان پذیر است.

امروز آمده ایم تا به همین دانش آموزان دختر و برادر وعده دهیم که دیگر معارف کشور به عقب نمی رود، هر سال رشد چشم گیر خواهد داشت، سال گذشته در غزنی حدود ۹۰۰۰ فارغ دوازده داشتیم و امسال ۱۳۰۰۰ فارغ دوازده، من امروز تعهد می دهم که بیشتر از آن چیزهای که دکتر وعده دادند در خدمت شما باشم.

تعهد می دهم که یک لیسه تخنیکی برای شما ایجاد کنم، چون شما ارزش معارف را فهمیده و جایگاه مکتب را درک کرده اید.

دربایان محفل از طرف منسویین معارف ولسوالی قره باغ به وزیر معارف، دکتر عبدالقیوم سجادی، معاون ولایت غزنی، رئیس معارف، رئیس شورای ولایتی، قومندان امنیه غزنی، استاد حسین حبیبی رئیس دانشگاه خاتم النبیین^(ص) غزنی، لوح تحسین اهدا شد.

بعد از صرف غذا که از طرف مردم این منطقه تدارک دیده بود سنگ تهاداب لیسه سرقانی با دستان نماینده مردم و وزیر معارف به زمین گذاشته شد. هیئت همراه با چرخبال های که در این منطقه آمده بودند برای گذاشتن سنگ تهاداب مکتب ابتدائیه ورقه این ولسوالی عازم منطقه شدند.

بخش دوم: سنگ تهاداب مکتب ابتدائیه منطقه ورقه تمکی قره باغ، توسط دکتر عبدالقیوم سجادی و وزیر معارف کشور
چرخبال های نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان و وزیر معارف کشور با هیئت همراه در منطقه ورقه تمکی ولسوالی قره باغ جهت گذاشتن سنگ تهاداب مکتب ابتدائیه ورقه به زمین نشست، مردم این منطقه همراه با دانش آموزان این مکتب با شور و شوق منتظر نماینده شان و همراهان وزیر معارف بودند.

دکتر عبدالقیوم سجادی در مراسم گذاشتن سنگ تهاداب این مکتب گفت ما سال قبل وعده داده بودیم که تعمیر این مکتب را برای شما می سازیم اما امسال آمده ایم تا به وعده های قبلی خود عمل نماییم.

وزیر معارف کشور نیز هنگام گذاشتن سنگ تهاداب این مکتب گفت مکتب برای این دانش آموزان برای من فرض است اگر برای دانش آموزان عزیز مکتب نسازیم به وظیفه خود عمل نکرده ایم.

وی گفت خوشحالم که در این منطقه مردم از معارف به گونه شایسته استقبال می کند و من وعده می دهم که علاوه بر تعمیر امکانات لازم را نیز فراهم نمایم.

این محفل با اهدای لوح تحسین از سوی مردم این منطقه به وزیر معارف کشور و نماینده محبوب شان خاتمه یافت و بالگردهای حامل مهمانان برای گذاشتن سنگ تهاداب لیسه مهاجرین جاغوری پرواز نمودند.

بخش سوم: دیدار با مردم خانه میانه تمکی:

بعد از ظهر پنجشنبه تاریخ ۲۸/۹/۱۳۹۲ در یک سفر به یادماندنی دکتر سجادی با هیئت همراه با هدف دیدار از مردم خانه میانه تمکی رفت و مورد استقبال گرم مردم واقع شد. در این سفر نیز مردم خواسته هایی از وکیل محبوب شان داشتند که دکتر وعده هایی در راستای حل مشکلات آنها نیز ارائه دادند.

۲. ولسوالی جاغوری

بخش اول: سنگ تهاداب لیسه نسوان مهاجرین ولسوالی جاغوری، توسط دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم و وزیر معارف کشور.

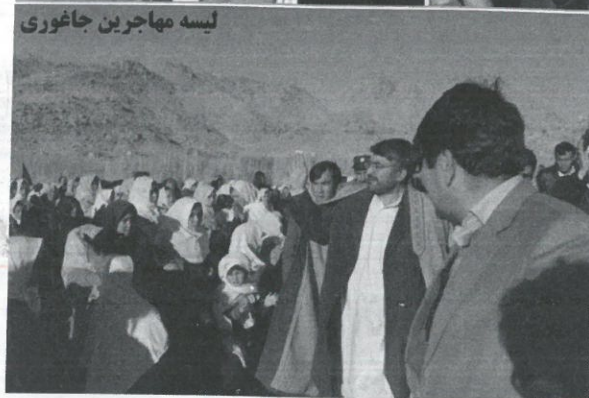
روز یکشنبه ساعت دو و نیم بعد از ظهر چرخبال های نیروهای هوایی وزارت دفاع مهمانان عزیزی را به سرزمین مهاجرین ولسوالی جاغوری پیاده نمود.

انبوهی از جمعیت منطقه مهاجرین و مناطق دیگر جاغوری به استقبال از نماینده محبوبشان دکتر عبدالقیوم سجادی و وزیر معارف کشور با هیئت همراه آمده بودند.

در محفلی که به همین مناسبت در لیسه نسوان مهاجرین جاغوری



تهداب گذاری لیسه مهاجرین جاغوری



لیسه مهاجرین جاغوری

برگزار شد، محفل با تلاوت قرآن کریم آغاز شد و سپس ظفر شریف ولسوال ولسوالی جاغوری از حضور صمیمی دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم و وزیر معارف کشور، معاون مقام ولایت غزنی، رئیس شورای ولایتی غزنی، رئیس معارف غزنی، قومندان امنیه غزنی، آمرانیت قومندانی، اساتید دانشگاه خاتم النبیین (ص) کابل و غزنی و سایر مهمانان حاضر قدر دانی و تشکری نمود.

در ادامه، مدیر معارف ولسوالی جاغوری مشکلات معارف این ولسوالی را خدمت وزیر معارف و نماینده منتخب شان گزارش دادند. مدیر معارف این ولسوالی گفت: از مشکلات معارف در این ولسوالی کمبود بست معلم است، تقیص بست در این ولسوالی، سهمیه بندی شدن حق الزحمه معلمین، نداشتن تعمیر مکاتب و شهرک برای معلمین این ولسوالی می باشد.

دکتر عبدالقیوم سجادی: در ابتدا از استقبال صمیمی مردم جاغوری از مهمانان کابل و غزنی تشکر و قدر دانی کرد، و اظهار نمود که سال گذشته از من خواستند که لیسه نسوان مهاجرین تعمیر ندارد، الحمدلله امروز همراه با وزیر صاحب معارف و جمعی از مقامات و مسئولین محلی ولایت غزنی آمده ایم تا این وعده ی که به شما داده بودیم جامه عمل بپوشد.

سال گذشته به شما مردم وعده داده بودم که در قسمت تعمیر لیسه نسوان مهاجرین و یک کلینیک برای شما تلاش می کنم، امروز با وزیر محترم معارف کشور، رئیس معارف غزنی و دیگر مقامات آمده ایم تا سنگ تهداب این لیسه را به زمین بگذاریم و کاری کلینیک مهاجرین تا هشتاد درصد پیش رفته است که انشاء الله به زودی کار آن تمام می شود.

فاروق وردک وزیر معارف: من از حضور گرم مردم جاغوری در این محفل قدر دانی می کنم، هدف از آمدن ما تنها سنگ تهداب لیسه مهاجرین جاغوری نیست، ولسوالی جاغوری با سه صد هزار جمعیت یکی از با امن ترین ولسوالی کشور محسوب می شود، مهمترین دلیل این امنیت ارج گذاری به تعلیم و تربیه و معارف است، ما آمده ایم تا با این مردم دیدار داشته باشیم.

وزیر معارف وعده داد:

- می خواهم ولسوالی جاغوری را به عنوان ولسوالی الگو در سطح کشور معرفی کنم.
- تا دو سال دیگر هیچ طفلی بیرون از مکتب نماند.
- هیچ مرد وزنی از نعمت سواد بی بهره نماند.
- هیچ مکتبی بدون تعمیر نماند.
- هیچ معلمی بدون معلم نماند.
- هیچ معلمی بدون سرپناه نماند.

محفل با گذاشتن سنگ تهداب لیسه نسوان مهاجرین توسط دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم و وزیر معارف کشور خاتمه یافت و وزیر معارف کشور همراه با مقامات و مسئولین محلی غزنی با چرخبال های نیروهای وزارت دفاع ولسوالی جاغوری را به مقصد غزنی و کابل ترک کردند.

بخش دوم: دیدار دکتر عبدالقیوم سجادی و هیئت همراه با مردم منطقه اشکه داود ولسوالی جاغوری

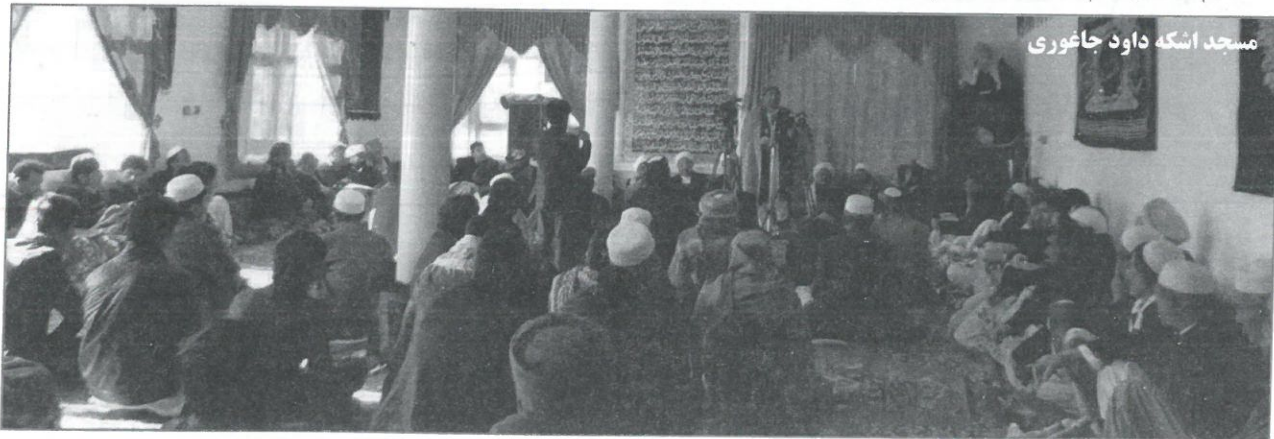
صبح روز دوشنبه ۱۳۹۲/۹/۲۵ کاروان همراه دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم وارد منطقه ناوه در منبر اشکه داود مورد استقبال گرم مردم این منطقه و نماینده های مناطق اطراف اشکه داود قرار گرفتند.

در محفلی که به همین مناسبت دایر گریده بود ابتدا جلسه با تلاوت آیات قرآن کریم آغاز شد و سپس آقای یونس محمد یکی از علمای منطقه از حضور جناب دکتر و هیئت همراه قدر دانی و اظهار تشکری نمود.

دکتر سجادی در ابتدا از مردم سپاس و قدر دانی نمود و تاکید کرد که خدا را شاکرم که فرصت پیدا کردم تا در خدمت مردم منطقه ناوه جاغوری بخصوص منطقه داود ادای احترام نمایم.

دیروز در ولسوالی قره باغ منطقه تمکی و منطقه مهاجرین ولسوالی جاغوری میزبان مردم این مناطق بودیم، وزیر معارف کشور، معاون ولایت غزنی، رئیس شورای ولایتی، رئیس معارف، قومندان امنیه غزنی، اساتید دانشگاه خاتم النبیین (ص) کابل و غزنی برخی از مهمانان

مسجد اشکه داود جاغوری



دیگر حضور داشتند، امروز اینجا آمده ایم تا به شما مردم واز طریق شما به تمام مردم ناوه جاغوری ادای احترام می کنیم.

مشکل اساسی مردم افغانستان پول و سرمایه فیزیکی نیست، بلکه سرمایه انسانی فکر و اندیشه است، در دنیا، کشورها قله های بلند ترقی و رشد را فتح کرده اند. کشورهای مثل کشورهای بیرهای آسیایی در سال های ۱۹۵۵ مثل کشور ما بوده اند اما آنها چرا به آنجا رسیده اند؟ این کشورها در اثر علم و دانش به این افتخارات رسیده اند، دانایی مساوی با توانایی است، دانایتر توانایتر است، امروز قدرت، قدرت ابرازی نیست، بلکه قدرت تفکر و اندیشه، علم و منطق است.

تاسیس دانشگاه خاتم النبیین (ص): سال گذشته وعده داده بودیم که دانشگاه خاتم النبیین را در ولسوالی شما ایجاد کنیم، الحمدلله که این وعده هم جامه عمل پوشید، ما فردا سنگ تهداب آن را در غجور خواهد گذاشتیم. ما هفت سال پیش زمانی که دانشگاه خاتم النبیین را تاسیس کردم با ۲۵۰ دانشجو در رشته فقه و حقوق شروع کردیم و اکنون حدود ۳۰۰۰ دانشجوی پسر و دختر در رشته های مختلف مورد ضرورت جامعه داریم. اینها سرمایه های فردای این جامعه و مردم خواهند بود.

در بخش سرک گیلان - جاغوری و قره باغ - جاغوری، سال گذشته به شما وعده دادم که موضوع را پیگیری می کنم الحمدلله ما سال گذشته توانستیم شامل بودجه ملی نماییم، امسال تلاش می کنیم ساخته شود.

بخش سوم: ملاقات مردم زوارو حوتقول جاغوری با نماینده منتخب شان در مرقد شهید شریفی

مردم منطقه حوتقول از دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب شان هیئت همراه مشکل از اساتید دانشگاه خاتم النبیین (ص) کابل و غزنی و قوماندانی امنیه غزنی ولسوال و قومندان امنیه جاغوری و جمعی از بزرگان مناطق دیگر به گرمی استقبال نمودند.

بعد از تلاوت قرآن کریم و خوش آمد گویی از مهمانان حاضر، دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم در پارلمان، سخنانش را با یاد از عالم بزرگ شهید شریفی که در جمع ۵۰۰۰ شهید بی مزار کشور با شهادتش جاودانه شد، حضور در چنین جایگاه می تواند تعهد در

پیشگاه شما مردم شریف نیز باشد، امروز نماینده مثل شهید شریفی و کسانی که در عرصه علم و دین آگاهی کامل دارند می توانند موفق باشد، چون متمدن سکولار به تنهایی نمی تواند جامعه را به سوی تکامل و ترقی سوق دهد و متدین بدون علم نیز به تنهایی نمی تواند سبب تکامل جامعه گردد.

سال گذشته ما در منطقه حوتقول جاغوری با درخواست های شما مردم رو برو شدم که سرک جاغوری - گیلان باید ساخته شود و من تعهد کردم که تلاش های جدی خواهم کرد که به یاری خداوند شامل بودجه ملی شد.

در بخش معارف و مشکلات آن، وزیر معارف در سفر که همراه ما بود قول داد که کمبود بست های مکاتب شما حل خواهد شد. در یک دهه گذشته، میلیارد ها دلار کمک های جامعه جهانی نابود شد، چون علاوه بر فسادها، تعهد و تخصص سیاسی و اداری وجود نداشت.

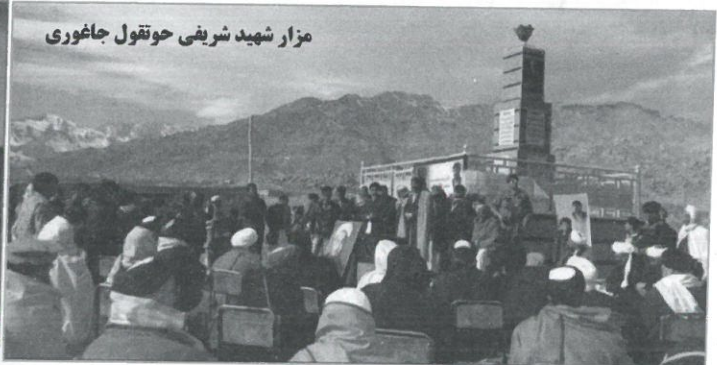
نماینده مردم غزنی در پارلمان افزود امروز مردم ما نباید نگران سال ۲۰۱۴ و امضاء قرار داد امنیتی باشند، چون ۲۰۱۴ ختم ماموریت نظامی ناتو در افغانستان است، نه ختم همکاریهای جامعه جهانی در افغانستان، چانه زنی های امروز رئیس جمهوری برای امضاء قرارداد امنیتی اگر بخاطر تضمین قطع جنگ در کشور و برقراری صلح باشد حق با رئیس جمهور است، چون رئیس جمهور در نیت خارجی ها نسبت به قطع جنگ تردید دارد. محفل با دعای آقای نوری یکی از عالمان دینی منطقه خاتمه یافت.

بخش چهارم: دیدار مردم سلیمان انگوری جاغوری با دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب شان در پارلمان کشور

ساعت سه بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۹۲/۹/۲۵ کاروان همراه دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم در پارلمان مورد استقبال گرم و صمیمی مردم سلیمان انگوری جاغوری قرار گرفتند، در محفلی که به استقبال دکتر در مسجد سلیمان انگوری دایر گردیده بود، بعد از تلاوت قرآن کریم و خوش آمدگویی مهمانان در این محل، جنرال محی الدین قومندان امنیه غزنی ضمن اظهار خوشی از مردم جاغوری مردم را به وحدت ملی دعوت کرد، و گفت امروز مردم جاغوری به سرحدی رسیده اند که در این ولسوالی معارف و رشد علم و دانش حرف اول را



مسجد سلیمان انگوری



مزار شهید شریفی حوتقول جاغوری



می زند.

دکتر عبدالقیوم سجادی، ضمن قدر دانی از مردم انگوری، حوتقول گفت اینجا به عنوان خواستگاه زندگی و محل زیست من محسوب می شود، من در همین منطقه درس خوانده ام.

دکتر سجادی گفت جایگاه علمی جاغوری امروز شکل نگرفته است، بلکه توسط مردان مثل شهید شریفی پایه گذاری شده است، پس آنچه برای جاغوری اهمیت می دهد، تفکر عالمان دینی بوده است.

امروز رقابت دنیا در عرصه علم ودانش و مدیریت دنیا می چرخد، نه موشک، و...، دکتر در پایان سخنانش افزود قدم که امسال در جاغوری برداشتم تاسیس دانشگاه خاتم النبیین جاغوری است که فردا انشاء الله سنگ تهداب اش به زمین گذاشته خواهد شد.

بخش پنجم: سنگ تهداب موسسه تحصیلات عالی جاغوری در غجور
حدود ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه داکتر سجادی با هیئت همراه وارد بازار غجور گردید و مورد استقبال گرم مردم از اقشار مختلف قرار گرفت. مردم در مسیر عبور داکتر سجادی با همراهان شان از بازار تا دانشگاه خاتم النبیین، گاو ذبح کردند تا از تلاشهای صادقانه نماینده محبوب شان تقدیر کرده باشند. در این روز، مردم از تمام مناطق جاغوری، مالستان، قره باغ و ناهور با طیف های مختلف مردم از

روحانیت، معارف، موسفیدان، متفذین، شخصیتها، دانشجویان دختر و پسر، معلمین، نظامیان و اداره ولسوالیهای مناطق مذکور در دانشگاه آمده بودند و بی صبرانه منتظر ورود نماینده شان بودند که به نوبه خود جمعیت کم نظیر و با شکوهی را ایجاد کرده بودند. در این مراسم، برنامه های متنوع ذیل اجرا گردید:

۱. ابتدا تلاوت آیات قرآن کریم توسط علی محمد قاری نوجوان انجام شد و سپس همه به احترام سرود قیام نمودند.

۲. استاد اصغری رئیس دانشگاه خاتم النبیین جاغوری مراسم را با خوش آمدگویی از حاضران و به خصوص دکتر سجادی و هیئت همراه آغاز نمود و سخنانی در این رابطه بیان داشت.

۳. قومندان امنیه ولایت غزنی در این مراسم سخنرانی نمود و بیان داشت که من بسیار خوشحال هستم که خود را در جمع شما می بینم. خوشحالی من از این جهت است که من خود را در میان مردمی می بینم که شیفته علم و فرهنگ و تمدن است. در این سفر هر کجا سفر کردم شاهد تهداب گذاری مرکز علمی و فرهنگی بودم و این امر برای من و برای مردم جاغوری یک افتخار است. این مردم باید به خود بیالند که برای افغانستان چهره ای مثل داکتر سجادی را تقدیم کرده و حالا دیگر داکتر مربوط محل خاص نیست و مربوط کل کشور است. سنگ تهداب دانشگاه و لیسو و مکتب در حقیقت سنگ تهداب علم و معرفت و تمدن و بزرگی و آزادی و شرف است.

۴. یکی از دانشجویان دانشکده حقوق مقاله ای را تحت عنوان ارزش علم و جایگاه آن در توسعه کشور ایراد نمود. وی در مقاله ی خود تاکید کرد که میزان پیشرفت یک جامعه به میزان توجه آن به مقوله علم و دانش بستگی دارد. به هر میزانی که یک کشور به دانش توجه کند به همان پیمان می تواند با کاروان رشد و توسعه همراه شود.

۵. ولسوال مالستان ضامن علی هدایت بود که در این مراسم سخنرانی



نمود. وی ضمن تبریک تهداب گذاری دانشگاه خاتم النبیین جاغوری تاکید کرد که ایجاد چنین مرکز علمی برای جاغوری، مالستان، ناهور و قره باغ و مناطق دیگر یک فرصت استثنایی را ایجاد نموده است. مردم این مناطق با استفاده از این فرصت می توانند ظرفیت علمی خود را ارتقا به بخشند. وی در ادامه بیان داشت که امروزه تمام گرفتاریهای مردم افغانستان ناشی از جهل و بی سوادی است. مهاجرت، اعتیاد، دزدی و ناامنی و انتحار و فساد اداری همه و همه محصول نبود زمینه های تحصیل و به خصوص تحصیلات عالی است که این زمینه را بحمدالله داکتر سجادی ایجاد کرده و ماها از ایشان صمیمانه تشکر می کنیم.

۶. ولسوال جاغوری بود که در این مراسم صحبت نمود و تاکید نمود که ایجاد دانشگاه مستقل در جاغوری گامی نیک و اقدام بنیادین در جاغوری است و باید مردم از این گام نیک به گرمی استقبال نمایند. فعالیتهای داکتر سجادی تنها منحصر در احداث دانشگاه خاتم النبیین نیست بلکه تلاش کرده چندین مکتب را در کنار سایر فعالیتهای خدماتی نیز راه اندازی نماید که از ایشان کمال تشکر را داریم.

۷. آخرین سخنران مراسم جناب داکتر سجادی بود. وی سخنانش را با صلوات و سلام بر شهداء و به خصوص ۵۰۰۰ شهید آغاز نمود و سپس از مشارکت تمام حاضرین در محفل، علما، موسفیدان، معارف، فرهنگیان، دانشجویان، ولسوال جا. وی سخنانش را با صلوات و سلام بر شهداء و به خصوص ۵۰۰۰ شهید آغاز نمود و سپس از مشارکت تمام حاضرین در محفل، علما، موسفیدان، معارف، فرهنگیان، دانشجویان، ولسوال جاغوری، مالستان و ناهور، بازاریان و متفدین تشکر نمود. داکتر سجادی تاکید کرد که

آغاز سفر همراه بود با تکریم از علم و دانش و احداث مکاتب برای مردم محروم. وی ادامه داد که من خوشحالم از این که به وعده های که در سال قبل داده بودم جامه عمل پوشید. در این سفر، مردم تمکی قره باغ و مهاجرین جاغوری میزبان وزیر معارف و هییتی بود که برای

آنها افتخار بزرگ بود. در این سفر، توانستیم برای سال ۱۳۹۳ چهار وعده از وزیر معارف در حضور مردم بگیریم:

یکی احداث شهرک معلمین جهت اعتلای معارف در این سه ولسوالی؛ دوم تکمیل بست مکاتب به طور که در سال ۹۳ هیچ مکتب کمبود معلم نداشته و بدون تعمیر نباشد؛ سوم ایجاد کورسهای بی سوادی و چهارم این که جاغوری را به عنوان ولسوالی نمونه معرفی خواهیم کرد. داکتر سجادی در ادامه سخنان خویش افزود که ۸۰ / بودجه کشور انکشافی و ۲۰ / عادی است که متأسفانه وابسته به خارج است. ما تلاش کردیم که ساخت و اسفالت سرکهای قره باغ- جاغوری و گیلان-جاغوری را شامل بودجه سازیم. در حوزه فرهنگی و علمی، ما در سال ۹۱ دانشگاه غزنی و در سال ۹۲ مطابق وعده دانشگاه جاغوری را تاسیس کردیم که بدین ترتیب، از زحمات استاد حبیبی و استاد اصغری تشکر می کنیم. به لطف خداوند امروز سنگ تهداب دانشگاه جاغوری را می گذاریم و سعی می کنیم که امسال کار اعمار آن را شروع نمایم. این اولین دانشگاهی است که در بین تمام ولسوالیهای کشور، جاغوری دارای دانشگاه مستقل می شود که افتخار بزرگ برای جاغوری و ولسوالیهای همجوار است. چرا که ما نیک می دانیم که تمام گرفتاریهای ما ناشی از جهالت و تعصبات کور منطقوی، مذهبی و حزبی است. این در حالی است که قدرت از نوک قلم تراوش می کند و نه از موشک و اسلحه های مدرن. جامعه دانا جامعه تواناست؛ لذا اگر می خواهید قوی باشید باید زمینه های گسترش علم را در بین خود فراهم سازید.

داکتر سجادی در مورد تحولات سیاسی تاکید نمود که ناتو آمده تا خود راحت باشد و از تکرار حادثه ۱۱ سپتامبر جلوگیری نماید. لذا نیامده که اینک برود. به همین دلیل شما هیچ نگرانی از ۲۰۱۴ نداشته باشید. آنها حمایتهای مالی و تعلیماتی خود را ادامه خواهد داد. سال ۲۰۱۴ صفحه جدیدی برای کشور خواهد بود پس ما نیز باید صفحه جدیدی را باز نمایم. یعنی از تفرقه های مذهبی، قومی و حزبی اجتناب

دانشگاه خاتم النبیین جاغوری



ورزیم. وی تاکید کرد که ما نباید نگران خروج قوت‌های خارجی باشیم بلکه باید نگران اختلافات مذهبی، قومی و حزبی باشیم. کشور ما نیازمند داشتن نیروهای متخصص و متعهد است چرا که آنان تنها نیروهای هستند که در رشد و پیشرفت کشور نقش محوری دارد. وی در ادامه افزود: ما اینک در دانشگاه خاتم النبیین ۳۰۰۰ دانشجوی دختر و پسر از ملیتهای مختلف، ۱۱ رشته علمی، ۵۰ نفر کدر علمی، ۱۲۰ نفر استاد قراردادی داریم. ما برای ارتقای ظرفیت علمی دانشجویان حدود ۴۰ نفر از فارغین خاتم النبیین را برای ماستری به خارج روان کردیم، ۲۸ نفر را امسال روان می کنیم و در بهار ۱۳۹۳ رشته قابلیت را در جاغوری فعال خواهیم کرد، در کنکور سال ۱۳۹۲ ۷۰۰ دانش آموز را برای برگزاری کنکور در خاتم النبیین آماده کردیم و امسال نیز آمادگی داریم که به میزان ظرفیت و امکانات دانشگاه غزنی خاتم النبیین از دانش آموزان استقبال کنیم. وی در پایان از زحمات استاد اصغری تقدیر کرد.

۸ آقای شفایی به نمایندگی از بازاریان غجور سخنان دیگر مراسم بود که از احداث دانشگاه جاغوری تشکر کرد و سپس از داکتر سجادی و تیم همراه خواست که غجور هنوز کلینیک ندارد و شما باید برای این مردم نیازمند یک کلینیک صحتی احداث نمایید. داکتر سجادی سپس در امر کلینیک وعده داد تلاش خواهد کرد و از همه مهمتر این که تلاش می کند که بازار غجور سنگ فرش شود.

۹. بعد از اتمام مراسم، داکتر سجادی با روحانیت، موسفیدان، معارف و تیم همراه در تهداب گذاری سنگ بنای دانشگاه مشارکت نمود و پس از آن، در حسینیه غجور با نمایندگان اقشار مختلف مردم دیدار نموده و به خواسته ها و پرسشهای آنان یکی پس از دیگری جواب داد و از مردم خواست که خودشان پیگیری کارها و مشکلات شان باشد و وی نیز با تمام توان با آنان همکاری خواهد کرد؛ که واقعا آن روز، یک روز پرکاری بود که در زیر به نمونه های آن اشاره می شود:

الف) مردم لومان:

این مردم به سرپرستی مصباح امام جمعه مشکلات معارف ذکور و اناث لومان را مطرح کردند که مشکل تعمیر دارند و از داکتر خواست که این مشکل را رفع نمایند و داکتر نیز وعده داد که در جهت حل

آن اقدام خواهد کرد. دیگر این که مکتب ابتدائیه لومان دوغ آباد راجستر شده اما بست ندارد؛ دیگر این که لومان ۲۰۰۰ خانوار است که کلینیک ندارد، از همه مهمتر این که ما چهار لیسه داریم و از شما انتظار داریم که شامل بورسیه نمایید و در آخر، از کمبود بست های معارف شکوه کردند که در تمام این موارد داکتر تاکید کرد که خود شما باید پیگیر کار خود باشید و ما نیز در حد توان در رفع مشکل شما اقدام خواهیم کرد.

ب) دارالمعلمین غجور:

در این دیدار، خواسته های ذیل را مطرح کردند و از داکتر خواهان حل آنها شدند: همکاری جهت ساخت دیوار حیاط دارالمعلمین، تهیه اساتید مسلکی، ایجاد لیلیه برای دارالمعلمین، ایجاد سیستم آبرسانی، ارتقای ظرفیت تحصیلی، راه اندازی انترنت و از داکتر سجادی خواست که در حل این مشکلات همکاری کند. داکتر سجادی ضمن وعده همکاری در حل مشکلات مذکور اعلام داشت که دو برادر و دو خواهر از اساتید را بورسیه ماستری خواهد نمود. داکتر در ادامه وعده داد که انترنت را نیز پیگیری خواهند کرد. این دو وعده را به طور حتمی مطرح کردند.

ج) بازاریان غجور:

در این دیدار، سنگ فرش بازار، تاسیس لیسه، ارتقای متوسطه سنایی به لیسه، احداث کلینیک خواسته های بود که اینها مطرح کردند و داکتر سجادی وعده داد که در حد توان و با پیگیری خود مردم سعی خواهد کرد که این مشکلات حل شود.

د) مردم المیتو:

نمایندگانی از بزرگان المیتو با داکتر در حسینیه غجور دیدار کرد و از داکتر خواست که مشکلات معارف و به خصوص مکتب دخترانه جدید را که بست ندارد حل نمایند. داکتر در این دیدار تاکید کرد که مشکلات شان لیست کنند و نماینده خود را به کابل ارسال کند تا باهم در جهت حل این مشکلات تلاش کنیم.

بخش ششم: ملاقات با ولسوال و پرسونل اداری ولسوالی جاغوری در مقر ولسوالی سنگ ماشه
روز پنجشنبه ساعت ده صبح داکتر سجادی همراه با اساتید دانشگاه



بازار غجور جاغوری



مرکز ولسوالی جاغوری

خاتم النبیین (ص) کابل و غزنی و قومندان امنیه غزنی وارد مقر ولسوالی جاغوری شدند.

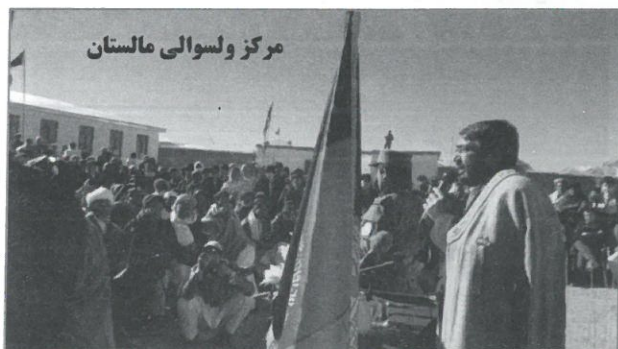
در محفل که در دفتر ظفر شریف ولسوال جاغوری دایر گردیده بود ابتدا دکتر سجادی گفت امید وارم که شما مردم جاغوری از سفرهای مکرر مقامات سیاسی و وکلا در این ولسوالی خسته نشده باشید، البته این هم یکی از امتیازات جاغوری است، آمدن وزیر معارف کشور در این ولسوالی خالی از فایده نیست، حداقل درین مردم این تعهد و همکاری برای بهبودی وضعیت معارف در این ولسوالی داد.

آمدن قومندان امنیه غزنی نیز اثرات خود را نسبت به وضعیت راه های قیاق _ غزنی و قره باغ _ غزنی خواهد داشت، چون قومندان امنیه تعهد داد که این کار از اولویت های کاری او خواهد بود.

یکی از کارهای که در این سفر ما انجام دادیم سنگ تهادب دانشگاه خاتم النبیین جاغوری بود این دانشگاه علاوه بر رشته های علوم انسانی در سال آینده تلاش می شود تا رشته قابلگی را نیز راه اندازی شود.

ظفر شریف ولسوال جاغوری ابتدا از ورود دکتر سجادی و هیئت همراه تشکر و قدر دانی کرد و گفت ولسوالی جاغوری ۳۰۰۰۰۰ هزار جمعیت دارد، اما تشکیل اداریش با وجود ولسوالی درجه اول، با کوچکترین ولسوالی ولایت غزنی مساوی است و همچنین مشکلات میدان هوایی این ولسوالی نیاز به همکاریهای شما دارد.

مدیر معارف جاغوری نیز از حضور دکتر و هیئت همراه تشکر و قدر دانی کرد و گفت آوردن وزیر معارف در این ولسوالی و همچنین تاسیس دانشگاه خاتم النبیین جاغوری خیر و برکت برای مردم این



ولسوالی بود.

در پایان محفل دکتر سجادی نسبت به اقدام دانشگاه خاتم النبیین جاغوری گفت ایجاد دانشگاه در این ولسوالی قدم دیگر است برای کمک به ولایت شدن این ولسوالی، چون هنگام که ما به وزرات تحصیلات عالی برای ایجاد دانشگاه مراجعه کردیم برای ولسوالی اجازه جواز نمی داد، تنها ولسوالی که فعلا دانشگاه دارد ولسوالی جاغوری است، این افتخار برای شما مردم است.

۳. ولسوالی مالستان

بخش اول: میرآدینه

روز چهارشنبه تاریخ ۲۷/ ۹/ ۱۳۹۲ داکتر سجادی با هیئت همراه به مالستان رفت که از سوی مردم مهمان نواز مالستان به گرمی مورد استقبال واقع شد. محفلی که در محل ولسوالی و قوماندانی برگزار شده بود، با تلاوت قرآن شروع شد و با خوش آمدگویی جناب ناصری از داکتر سجادی و قوماندان امنیه ولایت غزنی ادامه یافت. ولسوال مالستان ضمن خیر مقدم گویی از مهمانان، طی سخنانی مالستان را از مناطق محروم یاد کرد و تاکید کرد که مالستان در حوزه معارف، صحت، ارتباطات و امنیت مشکل جدی دارد. ولسوال مالستان تاکید کرد که مالستان از سه ناحیه مورد تهدید همیشگی است: از ناحیه شمال اجرستان، جنوب غرب زابل و از غرب، توسط ارزگان آسیب پذیر است. وی ادامه داد که ولسوالی مالستان درجه ۲ است اما امکانات درجه ۳ را هم ندارد. به همین خاطر از داکتر سجادی و به خصوص قوماندان امنیه ولایت غزنی خواهان همکاری جدی شدند که قوماندان امنیه و داکتر سجادی وعده همکاری جدی دادند. سپس توسط گروه سرود میرآدینه و مدرسه رضویه سرود محلی اجرا گردید. در این مراسم، داکتر سجادی و قوماندان امنیه ولایت غزنی سخنرانی کردند: الف) داکتر سجادی: داکتر با تشکر و قدر دانی از حضور گرم و با شکوه مردم طی سخنانی تاکید کرد که امروز حضور مقامات کشور در مالستان نشان از اهمیت و رشد مالستان داشته و وحدت ملی مردم زمینه این عظمت را فراهم ساخته است. وی در ادامه تاکید کرد که ارتقای معارف سبب استحکام پایه های قدرت در مغزها و اندیشه هاست و باید تقویت شود. ما در این سفر برای کامپاین نیامدم و کامپاین باید کامپاین علم و دانش باشد. تا توانسته باشیم بی سواد را از بین برده و نیروهای متخصص و متعهد را تربیت کنیم. ما برای رشد و پیشرفت جوانان تا کنون ۱۱ جوان مالستان را برای ماستری به خارج اعزام کردیم و باز آمادگی داریم که جوانان شما را بورسیه کنیم و در سال ۹۲ در خدمت فرزندان شما که برای کنکور آمده بودند بودیم. وی در ادامه تاکید کرد: شفاخانه حق ولسوالی مالستان است که باید در سال ۹۳ کارش شروع شود، تهیه میدان هوایی درجه دو برای

فرود طیاره؛ برای نمره اول، دوم و سوم کانکور یک موتورسیکلت، یک لب تاپ و یک نفر از فامیلین شان را بورسیه کامل دانشگاه خاتم النبیین خواهیم کرد؛ در بخش امنیتی، قول فعال کردن سه پوسته امنیتی در مسیر راههای ناامن را از قوماندان امنیتی گرفتیم؛ از نیروهای پولیس محلی در ناحیه های مختلف باید استفاده شود.

داکتر سجادی در ادامه تاکید نمود که در اجلاس توکیو ۴/۱ میلیون دلار و در اجلاس شیکاگو ۴ میلیون دلار وعده جامعه جهانی برای بازسازی افغانستان و تربیت پولیس است. از این رو، جامعه جهانی از کشور رفتنی نیست و لذا قیمت امضای قرارداد باید ختم جنگ باشد. چرا که آینده روشتر از گذشته بوده و تاریخ به عقب بر نمی گردد.

ب) قومندان ولایت غزنی: قوماندان ولایت غزنی جناب محی الدین سروری در این مراسم تاکید کرد که من بسیار خوشحالم که خود را در میان شما می بینم. من تلاش خواهم کرد که تا زمانی که در پست قوماندانی هستم کار را به اهلش بسپارم. امکانات شما بسیار ناچیز است و من تلاش خواهم کرد این مشکلات را حل نمایم. در پایان، با دعای خیر رئیس محکمه ولسوالی مالستان مراسم پایان یافت.

بخش دوم: دیدار با مردم سبز دره زردک مالستان

کاروان همراه داکتر سجادی ظهر روز چهارشنبه ۲۷/ ۹/ ۱۳۹۲ وارد منطقه سبزدره مالستان شدند. مردم سبزدره، استقبال از وکیل و نماینده شان محفل را در مسجد محل دایر کرده بودند که این مراسم با تلاوت قرآن آغاز شد و پس از آن؛ داکتر سجادی تاکید کرد که در بخش امنیت قوماندان باید توجه جدی کنند، در بخش معارف حتما تلاش خواهد شد که مشکلات به حد اقل برسد، بند آب منطقه سبز دره حتما دنبال خواهد شد و در پایان، از حضور گرم و مهمان نوازی مردم این منطقه تقدیر کرد.

بخش سوم: منطقه لعلچک مالستان

حوالی ساعت چهار بعد از ظهر روز چهارشنبه، هیئت همراه داکتر سجادی وارد مسجد ابوالفضل منطقه لعلچک مالستان شدند. آقای محمدی رئیس محکمه مالستان تاکید کرد که مردم مالستان مردم مطیع حکومت هستند و باید به مشکلات این مردم رسیدگی شود. سپس داکتر سجادی ضمن تشکر از مهمان نوازی این مردم تاکید کرد که تلاش می کنیم تمام مشکلات و خواسته های این مردم در حد توان حل شود.

بخش چهارم: مردم جمبود مالستان

ساعت ۵:۳۰ شام بود که بنا به دعوت مردم جمبود وارد مسجد این قریه شدند. در محفلی که به همین مناسبت دایر شده بود، با تلاوت قرآن کریم شروع شد و سپس با گروه سرود مدرسه رضویه ادامه یافت و سپس آقای اعتمادی از مهمانان تشکر کرد و خواسته های زیر را مطرح کردند:

توجه به مدرسه رضویه، گرفتن تشکیل از معارف برای مکتب ابتدائیه، همکاری برای گرفتن معلم مسلکی و تشکیل از معارف، ایجاد شعبه خاتم النبیین در مالستان و ایجاد کلینیک که جایش مشخص شده است. داکتر سجادی سخنانش را با آیه ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم شروع نموده و اظهار داشت که تغییر مثبت در جامعه زمانی حاصل می شود که خود مردم بدنبال حل مشکلات شان باشد. وی راههای رسیدن به تغییر مثبت را به صورت زیر بیان داشت: یکی از راهها برای ایجاد تغییر مثبت وحدت و یکدلی است. در صورت اختلاف درونی نعمت و رحمت خداوند از ما گرفته می شود، دوم پیگیری و حضور مستمر مردم برای انجام کار، سوم، خواستها باید جمعی و به دور از هرگونه اختلاف باشد. لذا خواست شما زمانی به نتیجه می رسد که راههای فوق را مورد توجه قرار بدهید. داکتر در راستای حل این مشکلات وعده های به این مردم داد و گفت که ما ۱۱ نفر را بورسیه ماستری نمودیم، مدرسه رضویه را ثبت رسمی کردیم، سه بست معلم برای لیسه راه باد گرفتیم و تلاش می کنیم بستهای بیشتری برای مالستان بگیریم. تعمیر لیسه جمبود زمان بر است و تعمیر آن در پلان معارف هست اما ما تا زمان تعمیر لیسه سعی می کنیم میز و چوکی تهیه کنیم. وی تاکید نمود که خود شما باید کار خود را دنبال نمایید.

پس از داکتر سجادی، قوماندان امنیه ولایت غزنی ضمن تشکر از مردم به این مردم وعده های نسبت به مشکل امنیتی این ولسوالی داد و تاکید کرد که مردم هرگونه فساد و کجروی از پلیس ببیند باید به من گزارش کند.



سرانجام دکتر و هیئت همراه، بعد از شش روز سفر، بعد از ظهر روز جمعه توسط یک فروند بالگرد، ولسوالی جاغوری را به مقصد کابل ترک نمودند.

جا دارد که از وزارت محترم معارف کشور، تلویزیون تمدن، اساتید دانشگاه خاتم النبیین (ص) کابل و غزنی، معاونت ولایت غزنی، ریاست شورای ولایتی، ریاست معارف، قومندان امنیه و آمر امنیه ولایت غزنی جهت همراهی در این سفر، تقدیر و تشکر به عمل آید.

آمریت فرهنگی_ تربیتی غزنی

بخش های سیاسی و اداری غزنی!

مقدمه*



ولایت غزنی از ولایت های مهم و استراتژیک کشور محسوب می شود، این ولایت در جنوب افغانستان واقع شده است که هم مرز با کابل، ارزگان، زابل، پکتیکا و لوگر است، این ولایت از نگاه ترکیب قومی، سه قوم عمدتاً در افغانستان را در خود جای داده است و خوشبختانه اقوام ساکن در ولایت غزنی به صورت مسالمت آمیز و برادر وار با همدیگر زندگی می کنند. غزنی زمانی مرکز تمدن جهان اسلام بوده است و هنوز آثارهای از اقتدار و شوکت آن باقی است. در سال ۲۰۰۷ این ولایت به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» انتخاب و هم اکنون در آستانه مراسم اصلی این افتخار بزرگ قرار دارد.

این ولایت از یک سو شاهراه اتصال کابل به قندهار و هرات و سایر شهرها بوده و از سوی دیگر، دارای ولسوالی های مختلف است که این ولایت را از سایر ولایات متمایز می سازد. مدیریت نظم عمومی و واحدهای اداری غزنی از بخشها و حوزه های مختلفی تشکیل یافته که به صورت زیر معرفی می گردد.

۱. دفتر مقام ولایت شامل:

دفتر مقام ولایت غزنی دارای تشکیلات ذیل است: معاون ولایت، مدیر اجرایی، مأمور اجرایی، خانه سامان، درپور، رئیس دفتر، سکرتر ووالی، ترجمان، آشپز، امربر، مدیر عمومی اسناد و ارتباط، مدیر پذیرش و عرایض، موظف تلاشی قشرانات،

مدیر اسناد محرمانه، مدیر اسناد عادی، مدیر آرشیو، مأمور آرشیو، مدیر عمومی تنظیم مجالس، مأمور تنظیم مجالس اداری ولایت. مدیر عمومی ارتباط و اطلاعات.

۲. ریاست مالی و اداری شامل:

ریاست مالی و اداری ولایت غزنی دارای تشکیلات ذیل است: رئیس مالی و اداری، مدیر اجرایی، خانه سامان، درپور، آمرتهیه و خدمات، امربر، مدیر تکنالوژی معلوماتی، مدیر تهیه و تدارکات، معتمد جنسی، مدیر خدمات، مدیر خدمات، مأمور ترانسپورت، مأمور حفظ و حراست، باغبان، تخنیکر، آمر مالی و اداری، مدیر

بودجه، مأمور بودجه عادی، مأمور بودجه انکشافی، مأمور بودجه عادی و انکشافی، مدیر محاسبه و حواله جات، مأمور محاسبه نقدی و حواله جات، مأمور محاسبه جنسی، معتمد نقدی، مدیر تخصیصات، آمر منابع

بشری، رئیس منابع بشری، مدیر عمومی استخدام، آمر استخدام، عضو مسلکی استخدام، مدیر عمومی ارتقای ظرفیت و انکشاف اداره، آمر ارزیابی اجرائات و سوانح، عضو مسلکی ارزیابی اجرائات، عضو مسلکی مصونیت صحت و رسیدگی به شکایات، مأمور حاضری و مدیر حاضری.

۳. ریاست خدمات تخنیک و سکتوری

ریاست خدمات تخنیک و سکتوری دارای تشکیلات ذیل است رئیس خدمات تخنیک و سکتوری، مدیر اجرایی، خانه سامان، درپور، امربر، کارشناس انکشاف اقتصادی، کارشناس انکشاف سکتور خصوصی و امور شاروالها، کارشناس امور بازسازی و انکشافی، کارشناس امور اجتماعی و فرهنگی، کارشناس مبارزه با حوادث طبیعی، کارشناس امور حقوقی و امنیتی ولسوالیها.

۴. ولسوالی قره باغ

ولسوالی قره باغ با مرکزیت قره باغ دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیر اجرایی، خانه سامان، درپور، امربر، آمر اجرایی، مأمور اجرایی، مدیر عمومی خدمات تخنیک و سکتوری، مدیر عمومی مالی و اداری، مدیر عمومی قره جات.

۵. ولسوالی اندر

ولسوالی اندر با مرکزیت میری دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیر اجرایی، خانه سامان، درپور، امربر، آمر اجرایی، مأمور اجرایی، مدیر عمومی خدمات تخنیک و سکتوری، مدیر عمومی مالی و اداری، مدیر عمومی قره جات.

۶. ولسوالی مقر

ولسوالی مقر با مرکزیت مقر دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیر اجرایی، خانه سامان، درپور، امربر، آمر اجرایی، مأمور اجرایی، مدیر عمومی خدمات تخنیک و سکتوری، مدیر عمومی مالی و اداری، مدیر عمومی قره جات.

۷. ولسوالی جاغوری

ولسوالی جاغوری با مرکزیت سنگ ماشه دارای تشکیلات ذیل است، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۸. ولسوالی ناهور

ولسوالی ناهور با مرکزیت دوآب دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۹. ولسوالی مالستان

ولسوالی مالستان با مرکزیت مالستان دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۰. ولسوالی گیلان

ولسوالی گیلان با مرکزیت جنده دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۱. ولسوالی جغتو

ولسوالی جغتو با مرکزیت گل بهاری دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۲. ولسوالی اجرستان

ولسوالی اجرستان با مرکزیت سنگر دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۳. ولسوالی واغظ

ولسوالی واغظ با مرکزیت واغظ دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۴. ولسوالی ناوه

ولسوالی ناوه با مرکزیت ناوه دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۵. ولسوالی خوگانی (ولی محمد شهید)

ولسوالی خوگانی با مرکزیت خوگانی دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۶. ولسوالی زنخان

ولسوالی زنخان با مرکزیت دادو دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۷. ولسوالی ده یک

ولسوالی ده یک با مرکزیت رامک دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۸. ولسوالی آب بند

ولسوالی آب بند با مرکزیت حاجی خیل دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۱۹. ولسوالی رشیدان

ولسوالی رشیدان با مرکزیت بازارصداقت دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۲۰. ولسوالی خواجه عمری

ولسوالی خواجه عمری با مرکزیت خواجه عمری دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۲۱. ولسوالی گیرو

ولسوالی گیرو با مرکزیت پانا دارای تشکیلات ذیل است، ولسوال، مدیراجراییه، خانه سامان، دریور، امربر، آمراجراییه، مأموراجراییه، مدیرعمومی خدمات تخنیکي و سکتوری، مدیرعمومی مالی و اداری، مدیرعمومی قریه جات.

۲۲. شورای ولایتی:

شورای ولایتی یک نهاد مردمی است که پل ارتباطی بین مردم و دولت است، این شورا درغزنی دارای تشکیلات ذیل است، مدیرعمومی اداری شورای ولایتی، مدیراجراییه، مامور اجراییه، خانه سامان، دریور.



بررسی وضعیت حقوقی ولایت غزنی*

چکیده:

ولایت غزنی یکی از ولایت های بزرگ افغانستان بوده که مرکز آن شهر غزنی و دارای ۱۸ ولسوالی بنام های ذیل می باشد: ولسوالی ناهور، جاغوری، مالستان، اجیرستان، قره باغ، مقر، اندر، جغتو، گیلان، گپرو، ناوه، آب بند، خواجه عمری، خوگیانی، ده یک، رشیدان، زنخان و واغظ. آنچه را که ما در این نوشته در پی آن هستیم وضعیت حقوقی این ولایت، ساختار تشکیلاتی و نحوه اجرائات و ارگانهای عدلی و قضائی می باشد که در زیر مطرح می شود.

کلید واژه:

محکمه ابتدائیه، محکمه اطفال، محکمه استیناف، عدلیه، دیوان.

اول: محاکم

محاکم بطور کلی به محاکم ابتدائی، استیناف و ستره محکمه تقسیم می گردد.

الف - تشکیلات محاکم ابتدائیه

مطابق ماده ۶۱ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان محاکم ذیل به حیث محاکم اولیه در زیر مجموعه محاکم استیناف معرفی شده است: محکمه ابتدائیه مرکز ولایت، محکمه اطفال، محکمه ابتدائیه تجارتي، محکمه ابتدائیه احوال شخصیه و محکمه ابتدائیه ولسوالی.

۱ - محکمه ابتدائیه مرکز ولایت غزنی

این محکمه متشکل از پنج دیوان می باشد که هر کدام دارای یک رئیس و حد اکثر دارای چهار عضو قضائی است که مطابق ماده ۶۳ قانون فوق الذکر محکمه ابتدائیه شهری قضایای ذیل را توسط دیوان های مربوطه، در مرحله ابتدائی طبق احکام قانون رسیدگی می نماید و دیوان های یادشده قرار ذیل اند:

دیوان جزای عمومی: رسیدگی قضایای مربوط به جزای عمومی توسط این دیوان صورت می گیرد.

دیوان مدنی: رسیدگی به دعاوی مدنی بین اشخاص حقیقی و اشخاص حکمی به عهده این دیوان می باشد.

دیوان حقوق عامه: رسیدگی به قضایای مدنی مورد اختلاف بین اشخاص حقیقی و دولت یا بین اشخاص حکمی و دولت



توسط این دیوان صورت می گیرد.

دیوان امنیت عامه: رسیدگی قضایای جزایی مربوط به امنیت و منفعت عامه، قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم مطابق احکام قانون توسط همین دیوان حل و فصل می گردد.

دیوان جرایم ترافیکی: رسیدگی به قضایای جزایی مربوط به حوادث ترافیکی، به عهده این دیوان سپرده شده است.

۲ - محکمه اطفال

این محکمه دارای یک رئیس و سه عضو می باشد و رسیدگی به تخلفات اطفال از صلاحیت همین محکمه بوده اما از آنجائیکه این محکمه در ولایت غزنی عملاً ایجاد نگردیده در حال حاضر رسیدگی به تخلفات اطفال مطابق فقره ۳ ماده ۶۷ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه توسط دیوان جزای عمومی محکمه ابتدائیه شهری مرکز ولایت و در ولسوالی توسط محاکم ولسوالی صورت می گیرد.

۳ - محکمه ابتدائیه تجارتي

هرچند بر اساس قانون یاد شده این محکمه باید در مرکز هر ولایت با تشکیلات یک رئیس و چهار عضو وجود داشته باشد و به دعاوی مربوط به منازعات تجارتي رسیدگی بعمل آورد ولی متأسفانه این محکمه نیز در سطح ولایت غزنی عملاً ایجاد نگردیده لذا رسیدگی به قضایای تجارتي تا زمان ایجاد این محکمه از صلاحیت دیوان مدنی محکمه ابتدائیه شهری می باشد که این موضوع بر مشکلات حقوقی این ولایت افزوده است، زیرا هرگاه دعوی تجارتي نزد محکمه ابتدائیه ولسوالی ها مطرح

گردد صلاحیت رسیدگی به همچو قضایا را محاکم ولسوالی ها نداشته و ندارند و ناچاراً این گونه پرونده ها باید از هیجده ولسوالی این ولایت به دیوان مدنی محکمه ابتدای در مرکز ولایت اجاع و درانجا رسیدگی گردد که این موضوع و تراکم پرونده ها هم محکمه را دچار مشکل نموده و هم مردم به لحاظ وقت و هزینه های مالی به مشکلات عدیده ی مواجه شده اند.

۴- محکمه ابتدائیه احوال شخصیه

بر اساس ماده ۶۶ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، محکمه ابتدائیه احوال شخصیه باید در مرکز هر ولایت ایجاد گردد که مرکب از رئیس و دو عضو می باشد و چنانچه این محکمه در مرکز ولایت ایجاد نشده باشد رسیدگی به قضایای احوال شخصیه از صلاحیت دیوان مدنی محکمه ابتدائیه شهری آن ولایت می باشد، در ولایت غزنی این محکمه نیز وجود ندارد تا به موضوعات احوال شخصیه رسیدگی قضایی نماید.

۵- محاکم ابتدائیه ولسوالی های ۱۸ گانه غزنی

مطابق ماده ۶۹ قانون مذکور این محاکم مرکب از رئیس و دو عضو می باشد و در ولسوالی های که با کمبود کادر قضایی مواجه می باشند رسیدگی به قضایا توسط کمتر از سه نفر قاضی صورت می گیرد این محاکم در حال حاضر به غیر از دعاوی تجارتي و جرایم علیه امنیت عامه، تمام موضوعات حقوقی اعم از مدنی و جزائی را در مرحله ابتدائی مورد رسیدگی قضائی قرار می دهد.

نکته قابل یاد اوری اینکه محاکم ابتدائیه ولسوالی های ۱۸ گانه غزنی تمامی شان در مرکز ولسوالی ها فعال نبوده تا به دعاوی مدنی و جزائی افراد و اشخاص رسیدگی نمایند صرفاً چهار محکمه در ولسوالی های ناهور، جاغوری، ده یک و مالستان فعال بوده و بقیه محاکم ولسوالی ها نظر به دلایل مختلف از جمله مشکلات امنیتی در مرکز شهر غزنی دفاتر خویشرا ایجاد کرده و مصروف فعالیت می باشند، مسلم است که این موضوع مشکلات فراوانی را برای مردم ایجاد نموده و دسترسی اشخاص به محاکم را که یکی از حقوق مسلم آنها می باشد تا حدود صدمه زده است.

۶- محکمه ابتدائیه نظامی

این محکمه به جرایم عسکری و قوای مسلح در مرحله ابتدائیه رسیدگی می نماید خوشبختانه در مرکز شهر غزنی این محکمه فعال بوده و همه روزه اجراءات قضائی خویشرا مرعی می دارد.

ب- تشکیلات محکمه استیناف

بر اساس ماده ۵۲ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، محکمه

استیناف در سطح هر ولایت ایجاد می گردد این محاکم نیز مانند محکمه ابتدائیه مرکز ولایت دارای دیوان های جزای عمومی، دیوان امنیت عامه، دیوان مدنی و احوال شخصیه، دیوان حقوق عامه و دیوان تجارتي می باشد و تعداد اعضای قضایی در هر دیوان حد اکثر شش نفر می باشد.

محکمه استیناف در سطح ولایت غزنی در مرکز این شهر فعال بوده و قضایایی حقوقی را در مرحله استینافی با توجه به نوع موضوعات حقوقی تحت غور و بررسی قضائی قرار می دهد.

از نکات مهمی که یاد اوری آن ضروری به نظر می رسد این است که معمولاً و درهمه جا درصد جرایم سیاسی و امنیتی به مراتب کمتر از جرایم عادی مانند سرقت، کلاهبرداری، قتل، قمار، تجاوز و ... می باشد درحالیکه به به گفته بعضی مسئولین قضایی، در سطح این ولایت جرایم سیاسی و امنیتی بیشترین پرونده ها را به خود اختصاص داده است.

البته میزان جرایم سیاسی و امنیتی در دو ربع اول سال افزایش یافته اما در زمستان و ربع سوم سال جرایم عادی بیست فیصد و جرایم سیاسی هفتاد فیصد کاهش می یابد.

در موضوعات مدنی بیشترین دوسیه ها مربوط به املاک و خانواده بوده که حدود ۹۰ درصد دوسیه ها مربوط به املاک و ۱۰ درصد دیگر مربوط به خانواده، تجاری و سایر مسائل حقوقی می باشد.

دوم: ریاست عدلیه

این ریاست در ولایت غزنی فعال بوده و در بخش های آمریت حقوق، آمریت قضایای دولت، آمریت مرکز اصلاح و تربیه اطفال و آمریت مساعدت های حقوقی تحت نظارت و سرپرستی شخص رئیس عدلیه فعالیت نموده و خدمات حقوقی را عرضه می دارد.

این ریاست جزء وزارت عدلیه بوده و دارای شعبه های ولایتی ولسوالی و ناحیوی می باشد و وظایف خویش را در چوکات قانون طرز تحصیل حقوق انجام می دهد و اصولاً اداره حقوق تطبیق فیصله های قطعی و نهایی محاکم را در امور مدنی بر عهده دارد و دارای آمریت های ذیل میباشد.

الف: آمریت حقوق

این امریت در چوکات ریاست عدلیه فعالیت نموده و قضایای حقوقی را در مرحله ابتدائی آن قبل از جریان دعوی در محکمه مورد بررسی قرار می دهد تمام اجراءات که از جانب این اداره صورت می گیرد مطابق قانون طرز تحصیل حقوق می باشد.

تشکیلات حقوقی در چهارده ولسوالی ولایت غزنی فعال است

اما در چهار ولسوالی دیگر یعنی ولسوالی اندر، گیرو، ناوه و گیلان این تشکیلات فعلا به دلیل برخی مشکلات فعال نمی باشد

اهم وظایف این اداره عبارت است از میانجگری و مصالحه بین طرفین قضیه، تطبیق فیصله های قطعی و نهایی محاکم در امور مدنی، تحصیل دین ثابت دائنین از مدیونین و تحصیل ده یکه حقوق و انتقال آن به واردات دولت، بررسی از صحت اسناد ارایه شده توسط طرف های در گیر در منازعه و در صورتی که موضوع در اداره حقوق به صلح نینجامد و از جانبی هم کدام اسناد مثبت و مدار اعتبار وجود نداشته باشد احاله دوسیه نسبتی به محکمه ذیصلاح آن به منظور صدور فیصله قضایی طبق حکم ماده (۱۷) قانون اصول محاکمات مدنی صورت می گیرد.

یاد آوری می گردد این که از آن جای که سال ۱۳۹۲ شمسی مطابق ۲۰۱۳ میلادی بوده و هنوز یک ربع این سال باقی است در حالیکه ۲۰۱۳ در حال اتمام است لذا در این بخش گزارش مربوط به سال ۱۳۹۱ ارائه می گردد که می تواند تاحدودی بیانگر وضعیت حقوقی در سال ۹۲ هم باشد.

اهم کار کرد های این اداره در سال ۱۳۹۱ قرار ذیل بوده است.

۱- سه ربع اول سال ۱۳۹۱:

۹۸۶ قطعه عرایض و ۴۴۳ جلد دوسیه های وارده حقوقی بررسی گردیده و به منظور اجراءات بعدی به محاکم ذیصلاح و سایر ادارات مربوطه ارجاع شده است و ۹ فیصله قطعی و نهایی محاکم نسبت به مدعی بها تطبیق گردیده است و بیش از ۵۰ قضیه به طور اصلاحی خاتمه داده شده و مجموع اجراءات و فعالیت های انجام شده حقوقی جمعا به مبلغ ۱۶۶۰۷۷۰ افغانی دین داینین حصول و مبلغ ۱۶۶۰۷۷ افغانی ده یکه حقوق اخذ و به حساب دولت واریز شده است.

۲- ربع چهارم سال ۱۳۹۱ (برج ۱۰-۱۲):

۲۰۲ عریضه حقوقی ثبت دفتر گردیده که ۱۰۷ عریضه املاکی و تجارتي، ۷۷ عریضه مربوط به دیون، و ۱۸ عریضه مربوط به اختلافات فامیلی بوده که از این جمله ۲۷ عریضه به محاکم ذیصلاح ارجاع و ۴۰ عریضه به سایر ادارات دولتی ارجاع گردیده و ۱۸ عریضه دیگر به صورت اصلاحی فیصله گردیده و بقیه آن در حال جریان می باشد.

ب:- آمریت قضایای دولت:

این آمریت در چوکات وزارت عدلیه به منظور حمایت از حقوق مالی و منافع قانونی دولت و موسسات دولتی و بررسی مقدماتی منازعات ناشی از حقوق مالی و منافع دولت اقامه دعوی

و دفع دعوی به نمایندگی از دولت و موسسات دولتی در نزد محاکم برای دفاع از منافع قانونی آنها ایجاد گردیده است، علاوه بر وظایف فوق آمریت قضایای دولت وظیفه توزیع جواز رهنمای معاملات، جواز نامه عریضه نویسی و کنترل و مراقبت از نحوه کار آنها و همچنین تجدید جواز های مذکور را مطابق قانون بر عهده دارد.

خلاصه کارکرد این آمریت در سال ۱۳۹۱ قرار ذیل می باشد:

۱- سه ربع اول سال (از برج ۹-۱)

۲۹ دوسیه املاکی دعاوی اشخاص و افراد علیه دولت و ادارات دولتی به محاکم ارجاع گردیده که بخشی از آنها به نفع دولت فیصله گردیده است همچنین ۱۱ مکتوب منع تصرفات بالای ملکیت های عامه دولتی به مرجع ذیربط و ارگانهای امنیتی صادر و اجرا گردیده است. تعداد ۳۸ قطعه جواز رهنمایی معاملات و ۸ قطعه جواز فعالیت عریضه نویسان صادر گردیده و ۱۰۷ مورد جواز رهنمایی معاملات و ۸ مورد جواز عریضه نویسان تجدید گردیده و ۹ مورد دفتر رهنمایی متخلف مسدود گردیده و ۵ دفتر رهنمایی متخلف جریمه نقدی گردیده و ۲۳ دفتر دیگر ترک شغل نموده است و در مجموع ۲۶۵۹۵۷۲ افغانی به عنوان جریمه و محصول جواز دریافت و به حساب ادارات دولتی واریز گردیده است.

۲- ربع چهارم سال (برج ۱۲-۱۰):

مجموعا بالای ۱۸ پرونده اجراءات صورت گرفته که برخی مربوط به استیناف خواهی برخی مربوط به محکمه شهری و برخی دیگر مربوط به تجدید نظر خواهی به ریاست عمومی قضایای دولت و برخی دیگر به منظور تصفیه املاکی به ریاست زراعت و مالداري و برخی به آمریت حقوق ارسال گردیده است و همچنین در طی این مدت ۷۶ هزار جریب زمین دولتی در پروژه بند سرده ولسوالی اندر تثبیت و تشخیص گردیده است.

ج) آمریت مرکز اصلاح و تربیت اطفال:

این آمریت وظیفه نگهداری از اطفال زیر سن قانونی را که مرتکب جرم گردیده به عهده دارد و آنها را تا تعیین وضعیت نهایی نگهداری نموده و به دقت از آنها محافظت می کند.

کارکردهای آمریت مرکز اصلاح و تربیت اطفال:

۱- سه ربع اول سال ۱۳۹۱ (برج ۱-۹)

در طول این مدت تعداد ۳۵ نفر اطفال محجوز تحت تعلیم و تربیت قرار گرفته و در ارتباط با مسایل معیشتی و نظافتی، تعلیم و تربیه، امور صحی و آموزش های حرفه ای توجه خاصی صورت گرفته است و همچنین ۴۳ دوسیه اطفال تحت حجز در ارگان

های عدلی و قضایی پیگیری گردیده است این آمریت به اطفال مذکور خدمات حقوقی اجتماعی تعلیم و تربیه و لیلیه را با همکاری ریاست معارف، ریاست کار و امور اجتماعی و سایر ارگان ها ارایه می نماید.

۲- ربع چهارم (برج ۱۲ - ۱۰):

در طی این ربع سال تعداد ۳۲ نفر اطفال محجوز تحت تعلیم و تربیه و اعاشه قرار گرفته و مطابق نصاب تعلیمی معارف به آنها تعلیم داده شده و شهادت نامه رسمی داده شده است این مجموعه دارای لیلیه بوده و در بخش خدمات حقوقی ۳۴ دوسیه در سارنوالی و محاکم تعقیب گردیده و طی مراحل شده است در این مدت تعداد ۸ نفر به حکم محاکم از حجز رها و به والدین شان سپرده شده است و سه نفر دیگر به فرمان ریاست جمهوری از حجز رها و دو نفر آنان به دلیل تکمیل نمودن سن ۱۸ سالگی به مبחס غزنی انتقال گردیده اند.

و همچنین در بخش صحنی ۴۳ نفر از محجوزین مورد تداوی قرار گرفته است و همین طور در بخش امور اداری روی ۱۰۲ قطعه مکتوب اجراءات به موقع صورت گرفته است. در اثر تلاش های ریاست حقوق تاکنون ۱۰ جریب زمین برای ایجاد تعمیر محبس اطفال و ساخت میدان های ورزشی، مرکز آموزش های فنی و حرفه ای، خوابگاه های مناسب و... از رییس جمهور محترم دریافت نموده است و این مجموعه مطابق برنامه های مکاتب آموزش داده میشود و به آنها شهادت نامه رسمی داده می شود.

از آنچه که به صورت مختصر در مورد سال ۱۳۹۱ یاد آور شدیم، می توانیم وضعیت سال ۹۲ رانیز به خوبی به دست بیاوریم.

ج) آمریت مساعدت های حقوقی

این آمریت عهده دار دفاع از حقوق متهمین و مظنونین بضاعت بوده و از حقوق آنها به صورت رایگان دفاع می نماید.

کارکردهای این آمریت در سال ۱۳۹۱

۱- سه ربع اول سال (برج ۹ - ۱)

در قبال امریت ها و ارانیه خدمات حقوقی به متهمین و مظنونین بی بضاعت از حقوق ۷۷ نفر متهمین حضوری و ۳۵۰ نفر متهمین غیابی در پیشگاه محاکم رفاع صورت گرفته و برای ۶۲ نفر متهمین بی بضاعت در جریان مشوره های لازم حقوقی ارانیه شده است.

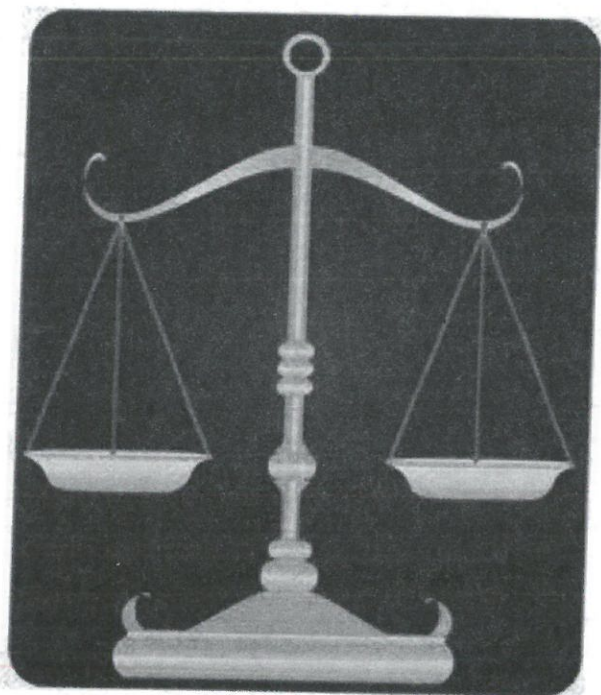
برای ۴۰ مرتبه برای مجتمع ۱۸۹۸۰ نفر از طبقه ذکور و اناث د ارتباط جواهریت قانون اساسی قانون منع خشونت علیه زنان و

حقوق طفل و حقوق مدنی در مساجد تکایا مکاتب و محافل و برای محجوزین تبلیغات راه اندازی و آگاهی داده شده است. تعداد ۲۰ مرتبه تبلیغات و مصاحبه حقوقی از طریق رادیو تلویزیون غزنویان و تلویزیون محلی برای شهروندان غزنی آگاهی داده شده است.

۲- ربع چهارم (برج ۱۲ - ۱۰)

در این ربع سال نیز مجموعاً از حقوق ۳۲ نفر متهمین و مظنونین و فقیر به صورت حضوری در محاکمه ابتداییه و مرافعه دفاع صورت گرفته و همچنین از حقوق ۵۰ نفر دیگر به صورت غیابی در محاکم دفاع شده و به ۲۰ نفر از متهمین بی بضاعت مشاوره های حقوقی داده شده است.

نکته مهمی که باید یاد آوری گردد این است که محاکم ولایت غزنی دارای بعضی مشکلات مهمی می باشد که عبارتند از کمبود کادر تخصصی قضایی و پایین بودن معاش قضات محترم. هر چند که به تازگی شنیده شده است که نسبت به معاش قضات در رده های مختلف توجه گردیده و ما امیدواریم که دولت محترم به مشکلات علمی و مالی این گروه زحمت کش و خدوم توجه جدی مبذول داشته و در رفع مشکلات همه جانبه آنها تلاش روز افزون نماید.



بررسی وضعیت صحت و ولایت غزنی!

مقدمه



خانعلی محمدی
(MPH)
معاونت دانشکده طب
شعبه غزنی
پوهنتون خاتم النبیین (ص)

سیستم صحتی استاندارد در یک کشور از فاکتورهای مهم در راستای پیشرفت و رشد و مقایسه آن نسبت به سایر کشورها است، کشور افغانستان با داشتن سابقه ۳۰ سال جنگ در داخل، تمامی امکانات و زیر بنای های خود را در سیستم صحتی کشور از دست داده بود و از سال ۲۰۰۰ تاکنون رشد کمی در زمینه صحت نسبت به سرازیر شدن کمک های جهانی به افغانستان داشته ایم، اما قابل قبول است به طور مثال شیوع مرگ و میر اطفال کمتر از ۵ سال ما از ۴ طفل زنده ۱ طفل بوده است ولی در سال ۲۰۱۰ مرگ و میر اطفال کمتر از ۵ سال ۱۰۲ نفر در هر ۱۰۰۰ طفل زنده می باشد که تقریباً از هر ده طفل یک طفل قبل از رسیدن به پنج سالگی فوت می کند. در مورد شیوع مرگ و میر مادران در هنگام ولادت در سال ۲۰۰۰ میلادی ۱۶۰۰ در یکصد هزار ولادت می باشد اما در سال ۲۰۱۰ شیوع مرگ ۳۲۷ نفر در یکصد هزار ولادت می باشد و همچنین مرگ و میر اطفال کمتر از یک سال ۷۴ نفر در هر هزار طفل زنده است. از فاکتورهای بسیار مهمی که می تواند بر افزایش سطح سلامت موثر باشد دادن خدمات مطابق با نیاز جامعه است، نوع سیستم صحتی در یک کشور می تواند نشان دهنده نوع خدمات و مقدار و کیفیت خدمات باشد البته به شرطی که خود سیستم بتواند این مسائل را اجرا کند و همچنین از آن پشتیبانی و حمایت شود. در این مقاله سعی بر آن شده تا در مورد سیستم صحتی در ولایت غزنی که بعنوان پایتخت تمدن اسلامی در سال ۲۰۱۳ انتخاب شده، نگاهی کوتاه و اجمالی به این مسئله داشته باشیم. این تحقیق که از سوی ریاست پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی پیشنهاد شد و توسط اساتید دانشکده طب استاد خانعلی محمدی (MPH در طب) و داکتر محمد حسین اخلاصی (ماستر طب عمومی) و جمعی از دانشجویان انجمن نخبگان طب طراحی و اجرا شد.

کلید واژه ها: وضعیت صحتی، غزنی، پوهنتون خاتم النبیین

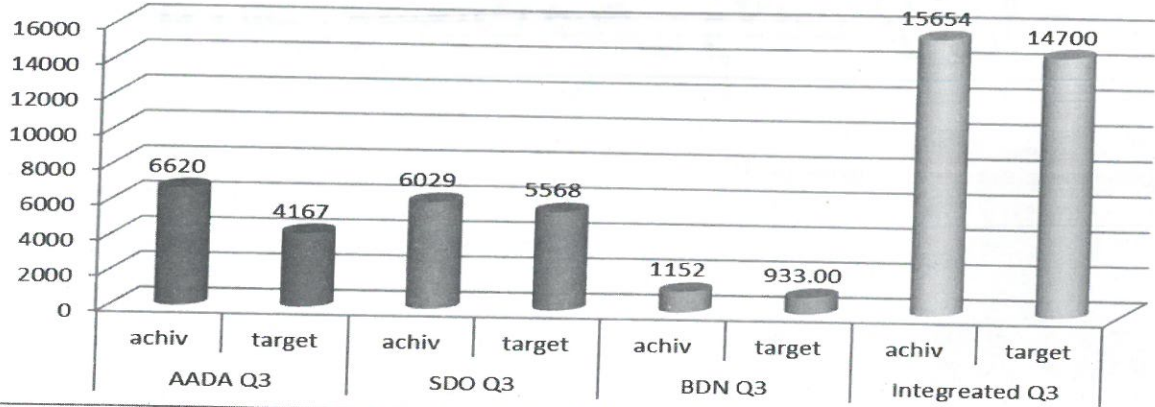
سیستم صحتی در ولایت غزنی:

سیستم صحتی در افغانستان BPHS از سمت دهات شروع شده و به شفاخانه های تخصصی در کابل پایان خواهد یافت. نفوس در ولایت غزنی که از خدمات استفاده میکنند ۱۰۹۶۲۰۰ نفر می باشد که در ۱۸ ولسوالی زندگی می کنند. اولین بخش BPHS پسته صحتی (Health Post) است در مرکز صحتی که در آن یک مرد و یک زن از همان قریه خدمات صحتی اولیه را برای در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ فامیل و یا ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر نفوس عرضه نمایند، می باشد، در ولایت غزنی پسته صحتی که زیر نظر وزارت صحت و ولایت غزنی باشد ۸۰۷ مرکز می باشد. سب ستر (Sub

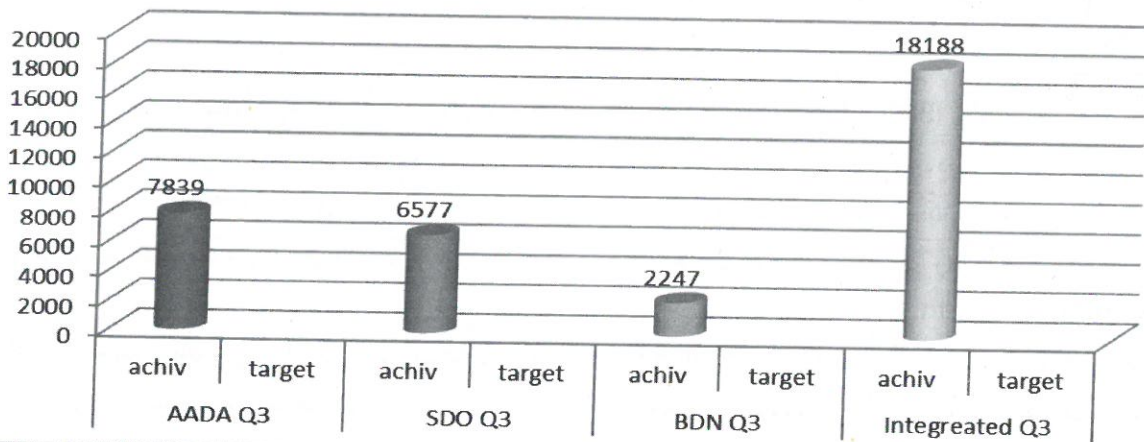
Center) (SC): مرکز صحتی که در آن یک نرس مردانه، یک قابله، دو واکسیناتور، یک گارد و یک صفاکار ایفای وظیفه مینماید و در حدود ۷۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نفر را تحت پوشش عرضه خدمات صحتی قرار میدهد که در ولایت غزنی ۳ مرکز صحتی وجود دارد. مرکز صحتی اساسی (Basic Health Center) (BHC): مرکز صحتی که در آن یک داکتر ویا نرس ترجیحا داکتر، یک قابله، دو واکسیناتور، یک گارد و یک صفاکار ایفا وظیفه نماید و در حدود ۱۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نفر را تحت پوشش عرضه خدمات صحتی قرار دهد، در ولایت غزنی ۴۰ مرکز صحتی اساسی است. مرکز صحتی جامع (Comprehensive Health Center) (CHC): مرکز صحتی که در آن یک نفر داکتر مردانه، یک داکتر زنانه، دو قابله، یک نرس مردانه، یک نرس زنانه، یک فارمسست، یک نفر مدیر اداری، یک نفر سوپروایزر صحتی، یک نفر درپور، دو نفر واکسیناتور، دو نفر گارد و دو نفر صفاکار و یک امبولانس با خدمات نوکریوالی ۲۴ ساعته موجود باشد و در حدود ۳۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ نفر را تحت پوشش عرضه خدمات صحتی قرار دهد، ۲۶ مرکز صحتی جامع در ولایت غزنی است. شفاخانه ولسوالی (District Hospital) (DH): که در آن خدمات شفاخانه بی مکمل ارایه میگردد و در حدود ۶۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر را تحت پوشش عرضه خدمات صحتی قرار میدهد. در ولایت غزنی چند مورد وجود دارد.

علاوه بر مراکز بالا جمعاً ۱۳ مرکز دیگر خدمات مختلط می دهند، و به طور کلی همکاران دیگری نیز در این زمینه صحت مانند SDO-ARCS-SO- BDN-MOPH AADA وجود دارد تا در زمینه ارتقای سلامت مردم به دولت همکار هستند. به طور کلی خدمات اصلی در ولایت غزنی از نوع عرضه خدمات صحتی BPHS-EPHS که در بخش شفاخانه ها و مراکز صحتی است فعالیت میکنند و به نقل از رئیس صحت عامه غزنی فعلاً ۸۵٪ اهالی ولایت غزنی از عرضه خدمات صحتی استفاده می کنند. در جداول زیر اشاره ای به کارهای انجام شده توسط مراکز صحتی میکنیم.

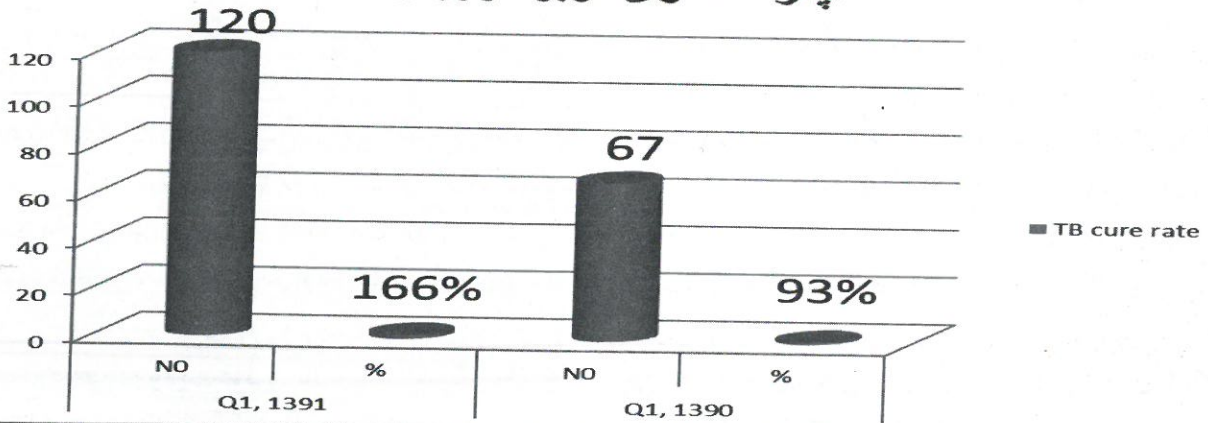
واکسیناسیون 3 پنتا



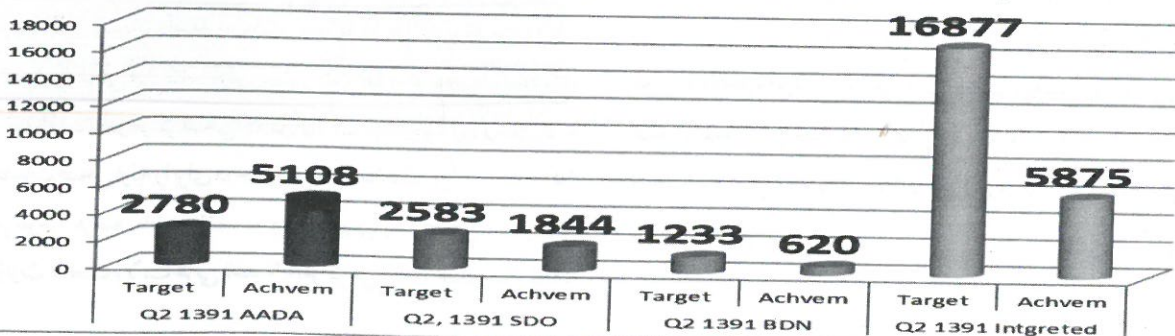
چارت مقایسوی اسهال در ربع سوم سال 1391



چارت تداوی توپرکلوزیس



واکسیناسیون تیتانوس برای اناث بین 15-45 سال



یکی از مهمترین ارکان در بالا بردن سطح سلامت در بخش تداوی و پیشگیری از امراض در کشور شفاخانه است. شفاخانه در سیستم خدمات صحتی در افغانستان (BPHS) به شرح زیر جای داده شده است. شفاخانه ولایتی (Provincial Hospital) (PH): تمام خدمات شفاخانه‌یی را ارایه میکند که در حدود ۱۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ نفر نفوس را تحت پوشش قرار میدهد. یک شفاخانه ولایتی در سطح ولایت غزنی است. شفاخانه مهم ترین مرکز صحتی، درمانی بشمار می آید چرا که بازوی مهم ارائه خدمات صحتی و درمانی در اولین سطح ارجاع با قلمرو و مسئولیت های مشخص است. سازمان صحت جهانی (W.H.O.) شفاخانه را در سطح ولسوالی، مهم ترین عامل موفقیت در حصول به صحت برای همه (H.F.A.) تا سال ۲۰۰۰ می شمارد. شفاخانه ها همچون یک واحد فابریکه متشکل از عوامل تولید مانند سرمایه، نیروی انسانی، فن آوری و مدیریت هستند و با استفاده از تسهیلات ویژه، جهت تولید محصولی به نام "حفظ، بازگشت و ارتقای صحت جسمانی و روانی افراد جامعه، و نیز انجام تحقیقات طبی و آموزش نیروهای ماهر مورد نیاز بخش صحت و درمان رول اساسی ایفا می کنند. شفاخانه ها، قسمت اعظم هزینه های سلامت در اغلب کشورها را به خود اختصاص می دهند و اسناد حاکی از آن است که چشم انداز وسیعی برای ارتقاء و اعتلای اینگونه منابع (مالی) وجود دارد.

مطابق مطالعه وسیع و اساسی بانک جهانی از شفاخانه های دولتی بین ۵۰ تا ۸۰ فی صد منابع سلامت بخش دولتی در کشورهای در حال توسعه، توسط شفاخانه ها مصرف می شود.. گزارش سازمان صحت جهانی نیز تاکید بر همین امر بوده و سهم شفاخانه ها کشورهای جهان سوم از هزینه های جاری دولت در بخش صحت و درمان را بین ۵۰-۸۰ برآورد می کند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها بودجه ای که صرف خدمات شفاخانه ها می گردد، هرگز با تولید و ارایه خدمات واقعی آنها متعادل و متناسب نیست.

افغانستان متأسفانه یکی از کشورهایی است که شفاخانه های آن از استاندارد های جهانی فاصله دارد. ولایت غزنی با جمعیت حدود یک میلیون و صد هزار نفر نیز دارای شفاخانه های غیر استاندارد جهانی می باشد. در این مطالعه میدانی که فقط در

شهر غزنی صورت گرفته، تقریباً ۷ شفاخانه و چندین کلینیک درمانی در شهر غزنی وجود داشت با ما همکاری نمودند: از جمله: شفاخانه ولایتی غزنی، رحمان معالجوی روغتون، شفاخانه قادری، شفاخانه بوعلی، شفاخانه الفجر، کلینیک معالجوی بستردار طهماس. در این مطالعه بر روی ۵۷ فاکتور موجود در یک شفاخانه در ۸ گروه مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج:

در این تحقیق پس از آنالیز به نتایج زیر دست یافتیم: سه شفاخانه بطور ۲۴ ساعته خدمات ارائه میدهند، تعداد بسترها از ۱۳۰ در شفاخانه ولایتی تا ۱۰ بستر در شفاخانه ای دیگر میرسد. خوشبختانه نصف شفاخانه ها پارکینگ دارند. از نظر وضعیت شفاخانه ها از جمله: ساختمان، تجهیزات، لابراتوار، دواخانه، موقعیت آنها اکثراً در حد متوسط است. و دو مورد آن در حد ضعیف است. در مورد نیروی انسانی و تعداد دوکتران متخصص می توان گفت: هیچ کدام یک از شفاخانه ها جراح مغز و اعصاب ندارد. دو کتوران متخصص در بخش داخله در اکثر شفاخانه ها بین ۱ تا ۳ نفر موجود است، متخصص گوش و گلو در ۵۰٪ از شفاخانه ها فقط یک نفر موجود است همچنین متخصص اطفال یک نفر در همه شفاخانه ها وجود دارد. دو کتوران متخصص اورتوپدی و انستیزی، نسایی ولادی، قلب، یورولوژی، رادیولوژی، سونولوژی و جلدی به طور میانگین در هر شفاخانه یک نفر وجود دارد. در همه شفاخانه ها داکتران ماستر در رشته های مختلف وجود دارد که حداقل از ۲ نفر تا ۵ هستند، اما متأسفانه فقط در یک شفاخانه دوکتری با درجه P.H.D. وجود داشت. انواع بیماران در شفاخانه های ولایت غزنی قابل تداوی می باشد، اما بعضی از امراض مانند HIV, HCV, انواع کنسرها (انواع سرطانها)، انواع بیماریهای قلبی و کلیوی قابل تداوی نیستند. داروهای که در شفاخانه های ولایت غزنی وجود دارد به ترتیب از کشور های پاکستان، ایران، هند و کشورهای عربی استفاده میشود. البته داروهای از کشورهای جرمی و فرانسه هم مورد استفاده قرار میگیرد مثل شفاخانه ولایتی غزنی که داروهای جرمی استفاده میکند. نتایج بیشتر را می توان در جدول زیر با جزئیات بیشتری دید.

نتیجه گیری :

با توضیحات و داده های کوتاهی که گزارش شد، می توان گفت وضعیت شفاخانه ها در ولایت غزنی تا استانداردهای جهانی و حتی منطقه ای فاصله بسیار زیادی دارد، اما نسبت به وضعیت شفاخانه ها در افغانستان در حد متوسط ارزیابی میشود. و از طرفی دیگر مهمترین مسائلی که در ولایت غزنی وجود دارد تا ما نتوانیم به بالا بردن سلامت در ولایت غزنی سرعت بیشتری ببخشیم موارد زیر را میتوان اشاره کرد: نبود امنیت، نرسیدن راپور بوقت معین، ضعف در سیستم فیدبک دهی به مراکز صحتی، ضعف در پر کردن فرم ها، عدم مطابقت بعضی راپورها با امراض عاجل، استفاده نکردن از فورم امراض فوراً قابل گزارش، نداشتن بودجه در ارتباط دایر نمودن ورکشاپ به امرین مراکز صحتی تحت پوشش ریاست صحت عامه است. پلان و برنامه های را که میتوان برای آینده صحت در ولایت غزنی در نظر گرفت تا با عث ارتقاء سطح صحت و سلامت در افراد جامعه شود به موارد زیر میتوان اشاره کرد: انجام مطالعات و تحقیق در زمینه سیستم صحتی، همکاری کردن شفاخانه ها با مسائل تحقیقی (در این مطالعه متأسفانه تعدادی از شفاخانه ها همکاری مناسبی نداشتند) تحلیل و تجزیه ارقام به طور کاملاً درست و ارائه نتایج آن به سطح مراکز صحتی و همچنین دادن فیدبک به موسسه محترم مربوطه، داشتن هدف نظریه نفوس ساحه تحت پوشش ولایت در تمام شاخص ها، داشتن پروفایل صحتی به سطح ولایت و به سطح موسسات همکاری صحتی که خدمات صحتی عرضه میکند. در پایان از ریاست صحت عامه ولایت غزنی و تمامی همکاران ایشان کمال تشکر و قدردانی را داریم که در این مطالعه همکاری کردند و نیز از دانشجویان دانشکده طب خانمها: فرشته فاضل، بصیره مبارز، و آقایان غلام عمر عیان، حمید الله مهدی زاده، شاه محمد شهنای محمدی که در قسمت اجرای طرح نقش داشتند، و از همکاران در شفاخانه های: شفاخانه ولایتی غزنی، رحمان معالجوی روغتون، شفاخانه قادری، شفاخانه بوعلی، شفاخانه الفجر، کلینیک معالجوی بستر دار طهماس و از تمامی کسانی که در این گزارش همکاری داشتند کمال سپاس و تشکر را داریم.

تعداد پرسونل کار آموزده

پرسونل	کل فیصد شفاخانه هایی که در ولایت غزنی پرسونل را دارند
داکتر معالج	۱۰۰٪
نرس	۱۰۰٪
قابله	۸۰٪
لیبرانت	۱۰۰٪
ایکسری	۸۰٪
روانشناس	۲۰٪
فارماکولوژیست	۴۰٪
پاتولوژیست	۰٪
فزیوتراپیست	۶۵٪

بخش های مختلف طبی	
بخشها	کل فیصد شفاخانه هایی که در ولایت غزنی بخشها را دارند
Interesting word	٪۸۰
Surgical word	٪۱۰۰
Gynecological word	۵۰٪
Neurosurgical word	۰٪
I.C.U.	۱۰۰٪
C.C.U.	۰٪
Lab	۱۰۰٪
X-Ray	۸۰٪
C.T. Scan Room	۰٪
Pharmacy	۱۰۰٪
Dialysis Center	۰٪
Stocke Blood Room	۳۰٪
Ambulance	۱۰۰٪
Pediatric word	۱۰۰٪
Infected word	۸۵٪
Interesting word	٪۸۰
Surgical word	٪۱۰۰
Gynecological word	۵۰٪
Neurosurgical word	۰٪
I.C.U.	۱۰۰٪
C.C.U.	۰٪

گزارش کوتاهی از مساجد، مدارس دینی و رسانه های شهر غزنی!

مقدمه

فرهنگ و عناصر فرهنگی از امور زیر بنایی یک جامعه محسوب می شود. هر گونه تحول در یک جامعه ای تابع تحول در حوزه های فرهنگی است. بر این اساس، گزارشی کوتاهی از مراکز فرهنگی فعال در شهر غزنی ارائه شده است که در زیر به مواردی از آن اشاره می شود.

کلیدواژه ها:

مساجد، مدارس، دارالحفاظ، رسانه و مطبوعات

الف) مساجد شهر غزنی

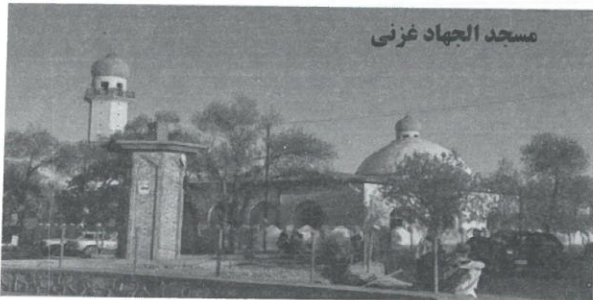
ولایت غزنی به طور کلی دارای ۴۴۷۹ مسجد جامع و غیر جامع در مرکز ولایت و ولسوالی ها و نیز ۳ باب دارالقرآن و دارالحفاظ در مرکز می باشد، که از باب نمونه به تعدادی از مساجد جامع شهر غزنی اشاره می شود:

مسجد جامع حضرت محمد مصطفی، مسجد جامع حضرت سیدالشهدا، مسجد جامع کلاه سبز، مسجد امام زمان، مسجد حضرت علی، مسجد امام زمان، مسجد جامع نبوت، مسجد خاتم الانبیا، مسجد امام هادی، مسجد الجهاد، مسجد بابه طاهر، مسجد سید احمد مکی، مسجد ابوبکر صدیق، محمدی، امام ابوحنیفه، شامیر صاحب، جمع اولیاء، شهر کهنه، ختم المرسلین، حکیم سنایی، انس ابن مالک، موی مبارک، خشک بالا، قلعه امیر محمد، مسجد جامع ارزو، مسجد خواجه حکیم، مسجد عیدگاه، مسجد حضرت عثمان، مسجد وردکان، مسجد احمدآباد وردکان، مسجد بزازان، مسجد پخته فروشان، مسجد حضرت انس، و صدها مسجد جامع و غیر جامع.

ب) مدارس دینی شهر غزنی

شهر غزنی دارای حوزه های متعدد علمیه است که در زیر به تعدادی از آن اشاره می شود:

حوزه علمیه توحید با مدیریت استاد اصغری، حوزه علمیه خاتم الانبیاء با مدیریت استاد وقایی، حوزه علمیه محمدیه با مدیریت استاد علیزاده، حوزه علمیه چهارده معصوم با مدیریت استاد ناطقی، حوزه علمیه اهل البیت با مدیریت استاد حسینی، حوزه علمیه حضرت نرگس با مدیریت استا اکبری، حوزه علمیه امام باقر با مدیریت استاد احمدی. حوزه علمیه و دارالقرآن فاطمه زهرا با مدیریت استاد الیاسی. در این حوزات علمیه دروس زیر در سه سطح مقدماتی، متوسطه و عالی تدریس می شود: فقه، اصول، منطق، ادبیات عرب، تفسیر، عقاید، اخلاق، تجوید. علاوه بر مدارس دینی، دارالقرآن هایی نیز



در شهر باستانی وجود دارد که از باب نمونه می توان به دارالحفاظ عبدالله ابن عباس اشاره کرد.

ج) رسانه های غزنی

شهر غزنی دارای رسانه های متعدد صوتی، تصویری و چاپی است که در زیر به تعدادی از آن اشاره می شود:

۱ رادیو

رادیو ملی غزنی، رادیو غزنویان، رادیو دهکده، رادیو امید جوان، رادیو سعادت، رادیو پیام جوان، رادیو معرفت، رادیو سماع، رادیو کلید.

۲ تلویزیون

در ولایت غزنی دو شبکه تلویزیون وجود دارد تلویزیون ملی غزنی با آمریت نصیر بیان و تلویزیون غزنویان با مدیریت فرید احمد عمری.

۳ مطبوعات چاپی

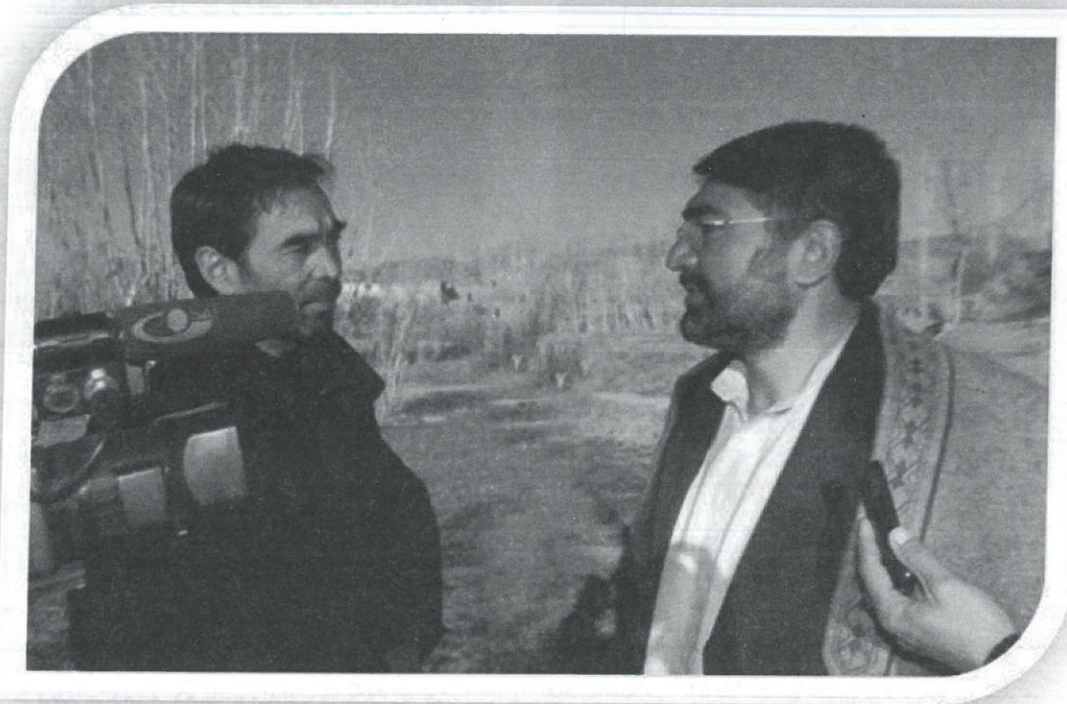
در بخش مطبوعات چاپی به برخی از نشریه های که از یک دهه بدین سو در غزنی فعالیت دارند اشاره می شود: نشریه پیام خاتم با مدیریت دانشگاه خاتم النبیین، تدبیر خاتم با مدیریت دانشکده های اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی و طب دانشگاه خاتم، جریده ارمغان قادری با مدیریت محب الله الفت هاشمی، جریده مهرتابان، جریده جهان ملکه با مدیریت ریاست امور زنان، جریده سیمای غزنه با مدیریت حمیدالله سروری، هفته نامه غزنی با مدیریت حسینی، جریده آوای غزنه با مدیریت محمد علی، جریده پگاه با مدیریت جان علی بختیاری، جریده ندای غزنه با مدیریت ممتاز حیدری، مجله غزنی ۲۰۱۳ با مدیریت اطلاعات و فرهنگ، مجله لونگ با مدیریت محمدیونس برهان، گاهنامه ژمنه با مدیریت عبدالولی خانزاده، مجله کندو با مدیریت محمد عارف روان، مجله نیستان با مدیریت عبدالغفور عشرتی. نشریه فجر با مدیریت کتابخانه عامه، نشریه سنایی با مدیریت اطلاعات و فرهنگ غزنی.

گفتگوی ویژه با:

- دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان
- عبدالجامع جامع سرپرست شورای ولایتی غزنی؛
- قومندان امنیه غزنی در سفر به ولسوالی های قره باغ، جاغوری و مالستان
- خانم سمیرا احمدی، حافظ کل قرآن کریم؛ دانشجوی قابلیت.

آنچه را خوانندگان محترم می خوانند گفتگوی اختصاصی نشریه پیام خاتم در پایان سفر دکتر عبدالقیوم

سجادی به ولسوالی های قره باغ، جاغوری و مالستان صورت گرفته است



جناب دکتر با سپاس و تشکر از این که وقت گرانبهای خود را در اختیار نشریه «پیام خاتم» قرار دادید.

۱. «پیام خاتم» هدف از سفر در ولسوالی های جاغوری، مالستان و قره باغ چه بوده است؟

دو موضوع را می توان به عنوان اهداف مهم سفر ذکر کرد؛ یکی از اهداف سفر در این ولسوالی ها تهداب گزاری سنگ دو مکتب در منطقه سرقانی و ورقه تمکی ولسوالی قره باغ، یک لیسه در مهاجرین جاغوری و سنگ تهداب دانشگاه خاتم النبین^(ص) جاغوری بوده است، من سال قبل به مردم این ولسوالی ها وعده داده بودم که ساختمان این مکاتب را می سازم، الحمدلله امروز آمده ایم تا به وعده های که یک سال قبل داده بودم جامه عمل بپوشانیم.

هدف دوم از سفر به این ولسوالی ها را می توان دیدار با مردم بخاطر مشکلات اجتماعی، امنیتی و معارف یاد کرد، ما با وزیر معارف کشور و مسئولین محلی غزنی بخصوص قومندان امنیه غزنی آمده ایم تا مشکلات مردم را از نزدیک از زبان آنها بشنویم و راه حل برای آن جستجو کنیم.

۲. «پیام خاتم» ارزیابی از سفر در این ولسوالی ها چگونه بوده است؟

یک سال قبل با جمعی از دوستان برای دیدار با مردم این ولسوالی ها اینجا آمدیم و برای بعضی از مناطق که مشکلات مکتب داشتند

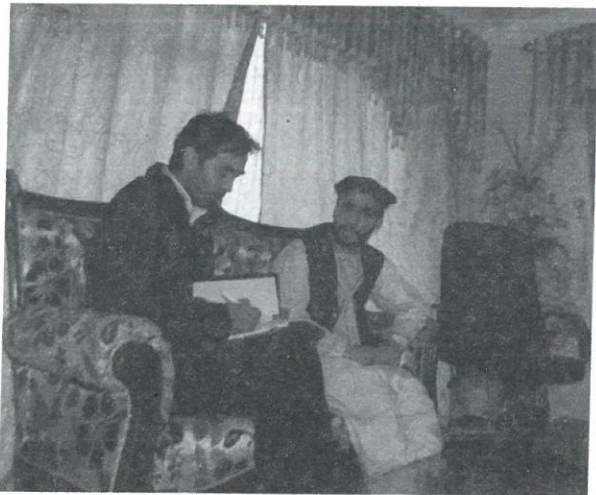
وعد ساخت مکتب دادیم، امروز که با وزیر معارف و مسئولین محلی غزنی و جمعی از اساتید دانشگاه خاتم النبین کابل و غزنی اینجا آمده ایم، با استقبال گرم و صمیمی این مردم رو برو شدیم، استقبال این مردم از نماینده شان و وزیر معارف و مسئولین محلی غزنی نشان می دهد که این مردم اهل معارف هستند و از معارف به گرمی استقبال می کند.

همین طور در این سفر قومندان محترم امنیه ولایت غزنی، با ما حضور دارند، ما تلاش می کنیم تا رسیدگی به مشکلات امنیتی راه های مواصلاتی این ولسوالی ها را به مرکز را بررسی کرده و راه حل برای آن پیدا کنیم تا مردم این نگرانی را هم نداشته باشند.

۳. «پیام خاتم» خاطرات شما از سفر در این ولسوالی ها چه است؟

تمام این سفر خاطرات خوش است، ملاقات با مردم، دید و بازدید از محلات، شنیدن مشکلات آنها تماما خاطره است، اما خاطره بیاد ماندنی این سفر، علاقه مردم به معارف است، امروز مردم ما به حدی از رشد تعلیم و تربیه اولاد شان رسیده اند که وزیر معارف کشور و نماینده شان با طیاره قریه به قریه برای ارتقای ظرفیت معارف و رشد علم و دیدار با مردم می آیند، این موضوع یکی از خاطرات این سفر خواهد بود.

گفتگوی ویژه با عبدالجامع جامع سرپرست شورای ولایتی غزنی!



۱. «پیام خاتم» کارکرد شورای ولایتی غزنی را در این چهار سال چگونه ارزیابی می کنید؟

من در این چهار سال وکالت در شورای ولایتی غزنی تا هشتاد درصد راضی هستم و از همکاری حکومت در این چهار سال با شورای ولایتی تشکر و قدر دانی می کنم، ما در مورد نظارت از کارها مشکل نداشتیم، در این مدت هماهنگی بین وکلای شورا وجود داشت، اگر کدام اختلاف دیده می شد اختلاف های قومی، مذهبی، سمتی نبوده است، بلکه اختلاف های سیاسی بود که برای پیشبرد مثبت کارهای مردم بوده است.

۲. «پیام خاتم» نقش شورای ولایتی را در دفاع از حقوق مردم چگونه می بینید؟

در بخش وظایف شورای ولایتی در دفاع از حقوق مردم، ما تا حدود در این مدت راضی بودیم، ما تا حدود یک هزار عریضه مردم را رسیدگی نمودیم که شامل موضوعات مشکلات مردم با حکومت، مردم با مردم، مردم با زومندان، مشکلات خشونت با زنان، غصب زمین، اصلاحات اداری و... بوده است. ما حدود هشتاد درصد مشکلات مردم را حل کردیم و حدود بیست درصد آن را به محاکم عدلی و قضایی سپردیم.

۳. «پیام خاتم» در آینده کاندید هستید؛ اگر کاندید هستید چه پلان برای آینده دارید؟

من در دور بعدی شورای ولایتی غزنی کاندید هستم، من روز اول که کاندید کردم با سه شعار وارد شورا شدم: یک. مشارکت ملی و همدیگر پذیری؛ دو. دفاع از حقوق تمام مردم غزنی، سه. مبارزه با غاصبین زمین، فساد اداری، دفاع از حقوق جوانان، ما در دور بعدی نیز با همین هدف وارد کاندیدا توری شورای ولایتی می شویم.

۴. «پیام خاتم» ارزیابی شما از وضعیت بازسازی سال ۲۰۱۳ غزنی چگونه بوده است؟

حکومت مرکزی در پروسه غزنی ۲۰۱۳ ظلم بزرگ نمودند، قرار بود بخاطر سال ۲۰۱۳ دوصد و بیست میلیون دالر برای بازسازی داده شود، اما متاسفانه تنها بیست میلیون دالر برای غزنی داده شده است، در این مورد حکومت توجه به غزنی نکرده است، ارک نیز توجه مثبت نکرده است، من در این قسمت از وکلای پارلمان غزنی، بخصوص داکتر صاحب عبدالقیوم سجادی و داکتر شاه جهان و نماینده های سنا کلا تشکر و قدر دانی می کنیم.

از اداره محلی بخصوص مقام محترم ولایت غزنی، تشکر می کنیم، ما تا هنوز ۴۲ آبدۀ تاریخی غزنی را بازسازی کردیم، ۷۲ کیلومتر سرک را در داخل شهر پخته کاری کردیم، در مرکز ثقافت اسلامی ۵۴ بلاک ساختیم، نود و پنج درصد مرکز ثقافت ساخته شده است، بازار سرپوشیده زنانه را ساختیم، مهمانخانه تکمیل شده است، بناء از تمامی کسانی که در این قسمت نسبت به بازسازی غزنی کمک نموده اند، بخصوص والی غزنی قدر دانی و تشکر می کنیم.

در بخش بازسازی هیچ کشور اسلامی نسبت به بازسازی غزنی کمک نکرده است، ولایات که با ما کمک نموده است، نیز تشکر می شود.

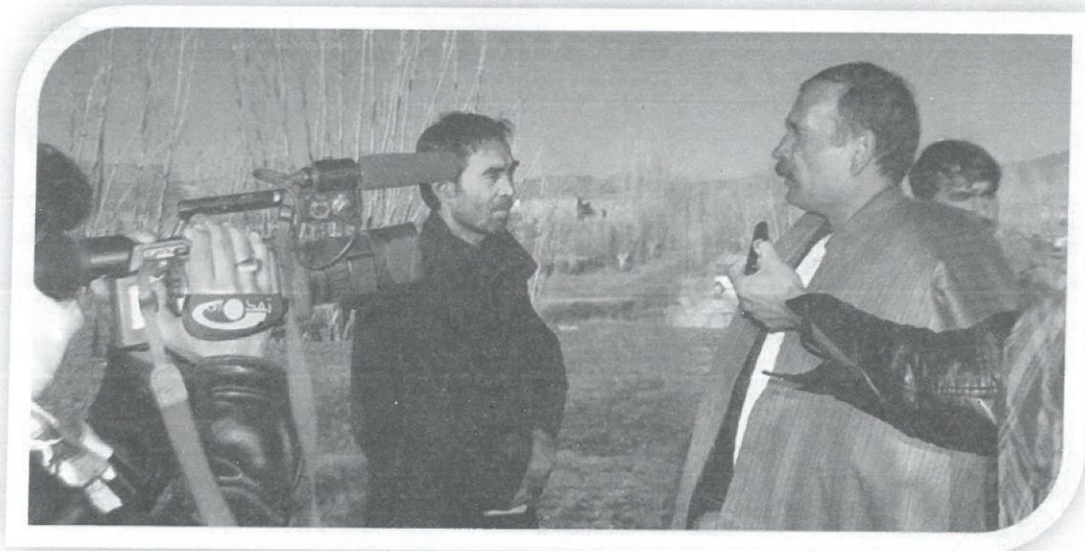
۵. «پیام خاتم» ارزیابی شما از فعالیت های پوهنتون خاتم النبیین^(ص) در این دو سال چگونه است؟

تاسیس پوهنتون خاتم النبیین^(ص) در چنین موقعیت یک اقدام مهم برای غزنی بوده است، آوردن پوهنتون خاتم النبیین^(ص) در غزنی باعث اتحاد مردم غزنی شده است، چون فرزندان همه اقوام بدون کدام تبعیض در آن جا درس می خوانند، این اقدام در نوع خود کمک به تحصیلات عالی و معارف کشور محسوب می شود، و به جرئت می توان گفت کارکرد پوهنتون خاتم النبیین نسبت به پوهنتون های دولتی و خصوصی خوب بوده است.

پس جا دارد که ما از جناب دکتر عبدالقیوم سجادی و حضرت آیت الله محسنی و استاد حسین حبیبی و تیم کاری پوهنتون قدر دانی کنیم، چون این عمل خود یک اقدام بزرگ برای سال ۲۰۱۳ غزنی بوده است.



آنچه را خوانندگان محترم می خوانند گفتگوی اختصاصی نشریه پیام خاتم در پایان سفر دکتر به ولسوالی های جاغوری، مالستان و قره باغ با مل پاسوال محی الدین سروری قومندان امنیه غزنی صورت گرفته است



جناب محترم مل پاسوال محی الدین سروری قومندان امنیه غزنی، با سپاس و تشکر از این که وقت گرانبهای خود را به نشریه «پیام خاتم» گذاشتید.

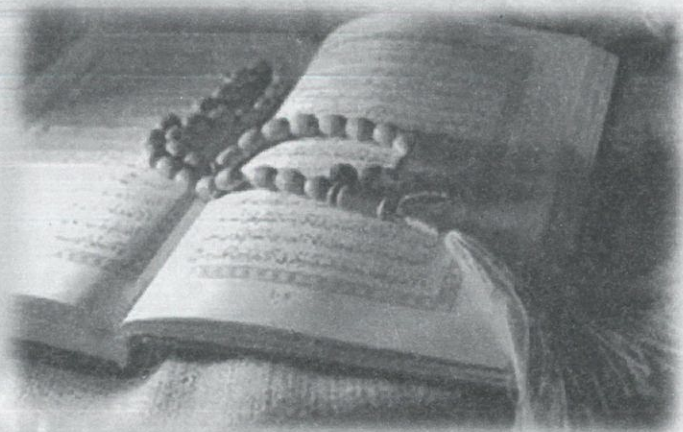
۳۵

۲. خاطرات شما از سفر در این ولسوالی ها چه است؟

سفر در کنار بزرگان تمامش خاطره است، آنچه بیشتر توجه مرا در این سفر به خود جلب کرد علاقه این مردم به معارف است، همین علت است که در ولسوالی های جاغوری، مالستان و بخشی از قره باغ امنیت سراسری برقرار است، چون جای که معارف وجود دارد دیگر جنگ و نا امنی نیست، من از تمام مردم ولسوالی های قره باغ، جاغوری و مالستان تشکر و قدردانی می کنم، انشاء الله در برگشت تلاش می کنیم تا وضعیت نا امنی راه های مواصلاتی این ولسوالی ها را با مرکز را حل نماییم.

۱. هدف از سفر در ولسوالی های قره باغ، جاغوری و مالستان چه بوده است؟

با دوهدف ما در این سفر آمده ایم، هدف اول از سفر در ولسوالی های جاغوری، مالستان و قره باغ، همراهی دکتر صاحب عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان، وزیر معارف کشور، مسئولین محلی غزنی استادان دانشگاه خاتم النبیین کابل و غزنی بوده است. ثانیاً ما آمده ایم تا وضعیت امنیتی ولسوالی های جاغوری، مالستان و قره باغ را بررسی کنیم، مردم این ولسوالی ها از نا امنی راه های مواصلاتی این ولسوالی ها با مرکز شکایت داشتند، ما می خواهیم وضعیت را از نزدیک بررسی کنیم و از زبان مردم بشنویم و برای رفع آن اقدام نماییم.



گفتگو با خواهر «سمیرا احمدی» حافظان کل قرآن کریم

از دانشجویان سال اول رشته قابلگی شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

چه عوامل سبب شد تا علاقمند به حفظ قرآن شوید؟

اولین عامل و مشوقم برای حفظ قرآن کریم، پدر و مادرم بود که همیشه مرا یاری کردند تا حافظ قرآن کریم شوم، بعد از پدر و مادر، تلاش ها و تشویق استادم هبت الله صابری پشتوانه ام در حفظ قرآن کریم بود.

چند مدت طول کشید تا قرآن را حفظ کنید؟

حدود چهار و نیم سال قرآن کریم را حفظ نمایم.

چه احساس دارید از این که حافظ قرآن هستید؟

من واقعا خداوند را شاکر و سپاسگزارم و احساس خوبی دارم نسبت به این که کلام الهی را که یک توفیق خداوندی می باشد همیشه با خود دارم.

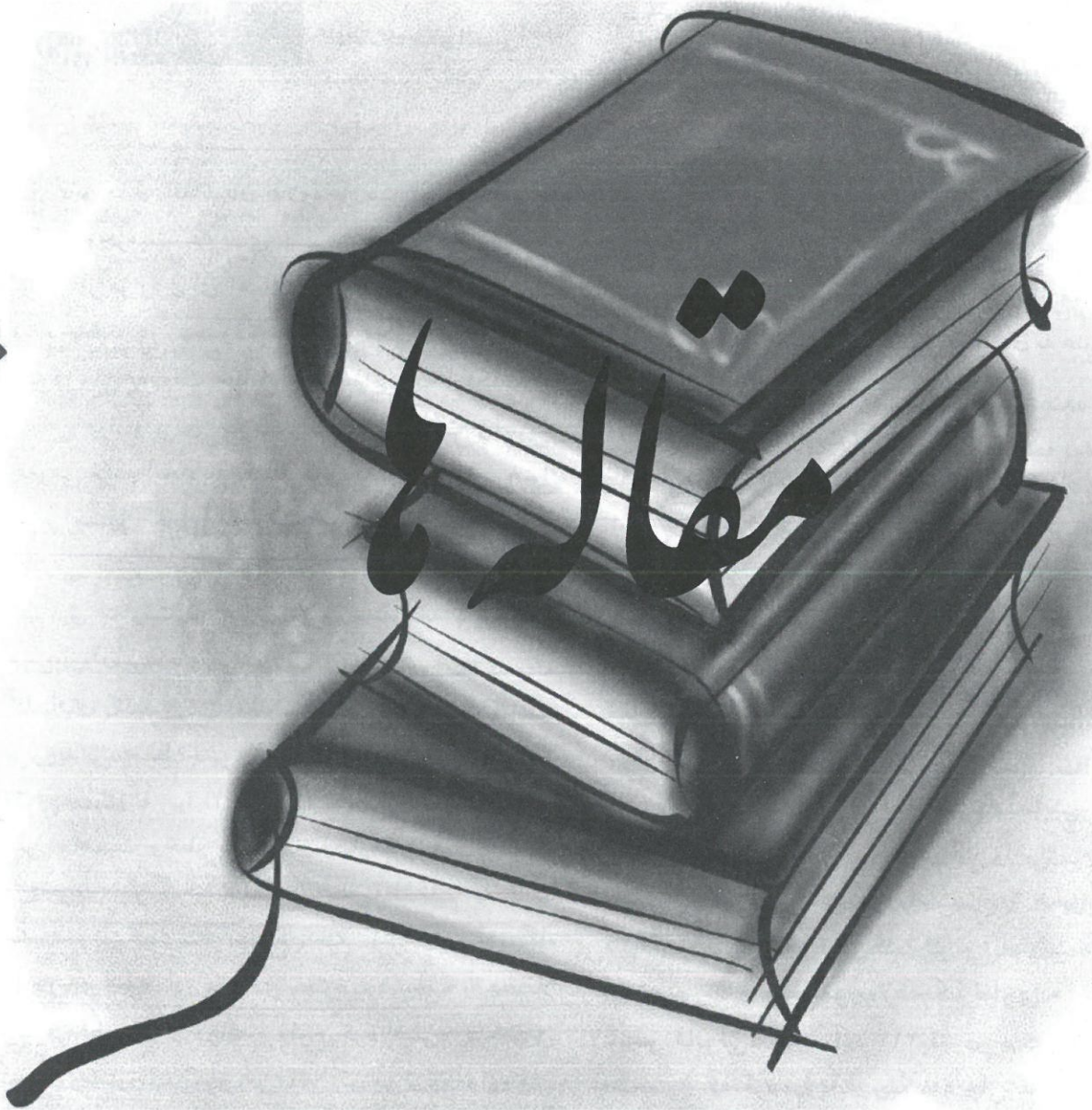
خود را هیچ وقت تنها احساس نمی کنم به گفته حافظ :

حافظا در گنج فقر و خلوت شبهایی تار

تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

چه توصیه های برای دیگر خواهران و برادران دارید؟

خواهران و برادران جوان باید تلاش کنند تا همیشه مانوس با قرآن باشند، چون آثار و برکات معنوی که در قرآن است در هیچ جایی دیگر وجود ندارد.



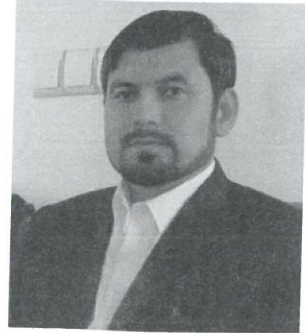
جلوه های معاونت به صورت جرم مستقل در حقوق جزای اختصاصی افغانستان!

استاد حسین حبیبی

رئیس

شعبه غزنی

دانشگاه خاتم النبیین (ص)



چکیده:

قانونگذار افغانستان علاوه بر بیش بینی حکم عام و کلی مجرمیت عاریه ای نسبی معاونت در جرم، در برخی از موارد برای اعمالی که ماهیتاً معاونت در جرم بوده و باید در محدوده مقررات ماده ۳۹ ق.ج.ا. قرار گیرد، ولی به علت خطرات و صدماتی که ارتکاب این گونه اعمال، برای سلامت افراد و یا امنیت و آسایش عمومی مردم ایجاد می کنند، قانونگذار آنها را به عنوان جرم مستقل قابل مجازات می شناسد. اینک برای آشنایی بیشتر خوانندگان محترم نشریه پیام خاتم با مصادیق معاونت به عنوان جرم مستقل به ذکر نمونه هایی از آن پرداخته می شود.

کلمات کلیدی: معاونت، جرم مستقل، امنیت، فرارزندانی، سقط جنین، تحریک و تشویق، مجازات.

طرح مسئله

نظر به اهمیت و خطر پاره ای از رفتارها و شقوق معاونت در جرم، قانونگذاران به منظور حفظ نظم و صیانت جامعه و پیشگیری از وقوع جرم و برخلاف دیدگاه استعاره ای خود، در مواردی معاونت در جرم را مستقلاً و صرف نظر از وقوع یا عدم وقوع جرم اصلی، جرم تلقی نموده و مستوجب کیفر می داند که می توان برای این گونه موارد ویژگی های ذیل را بیان کرد:

۱. از دیدگاه قانونگذار، آثار و تبعات تخریبی اجتماعی جرمی که مورد حکم خاصی قرار گرفته است، بیشتر است.

۲. ویژگی دومی که می توان گفت، این است که ظاهراً

قانونگذار برخلاف شرطیت وقوع جرم، در این گونه جرایم خاص، حصول نتیجه مجرمانه را شرط ندانسته و برای صدق معاونت و اعمال مجازات، اقدام انجام شده معاون را به تنهایی کافی می داند. در حالی که شرایط تحقق معاونت در ماده ۳۹ قانون جزای افغانستان، تحقق نتیجه مجرمانه است.

۳. برخلاف معاونت در جرم که علی القاعده تعیین مجازات معاون به تشخیص و اختیار محکمه گذاشته شده است، در جرائم مورد بحث غالباً میزان و نوع مجازات در قانون مشخص و تعیین گردیده و قاضی مکلف به پیروی از آن می باشد.

براین اساس، اینک به بررسی جلوه های از معاونت در جرم در حقوق جزای اختصاصی افغانستان به عنوان جرم مستقل می پردازیم.

۱. جرائم ضد امنیت داخلی کشور

گرچه همه جرایم به نوعی امنیت را خدشه دار می کنند اما، در برخی جرایم این خصیصه روشن تر است. به عبارت دیگر به طور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی و آسایش عمومی در ارتباط هستند. چنان که جرایمی مانند جاسوسی، محاربه، شورش، سوء قصد به جان مقامات سیاسی مستقیماً حاکمیت ملی و پایه های حکومت را هدف می گیرند.

یکی از جرایم که بیش از همه امنیت و آسایش عمومی را خدشه دار می کند جرم تحریک و اغوای مردم به جنگ و گشتار بایکدیگر است. به همین دلیل قانونگذاران با آن که تحریک یک نوع معاونت در جرم است، بعنوان جرم مستقل مورد حکم قرار داده است.

عنصر قانونی: طبق ماده ۲۱۰ قانون جزای افغانستان:

«شخصی که مردم را به جنگ داخلی علیه یکدیگر تحریک کند، در صورت وقوع قتال به حبس دوام و در صورت عدم وقوع قتال اگر باعث ایجاد بی نظمی و غارت گردد، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد و در صورتی که تحریک شخص مذکور مؤثر واقع نگردد، مرتکب حسب احوال

به حبس متوسط محکوم می‌گردد.»

چنان که مشاهده می‌شود مرتکب جرم ناظر به همه افراد است، اعم از زن یا مرد، اداری یا غیر اداری، نظامی یا غیر نظامی، داخلی یا خارجی مشروط بر این که جرم در قلمرو حاکمیت کشور افغانستان واقع شود. ضمناً طرف جرم نیز باید «مردم» باشد و قید کلمه «مردم» در مواد فوق جنبه عمومی جرم را می‌رساند.

رکن مادی: رکن مادی این جرم، اغوا یا تحریک است که از نظر مقررات عمومی حقوق کیفری از مصادیق معاونت در جرم است. ولی در اینجا قانونگذار افغانستان آن را به عنوان جرم ویژه محسوب داشته و مرتکب آن به مجازات خاص محکوم شده است. منظور از جنگ و گشتار، جنگهای پارتیزانی و نامنظم است که به جنگهای داخلی معروف می‌باشد. این قبیل جنگها، شامل جنگ با قوای نظامی نمی‌باشد ولی دخالت قوای نظامی برای سرکوبی کشتار کنندگان و خواباندن غائله، مورد را از شمول این مواد خارج نمی‌کند.

رکن معنوی: عنصر معنوی این جرم، علاوه بر سوء نیت عام، قصد برهم زدن امنیت کشور است (سوء نیت خاص). بنابراین چنانچه اغوا و تحریک دو قبیل و یا طایفه به جنگ و کشتار نه به قصد برهم زدن امنیت کشور، بلکه در جهت مقاصد دیگری از قبیل تصفیه حسابهای خصوصی و تحصیل منافع نامشروع... صورت گرفته باشد، عملش با این مواد منطبق نخواهد بود و جرم مشمول مقررات مواد دیگر قانون قرار خواهد گرفت.

مجازات: برخلاف رویه قانونگذار افغانستان در ماده ۳۹ ق.ج.ا.، که وقوع جرم مورد معاونت را از شروط تحقق معاونت می‌داند در اینجا تصریح کرده است که مجازات مذکور منوط به تحقق جرم مورد نظر نیست؛ بلکه صرف نظر از این که این عمل موجب قتل و غارت بشود یا خیر، مجازات مذکور در حق او اعمال خواهد شد.

۲. فرار اشخاص زندانی یا توقیف شده

جرم فرار زندانیان و محکومین قانونی از جمله جرائمی است که برضد مصالح عمومی جامعه بوده و جامعه انتظار دارد که هرکس که مرتکب عمل خلاف قانون جزا شد، سریعاً تحت محاکمه قرار گرفته و به کیفر مقرر

در قانون محکوم شود. بدیهی است برای این که محکمه بتواند به سهولت به متهم مورد نظر دسترسی داشته باشد، قانونگذار اجازه داده که این متهم توقیف شده و دور از دسترس جامعه نگهداری شود و ترتیبی اتخاذ گردد که به هیچوجه نتواند متواری و یا ترتیب فرار او مهیا گردد. به همین جهت است که قانونگذار افغانستان در موارد مختلف قانون جزا هر نوع کمک و همراهی جهت فراری دادن این قبیل افراد را ممنوع ساخته است.

عنصر قانونی: برابر مواد ۳۳۵ و ۳۳۶ قانون جزای افغانستان: «شخصی که به محافظت، همراهی یا انتقال شخص گرفتار شده مکلف بوده و با او در فرار کمک نماید یا فرار را برای او آسان سازد، حسب آتی مجازات می‌گردد:

۱. اگر شخص گرفتار شده محکوم به جزای اعدام باشد، شخص موظف حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد.

۲. اگر شخص گرفتار شده به جزای حد یا حبس دوام محکوم شده باشد یا متهم به جرمی باشد که جزای آن اعدام باشد، شخص موظف حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

۳. در غیر از احوال مندرج فقرات فوق شخص موظف به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.»

ماده ۳۳۶: «هر موظف خدمات عامه که به گرفتاری شخصی مکلف باشد و در اجراءات لازمه گرفتاری به قصد معاونت متهم در فرار از محاکمه اهمال ورزد، مطابق به احوال مندرج ماده (۳۳۵) این قانون مجازات می‌گردد.»

چنان که ملاحظه می‌شود مرتکب جرم موضوع این مواد باید مأموری باشد که برابر مقررات قانونی، مسئولیت حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده را داشته باشد.

عنصر مادی: رکن مادی جرم فرار زندانی، مساعدت، تسهیل، تبانی و مواضعه برای فرار متهم یا محکوم است که به شکل های مختلف ممکن است تحقق یابد. مثل این که درب زندان و یا بازداشتگاه به روی او باز گردد و یا مأمور عمداً قفل دستبند را محکم به دست خود

نیسته باشد وزندانی بتواند در یک فرصت مناسب متواری و او اقدام جهت دستگیری او به عمل نیاورد و یا مأمور از قبل با شخص زندانی و مواضعه کرده باشد تا بتواند به نحوی از فرصت استفاده کرده و متواری شود.

اعمال مزبور در سایر جرایم به عنوان معاونت در جرم محسوب می‌شوند و از مجازات کمتری برخوردار هستند اما در این جا به دلیل اهمیت جرم، به عنوان جرم مستقل محسوب شده اند.

عنصر معنوی: عنصر معنوی این جرم، سوء نیت عام است و قصد اضرار به عنوان سوء نیت خاص شرط نیست.

۳. سقط جنین

در بعضی از موارد بلحاظ شغلی که بعضی از افراد دارا هستند چنانچه وقوع جرمی را تسهیل کنند یا موجبات آن را فراهم کنند و جرم واقع شود، بدون این که قانونگذار مجازات فاعل اصلی را مشخص کرده باشد معاون را قابل مجازات می‌دانند از جمله ماده ۴۰۳ قانون جزای افغانستان در مورد سقط جنین است.

عنصر قانونی: به موجب ماده ۴۰۳ قانون جزای افغانستان: «۱. شخصی که بواسطه دادن ادویه یا استعمال دیگر وسایل موجب سقط جنین زن حامله گردد اگر چه اسقاط جنین به رضای زن حامله صورت گرفته باشد به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد. ۲. اگر ادویه سهواً داده شده باشد، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.»

عنصر مادی: عنصر مادی این جرم، سقط جنین به واسطه دادن ادویه و یا وسایل دیگر است. از فحوای دو ماده فوق چنین بر می‌آید که وسایل مذکور در قانون منحصر نبوده لذا شامل وسایل مکانیکی مانند: صدمه، اذیت و آزار، ضرب و جرح و... و نیز وسایل شیمیایی مانند: ادویه، مأكولات و مشروبات و... می‌شود. از ظاهر مادّین چنین استنباط می‌شود که سقط جنین تنها از راه فعل مادی مثبت قابل تحقق نیست بلکه اگر پرستاری از تزریق آمپولی که باید تزریق کند به قصد سقط جنین خود داری کند مشمول عنوان سقط جنین خواهد بود. زیرا وسائل در این جا تنها به معنای وسیله مادی

خارجی نیست بلکه به معنای راه و شیوه یعنی سقط جنین به هر راه و روشی که صورت گیرد. بنابراین ترک دارو نیز یک راه ورش محسوب می‌شود و می‌تواند عنصر مادی جرم سقط جنین قرار گیرد.

همان گونه که ملاحظه شد، ارائه طریق ارتکاب جرم، (راهنمایی به استعمال دارو یا وسایل دیگر) یکی از مصادیق معاونت در جرم می‌باشد؛ ولی در اینجا به عنوان جرم خاص تلقی و کیفر معینی برایش مقرر شده است.

عنصر معنوی: عنصر معنوی این جرم، علاوه بر سوء نیت عام، قصد سقط جنین نیز می‌باشد. یعنی در سقط جنین عمدی، مرتکب هم باید به حامله بودن زن علم داشته باشد (سوء نیت عام) و هم قصد قطع نمودن رشته تکاملی جنین (سوء نیت خاص). بنابراین دادن ادویه برای مداوا که موجب سقط جنین می‌شود، مشمول این ماده نیست.

۴ تصاویر و تألیفات و آثار منافی اخلاق حسنه

ممکن است مشوق و تحریک کننده به وسیله تصاویر، تألیفات، نشریات، فیلم، سخنرانی و... تلقیناتی در روحیه دسته و گروهی بنماید که منتهی به ارتکاب جرم گردد. بدیهی است که این نوع تلقینات از لحاظ آثاری که به آن مرتب می‌شود، ممکن است گاهی خطرناک باشد، زیرا تأثیر تحریک و تلقین در ذهن توده مردم زیاد است و اکثراً منتهی به خشم و غضب مردم و موجب طغیان و شورش می‌گردد. به همین جهت قوانین جزایی معمولاً چنین جرمی را به طور مستقل جرم انگاری نموده و مجازات آن را شدید قرار داده و حتی اگر تحریک مزبور منتهی به نتیجه مطلوب هم نشود معذالک محرک مجازات می‌گردد. ماده ۲۳۴ قانون جزای افغانستان در این باره می‌گوید: «۱. شخصی که یک یا چند نفر را به ارتکاب جنایت یا جنحه به وسیله قول، فعل یا اشاره که طور علنی از وی صدور یافته باشد یا به وسیله نوشته، رسم، تصویر، رمز یا سایر وسایل تمثیلی، سمعی و بصری طور علنی تحریک یا تشویق نماید، به صفت شریک جرم شناخته شده و به عین جزای پیش‌بینی شده جرم موضوع تحریک یا تشویق محکوم می‌گردد. مشروط بر اینکه جنایت یا جنحه مذکور بالفعل به سبب تحریک یا تشویق وی

موارد مشمول ماده ۳۹ قانون جزا خواهد بود.

منابع

۱. پیمانی، ضیاءالدین، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (۳)، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵ش، ص ۵۸؛ شامیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجله، ۱۳۸۲ش، ص ۱۷۴، زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات ۱) چاپ سوم، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۲ش، ص ۸۲؛ شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات مجله، ۱۳۸۲ش، ص ۲۶۲.
- گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، مترجم، سید ضیاءالدین نقابت، ج ۳، تهران، بی تا. ص ۷۶۴؛ پیمانی، ضیاءالدین، پیشین، ص ۵۹.
۲. زراعت عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات اسلامی ۱) پیشین، ص ۲۲۴؛ شامیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۲، پیشین، ص ۳۷۹.
۳. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات - ۲)، پیشین، ص ۳۵۹؛ طلعتی، محمد هادی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳ش، ص ۳۶۳؛ شامیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، پیشین، ص ۴۰۹.

ارتکاب یا فته باشد. ۲. اگر تحریک یا تشویق مندرج فقره فوق تنها سبب شروع در جرم شده باشد، تحریک کننده یا تشویق کننده به جزاء شروع به جرم محکوم می گردد.

۵. تحریک و تشویق جوانان به فساد اخلاقی

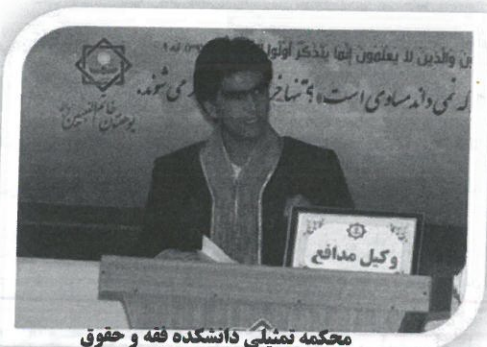
تحریک و تشویق جوانان نوع بارز معاونت در جرم است، ولی از آنجا که تشویق جوانان به فساد برای سلامت جامعه و اخلاق اجتماعی مضر است، لذا قانون جزای افغانستان این تشویق و تحریک را صرفنظر از این که مؤثر واقع گردد یا نه، جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است.

در بند ۱ ماده ۴۳۱ قانون جزای افغانستان در مورد تحریک به فسق و فجور آمده است: «۱. شخصی که مذکر یا مؤنثی را که سن هجده سالگی را تکمیل ننموده به فجور یا اتخاذ فسق بحیث حرفه تحریک نماید و یا در این مورد تسهیلاتی برای آنها فراهم سازد، بحبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می گردد.»

تشویق و تحریک مردم به ویژه جوانان به فساد یافحشاء و یا موجبات آن را فراهم آوردن در واقع از مصادیق معاونت در جرم مندرج در مواد ۳۹ قانون جزای افغانستان ولی قانونگذار نظر به اهمیتی که برای این قبیل اعمال قائل شده و اگر توسعه و گسترش یابند ممکن است جامعه را به فساد و تباهی بکشاند لذا مرتکب را به عنوان فاعل مستقل جرم قابل تعقیب و مجازات شناخته است. منتهی در مورد میزان و حدود تحریک و تشویق همان طوری که قانون جزای افغانستان تصریح دارد، صرف یک بار تشویق مردم به فساد و فحشاء کافی برای تحقق این جرم نیست بلکه فاعل این عمل می بایستی کراراً این عمل را تکرار کرده و در واقع عادت بر این عمل پیدا کرده باشد تا مشمول حکم مواد فوق قرار گیرد.

نتیجه گیری:

موارد فوق بخشی از مواد قانون جزا بود که در آن علاوه بر اصل مجازات معاون مجرم، نحوه و میزان آن نیز مشخص شده بود، و با لایحه غیر از جاهایی که قانونگذار جرم معاونت را به عنوان جرم خاص تلقی نموده و کیفر معینی برای آن در نظر گرفته است، بقیه



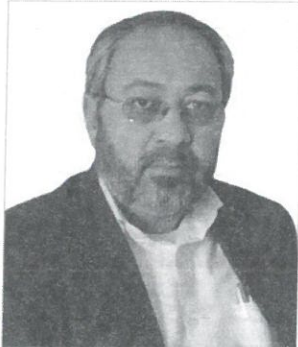
محکمه تمثیلی دانشکده فقه و حقوق



هیئت قضایی محکمه تمثیلی دانشکده فقه و حقوق

نگاهی به جایگاه فرهنگی و تمدنی غزنی در جهان اسلام (گذشته، حال و چشم انداز آینده)

در آمد.



حاجی محمد رحیمی
عضو هیئت علمی
و
آمر تحقیقات علمی
شعبه غزنی

بنیان امپراتوری غزنوی آمدند، که هرکدام در ظهور، پایداری و ماندگاری این حکومت مؤثر بوده اند که مهمترین عوامل قدرت و شوکت غزنویان را میتوان به گونه ای زیر به شمارش گرفت:

الف- عامل جغرافیایی: انتخاب غزنین به عنوان پایتخت از سوی سلاطین غزنوی، موجب رونق و توسعه شهر و نیز شهرت این منطقه از کشور گردید. به طور طبیعی، نه تنها غزنی که در تمام کشورها و مناطق جهان از گذشته تا به امروز، پایتخت بودن یک شهر به معنای مرکزیت آن شهر در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اداری، و نظامی بوده است. در این میان، ساختار جغرافیای ویژه شهر باستانی غزنین، که از یک سو بعنوان مرکز و پایتخت غزنویان و از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی آن که از آن به دروازه هند و قلب خراسان یاد کرده اند، سبب شد که غزنی و غزنویان از شهرت و شوکت خاصی برخوردار گردند.

ب- عامل اقتصادی: امروزه توسعه اقتصادی از عوامل راهبردی مهمی برای قدرت و شوکت حکومتها به شمار می رود. غزنویان با تهاجم سنگین، متوالی و مداوم به سرزمین ثروتمند و باستانی شبه قاره هند، با کسب غنائم پر بار، بردگان بسیار و ثروت بی شمار؛ زمینه های تراکم و انباشت ثروت در کشور را فراهم کرد و سپس در جهت ساخت و ساز پایتخت و کشور استفاده کرد و غزنی آن روز را به مرکز و کانون مهم اقتصادی جهان تبدیل کرد. چه این که تراکم سرمایه منجر به رشد شهر، ساخت و ساز، هنر، معماری و مدنیت شد و این امر، زمینه ماندگاری و شوکت

گزینش غزنین به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام برای سال ۲۰۱۳ در پنجمین نشست وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی در طرابلس پایتخت لیبی، بهانه ای است که یک بار دیگر به گذشته تمدنی، فرهنگی، علمی و تاریخی خود نگاهی عمیق بیندازیم و جای جای این سرزمین باستانی را که مرکز دانش اندوزی، عالم پروری و مردان دین و سیاست بوده و همواره نقش سازنده و پیشرو در گسترش دیانت، علم، هنر و بسط فرهنگ مهرورزی، همکاری، همدلی و زندگی مسالمت آمیز داشته است، به نسل جوان و خسته از جنگ و خشونت و نسل های آینده خویش به معرفی بنشینیم. نوشتار حاضر نیم نگاهی به غزنین انداخته که در دورانی، از مهم ترین مراکز اسلامی بوده و از این مرکز دیانت سبز محمدی^(ص) در سرزمین پهناور هندوستان نشر و گسترش یافته و برای همیشه بومی و ماندگار گردیده است، در همین مرکز در اوج فعالیت های سیاسی، لشکرکشی و کشورگشایی به تقویت، گسترش و بسط علم و دانش نیز پرداخته شده است. این مقاله در سه بخش تنظیم شده: بخش اول به عوامل شهرت غزنویان، بخش دوم به عوامل افول این تمدن و بخش سوم، به راهکارهای جهت احیای دوباره تمدن فراموش شده ی غزنی پرداخته است.

بخش اول: عوامل شهرت و شوکت غزنویان
بی گمان علل و عوامل زیادی در پدیداری، گسترش، زوال و سقوط هر حکومتی، دخالت دارند. در این راستا، عوامل جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، جمله فاکتورهایی هستند که ماندگاری و یا افول حکومتها را تعریف می کنند. از گذشته های دور تا کنون، حکومت های که به میزان قابل قبولی واجد عوامل فوق بوده اند؛ ماندگاری و قدرت بیشتری داشته اند؛ در مقابل، حکومت های که از ناحیه عوامل فوق ضعف داشته اند به تدریج به سوی افول گام نهاده اند. بی شک، توجه به عناصر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی جمله عواملی بودند که به یاری

غزنویان را فراهم کرد.

ج) عامل سیاسی: انتخاب غزنی به عنوان پایتخت، این شهر را به کانون تصمیم‌گیریهای سیاسی و اداری در جهت مدیریت کشور و قلمرو غزنویان تبدیل کرد و بدین ترتیب، غزنی به عنوان مرکزیت سیاسی امپراتوری غزنویان در آمد. معمولاً پایتخت یک کشور در حکم شناسنامه آن در سطوح مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی است به طور که شهرت و شوکت آن کشور دایر مدار سیاستگذاریهایی مرکزیت سیاسی آن است. غزنویان برای مشروعیت سیاسی حکومت خود تلاش کرد از نخبگان، عالمان و شاعران بومی خود استفاده کرد و بدین ترتیب، غزنی را به مرکزیت سیاسی امپراتوری در آورد و این امر، موجب شوکت و شهرت غزنی آن روز شد.

د) عامل فرهنگی: فرهنگ، تمامی ارزش‌ها، اعتقادات، آرمان‌ها، آداب و رسوم، باورها و الگوهای یک ملت است که در روابط روزمره به کار می‌رود. مراد از فرهنگ فرهنگ معنوی است که ارزش‌ها گوهر آن را تشکیل می‌دهند و هنگامی که در تار و پود جامعه و روان انسان‌ها نهادینه شدند، به عنوان یک محرک قوی راهنمای اندیشه‌ها و اعمال خواهند شد. از آنجا که دین به قول شهید مطهری خود یک خواسته طبیعی بشر بوده و در نهاد انسان جای دارد؛ ارزش‌هایش به عنوان یک محرک مناسب هدایت‌گر افکار و اعمال او خواهد شد. در واقع، دین از مجرای ارزش‌ها از انسان یک شخصیت فرهنگی می‌سازد و شخصیت فرهنگی انسان می‌تواند یکی از اصلی‌ترین عوامل توسعه و شوکت پایدار به شمار آید. شاید همین امر موجب شده که امروزه مطلوب‌ترین توسعه را توسعه درون‌زا ارزیابی نمایند. توسعه درون‌زا تاکید می‌کند که تنها با استفاده از افکار، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، امکانات، فرهنگ و مهارت‌ها می‌توان به نظام پایداری از تحول دست یافت. یکی از اقدامات مهم و راهبردی غزنویان و به ویژه سلطان محمود، توجه به عناصر فرهنگی و تقویت آن بوده است. چرا که آنان، با جمع‌آوری، تشویق و حمایت کارگزاران فرهنگی که با هزینه‌های مالی گزاف همراه بود، در غزنی یک مرکز فرهنگی قوی به وجود آورد و بدین ترتیب، شهر غزنی را به مرکزیت فرهنگی مهمی تبدیل کرد. توجه ویژه به دانشمندان، ادیبان، نویسندگان و شاعران پارسی‌زبان؛ و رسمیت بخشی به زبان فارسی به عنوان زبان رسمی دربار غزنوی و خدمات متقابل ادیبان، مورخان و شاعران در

توصیف و تمجید از غزنویان و دربار غزنی که شهرت و شوکت تاریخی و ماندگاری ایشان را در پی داشته، این شهر را به کانون فرهنگی مهمی جهان تبدیل کرد. به این معنی که غزنین در آن روزگار مهمترین کانون ادب فارسی و مرکز تجمع دانشمندان بزرگ اسلامی چون «فردوسی حکیم»، «ابوریحان بیرونی»، «ابوالفضل بیهقی»، «حکیم سنایی»، «فرخی سیستانی»، «مسعود سعد سلمان»، «منوچهری دامغانی»، و «عنصری»، هُجویری غزنوی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی»، «عسجدی مروزی» و «ملافیض محمد کاتب» و... بوده است و به نوشته برخی از مورخان روزگاری غزنین مأوای چهارصد شاعر برجسته بوده و دوهزار مسجد و مدرسه در این شهر فعال بوده است، به باور برخی کارشناسان، زمینه نزدیکی فرهنگ‌های ملت‌های اسلامی در همان دوران غزنین فراهم آمده است. امروزه،

غزنین جایگاه پیدایش بخشی از بزرگترین شاهکارهای ادبیات فارسی از جمله شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی، تاریخ گردیزی، حدیقه الحقیقه سنایی، دیوان عنصری، دیوان فرخی است. شکوه و عظمت غزنین نه تنها دیانت سبز محمدی (ص) را به مردمان شبه قاره‌ی هند هدیه کرد که کام‌شان را به قند زبان و ادب شیرین فارسی نیز شیرین ساخت که لسان الغیب شیراز در مورد آن سروده است «شکر شکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود.»
دانشمندان غزنین با تلاشها و اندیشه‌های شان غزنین را به بهشت برین تبدیل نمود که حکیم سنایی که وی نیز دره در کتاب «حدیقه الحقیقه» خود به آن تصریح کرده است:

عرضه مملکت چو باغ بهشت

مشک اذفر سرشته با گل و خشت

خاک این مملکت شده کافور

چشم بد باد ز این حوالی دور

گر ببینی تو مملکت غزنین

باز شناسی از بهشت برین

بنابراین، مهمترین عاملی که باعث رونق، رشد، توسعه، شهرت و شوکت غزنویان گردیده است، همین عامل فرهنگی، علمی و ذهنی است. جالب آن است که قرآن کریم نیز، توسعه درون‌زا و تغییر نفسانی و درونی را مبنای تمامی تحولات و تغییرات اجتماعی در ابعاد مختلف می‌داند و تاکید می‌کند: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما

بافسهم. پیام آیه شریفه فوق آن است که تغییر ذهنی و فکری شرط اصلی تحول در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدنی است.

ه) اطاعت معنوی غزنویان از خلافت عباسی: تأیید خلفا همراه با اهدائی مشروعیت و اعطائی القاب به حاکمان غزنوی، حمایتی که قداست و قدسیت غزنویان نزد افکار عامه یا جهان اهل سنت را در پی داشت، نیز در شهرت و شوکت غزنویان تأثیر مستقیم داشته است.

بخش دوم: علل زوال و سقوط امپراتوری غزنوی شاید بتوان گفت: در ضعف و زوال غزنویان همانند هر حکومتی دیگری برخی عوامل داخلی و بعضی علل و زمینه های خارجی نقش داشته است.

الف - عوامل داخلی

بر اساس تجربه تاریخی، دو عامل همیشه در ضعف و سقوط حکومتها نقش داشته است. یکی اختلاف و چالشهای درون حکومتی و در نهایت جنگهای داخلی و دیگری روی آوری دستگاه حکومتی به فساد اخلاقی، مالی و اداری که آنها زمینه ساز نادیده گرفتن فضاهای علمی و دانشمندان گردید. این دو امر، در شکست و افول سلسله غزنویان نقش اساسی داشته است که در زیر به آن اشاره می شود.

جنگ های داخلی

اشتباهات تاریخی امیر سبکتگین و پسرش سلطان محمود غزنوی در جا بجای جانشین و تغییر و تبدیل ناشیانه مقام ولایت عهدی! این عملکرد منفی، بذر نفاق را میان برادران پاشیده، پیامدهای خونین و نتایج ویرانگری را بدنبال داشت. کودتای خونین «طغرل کافر نعمت» حاجب دربار غزنوی بر ضد سلطان عبدالرشید، کشتار شاهزادگان غزنوی و سقوط موقت غزنویان، که خود نشانه ضعف دربار غزنوی شمرده می شود.

تداوم برادرکشی و انتقام گیری همانند: کشته شدن سلطان مسعود بدست برادر زاده اش احمد بن محمد، انتقام گیری سخت، دردناک و خونین مودود از عمویش امیر محمد و فرزندانش! این جنگها و اختلافات داخلی بر سر جایگزینی و انتقام از یکدیگر، سرانجام منجر به سقوط و افول دولت مقتدر غزنویان گردید.

اوجگیری دوباره جنگ قدرت و برادر کشی میان ارسلان شاه، برادرش شیرزاد و نیز برادر دیگرش بهرام شاه. علاوه بر فساد سیاسی و اقتصادی؛ فحشا و فساد اخلاقی در

میان درباریان، چنان شایع و گسترده بود که قصه عشق محمود به غلامش ایاز و نیز دیگر غلام بچه اش نوشتگین، زبازند خاص و عام بوده و ملهم شاعران گردید. شراب خواری، غلام بارگی، قمار، زنا و... چنان در میان دربار و جامعه عصر غزنوی شیوع یافته بود، که به یک امر کاملاً عادی بدل گردیده و با وجود جانبداری مؤرخان عصر غزنوی، این مسأله کم و بیش به کتابهای تاریخ راه یافته، که نقد و بررسی آنها خود میتواند پژوهش مستقل و مقاله ای جانبداری شود!

عوامل خارجی

۱. شکست تاریخی سلطان مسعود در نبرد «دندانقان» و از دست دادن بخش زیادی از مناطق غربی.

۲. مداخله دربار سلجوقی در بازگرداندن قدرت به بهرامشاه و خراجگزاری دربار غزنه به سلجوقی ها.

۳. سقوط غزنین به دست سلطان علاالدین حسین غوری و فرار بهرام شاه غزنوی

۴. بازگشت بهرام شاه و اشتباه تاریخی در انتقام گیری از غوریان و قتل شاهزاده سیف الدین غوری تهاجم بعدی سلطان حسین غوری (جهانسوز) به انتقام خون برادر همراه با کشتار، غارت و به آتش کشیدن غزنین و...

۵. سقوط غزنین بدست ترکان «غز»، فرار خسروشاه به هند و استقرار در «لوهور» یا «لاهور».

۶. فروپاشی کامل سلسله غزنوی با سقوط لاهور بدست غوریان، دستگیری و مرگ خسرو ملک آخرین شاه سلسله غزنوی در قلعه «بلروان» غرjestان و...! بنابراین، زمانی که غزنویان از عناصر همچون علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوری گزیدند و به سمت فساد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رو آوردند، زمینه های زوال حکومت را فراهم ساختند.

بخش سوم: چشم انداز آینده غزنی و رسالت ما

چشم انداز، آرمان قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلند مدت است که متناسب با ارزشها و آرمانهای نظام و مردم تعیین شده باشد. از همین رو، جامعه نگری از شاخصه های اصلی آن به شمار می رود که خود مؤلفه های مختلفی دارد. در یک نگاه کلی، چشم انداز یکی از مهمترین مباحث مدیریت در سطح خرد و کلان در جهان امروز است که با طراحی نقشه راه و خطوط کلی سیاستها و در مقاطع کوتاه مدت، بلند مدت و میان مدت سامانه ای را به وجود می آورد تا بتوانند به اهداف مدیریت برسند. امروزه بسیاری از

کشورها و حتی شرکتها و سازمانهای بزرگ اقتصادی، برای بهینه سازی سامانه مدیریتی خود و دستیابی به کارآیی و کارآمدی بیشتر، چشم انداز خود را برای برنامه آینده تعریف می کنند و سعی می کنند، سایر سیاستهای خود را بر مبنای این طرح کلان به پیش ببرند. معمولا در مقولهی چشم انداز؛ تصویب چشم انداز، تبلیغ رسانه ای، توجه و تبیین نخبگان و چالشهای طرح، پاسخها و مقبولیت اجتماعی، باور همگانی، تبدیل چشم انداز به سند ملی، بسیج ملی برای اجرای آن مورد توجه واقع می شود. دولت موجود برای عبور از وضع موجود فرهنگی و دستیابی به وضعیت مطلوب و در نهایت احیای تمدن فراموش شده ای غزنی، ناگزیر باید برنامه ها و روشهایی را در قالب یک سند چشم انداز تنظیم می کرد که در آن موارد زیر مورد توجه واقع می شد:

۱ تامین امنیت: تامین امنیت در کشور و به خصوص شهرباستانی غزنی مهمترین گام در جهت ساختن غزنی در بخش سخت افزاری و نرم افزاری محسوب می شود. تا زمان که امنیت در کشور و از جمله غزنی تامین نشود و دولت موضوع امنیت را به صورت جدی مورد توجه قرار ندهد، نمی تواند کوچکترین قدم را برای احیای دوباره گذشته تمدنی غزنه بردارد. به همین دلیل شایسته بود که دولت تمام تلاش خود را برای تامین امنیت مبذول می کرد. تا پس از امنیت، زمینه برای اقدامات بعدی فراهم می شد.

۲ ایجاد یک کمیسیون تحقیقی و پژوهشی: دولت و جامعه ای که می خواهد کار کلان و مبنایی را آنهم در حوزه تمدنی و فرهنگی انجام بدهد، سعی می کند آن را از طریق یک ستاد یا کمیسیون با صلاحیت پیگیری کند. کمیسیونی که از بودجه لازم و حمایتهای جدی دولت برخوردار باشد. تنها در این صورت است که می تواند قدم مؤثری را در مسیر رسیدن به اهداف بردارد. این کمیسیون سعی می کند فرهنگها، صنایع دستی، شاعران، ادیبان، صاحبان فکر و اندیشه هر ولسوالی یا هر ولایت را شناسایی و سپس از آنها در برابر حمایتهای خود در حوزه امور پژوهشی و علمی استفاده می کند. در طول تاریخ، اثبات گردیده که تشویق و حمایت از فکر و صاحبان اندیشه و قلم توانسته نتایج ملموسی را در رشد و توسعه هر کشور داشته باشد.

۳ اصلاح، بومی سازی و غنی سازی رسانه ها: بدون تردید امروز رسانه ها در اطلاع رسانی، جهت دهی مردم نقش اساسی دارد تا جایی که کنش اجتماعی انسانها را تعیین،

مدیریت و کنترل می کند. به همین خاطر، رسانه قوی و بابرنامه یکی از شاخصهای مهم قدرت یک دولت محسوب می شود. متأسفانه رسانه های ما در کشور بدلیل فقدان برنامه سازنده و استفاده از تولیدات دیگران، نه تنها هیچ نقشی در مدیریت بهینه امور مردم ندارد، بلکه بیشتر ابزاری برای تبلیغات محصولات فرهنگی بیگانه قرار گرفته است. یک رسانه قوی با برنامه جذاب می تواند هم در تامین امنیت و هم در آموزش مردم به سبک زندگی بهتر، نقش اساسی داشته باشد.

۴ ایجاد یک سیستم اقتصادی کارآمد: یکی از وظایف مهم دولت جلب و جذب سرمایه و سرمایه گذار در قالب یک سیستم اقتصادی کارآمد و حمایت شده است. دولت می تواند برنامه ای حساب شده ای را برای جلب سرمایه و سپس بومی سازی تولیدات داشته باشد. مثلا دولت با صرف هزینه کلان در ساختن پایه ها و دکلهای برق سعی کرده نیازمندیها را از بیرون مرز تامین نماید. در حال که می توانست آن هزینه را صرف ساختن سد و در نهایت، تولید برق داخلی می کرد که کمترین سود آن، قطع وابستگی به خارج و ایجاد اشتغال برای مردم بود.

۵ برگزاری جشنواره: احیای تمدن فراموش شده غزنی نیازمند یک اقدام برنامه ریزی شده، منظم، منطقی و مبنایی است. به این معنا که دولت و نخبگان علمی با احساس مسئولیت تمام، هر سال جشنواره هایی را به بهانه تجلیل از فارابی، بیرونی، سنایی، مولانا و... دایر می کرد که در آن، از نخبگان علمی و پژوهشی می خواست مقالات و تحقیقات خود شان را به این جشنواره ارسال کند و دولت به لحاظ مالی از آنها حمایت می کرد. این اقدام به تدریج می توانست یک گنجینه از اطلاعات را در اختیار مردم و دنیا قرار می داد. متأسفانه امروز به جای اقدامات مبنایی، با یک سلسله اقدامات سطحی و خرافاتی به استقبال مراسم ۲۰۱۳ رفتند که اگر وضع بدین منوال پیش برود، مردم و فرهنگ خود را به بازی گرفته ایم. با چلچله و چهل بازی که نمی توان احیاگر تمدن غزنی باشیم. مگر اروپای اواخر قرن ۱۹ برای نوزایی علمی و احیای تمدن فراموش شده خود به رمل و خرافات دست زد؟ یا ایران در تجلیل از اصفهان به عنوان مرکز تمدن و فرهنگ اسلامی چه کرد؟ مگر... دولت و مراکز مربوطه می بایست با استفاده از فرصت پیش آمده و با حمایت از نخبگان علمی و پژوهشگران کشور اقداماتی انجام می دادند که در شأن غزنی می بود. تا دنیا می

فهمیدند که تمدن غزنی واقعا وارثان خوبی دارن .
۶ تلاش در جهت ساختن شهر غزنی و مرکز ثقافت اسلامی: دولت می بایست از همان ابتدا تمام توجه خود را در جهت ساختن آبادات تاریخی، منارها، مراکز تاریخی، دانشگاهها، مراکز علمی، سرکها، ساختمانها، و... مبذول می کرد. کمکهایی که به بهانه سال ۲۰۱۳ به این کشور شده بود، به طور مسئولانه در جهت ساختن غزنی استفاده می کردند. تا غزنی برای برگزاری مراسم آمادگی تمام می داشت.

۷ بازنگری در کادر مدیریتی: یکی از گامهای مؤثر و کارآمد که می تواند تحول فرهنگی را بدنبال داشته باشد، تعیین یک گروه متعهد، متخصص و کارآزموده است که در خور شأن یک مرکز آکادمیک باشد. به طور قطع می توان ادعا کرد که یکی از دلایل مهمی رکود، بی تحرکی، نبود نشاط علمی در کشور، فقدان مدیریت سالم و کارآمد در مراکز علمی و دانشگاهی است. چرا که اگر این فرضیه درست باشد که نیروی انسانی متخصص ماهر و کارآزموده منشأ رشد و توسعه همه جانبه است، پس دانشگاه به عنوان مرکز این تحول به شمار می رود. تحول زمانی قابل دسترس است که مدیریت آن، دارای یک مدیریت استراتژیک باشد. مدیریت راهبردی در صورتی قابل تصور است که کادر مدیریتی و آموزشی استانداردهای لازم را داشته باشد.
۸ به روز کردن کتابهای درسی: یکی از اقدامات مهم و راهبردی دولت با هدف ایجاد تحول مبنایی، بازنگری در متون درسی است. متأسفانه در مراکز آکادمیک و دانشگاهی ما در طول سالیان متمادی از متون سنتی و چپترهای کهنه و بی محتوا استفاده می شود. شاید یکی از دلایل مهمی بی نشاطی تحصیلی و در نهایت، رکود فرهنگی در کشور همین کهنگی و ارتجاعی بودن متون درسی است. اگر دولت بخواهد دانشجویان و طیف تحصیلکرده کشور به سمت نوآوری، اختراع و نشاط فرهنگی برود، باید متون درسی که تغذیه فکری و بنیادهای فکری آنان را تامین می کند، از استانداردهای لازم برخوردار باشد. این نکته بر هیچ کسی پوشیده نیست که دانشگاه موتور محرکه تحولات یک کشور محسوب می شود.

۹ استخدام کادر آموزشی مجرب: از فاکتورهای تأثیرگذار در توسعه و پیشرفت هر کشور در حوزههای مختلف، استفاده از نیروهای آموزش دیده و با تجربه است. متأسفانه در کشور ما که نظام آموزش عالی به سبک کاستی اداره

می شود و سابقه کاری مبنای ارتقای رتبه علمی محسوب می شود، موجب شده که هیچ آثاری از تحرک علمی و نشاط علمی در کشور دیده نشود. دولت اگر بخواهد کشور به سمت رشد و تعالی علمی حرکت نماید، لازم است با استفاده از استانداردهای جهانی و متدهای استخدام استاد، از اساتید آموزش دیده و مجرب استفاده نماید؛ و تلاش آن باشد که مبنای ارتقای رتبه علمی را در تلاشهای علمی و نشر مقالات علمی و تدریس قرار دهد.

۱۰ آموزش باید پژوهش محور باشد. یکی از چالشهای که سیستم آموزش کشور و به خصوص آموزش عالی را به رکور کشانده، نبود برنامههای پژوهشی در کنار آموزش است. کشورهای که به سطحی از ارتقای علمی و رشد همه جانبه رسیده اند، از ادرس نظام آموزش پژوهش محور استفاده کرده است. اگر دولت بخواهد تحولی در کشور به وجود آورد، لازم است پژوهش را در کنار آموزش به صورت یک کار مبنایی مورد توجه قرار دهد.

۱۱ سخت گیری در امتحانات و عدم مماشات با دانشجویان: یکی از مسایل مهمی که باید دولت در نظام آموزش عالی مورد تاکید قرار دهد، سخت گیری در فرایند تحصیلی است. به روایت برخی محصلان کشور، در بسیاری از موارد، روابط اقتصادی، خویشاوندی و قومی سبب می شود که یک دانشجو بدون داشتن لیاقت در تحصیل و بدون آنکه زحمت درس خواندن را بکشد، به راحتی در امتحانات موفق می شود و از امتحانات سربلند بیرون می آید. این فرهنگ و نگرش به طور حتم یک خیانت ملی به حساب می آید. چرا که با این سیاست، انسانهای بی سواد تحویل جامعه فردای کشور می دهند و آنان نیز، نسل بعدی را با بیسوادی حرکت می دهند. به همین خاطر، جای این سوال



وجود دارد که اگر وضعیت آموزشی کشور چنین نیست، پس چرا سطح سواد و دانش و به خصوص حوزه تحقیقات و پژوهش در کشور این قدر ضعیف است؟ جواب این سوال را هر کس که این مقاله را مرور می‌کند، شاید بدهد.

۱۲ تشویق محصل موفق و نوآور: دولت باید در برنامه‌های آینده خود این ایده را نهادینه بسازد که اگر دانشجویی در هر زمینه مستعد نوآوری و تلاش است، او را از طریق نشر نام او در رسانه‌ها و یا از طریق دادن پادشاهی ولو اندک، تشویق نماید. تشویق امروزه در دنیا کارآمدی عجیبی در رشد و پیشرفت محصل داشته است. اما متأسفانه در کشور ما تنها موضوعی که وجود ندارد، تشویق دانشجویان موفق است و این فرهنگ موجب سرخوردگی دانشجو شده است.

نتیجه گیری

آلتگین افسر و فرمانده رنجیده خاطر دربار سامانی پس از گریز متوالی، سرانجام توانست در قرن چهارم هجری، در شهر «غزنی» استقرار یافته و دولت غزنوی را پایه ریزی کند. حکومت غزنوی در عصر سبکتگین داماد و غلام آلتگین، بازسازی گردیده و حیات دوباره یافت. این دولت در عصر محمود به اوج شکوفائی رسیده و به صورت یک امپراتوری عظیم خودنمایی نمود، به گونه ای که خیلی زود، بخش وسیعی از شرق اسلامی را تسخیر و پس از تهاجم به سرزمین توانگر و کهن هند، به اوج شهرت، قدرت، ثروت و مشروعیت رسید. بدلیل نبود ریشه های نژادی تاریخی، این سلسله به نام شهر محل ظهور و قدرت یابی خود، «غزنی» به «غزنوی» یا «غزنویان» شهرت یافتند.

از عوامل مهم شهرت غزنویان بذل توجه به زبان، ادبیات، شعر، ادیبان و شاعران فارسی گوی بوده است. دربار سلاطین غزنوی به خصوص در زمان سلطان محمود، به مرکز تجمع شاعران، ادیبان و دانشمندان نامی فارسی زبان، تبدیل گردید. غزنویان با اینکه خود ترک زبان بودند؛ اما، زبان فارسی را زبان نوشتاری خود و زبان رسمی دربار قرار دادند. میتوان گفت: در یک تعامل دوسویه، دربار غزنوی و زبان غنی فارسی از همدیگر بهره مند شدند؛ از یک سو غزنویان در تجدید حیات زبان فارسی و گسترش آن نقش مهم و اساسی داشتند و از سوی دیگر، زبان فارسی و اشعار شاعران فارسی گوی، غزنویان را عظمت تاریخی داده و برای همیشه شهرت ماندگار بخشیدند!

علاوه بر حملات جهادی غزنویان به سرزمین هند با شعار اسلام گستری، سرکوب خونین و بی رحمانه اسماعیلیان به بهانه قرمطی گری، دلیل مهم دیگری برای کسب شهرت و محبوبیت غزنویان، نزد افکار عامه و خلافت عباسی بود، که

قداست و قدسیت جاویدانی را برای شان به ارمغان آورد. قداست خدشه ناپذیر و دوامداری که هنوز در افکار جهان اهلسنت، باقی و پایدار بوده و هیچ گونه نقد و انتقادی را، از جانب ایشان بر نمی‌تابد. عصر حاکمیت غزنویان که بیش از دو سده بدرازا کشید، دارای فراز و فرود های عجیب و تکان دهنده ای بوده، که متناسب با آن میتوان این دوره را، تقسیم بندی کرد. در یک نگاه کلی، می توان گفت که پیوند عمیق میان دین، علم و سیاست موجب شکوفایی، شهرت و ماندگاری غزنه باستان شده است. در حال که از عوامل ضعف و زوال زودرس این سلسله را می توان در اشتباه جبران ناپذیر در تعیین و تغییر ولیعهد، شکست خفت بار از سلجوقیان، کودتای طغرل کافر نعمت، تدوام درگیری و برادر کشی بر سر قدرت، شیوع فساد و انحطاط سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و... نام برد. سرانجام با انتقام گیری از غوریان، آتش فروزانی از کینه و نفرت ایشان شعله کشید، که شهر زیبا و تاریخی غزنی در لهیب آن بسوخت و درخت حاکمیت غزنویان نیز به خاکستر تبدیل و به عمر این سلسله توسط غوریان برای همیشه پایان داده شد. از این رو، برای احیای دوباره آن تمدن باشکوه تنها راه این است که دولت مردان، مردم، نخبگان و تمام احاد جامعه افغانی با مهار بحرانهای ناشی از جنگ داخلی و استقرار امنیت تلاش کنند زمینه های بالندگی تعلیم و تربیت را فراهم ساخته و با استفاده از ابزار علم و آگاهی تمدن فراموش شده غزنه را بار دیگر احیا نمایند.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین؛ تاریخ کامل؛ ترجمه حالت- خلیلی، موسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۷۱ خورشیدی.
۲. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل نصیبی؛ صورت الارض؛ دارصادر، بیروت، ۱۹۳۸ م.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن؛ تاریخ ابن خلدون (العبر)؛ ت-آیتی، م مطالعات و... فرهنگی، چ ۱، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۴. ادربیسی، شریف ابوعبدالله محمد؛ نزهه المشتاق فی... عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۹ هجری.
۵. استخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی؛ المسالک و الممالک؛ دارصادر، بیروت، ۲۰۰۴ م.
۶. باسورث، ادموند کلیموند؛ تاریخ غزنویان؛ امیر کبیر، چ ۵، تهران، ۱۳۸۵ خورشیدی.
۷. البیرونی، ابوریحان محمد بن احمد؛ تحقیق ما للهند؛ چ ۲، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۳ هـ ق.
۸. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین؛ تاریخ بیهقی؛ تص- رهبر، چ ۴، نشر مهتاب، تهران، ۱۳۷۴ ش.

بررسی نقش کارکرد رسانه ها در امنیت ملی و عمومی!

(با تأکید بر همگرایی شهروندان و لایه غزنی)



محمدجواد محدثی

رئیس دانشکده

حقوق و علوم سیاسی

چکیده:

در جهان امروز، رسانه های جمعی با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی برعهده گرفته اند. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش کارکردی رسانه های جمعی در امنیت ملی و عمومی اجتماعی است. روش مطالعه این مقاله از نوع مفهومی و مروری روش اسنادی است که از طریق فیش برداری و مطالعه کتابخانه ای تعاریف، تحلیل ها و نظریه ها در مورد ارتباطات، افکار عمومی، رسانه ها و رابطه آن با امنیت ملی و عمومی اجتماعی از کتب و منابع علمی استخراج شده است. یافته های این مقاله نشان می دهد که بر خلاف تصور برخی، رسانه ها در تقابل با امنیت عمومی و ملی نیستند، بلکه مکمل و مهم ترین عامل تقویت کننده امنیت عمومی و ملی به حساب می آید و برای پیشگیری از هر گونه تهدیدی، امنیت ملی و عمومی، بیش از هر چیز به تقویت رسانه ها

نیازمندیم، زیرا امنیت ملی و عمومی بیش از هر چیز در گرو گسترش و بسط و توسعه اعتماد اجتماعی است و رسانه ها مهم ترین عامل ایجاد و توسعه اعتمادند. بنابراین رسانه های جمعی نقش فرهنگ پذیری، آموزش، اطلاع رسانی و ایجاد احساس امنیت به ویژه امنیت عمومی و ملی و مشارکت در یک پروسه اجتماعی مانند انتخابات و... را برعهده دارند که تقویت آنها زمینه ساز توسعه امنیت ملی و عمومی خواهد بود.

کلیدواژه ها

رسانه ها، رسانه های جمعی، امنیت، امنیت ملی، امنیت اجتماعی، مطبوعات، ارتباطات.

مقدمه

امنیت ملی مفهومی است که بدون اقتدار ملی دست یافتنی نخواهد بود. برخی از محققان مانند مورگنتا در کنار توانایی های جغرافیایی، طبیعی، نظامی و سیاسی به مشخصات جمعیتی، ویژگی های ملی، ارزش های مشترک ایدئولوژیک، میزان همبستگی اجتماعی، وفاق و وحدت ملی به عنوان مؤلفه های اقتدار ملی اشاره می کنند. ر همین رابطه، مورگنتا اقتدار سیاسی را به مناسبات

روان شناختی میان قدرت و آنکه قدرت بر او اعمال می شود تعریف می کند؛ مناسباتی که یکی میتواند از طریق نفوذ خود بر ذهن دیگری اثر گذارد. با توجه به تعریف فوق، به خوبی روشن می شود که وقتی بیگانگان از طریق تکنولوژی ارتباطات قصد نفوذ بر افکار و فرهنگ ملی کشوری را دارند، در واقع اقتدار و امنیت ملی آن کشور را هدف قرار داده اند و از طریق شیوه ای کاملاً نرم افزاری به همان اهدافی می رسند که در قرون گذشته با تاکتیک های نظامی

حاصل می شد، با این تفاوت که امپریالیسم مبنی بر میلیتاریسم به دلیل انقلاب های ناسیونالیستی کشورهای جهان سوم ناپایدار و سطحی بود، در حالی که امپریالیسم فرهنگی به دلیل نفوذ در ذهن، جان، اندیشه و فرهنگ مردم، عمیق و پایدار است و به همین دلیل به مراتب خطرناک تر و تهدید آفرین تر است. با این مقدمه، نقش تأثیرگذار و اهمیت رسانه های گروهی در ایجاد یا تهدید امنیت ملی به خوبی روشن می شود.

مفهوم ارتباطات

به طور کلی ارتباط را می توان به این صورت تعریف کرد:

برقراری تفاهم و هماهنگی بین فرستنده و گیرنده پیام.

هدف از وسیله ارتباطی به طور کلی جریان انتقال و برقراری ارتباط و تعامل است. این فرایند را در مجموع «ارتباط های جمعی» می گویند. وسیله ارتباط جمعی عبارت از آن وسیله ارتباطی است که مورد توجه گروه زیادی از مردم است.

سه وسیله ارتباط سیاسی، یعنی تلویزیون، رادیو و مطبوعات (و به تازگی ماهواره و اینترنت) بیش از همه مورد توجه سیاستمداران و ارتباط گران سیاسی است. سیاستمداران از وسایل ارتباط جمعی سه بهره متفاوت می گیرند: نخست ارائه اطلاعات، دوم شخصیت

پردازي و سوم شکل دادن به افکار عمومی و آماده کردن و جهت دادن به آن. امروزه سیاستمداران به توانایی و نقش مؤثر وسایل ارتباطی عمده، یعنی روزنامه، رادیو، سینما، تلویزیون، ماهواره و اینترنت در زمینه اطلاعات، شخصیت پردازي و چهره سازی و جهت دهی به افکار عمومی آگاهی یافته اند و لذا اولین هدف سیاستمداران، کنترل و دسترسی به این ابزار به ویژه رادیو و تلویزیون

است. روزنامه ها با ارائه اخبار و تفاسیر، طرح دیدگاه ها، نقد مسائل جامعه و انتقاد از عملکرد دولت، مطلع ساختن حکومت و نمایندگان از نظرات و خواسته های مردم و منعکس کردن پاسخ ها و نظرات حکومت، می توانند در ایجاد فرهنگ مشارکتی و باز کردن فضای سیاسی مناسب برای پیشرفت جامعه، نقش مهمی را ایفا کنند. اهمیت رادیو در کسب و حفظ قدرت سیاسی یا در تضعیف حکومت ها در دوره معاصر، فوق العاده افزایش یافته است. برای نمونه می توان به نقش رادیو های آزاد در شوروی سابق اشاره کرد که بسیاری از صاحب نظران، نقش این رادیوها را یکی از عوامل مهم فروپاشی شوروی دانسته اند. در انقلاب ها و کودتاها نیز یکی از زمینه های مبارزه، نبرد بر سر تسلط بر وسایل ارتباط جمعی به ویژه رادیو و تلویزیون است. دریافت پیام رادیویی یا تلویزیونی نیازی به داشتن سواد ندارد و همه جوامع و اقشار اعم از بی سواد و باسواد مخاطب آن هستند. اگرچه رادیو در حال حاضر فراگیرترین وسیله ارتباط جمعی در جهان است، ولی روزبه روز بر اهمیت و جاذبه تلویزیون در ارتباطات افزوده می شود. تلویزیون از امتیازات رادیو و سینما هر دو برخوردار است و راحت تر به حوزه زندگی خصوصی افراد وارد می شود. امروزه اکثر سیاستمداران جهان یکی از راه های موفقیت در سیاست را در تلویزیون جست و جو می کنند و تلاش می کنند که از طریق آن، پیام و تبلیغ سیاسی خود را ارائه کنند. تلویزیون در کسب و حفظ قدرت سیاسی و ایجاد رابطه بین حکومت و مردم و نیز تأثیرگذاری بر افکار عمومی، نقشی تعیین کننده دارد. از این نظر، جایگاه خبری تلویزیون بسیار با اهمیت تلقی می شود. نهایت آنکه تلویزیون و ماهواره و به تازگی اینترنت به عنوان یکی از شناخته شده اند و دولت ها یا بخش خصوصی در جهت اهداف مورد نظر خود، آنها را به کار می گیرند. تلویزیون و ماهواره وسیله های ارتباطی بسیار مهم در شکل دادن به افکار عمومی در ارتباط با سیاست داخلی و خارجی هستند.

تبلیغات سیاسی (پروپاگاندا)

واژه تبلیغات سیاسی یا پروپاگاندا از ریشه پروپاگاره به معنای نشا کردن، منتشر ساختن، برانگیختن یا به حرکت واداشتن اندیشه ای

خاص است هدف از تبلیغ سیاسی می تواند تحت تأثیر قرار دادن افراد برای پذیرش نگرش های خاص باشد. البته گویز تنها هدف تبلیغ را غلبه بر توده ها می دانست، ولی به طور کلی، هدف تبلیغات سیاسی، تغییر در نحوه ادراک و قضاوت های ارزشی مردم است تا براساس آن، رفتارهایی را از خود بروز دهند. بنابراین، تبلیغات سیاسی موجب گردآوری آراء، عضویت در احزاب و گرویدن به گروه های سیاسی می شود. با توجه به اهمیت تبلیغات است که امروزه سخن از قدرت هایی می رود که رهبری مغزها را در اختیار دارند. این قدرت ها حکومت ها نیستند، بلکه کنترل کنندگان اطلاعات و ابزار اطلاعاتی هستند.

ارتباطات سیاسی

با پیچیده تر شدن جوامع، اهمیت ارتباط از جنبه سیاسی هر روز افزون تر می شود تا حدی که باید گفت در شرایط کنونی، ارتباطات مایه اصلی زندگی سیاسی است و بدون بهره گیری از وسایل ارتباطی و رسانه های گروهی، نظام های سیاسی قادر به نظم بخشیدن به جامعه و مشارکت دادن مردم در زندگی سیاسی نخواهند بود.

مشارکت در زندگی سیاسی از جمله عضویت در احزاب، انتخابات و ایجاد ارتباط متقابل با سیاستمداران، ایجاب می کند که مردم به رسانه های گروهی دسترسی داشته باشند. در ارتباط سیاسی، ارتباط گران تلاش می کنند با بهره گیری از وسایل گوناگون ارتباطی و کاربرد تکنیک ها و به اتکای قوانین مربوط، بر مخاطبان تأثیر گذارند و آنان را با برنامه ها و افکار خود هماهنگ سازند و با جلب افکار و آرای عمومی، موقعیت خود را تحکیم بخشند و قدرت خود را گسترش دهند.

ایجاد نظم در جامعه، فراهم آوردن اطلاعات در زمینه قوانین زندگی سیاسی و ارائه آن به مردم، تعیین چگونگی و چرایی رفتار مردم در حمایت از نظام و حاکمیت و مقابلاً خواست ها و نظرات مردم و چگونگی پاسخ حکومت به آن، ایجاد وفاق ملی و گفت و گو میان مردم، روشنفکران و حکومت، همگی از طریق ارتباطات سیاسی صورت می پذیرد.

رسانه های اطلاعاتی و خبری، واسطه اصلی میان سیاستگذاران و مردم هستند. آنها مردم را بسیج می کنند تا اندیشه های جدید و تکنیک های نو را بپذیرند. وظیفه دشوار رسانه های گروهی این است که ساختار سیاسی با ثبات و پایداری را بنا کنند که در آن ساختار، محیط اجتماعی همگون و شایسته ای پدید آید و به گسترش توسعه ملی سرعت بخشد. در این راستا دو وظیفه مهم برای رسانه های گروهی قابل طرح خواهد بود؛

ایجاد مشارکت و تبادل افکار میان مردم یک جامعه با فرهنگ های متفاوت به کمک رسانه ها می تواند با شیوه های غیرسیاسی موجب وحدت ملی شود. ضمناً رسانه ها به ظهور آن دسته از رهبران سیاسی که به ارزش های اجتماعی مخالف تغییر هجوم می آورند، کمک می کنند و از این طریق، احتمالاً در آینده توجه مردم را به خود جلب می کنند. به عبارت دیگر، رسانه های گروهی به پیدایش رهبران جدیدی کمک می کنند که مسئله می آفرینند و از نظر ایدئولوژیک متصدی توسعه ملی می شوند.

یکی از وظایف رسانه ها این است که بتوانند تمام نظام اجرایی را نقد کنند، زیرا انتقاد با هدف رفع خطا و اجرای درست امور، سازنده است. نقش رسانه ها در هدایت افکار عمومی، بر ساختن فرهنگ مردمی، پرورش شهروندانی نقاد و ایجاد همبستگی اجتماعی در جامعه ای باز و کثرت گرا بسیار با اهمیت است. جامعه پذیری سیاسی و تحت تأثیر قرار گرفتن مردم جامعه نسبت به ارزش های نظام برای اداره مؤثر آن، ضرورتی انکارناپذیر است از طرف دیگر، نظام سیاسی باید موجبات پذیرش نقش از سوی مردم را فراهم سازد. باید طریقی را برگزیند که گرایش ها و منافع گوناگون افراد و گروه ها از طریق تشکل های حزبی، گروه های ذی نفوذ و امثال آن، بیان و ارضاء شود و بدینسان ارتباطات سیاسی زمینه ساز فعالیت و مشارکت سیاسی افراد جامعه شود، پس رواج نوعی فرهنگ می گویند ضروری است. در این فرهنگ، افراد به صورت مثبت با بیشتر جنبه های نظام سیاسی برخورد می کنند.

نقش ارتباطات سیاسی در ایجاد چنین فرهنگی بسیار قاطع و اساسی است از سوی دیگر، پیشرفت ارتباطات بین المللی به وابستگی متقابل دولت ها دامن زده است. البته در این پدیدار، شاهد یک ناسازه هستیم، به این معنا که از یک سو استقلال ملی بدون کنترل بر ارتباطات معنای خود را از دست می دهد، اما از سوی دیگر نظام جدید ارتباطی، امکان کنترل و سانسور اطلاعات را از دولت ها سلب می کند. برای عبور از این تناقض می توان به این دیدگاه رسید که هرچه مردم با رسانه ها بیشتر پیوند داشته باشند و هرچه نظرات مردم در رسانه ها بیشتر منعکس شود، مشارکت مردم نیز بیشتر خواهد شد.

رسانه ها و افکار عمومی

افکار عمومی عبارت از مجموعه گرایش های ذهنی افراد یک واحد اجتماعی نسبت به موضوعات مطرح شده است بهترین نوع افکار عمومی را افکار عمومی صمیمی و دیرپا دانسته اند، زیرا از

تعادل، ثبات و دوام بیشتری برخوردار است. افکار عمومی زیربنای تبلیغات به شمار می رود. به بیان دیگر، همه سعی و تلاش تبلیغات اعم از سیاسی، تجاری یا فرهنگی در جذب یا همسویی افکار عمومی است. امروزه در اغلب کشورها افکار عمومی یک قدرت واقعی است و اهمیت آن بستگی به رشد سیاسی مردم دارد و دولت و مسئولان کشور حتی در نظام های سیاسی خودکامه و استبدادی ناچارند به آن توجه کنند. مؤثرترین نوع تبلیغ، فرایندی است که مردم را بی اراده وادار به دیدن و شنیدن کند، به عبارتی، اراده تفکر را از آنها سلب کند. در این میان تبلیغات دیداری - شنیداری یعنی همان استفاده از رادیو و تلویزیون، مؤثرترین نقش را بازی می کند. تردیدی نیست که رسانه ها نقش زیادی در شکل دهی افکار عمومی دارند، با این حال از آنجا که افکار عمومی در پاره ای موارد بازتاب خواست های بی آلاش فطرت انسانی هستند، چه بسا شاهد پدیده های معکوس باشیم، بدین معنا که افکار عمومی درست نقطه مقابل رویه رسانه های گروهی رفتار می کنند و آنها را تحت تأثیر خود می سازند. بنابراین، نباید نسبت به کارکرد رسانه ها در افکار عمومی به صورت یک سویه قضاوت کرد.

در دوران فعلی، رابطه تنگاتنگی را می توان میان تبلیغات سیاسی، آگهی های تجاری، اخبار و حتی تعلیم و تربیه اشاره کرد... نقش کارکردی رسانه ها در امنیت داخلی:

رسانه های جمعی (رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... نقش بسیار مهمی در ارائه و اجرای برنامه های سیاسی - امنیتی و بسترسازی افکار عمومی و تأمین امنیت عمومی ایفا می کنند. آنچه مسلم است رسانه ها با توجه به توسعه کمی و کیفی که یافته اند در عمل می توانند هم فرصت و هم تهدیدی برای دوام و قوام امنیت اجتماعی باشند. رسانه ها از آغاز زندگی انسان تا پایان حیات دکنار او نقش یک همزاد را بازی می کنند و انسان را در خزانه بی پایان اطلاعات قرار می دهند.

به تعبیری می توان گفت. رسانه ها تأثیر شگرفی بر افکار و عقاید عمومی می گذارند. کاری که همه قوا و همه سازمانها در عرض یک سال انجام دهند، رسانه این زمان را به یک دهم می رساند. رسانه ها در واقع شکل دهنده افکار عمومی و از طرفی منعکس کننده آنها هستند. در یک کلام، رسانه ها بر ادراک ما از جهان پیرامون تأثیر می گذارند. جهان بینی انسان ها به شدت تابع عملکرد رسانه هاست. در دنیای جدید، هیچ تصمیمی بدون مشارکت و مشارکت آفرینی رسانه ها به سامان نمی رسد. امروزه رسانه های جمعی با کارکردهای مشخص و تعیین شده خود،



جایگاه ویژه ای یافته اند. مهم ترین وظایف رسانه ها بخش سرگرمی، تفریحی، اطلاع رسانی و همگن سازی اجتماعی آنهاست. ایفای نقش اثرگذار رسانه ها، آنها را به عنوان اثرگذارترین عامل نظم، امنیت اجتماعی، وفاق، همبستگی و مشارکت مردمی در آورده است. رسانه های جمعی نقش بسیار مهمی در ارائه و اجرای برنامه های سیاسی، امنیتی و همچنین برانگیختن مشارکت مردمی در تأمین امنیت اجتماعی ایفا می کنند.

نقش رسانه های جمعی را در جامعه افغانستان بویژه در پایتخت فرهنگی جهان اسلام «غزنی» باستان از طریق تبلیغ و هویت سازی مشترک، ایجاد همگرایی ملی و همچنین ایجاد امنیت می توان مورد توجه قرار داد که با ارائه برنامه های مناسب و اشاعه فرهنگ و تمدن ناب اسلامی و محمدی ریشه های رفتارهای منحرفانه و برداشت های ناروا و متحجرانه از اسلام و آموزه های دینی را از درون این شهر و جامعه برجسته و به مردم فرهنگ توسعه و نوسازی را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی آن آموخت و رسانه ها در برقراری ارتباط عقلانی و گسترش فضاهای عمومی به همراه تبیین اهمیت و ضرورت یک موضوع، نقش بسزایی دارند. بر همین اساس، رسانه ها با پوشش خبری و اطلاع رسانی وقایع امنیتی و جنایی به شیوه های مطلوب و ارائه برنامه های آموزشی مطلوب درخصوص ضرورت امنیت اجتماعی در جامعه و حتی آموزش چگونگی حفاظت از مال، جان و ناموس خود، زمینه مساعدی را برای این همکاری و مشارکت مردمی به وجود می آورند. رسانه ها به عبارتی، یک میدان عمومی جدید برای گفت و گوی میان انسان ها تلقی می شوند که از طریق آنها همه می توانند با هم تماس بگیرند و ارتباط برقرار کنند. بر اثر همین ارتباط و نزدیکی انسانها، تفاهم ایجاد می شود و تقابل خصمانه و خشونت (یا همان نبودن امنیت عمومی) از میان می رود. در واقع، رسانه ها جهانی نو ساخته اند که حذف آنها از این دنیا میسر نیست.

رسانه ها در دنیای کنونی در عین تنوع بسیار پیچیده اند و بسان یک شمشیر دولبه هستند که هم می توانند کارکرد مثبت داشته باشند و هم کارکرد منفی. براین اساس، رسانه ها در روند تثبیت یا وفاق و امنیت عمومی و مشارکت همه جانبه مردم در تأمین امنیت عمومی و شرکت در نظام عدالت کیفری با نقش ها و کارکردهای مختلفی نمود می یابند؛ کارکردهایی که برآمده از توجه یا بی توجهی به ساختار فرهنگی جامعه و شدت و شتاب تغییرات آن است آنها می توانند از طریق تحکیم و تعمیق پیوندهای دینی، ملی، فرهنگی و تاریخی در توسعه و پایداری همگرایی ملی در سطح کل جامعه افغانستان به خصوص در شهر های همانند «غزنی» که بیشتر آماج سوء استفاده گریهای بیگانگان قرار دارد بپردازند. زیرا

ولایت غزنی به علت بافت اجتماعی خاص خودش و تأثیر پذیری بیشتر از بعض کشور های همسایه و ... آماج بیشترین القانات انحرافی می باشد. روشن است که در یک نظام هماهنگ رسانه ای، انسجام و پایداری توسعه و در نتیجه تقویت امنیت ملی مدنظر است، اما در ازهم گسیختگی رسانه ها، تهدید امنیت ملی قابل پیش بینی است مهم ترین کارکرد رسانه ها را در قالب مثبت و منفی می توان به شرح زیر مورد بررسی قرار داد.

کارکردهای مثبت رسانه ها

۱) کوچک شدن جهان

امروز جهان ما دنیای تعلق اخبار و اطلاعات نیست، بلکه دنیای تعلق جهانی اطلاعات است، به این معنا که به واسطه رسانه ها خبر هر حادثه هر چند کوچک در تمام سطح جهان نشر می یابد و جوامع بشری را تحت تأثیر قرار می دهد. امروز حتی یک عمل خشونت آمیز در یک گوشه از دنیا، دل مردم جهان را به درد می آورد. در واقع رسانه ها باعث بیداری و افشاگری وجدان جهان شده اند.

۲) توسعه آموزش

رسانه ها، دنیای نوین آفریده اند که در آن مفهوم آموزش تعریف تازه یافته است، به این معنا که دیگر دانستن و داشتن علم و معرفت در انحصار هیچ کس نیست. در دنیای ارتباطی نوین، آموزش همه جایی است. بسیاری از متفکران به درستی بر خصلت همه جایی بودن و همسان سازی تأکید کرده اند. رسانه ها از یک سو محتوای آموزشی را به جای جای جامعه برده و از سوی دیگر از فاصله موجود میان انسان ها کاسته اند.

۳) مشارکت مردمی

با ورود رسانه ها به حریم انسان ها، وحدت و مشارکت مردمی نیز تعریفی جدید یافت. قبایل دورافتاده از تعلق خود به یک واحد بزرگ تر آگاهی یافتند و موجبات کاهش اهمیت خرده فرهنگ ها فراهم آمد و هویت ملی تعریف تازه یافت. به این ترتیب و در جریان تحولات شگرف رسانه ها می توان گفت که مشارکت مردمی و همبستگی ملی شکل گرفته است.

۴) تکوین فرهنگ ملی

در پرتو پیدایش رسانه ها، همه افراد جامعه از زبان مشترک، هویت مشترک و آداب و عادات مشترکی برخوردار شدند. به عبارت دیگر، یک نوع فرهنگ ملی شکل گرفت. که امروزه نیز می تواند رسانه های افغانستان بویژه رسانه های شهر غزنی با تقویت مؤلفه های همگرایی و وفاق اجتماعی مانند تقویت ارزش های ملی و تقویت ارزش های اسلامی و دینی و تقویت عنصر فرهنگ و باورهای مشترک نقش مؤثر و مفیدی را در راستای ایجاد همبستگی ملی و و

فاق اجتماعی از خود به نمایش بگذارند.

۵) ایفای نقش اساسی در ایجاد نظم و امنیت عمومی

چنانچه گفته شد یکی از کارکردهای مثبت و بسیار مهم رسانه ها همانا ایفای نقش در ایجاد نظم و امنیت عمومی است. امنیت عمومی مقوله ای مبتنی بر وفاق، همبستگی و مشارکت مردمی است که بر اثر افزایش فرهنگ و قدرت مفاهمه جامعه به وجود می آید. از این رو، رسانه های جمعی می توانند عامل قوام و استمرار آن باشند.

۶) سایر کارکردهای مثبت

رسانه های دنیای کنونی دارای ویژگی ها و امتیازات متعدد دیگری نیز هستند که به اختصار برخی آثار و کارکردهای مثبت و شایع آنها عبارت است از: ایجاد نهادهای محلی، ملی، افزایش دانش و آگاهی های مردم، افزایش درآمد سرانه، توسعه اقتصادی و سیاسی، افزایش مناسبات فرهنگی و مبادلات اقتصادی و اجتماعی و علمی، پیشبرد سیاست های ملی و افزایش سطح مشارکت اجتماعی، همراهی با افکار عمومی برای مشروعیت و تقسیم قدرت و دموکراتیک شدن حکومت، کمک به برقراری صلح، کارکرد اطلاع رسانی، ایجاد تخصص و بالا بردن سطح دانش فنی و نوآوری و کمک به توسعه سیاسی.

کارکردهای منفی رسانه ها

در مقابل این آثار مثبت، رسانه ها بالقوه می توانند منشأ کارکردهای منفی هم در جامعه باشند که به برخی از آنها اشاره می کنیم البته این موارد در رسانه های بیگانه مورد بهره برداری بالفعل قرار می گیرند.

۱) بروز و بسط خشونت و ناامنی

برخی پژوهشگران براین عقیده اند که رسانه ها موجبات بروز و توسعه خشونت را فراهم کرده اند. آنچه آشکار است اینکه رسانه ها همان طور که در ایجاد مشارکت و امنیت نقش ایفا می کنند ممکن است با تنزل قدرت انتخاب مخاطبان و تضعیف روند نهادی شدن ارزش های اجتماعی و انتقال تصویرها و انگاره های از هم گسیخته افراد، جامعه را دچار تعارض و چندگانگی های فرهنگی و اجتماعی کنند و وفاق، مشارکت و همدلی را به نفاق، جدایی و خشم و خصومت تبدیل سازند. در چنین شرایطی، تنش، تعارض و خشونت پدیدار می شوند و هنجارها و ارزش های پسندیده جامعه رنگ می بازند.

۲) سلطه جویی

امروزه بسیاری از قدرت های حاکم و استعمارگر با بهره برداری نادرست از رسانه ها توانسته اند به اعماق جامعه راه یابند و به عبارتی سلطه جویند.

۳) دگرگونی ارزش ها

رسانه ها به ویژه رسانه های دیداری با تولید و نشر برنامه های جنایی در واقع، موجب دگرگونی ارزش ها می شوند تا آنجا که جرم و جنایت برای بینندگان و به ویژه جوانان و نوجوانان ارزش مثبت تلقی می شود.

۴) انتقال شگردهای جرم و جنایت

امروزه رسانه ها با تولید انبوه فیلم های جنایی و نشر وسیع اخبار جرم و جنایت، خشونت و ناامنی، سبب انتقال تجارب و فنون و به عبارت بهتر، شگردهای جنایی به کل مردم می شوند. بر این اساس، شاید بتوان گفت رسانه ها به نوعی به طور مستقیم خودآگاه یا غیرمستقیم و غیرعمدی در ایجاد خشونت، جرم و جنایت و انحرافات اجتماعی و... دخیل اند.

۵) مقاومت در برابر ارزش های اخلاقی و فرهنگی

استفاده نابجا از برخی رسانه ها باعث می شود بسیاری از اقشار جامعه و به ویژه نسل جوان در برابر ارزش های اخلاقی و فرهنگی جامعه خود مقاومت کنند و خواهان نابودی و تخریب این گونه ارزش ها شوند.

راهکارها

متأسفانه در میان رسانه ها بعضی رسانه های مکتوب هم با ساز مخالف، مانع تحقق اهداف ارزشمند مانند همگرایی ملی و فاق ملی دینی و فرهنگ مشترک باورهای مشترک در درون جامعه می شوند که جایی بس تأسف را دارد. البته گستره و عمق آنها خیلی قابل توجه نیست، اما ساز مخالف آنها هم قابل انتظار نیست، چراکه برای تحقق یک هدف و برنامه ملی، رسانه ها باید رویکرد تکامل گرایانه و مکمل محورانه داشته باشند.

رسانه ها در صورتی می توانند جلب اعتماد کنند که خودشان مکمل یکدیگر باشند نه این که حرف و برنامه همدیگر را نقض کنند. متأسفانه بعضی رسانه های مکتوب که بیشتر تحت تأثیر القانات جناحی و سیاسی و درصدد کسب نظر و اقبال مردمی هستند، منافع حزبی را بر منافع ملی ترجیح می دهند.

برای حفظ نظم، یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی پیشگیری است. راهبردی که عمدتاً پیش بینی می کند و متشکل از مجموعه راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم است که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی طراحی و تدوین می شود. اهمیت و کارآمدی پیشگیری همواره توجه صاحب نظران نظام های جزایی و حوزه های سیاست جنایی را به خود جلب کرده است.

یافته های تجربی چند دهه اخیر نیز نشان داده اند که در صورت

۳- روحانی، حسن. نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، بهار ۱۳۸۷

۴- سلیمی، علی و محمد داوری. جامعه شناسی کجروی. انتشار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: انتشارات زیتون، ۱۳۸۵

۶- صدیق سروستانی، رحمه الله. آسیب شناسی اجتماعی تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۳.

۷- عبدالملکی، جعفر. نقش کارکردی رسانه های جمعی در برقراری امنیت اجتماعی.

۸- لرنی، منوچهر. جامعه شناسی امنیت تهران: انتشارات رامین، ۱۳۸۴

۹- لرنی، منوچهر و حسین مصلحتی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ۶ و ۷، تهران: انتشارات ن، ت، ظ، ۱۳۸۵

۱۰- مجله سروش، انقلاب ارتباطات در آستانه قرن ۲۱، سال بیستم، شماره ۹۳۶ تهران: انتشارات صداوسیما، ۱۳۷۸

ارائه برنامه های صحیح، و همسو با منافع ملی به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه راه حلی به مراتب کارآمدتر و مؤثرتر از راهبردهای است که برای ازبین بردن یک آفت اجتماعی مانند نبود امنیت و ... درپیش گرفته می شود. که جا دارد به چند مورد از آن راهبردها اشاره ورزیده شود:

۱- ایجاد امنیت اجتماعی در معنایی فراگیر و در سطح برخوردار ساختن آحاد جامعه از نیازهای اساسی؛

۲- وضع قوانین مناسب تأمین اجتماعی (حمایت از خانواده، کودکان، زنان و...) با هدف فراهم کردن چارچوب قانون متناسب با فعالیت های پیشگیرانه؛

۳- تقویت نقش فراگیری علم و علم آموزی در جامعه نو پایی کشور مانند افغانستان؛

۴- افزایش مراکز مشاوره اجتماعی در محلات و مدارس با هدف زمینه سازی حل مشکلات رفتاری و اجتماعی؛

۶- تبیین درست آموزه ها و دستورات دینی و اسلامی و تقیح نمودن بعضی باورهای غلط مانند انتحار و...؛

نتیجه گیری:

رسانه ها در دنیای امروز نقش مهم و غیرقابل انکاری در کسب اعتماد و جلب مشارکت مردمی برای امنیت بخشی در حوزه های مختلف به ویژه امنیت اجتماعی دارند. رسانه های جمعی، نقشی دوگانه در خصوص جوامع دارند؛ از طرفی با دستکاری و تحریک به تغییر و تهدید بافت اجتماعی یک جامعه مبادرت می ورزند و نا بسامانی های اجتماعی را دامن می زنند و از طرفی دیگر می توانند با مدیریت صحیح از ایجاد شکاف های اجتماعی جلوگیری کنند و لایت غزنی به علت بافت اجتماعی خاص خودش و تأثیر پذیری از بعضی کشور های همسایه و نزدیکی با بعضی از شهر های آن. و ... آماج بیشترین القانات انحرافی می باشد. این جاست که نیاز به رسانه های داخلی در جهت بالا بردن امنیت مرزها، کنترل و مدیریت محیط، جامعه پذیری سیاسی و اجتماعی، ایجاد همبستگی بین اجزایی گوناگون جامعه، همگرایی ملی، حمایت از هنجارهای اجتماعی و... احساس می شود. آنها می توانند از طریق تحکیم و تعمیق پیوندهای دینی، ملی، فرهنگی و تاریخی به تشدید توسعه و همبستگی های اجتماعی پردازند.

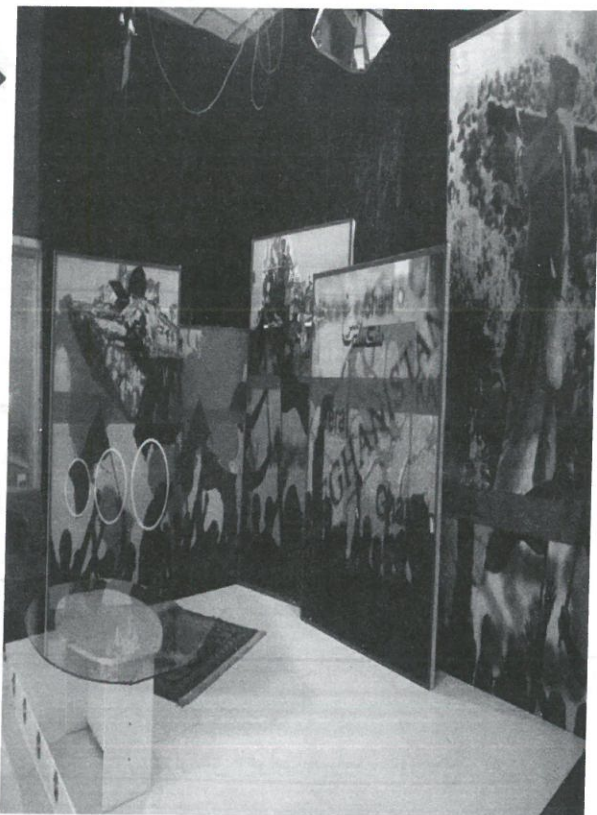
منابع:

۱- آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، موضوع تصویب نامه شماره

۱۱۱۶۴۸/ت۴۹ ۱۳۶۶/۲/۵ به تاریخ ۱۳۶۶/۲/۵

۲- خانیکی، هادی. رسانه های جمعی و امنیت ملی چاپ اول،

جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت کشور، ۱۳۷۶



استودیو ثبت فلم تلویزیون نمدن - کابل افغانستان



گنجی در دل ویرانه ها!



محمدضیاء حسینی

عضویت علمی

و

آمر فرهنگی - تربیتی

شعبه غزنی

مقدمه

واژه «غزنه» در لغت به معنای «گشاده ترین و پاکیزه ترین شهرهاست». برخی گویند: غزنی یا غزنه پیش از این که به این نام شهرت یابد، به «زاوُل» موسوم بوده است؛ اما، پس از تصرف ترکان غز، این دیار نام اصلی اش را از دست داده به نام «ترکان غز» به «غزنه» یا «غزنین» شهرت یافته است. بعضی هم آن را مرتبط با واژه ای «گزنَه» دانسته اند. یاقوت حموی در باره غزنین می نویسد: «غزنه دراصل «جَزَنَه» است شهر بزرگ و ولایت گسترده ای است در خراسان، که یکی از بلاد زابلستان به شمار می رود. غزنه در واقع تلفظ عامی مردم بوده و شکل درست آن نزد علما همان واژه «غزنین» است^۱. به نظر می رسد: «غزنه» و «جَزَنَه» هردو معرب «گزنه» اند. زیرا، در برخی منابع یکی از نام های این سرزمین را «گزنَه» خوانده اند. شاید بتوان گفت: چون در گذشته، این سرزمین مملو از گیاه «گزنَه» بوده؛ لذا، نامش از این گیاه گرفته و بعد ها با اشکال تعریب شده ای «جَزَنَه» و یا «غزنه» شهرت یافته است.

قدیم ترین نام غزنه کخره، سیزدهمین منطقه خوب است که منطقه ککرک غزنی تا حال این نام را نگاه داشته است تحقیقات نشان داده است که در پارچه های سغدی گزکزک یافته شده است که معنی خزانه را میدهد. مورخین عرب گاهی آنرا (غزنه، غزنی، غزنین) نوشته اند، از این که غزنی قدامت تاریخی ده هزار ساله دارد، نام های مختلف را سپری کرده است، در کتاب تاریخ سیستان آمده است که غزنی را ملک الدنیا یعقوب بن لیث صفاری آباد کرده است.

تا قرن هفتم میلادی غزنی یکی از مراکز بودایی در آسیای مرکزی بود. با ورود ارتش اعراب مسلمان در منطقه مردم این شهر به اسلام دعوت شدند، اما مخالفت ها با دین جدید باعث شد تا یعقوب لیث صفاری از زرنج این شهر را تصرف و قوانین اسلام را در آنجا حاکم کند.

غزنه پیش از اسلام مرکز زابلستان بوده است، زابلستان در شاهنامه فردوسی به عنوان کانون پهلوانان از اهمیت خاصی برخوردار است. غزنه پس از اسلام نیز شهری بزرگ در خراسان بوده، و از شهرهای زیبای آسیا به شمار می آمده است. این شهر هزار باب

مدرسه داشته است، و مرکز تجمع شاعران و دانشمندان بسیاری مانند ابوریحان بیرونی، فردوسی، ابوالفضل بیهقی، عبدالحی گردیزی، سنایی، مسعود سعد سلمان، عنصری و فرخی سیستانی بوده است.

غزنی در سالهای (۱۱۸۷-۹۷۵م) پایتخت سلطنت غزنویان بوده است و سلطان محمود غزنوی سالها در آبادی و گسترش غزنی-کوشیده است. در دهه های نخست سده یازدهم میلادی غزنی مهم ترین کانون ادبیات پارسی بوده است.

مناره های ستاره شکلی از سده دوازدهم میلادی به این شهر شهرت خاص داده است، اطراف این مناره ها با طرح های هندسی و با آیات قرآن با خط کوفی مزین بوده است، گذشت زمان، عوامل طبیعی و جنگ های طولانی در کشور سبب تخریب قسمت گنبد آنها شده است.

بخاطر همین عظمت تاریخی بود که در سال ۲۰۰۷ سازمان کشورهای اسلامی این شهر را به عنوان مرکزیت فرهنگی تمدن جهان اسلام در سال ۲۰۱۳ اعلان کرد، این تصمیم سازمان کشورهای اسلامی بهانه خوبی بود برای نوسازی، بازسازی، مرمت آبادات تاریخی این شهر، اما هفت سال از این اعلان گذشت، ۲۰۱۳ هم پایان یافت، تغییرات چشمگیر در این شهر به وجود نیامد. در این نوشته تلاش شده است تا آبادات تاریخی این ولایت به طور اختصار به معرفی گرفته شود.

واژه های کلیدی:

غزنه، غزنی، غزنویان، آبده، آبادات، باستانی، مقبره.

ضرورت تحقیق

در سال های اخیر به بهانه سال ۲۰۱۳ بحث های نسبت به تاریخ و فرهنگ غزنی صورت گرفته است، اما نسبت به آبده های تاریخی غزنی که بخش عمده فرهنگ و تمدن اسلامی غزنی را تشکیل می دهد، بحث مستقل صورت نگرفته است، لذا ضرورت ایجاب می

کند، تا این بدنه اصلی تمدن فرهنگی نیز مورد تحقیق و معرفی قرار گیرد.

نوآوری تحقیق

از این که بحث مستقل برای شناخت آبنده های تاریخی غزنی صورت نگرفته است، این تحقیق به صورت یک مجموعه می تواند سبب معرفی آبدات تاریخی غزنی گردد، با این رویکرد می توان یک تحقیق نو محسوب کرد.

آبدات تاریخی غزنی

هدف آگاهی خوانندگان از آبدات تاریخی این ولایت است، در این نوشته به طور گذرا به آن اشاره می شود:

۱. تپه سردار

تاریخ معماری آن به دوره شکوه بودیزم در حوالی قرن اول میلادی میرسد. آثاری که از این تپه بدست آمده اند شامل ۳۰۰۰ قطعه اثر مربوط به دوره بودیزم به شمول استوپاها، مجسمه ها، معبدها، ظروف و دیگر اشیاء نفیس می باشد. بزرگترین مجسمه بودا بعد از مجسمه های بامیان که به شکل خوابیده به طول ۱۵ متر است، در همین تپه موقعیت دارد. تپه سردار در سمت شرق شهر غزنی موقعیت دارد.

۲. مقبره علی لالا

علی ملقب به رضی الدین مشهور به علی لالا فرزند شیخ سعید پسر عموی حکیم سنایی میباشد. علی لالا در تصوف و عرفان پایه بلند داشته و در شعر و ادب نیز صاحب نام بوده است. وفات وی در سال ۶۴۲ هـ ق در شهر غزنی ثبت شده است.

مقبره علی لالا، در ساحه وسیع در داخل یک گنبد بزرگ از خشت پخته به شکل مستطیل در جنوب شهر قدیمی غزنه، در مسیر راه روضه غزنی، قریه علی لالا اعمار گردیده است.

۳. مقبره خواجه لایخوار

محمد، مشهور به خواجه لایخوار، در عصر سلطان ابراهیم زندگی می کرده، به گفته ی عده از دانشمندان و مستشرقین دنیا سبب تغییر حال و انقلاب روحی حکیم سنایی گردید است.

به گمان اغلب در زمان شاهی مسعود سوم (۴۹۲ - ۵۰۸) چشم از جهان بسته و اکنون مقبره اش مورد احترام برخی از مردم شهر غزنی است.

مقبره خواجه لایخوار در شرق جاده عمومی کابل - قندهار، مقابل بازار شهر جدید و شمال جاده قریه اربابا اعمار گردیده است.

۴. مقبره اربابا

شیخ عثمان هجویری از سادات و عرفای غزنی است، پدرش سید علی هجویری معروف به (داتای گنج بخش) مدفون در

لاهور پاکستان است که اثر نفیسه کشف المحجوب، شهکار عرفان در زبان فارسی می باشد. در مورد آثار و کارهای علمی او معلومات در دست نیست. برخی از مردم به ایشان ارادت خاص داشته و برای دعا به مقبره شان می روند و محققین سال وفات او را ۴۲۰ هـ ق گفته اند. مقبره اربابا صاحب در یک ساحه وسیع به گونه گنبدی و از مواد تعمیراتی خام در قریه ی اربابا اعمار گردیده است.

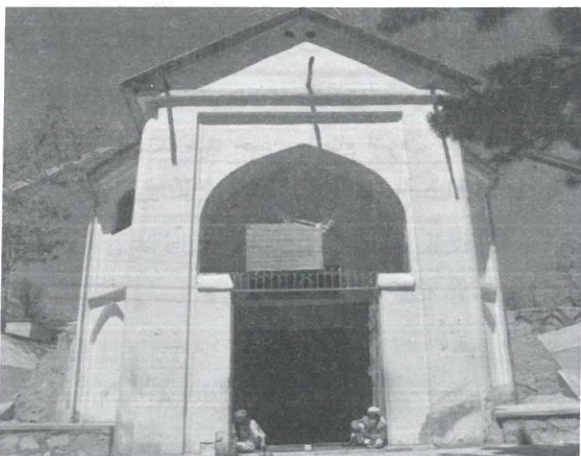
۵. مقبره سلطان محمود غزنوی

سلطان محمود غزنوی فرزند سبکتگین سرسلسله غزنویان می باشد، وی در دهم محرم الحرام ۳۶۱ هجری قمری تولد یافته و روز ۲۳ ربیع الثانی ۴۲۱ هـ ق به عمر ۵۹ سالگی جهان فانی را ترک کرده است. وسعت حکومت محمود را از شرق به هند، از غرب به همدان ایران، از شمال به خوارزم و از جنوب به سواحل بلوچستان گفته اند، سخاوت، جوانمردی، تدبیر امور، دلیری و پابندی به عقیده اسلامی در زمان حکمروایی سلطان در کتاب های تاریخ زیاد نوشته شده است. مقبره سلطان محمود در داخل یک گنبد بزرگ به صورت هشت ضلعی از خشت پخته در مسیر کابل - غزنی در قریه روضه اعمار گردیده است.

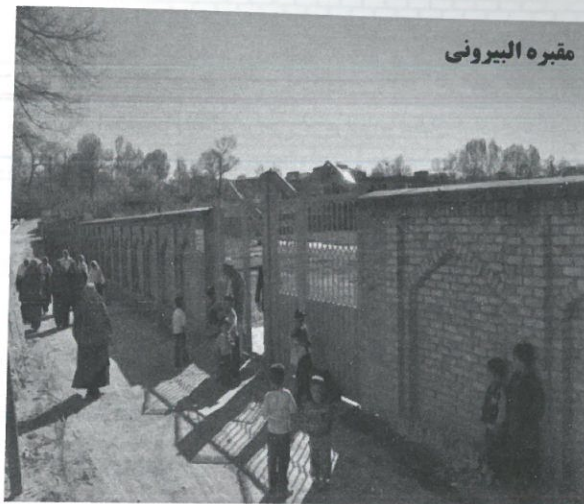
۶. مقبره خواجه بلغار

حسن ملقب به صلاح الدین و مشهور به خواجه بلغار، از عرفا و صوفیان بزرگ زمان خود بوده است، وی اصالتاً از "نخجوان" آذربایجان است. او مدت ۳۰ سال در شهر بلغار (بلغارستان امروزی) دین اسلام را تبلیغ کرد و به همین علت، مشهور به خواجه بلغار شده است. او در سال ۶۹۹ هجری قمری در غزنی وفات کرد. آرامگاهش به دستور جلال الدین اکبر پادشاه مغولی ساخته شده بود که البته در سال ۱۳۴۵ - ۴۶ هجری خورشیدی دوباره ساخته شد. مقبره خواجه بلغار در دامنه تپه شمال شرق قریه روضه سلطان محمود واقع شده است.

۷. مقبره تاج اولیاء



مقبره سلطان محمود غزنوی



نوشته است که: شیخ و امام بزرگواری در غزنه به نام امام قفال میزیسته که در نزد سلطان محمود مرتبت خاصی داشت. کلمه قفال با گذشت زمان به بقال تبدیل گردیده و وفات این مرد در عصر سلطان محمود غزنوی بوده است.

مقبره خواجه بقال در زمان تیموریها ساخته شده و مشهور به پیر چای فروشان است. واز دانشمندان عصر سلطان محمود است و سلطان به وی اعتماد زیاد داشته است و بنا به توصیه او سلطان به مذهب شافعی گرائید. مقبره خواجه بقال به صورت هشت ضلعی و در داخل گنبد با رواقهای باز از خشت پخته اعمار گردیده است.

۱۲. مقبره سلطان مسعود اول

مقبره مذکور در ساحه زمینهای زراعتی در سه کیلومتری شمال شرق شهر غزنی نزدیک شاهراه کابل قندهار قرار دارد. مقبره این سلطان در میان باغ های قریه معروف به بهلول کنونی قرار دارد، اما امروزه کشاورزان راه رفت و آمد این آرامگاه را بسته اند، این مقبره گنبدی نوساختی از آجر تعمیر شده که تاریخ بنا و اسم بانی آن معلوم نشد.^۳

۱۳. مقبره ابوریحان البیرونی

محمد بن احمد ابوریحان البیرونی از توابع خوارزم بوده که در سن شش سالگی به دربار سلطان محمود راه یافته است. او در علوم مختلفی چون نجوم، ریاضی، هندسه، جغرافیه و تاریخ ملل تبحر داشته است. البیرونی کتابهای زیادی درباره عقاید هندوان، ملل آریایی، عرب، یهود، قبطی، یونانی، رومیان، جغرافیه، نجوم، ستارگان و دوایر فلکی نوشته است. او در سال ۴۴۰ هجری قمری در غزنی وفات کرد.

۱۴. مقبره سید احمد مکی

خواجه احمد مشهور به سید احمد مکی از خلفای نامدار حضرت شیخ رضی الدین علی لالای غزنوی بوده، در عرفان مرتبت او را با ابوالحسن خرقانی یکی می دانند و به همین سبب به سلطان ذاکرین مشهور بوده است. سلسله نسب ایشان را در شجره نامه به امام موسی کاظم میرسانند و او در سال ۶۶۹ هـ ق در گذشت. مقبره سید احمد مکی در مدینه الاولیاء غزنی، قریه خواجه احمد، شهر نو غزنی می باشد.

۱۵. منار مسعود

یکی از بناهای با شکوه که مهارت غزنویان را در هنر معماری به نمایش می گذارد، مناره هاست. منار مسعود از خشت پخته بنا گردیده و این منار از دو قسمت تشکیل شده که بخش تحتانی آن هشت ضلعی و قسمت فوقانی آن به صورت استوانه ی بوده است. در اثر یک زلزله قسمت بالایی آن فرو ریخته و اکنون تنها

برخی از نویسندگان حکیم سنایی را خواهرزاده تاج اولیاء نوشته اند و در مورد اسمش نیز اختلاف نظر وجود دارد، طبق یک روایت به سید ابو علی عبدالله طاهر و طبق روایت دیگر او شیخ عمادالدین مسمی شده است.

عده ای از محققین بر این عقیده اند که موصوف هم صحبت حکیم سنایی، خواجه لایخوار و سید حسن غزنوی بوده است. مقبره تاج اولیاء نزدیک مقبره خواجه لایخوار در مسیر راه کابل - قندهار می باشد.

۸. مقبره سبکتگین

سلطان سبکتگین، در سال ۳۳۱ هجری قمری به دنیا آمد و در سال ۳۴۸ ملازم الپتگین سر لشکر سامانی گردید و بعد از خلع بیری تگین (پادشاه آن زمان)، مردم او را به پادشاهی برگزیدند. سبکتگین شش فرزند داشت یوسف و محمود از مشهورترین آنان است. او در سال ۳۸۷ هجری قمری وفات کرد و بعد از وی پسرش سلطان محمود به قدرت رسید. این مقبره به صورت گنبدی در شمال منار بهرام شاه و قصر مسعود در دامنه تپه با خشت پخته اعمار گردیده است.

۹. مقبره سید حسن آقا

سید حسن یکی از شاعران معروف دوران اخیر سلطنت غزنویان است و شعرهایش بیشتر مدیحه سرایی است او در سال ۴۹۵-۴۹۹ فوت نموده است، سید حسن را بنام اشرف شعرا هم یاد می کرده و عوام سید حسن را به همین نام می شناسند، مقبره اش زیارتگاه زنان و مردان شده است و ساختمانش از ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال سابقه دارد. مقبره مذکور در جنوب شهر کهنه بالا حصار و شرق جمع اولیاء واقع گردیده است.

۱۱. مقبره خواجه بقال

خواجه بقال از دانشوران و از فقههای معروف مذهب امام شافعی بوده است، عبدالحسین زرینکوب در کتاب سیر در شعر فارسی

قسمت هشت ضلعی و ستاره ای آن باقی مانده و توسط زینه ماریچ به فراز خود راه دارد.

طبق برخی از نوشته ها در این منار کلمات ذیل درج است: السلطان الاعظم ملک الاسلام علاءالدوله والدین ابوسعید مسعود بن ظهیر الدوله. بانی این منار مسعود ثالث در سال ۴۵۳ تولد گردیده و در سال ۵۰۸ وفات نموده است. گفته میشود این منار در سال ۴۹۲ بنا یافته است. موقعیت این منار در شهر غزنی، به فاصله یک کیلومتری سمت شمال روضه سلطان محمود کبیر واقع شده است.^۴

۱۶. منار بهرام شاه

این منار نیز بیان کننده عظمت و اقتدار دوران غزنویان در بخش هنر معماری بوده و شامل نقوش برجسته و ظریف از خشت پخته می باشد. آرایش آجر کاری آن دارای اهمیت فراوان بوده و چیدن خشت ها در این منارها زیبایی خاص خود را دارد. درب ورودی این منارها از اثرگذشت زمان و فرسایش خاک فعلا در ارتفاع بالای از زمین قرار گرفته و همچنان کتیبه های نیز به خط کوفی بر بدنه های مناره ها حکاکی شده است. در این منار نیز از بانی آن (السلطان الاعظم ملک الاسلام یمن الدوله و امین المله ابومظفر بهرامشاه) یادآوری شده و یکی از آبدات تاریخی محسوب میگردد که از اطراف و اکناف مردم برای دیدن آن میایند. بهرام شاه پسر مسعود پسر ابراهیم پسر مسعود پسر سلطان محمود بوده در سال ۵۱۲ به تخت شاهی نشسته و دوبار به هندوستان لشکر کشیده است.^۵

۱۷. شمس العارفین

شیخ عبدالواحد ملقب به شمس العارفین از بزرگان عرفان و تصوف زمان خود محسوب می گردد، وی در غزنه به دنیا آمده، آوازه تصوفش در بسیاری از شهرهای اسلامی طنین انداز است. خواجه معین الدین چشتی قبل از رفتن به هندوستان دو سال از محضر شمس فیض برده و موصوف طبق نوشته استاد خلیلی با شاه قسورگردیزی معاصر بوده و با او مکاتبه می کرده است. شمس العارفین در سال ۶۰۱ قمری از جهان فوت نموده و مقبره اش مورد تکریم برخی از مردم قرار دارد. مقبره شمس در داخل یک گنبد بزرگ در یک ساحه باستانی قرار گرفته است

۱۸. خواجه ملکیار

خواجه نورالدین ملکیار مشهور به خلیفه ی شیخ عزیز الدین دانیال خلجی است. خواجه پس از طی مراحل سلوک به اجازه استادش راهی هندوستان شده و قسمت زیادی از عمرش را در هندوستان صرف پخش و گسترش دین اسلام نموده است. ایشان در سال ۶۹۵ هـ ق در شهر غزنی داعی اجل را لیک گفته

است. مقبره خواجه ملکیار در قریه کوشک، شمال شهر غزنی واقع شده است.

۱۹. مرقد حکیم سنایی

حکیم سنایی ابوالمجد مجدود ابن آدم معروف به حکیم سنایی (۴۷۶-۵۳۵ هجری قمری) از شاعران بزرگ دری زبان است. او اولین شاعری است که تصوف را در شعر به تصویر کشید. سنائی چنان مناعت نفسی داشت که دختر بهرام شاه را به زنی نگرفت. او تمایلی به مدح پادشاه نداشت، مردی بود آزاد اندیش که علیه استبداد و بی انصافی مبارزه می کرد، مرقد وی که در زمان غزنوی ها آباد شده بود، در زمان امیرحیب الله خان به یک ساختمان جدید تبدیل شد و ارزش تاریخی آن از بین رفت.

۲۰. بالاحصار غزنی

گفته می شود که تاریخ بالاحصار غزنی سالها پیش از عصر غزنویان بوده است، یک بخش جنوبی آن در زمان امیر حیب الله خان به شکل معماری امروزی ساخته شده و بخش شمالی آن که شامل بنگله بود از بین رفته و شاهان غزنوی مخصوصاً مسعود اول و سلطان محمود در این محل می آمدند و بیشتر استفاده نظامی داشته است، بالا حصار بر ۳۰ الی ۴۰ کلومتری شهر غزنی مشرف است.

نتیجه

در ولایت غزنی آثار تاریخی زیاد وجود دارد، اما به بهانه سال ۲۰۱۳ که غزنی به عنوان مرکز فرهنگی تمدن جهان اسلام معرفی شد، تنها برخی از آثار باستانی که در محدوده شهر و حومه شهر غزنی قرار دارند، مورد توجه مسئولین مربوطه قرار گرفته است،

منابع

۱. دهخدا علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۹۳۷.
۲. حموی، شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۰۱.
۳. عزیزالدین، وکیلی، غزنه در دو قرن اخیر، وزارت اطلاعات و فرهنگ، انتشارات بیهقی، ۱۳۸۹ ص ۱۵۲
۴. جلالی غزنه و غزنویان، ص ۱۸۱
۵. قدرت الله حیلری، فرهنگ و تمدن اسلامی غزنین، وزارت اطلاعات و فرهنگ، ۱۳۹۰، ص ۳۳۱
۶. گاهنامه غزنی ۲۰۱۳، کمیسیون غزنی ۲۰۱۳، قوس ۱۳۸۹، ص ۴۴



غزنی و توسعه اقتصادی!



محمد اسحاق مهدوی
عضو هیئت علمی
و
معاونت اداری و مالی
شعبه غزنی

مقدمه

پروژه‌ی توسعه به خصوص «توسعه اقتصادی» امروزه به عنوان یکی از آمال و آرزوهای کشورهای مختلف در حال توسعه و یا توسعه نیافته مطرح است. هر کشور به نوعی تلاش دارد از کاروان توسعه عقب نمانده و با استفاده از تمام ظرفیت و پتانسیل‌های موجود هر چه سریع‌تر خود را با شاخص‌های توسعه وفق دهد. کشور اسلامی افغانستان نیز با همه‌ی مشکلات و چالش‌های جدی که دارد از این قاعده‌ی جهانی مستثنا نیست و حد اقل به «توسعه اقتصادی» به عنوان یکی از آرزوهای خود اهمیت قابل است.

در این نوشتار که هدف آن بررسی «توسعه اقتصادی» ولایت باستانی غزنی پایتخت فرهنگی جهان اسلام است، تلاش می‌شود تا ضمن ارائه تعریف کامل از توسعه و توسعه اقتصادی، هم‌چنین تبیین جایگاه فعلی غزنی باستان از نظر توسعه یافتگی و شاخص‌های توسعه، استراتژی‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی در این ولایت، به تبیین نقش و جایگاه حاکمان این خطه فرهنگی در فرایند توسعه پرداخته شود.

کلیدواژه:

غزنی، توسعه، توسعه اقتصادی، شاخص‌های توسعه،

۱. غزنی

غزنی در جنوب افغانستان که هم مرز با کابل، ارزگان، زابل، پکتیکا و لوگر است، واقع شده است. این ولایت از نگاه ترکیب قومی، سه قوم عمدۀ در افغانستان را در خود جای داده است و خوشبختانه اقوام ساکن در ولایت غزنی به صورت مسالمت آمیز و برادر وار با همدیگر زندگی می‌کنند. این ولایت زمانی مرکز تمدن جهان اسلام بوده است و هنوز آثارهای از اقتدار و شوکت آن باقی است. در سال ۲۰۰۷ این ولایت به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» انتخاب و هم اکنون در آستانه مراسم اصلی این افتخار بزرگ قرار دارد.

۲- توسعه

از قرن بیستم به بعد که توسعه به عنوان یک گفتمان جهانی مطرح گردید، در بعد مفهوم شناسی و تعریف، مراحل تکاملی خود را سپری نموده است و زمینه را برای یک حرکت تکاملی و ارائه تعریف بهتر از تعاریف قبلی آماده ساخته است. در ابتدا به توسعه شهری و تخریب تعمیرات قدیمی و نوسازی آن توسعه گفته می‌شد که رفته رفته در دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی توسعه برابر با رشد اقتصادی گرفته می‌شد که متأسفانه این رشد لزوماً با کاهش نابرابری و فقرزدایی همراه نگردید. به

این دلیل بود که در تعریف توسعه علاوه بر نظر داشت رشد اقتصادی به تأمین نیازهای اقتصادی، مسائل سیاسی و فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفت و به صورت وسیع مورد استقبال اقتصاددانان توسعه قرار گرفت.

بنابراین؛ «توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع در رشد اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و ریشه کن کردن فقر مطلق است». در مجموع، مراد از توسعه روند چند بعدی است که طی آن جوامع استانداردهای زندگی خود را ارتقا می‌بخشند، نابرابری‌ها را کاهش و فقر را از اعضای خود می‌زدایند و افراد جامعه در این فرایند، مسیر تکاملی شایسته‌ی خود را می‌پیمایند.

۳- توسعه اقتصادی

به موازات تعریف توسعه، «توسعه اقتصادی» نیز دارای تعاریف متعددی است. توسعه اقتصادی یک فرایندی است که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در یک دوره‌ی طولانی افزایش یافته و از طرف دیگر تعداد افراد زیر خط فقر مطلق افزایش نیابد و توزیع درآمد بسیار نابرابر نشود. یا توسعه اقتصادی همان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد که شامل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری‌های اقتصادی و اجتماعی، کسب دانش، فن و مهارت جدید، بهبود در وضع نهادها، وجهت دهی نظرها و باورها یا به طور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاست‌های مختلف که بتواند شرایط نا مطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازد که با رشد مداوم اقتصادی، بهبود وضعیت رفاهی افراد و دگرگونی و تحول در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه همراه باشد.

بنابراین؛ توسعه اقتصادی زمانی فراهم می‌گردد که درآمد سرانه افزایش، توزیع درآمدها برابر، فقر کاهش یافته و امکان دستیابی به

تکنالوژی مدرن فراهم گردد و نیز با توجه به مسائل مهم اسلامی و ارزشی زمینه‌های مناسب برای نیل به کمالات انسانی برای همگان فراهم گردد.

بررسی وضعیت توسعه در غزنی

برای بررسی میزان توسعه یافتگی یا عدم آن، شاخص‌های توسعه وجود دارد و جایگاه یک کشور یا یک ولایت را در درون کشورها یا یک کشور می‌توان مورد توجه قرار داد. به منظور بررسی وضعیت توسعه و انکشاف در پایتخت فرهنگی جهان اسلام، لازم است تا شاخص‌ها و معیارهای جهانی توسعه ارزیابی و مورد بررسی قرار گیرد. تاکنون شاخص‌های متعددی برای اندازه‌گیری میزان توسعه یافتگی جوامع و مقایسه‌ی آن‌ها با همدیگر مطرح گردیده است که در این جا به این شاخص‌ها با نگاهی به غزنی باستان پرداخته می‌شود.

۱- شاخص‌های کمی

شاخص‌های کمی که معمولاً نشان دهنده‌ی میزان رشد و توسعه اقتصادی یک کشور است، با درآمد ناخالص ملی و درآمد ناخالص سرانه ملی نشان داده می‌شود. در افغانستان گرچه آمار و ارقام دقیق در مورد میزان درآمد ناخالص ملی و درآمد ناخالص سرانه ملی وجود ندارد، ولی بررسی میزان توسعه یافتگی کشور از این منظر نشان می‌دهد، افغانستان از کشورهای در حال توسعه نیز محسوب نمی‌گردد. زیرا؛ در شرایط کنونی حداقل درآمد سرانه مبلغ ۱۰۰۰ دلار در جهان تعیین شده است. در آمد سرانه ملی برای کشور افغانستان در زمان برگزاری نشست مهم و سرنوشت‌ساز «بن» ۲۲۰ دالر آمریکایی تعیین شده بود. در این نشست به ارتقای آن تا سطح ۵۰۰ دالر تاکید گردید. بر اساس گزارش وزارت اقتصاد افغانستان در سال ۲۰۰۵، درآمد سرانه ملی این کشور ۲۳۱ دلار تخمین زده شده است و این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۵۰۰ دالر رسیده است. در حالی که بر بنیاد گفته‌ی بانک جهانی در سال ۱۹۸۰ درآمد سرانه‌ی افغانستان ۱۷۰ دلار می‌باشد. در زمان طالبان به زیر ۱۰۰ دلار رسید و در سال ۲۰۰۳ درآمد سرانه‌ی افغانستان به ۱۷۰ دلار رسید. هم اکنون درآمد سرانه افغانستان به ۷۷۹ دالر رسیده است که تا حدودی رشد درآمد سرانه را نشان می‌دهد. در مقابل درآمد سرانه ملی در کشورهای در حال توسعه ۹۰۶ دلار و میانگین سرانه کشورهای صنعتی به ۲۱۵۹۸ دلار رسیده است. در نتیجه؛ این شاخص برای مردم ولایت غزنی نیز صادق است که وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد.

۲- شاخص‌های کیفی و ترکیبی

شاخص‌های کیفی و ترکیبی همان طور که از عنوان آن پیداست، دربردارنده‌ی شاخص‌های اقتصادی و غیر اقتصادی است و علاوه بر جنبه‌های کمی به اندازه‌گیری جنبه‌های کیفی مانند آموزش، بهداشت و سطح رفاه جامعه نیز توجه دارد.

الف) شاخص کیفیت فیزیکی زندگی (P.Q.L.I)

این شاخص براساس درصد باسوادی، مرگ و میر نوزادان و امید به زندگی در بدو تولد محاسبه می‌شود. آمارهای موجود در افغانستان نشان می‌دهد که این کشور از نگاه این شاخص نیز در وضعیت مطلوب قرار ندارد هرچند که نسبت به ده سال پیش افزایش چشم‌گیری داشته است، هرچند که هر سه فاکتور این شاخص در افغانستان نسبت به کشورهای همسایه و کشورهای جنوب آسیا در سطح بسیار نامطلوب قرار دارد.

۱. سطح سواد

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در سال ۱۹۸۱ از کل جمعیت افغانستان فقط ۱۲٪ با سواد بودند و این رقم در سال ۱۹۸۹ تا ۱۵٪ و در سال ۱۹۹۰ این رقم به ۲۹٪ افزایش یافته است. گرچه این آمارها مربوط به سال‌های دورتر است ولی در حال حاضر نیز وضعیت تغییر مهمی نکرده است و هنوز بی سوادی در این کشور موج می‌زند. براساس آمارهای جدید و به باور آگاهان امور؛ میزان باسوادی در این کشور ۶۶٪ گزارش شده است که به دلیل مشکلات اجتماعی، بحران امنیت، ضعف اقتصادی، ناهنجاری‌های اجتماعی و رشد بی رویه جمعیت و نبود امکانات آموزشی تا رسیدن به رشد ۹۰ تا ۹۵ درصدی راه درازی را باید طی نمود.

بنابراین؛ غزنی به دلیل وجود ناامنی، به آتش کشیدن مدارس، تهدید معلمان و... به مراتب وضعیت بهتر از ولایات دیگر ندارد. خوشبختانه از دو سال به این طرف وضعیت تحصیل و بازگشایی مدارس در ولایت غزنی نیز بهتر شده است. در این میان می‌توان از وجود برخی از لیسه‌های خصوصی، انیستوت‌ها، تحول و دگرگونی در دانشگاه غزنی، توجه معارف به مدارس مقدماتی و از همه مهمتر افتتاح فعالیت پوهنتون خاتم النبیین (ص) در مرکز ولایت و ولسوالی جاغوری برای بهبود وضعیت سطح سواد در این ولایت اشاره نمود. پوهنتون خاتم النبیین (ص) در طی این دو سال در حدود ۸۰۰ نفر دانشجو را در رشته‌های متفاوت جذب نموده و در رشته‌های طب، قابلگی، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی مشغول به آموزش می‌باشد.

این درحالی است که پوهنتون دولتی ولایت غزنی در سال ۱۳۷۸ با ۲۵۰ دانشجو فعالیت خود را آغاز می‌کند که کل این دانشجویان را پسران تشکیل می‌دهد. اما این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۶۱۱ نفر و هم اکنون به ۱۱۸۰ نفر که ۲۱۲ نفر آن از طبقه اناث می‌باشد، ارتقا می‌یابد بر اساس آخرین آمارها دیده می‌شود که رشد دانشجویی پسر طی سال اخیر نسبت به دختران بیشتر بوده است.

۲. میزان مرگ و میر

افغانستان بیشترین میزان مرگ و میر کودکان را نسبت به کشورهای دیگر تجربه می‌کند. زیرا؛ از هر هزار کودک زیر ۵ سال در افغانستان

سالانه ۲۵۶ نفر جان خود را از دست می‌دهند در حالی که در فرانسه این تعداد به ۵ نفر، در ایالات متحده به ۸ نفر و در سوئد به ده نفر می‌رسد. بنابراین؛ نرخ مرگ و میر کودکان در افغانستان ۱۶۳ نفر در هر هزار نفر یعنی ۱۸٪ است که در مقایسه با رقم ۷۰ نفر در هزار که شاخص متوسط کشورهای در حال توسعه است، بالاترین نرخ به حساب می‌آید. ولایت غزنی یکی از ولایات‌های نا امن و تا حدودی محروم و کم درآمد به شمار می‌آید، از مراکز صحتی در سطح بسیار پایین برخوردار است که این امر باعث افزایش نرخ مرگ و میر نوزادان می‌گردد. زیرا؛ در چند سال اخیر واکسیناسیون اطفال به دلیل ناامنی متوقف یا کند شده است و از طرف دیگر مراکز صحتی نیز به صورت چشمگیر فعال نگردیده است.

۳. امید به زندگی در بدو تولد

یکی دیگر از شاخص‌ها، شاخص «امید به زندگی در بدو تولد» است. بعد از فروپاشی حکومت طالبان و روی کار آمدن حکومت دموکراسی، امید به زندگی یا متوسط عمر در افغانستان از ۴۴ سال به ۴۹ رسیده است که در مقایسه با دیگر کشورها این رقم مطلوب نیست. زیرا؛ میانگین امید به زندگی در کشورهای کمتر توسعه یافته ۵۱، در کشورهای در حال توسعه ۶۲، و در جوامع توسعه یافته ۷۴ سال می‌باشد. در نتیجه؛ وضعیت مردم ولایت غزنی به دلایل مختلف از جمله نوع زندگی سنتی و نبود امکانات رفاهی در سطح ولایت و نبود شفاخانه‌های مجهز و مدرن ... می‌تواند بد تر از ولایت‌های کابل مزار و هرات ارزیابی گردد. زیرا؛ در این ولایت ناامنی و قتل و کشتار روزانه، ذهن و خاطر شهروندان را آزرده و آسایش را از مردم سلب نموده است.

۴. سطح بهداشت

بهداشت در کل در افغانستان از وضعیت مناسب برخوردار نیست. به همین دلیل می‌طلبد که در این زمینه تلاش‌های جدی صورت بیگردد. زیرا؛ دسترسی به صحت عمومی، آب بهداشتی، دوا و ... یکی از حقوق اساسی مردم افغانستان به شمار می‌آید، در حالی که بیشتر مردم افغانستان از این حقوق برخوردار نیستند. امراض‌های متفاوت، سوء تغذیه، کمبود دوا، نبود شفاخانه، دکتر، قابله و ... حاکی از وضعیت نامناسب کشور نسبت به کشورهای همسایه و کشورهای جنوب آسیاست. زیرا؛ میزان مرگ میر اطفال کمتر از یک سال از هر هزار تولد به میزان ۱۱۱ نفر، میزان مرگ و میر مادران در هر صد هزار زایمان زنده به میزان ۱۶۰۰ و میزان امید به زندگی در بدو تولد در بدترین حالت خود قرار دارد.

بنابراین؛ در افغانستان برای هر ۱۰۰۰۰۰ هزار نفر تنها ۲۴ دکتر، ۴۸ کمک کننده طبی و هر بستر برای ۲۰۴۱ نفر در سال ۱۳۸۸ و هر بستر برای ۱۹۰۴ نفر در سال ۱۳۹۱ وجود دارد. در ولایت غزنی در سال

۱۳۸۶ تنها ۲۸ مراکز صحتی جامع وجود داشته است که در سال ۱۳۸۸ هیچ رشدی نداشته است. ولی خوشبختانه در طی دو سال اخیر این مراکز مهم افزایش یافته است. براساس آمار ولایت غزنی در حال حاضر (۱۳۹۱) داری ۳۹ شفاخانه می‌باشد.

تعداد طبیب در ولایت غزنی در سال ۱۳۸۹ به ۱۴۴ داکتر و در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ۱۵۳ داکتر تخمین زده شده است که برای هر ۷۸۴۳ نفر یک طبیب وجود دارد. و تعداد پرسونل متوسط طبی در سال ۱۳۹۱ به ۵۵۳ نفر رسیده است. این در حالی است که برای هر ۳۶۳۶۳ نفر یک دکتر متخصص وجود دارد.

تعداد دواخانه در این ولایت در سال ۱۳۸۶، ۳۴۰ دواخانه وجود داشته است که در سال ۱۳۸۸ به ۴۵۱ دواخانه و در سال ۱۳۸۹ به ۴۵۵ دواخانه افزایش می‌یابد که ۴۵۴ باب آن به صورت خصوصی اداره می‌گردد. ولی متأسفانه در دو سال بعد این رقم رو به کاهش می‌گذارد. در سال ۱۳۹۰ به ۳۰۵ دواخانه تقلیل و در سال ۱۳۹۱ به ۳۱۹ دواخانه افزایش که نسبت به سال ۱۳۸۹ کمتر بوده است. در این ولایت تعداد بستر برای شفاخانه‌ها در سال‌های ۸۶ تا سال ۱۳۸۸، ۲۲۰ بستر و در حال حاضر ۴۲۸ بستر می‌باشد.

۵. شاخص توسعه انسانی (HDI)

در چشم انداز توسعه اقتصادی از ابتدای دهه‌ای نود، «برنامه‌های توسعه سازمان ملل» بر حسب «شاخص توسعه انسانی» مطرح گردید و رسماً از سال ۱۹۹۰ این شاخص جدید پس هر سال به وسیله‌ی برنامه توسعه سازمان ملل به صورت گزارش سالانه «توسعه انسانی» ارائه می‌گردد که شاخص پایین ۰/۵، شاخص متوسط بین ۵ تا ۸٪ و شاخص بالا و مطلوب ۸٪ طبقه بندی می‌شوند.

جایگاه افغانستان براساس این شاخص هم تعریفی ندارد و معمولاً این کشور در مورد توسعه انسانی تا به حال نا موفق بوده است. براساس گزارش شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۰ میلادی که از سوی سازمان ملل متحد به نشر سپرده شده است، «افغانستان» در ردیف کشورهای با توسعه انسانی کم، جای گرفته است و این کشور کم‌ترین امکان. نات و تخصیص منابع را در راستای توسعه انسانی دارد که خود نشان از عقب ماندگی مفرط در افغانستان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی دارد.

بنابراین؛ براساس آخرین گزارشات، این کشور نسبت به توسعه انسانی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ رشد بسیار کمی داشته است. در سال ۲۰۰۵، ۳۰۷٪، در سال ۲۰۰۶، ۳۱۱٪، در سال ۲۰۰۷، ۳۲۳٪، در سال ۲۰۰۸، ۳۲۷٪، در سال ۲۰۰۹، ۳۴۲٪، و در سال ۲۰۱۰، ۳۴۹٪ گزارش شده است. و هم اکنون این کشور از منظر این شاخص ۳۷۴٪ را نشان می‌دهد.

بنابراین؛ غزنی به دلیل نداشتن منابع کافی نسبت به ولایات کابل، جلال

آباد، قندهار، هرات، مزار و... از توسعه انسانی کمتری برخوردار است. انتخاب پایتخت فرهنگی جهان اسلام برای این ولایت، بهانه خوبی گردید تا زمینه‌های توسعه مانند گسترش شهری، قیر ریزی سرک و کوچه‌ها، رنگ آمیزی دکان و نظیف شهر، ایجاد دروازه، توجه به مدارس و... فراهم گردد که البته انتظارات مردم برآورده نگردیده است.

پیش‌شرط‌های لازم برای توسعه اقتصادی

از آنجایی که افغانستان از جمله کشورهای توسعه نیافته به شمار می‌رود و ولایت باستانی غزنی در درون آن یکی از محروم‌ترین ولایت از جهات متعدد است، برای آغاز یک حرکت توسعه طلبانه و ورود به جمع ولایات نکتاز و پیشتاز در امر توسعه اقتصادی، لازم است، زمینه‌هایی را به عنوان پیش‌شرط‌های لازم توسعه در نظر گرفته و برای تحقق آن جدیت لازم را به خرج داد.

۱- ثبات سیاسی

یکی از پیش‌نیازهای لازم برای حرکت به سمت توسعه اقتصادی ثبات سیاسی در کشور و از جمله ولایات است. عدم ثبات سیاسی باعث گسستگی برنامه‌های توسعه و شکل نگرفتن یک استراتژی بلند مدت توسعه می‌گردد؛ ریسک سرمایه‌گذاری بالا می‌رود و در نتیجه انگیزه سرمایه‌گذاران مولد کم می‌گردد و سرمایه‌گذاری‌ها به صورت غیر مولد و کوتاه مدت شکل می‌گیرد و فرهنگ سرمایه‌گذاری جای خود را به فرهنگ واسطه‌گری و مشاغل کاذب می‌دهد. متأسفانه علی‌رغم این که بیش از سیزده سال از پایان جنگ‌های داخلی می‌گذرد و مردم حکومت دموکراسی را به تجربه نشسته‌اند، هنوز وضعیت سیاسی کشور و به خصوص ولایت غزنی به جایی نرسیده است که بتوان از آن به عنوان ثبات سیاسی پایدار نام برد. شاهد مدعا همین بس که در روز برگزاری برنامه‌های چلچله در مقام ولایت، طالبان با فیر راکت، رسماً نشان داد که هنوز در این ولایت کسی دیگر حاکم است.

۲- امنیت اقتصادی

به همان میزان که در توسعه اقتصادی کشور ثبات سیاسی اهمیت دارد، امنیت اقتصادی نیز مهم است، زیرا در تعالیم اسلامی و مکتب حیاتبخش اسلام، امنیت، یکی از عوامل رشد و توسعه و رستگاری و از اهداف اولیه‌ای حرکت‌های اصلاحی، لحاظ شده است. در مقابل فقدان امنیت در جامعه، باعث خلل در امور تجاری و خدماتی شده و اقتصاد را از رونق و روند درست باز می‌دارد و منجر به تباهی اموال و امکانات می‌گردد. امام رضا (ع) می‌فرماید: «زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست زدند و هر کس هر چه دلش خواست انجام دهد، بدون این که کسی نظارت کند، مردم همگی به فساد و تباهی دچار می‌گردند.»

اگر سرمایه‌گذاران احساس امنیت نکنند و ریسک سرمایه‌گذاری بالا

باشد، سرمایه‌گذاری صورت نخواهد گرفت و بدون سرمایه، چرخ تولیدی کشور به حرکت در نخواهد آمد. در نتیجه؛ ولایت غزنی هنوز از یک شهرک صنعتی محروم است و کارهای اساسی دیگر نیز انجام نشده است. در این ولایت هنوز یک سردخانه که از ضروریات است، ایجاد نگردیده است.

۳- تأسیسات زیربنایی

هر کشور برای رشد تولیدات ناخالص داخلی و در نتیجه درآمد بالای ملی و رسیدن به توسعه اقتصادی نیازمند این است که تمامی سرمایه‌گذاران مولد و بخش‌های تولیدی در آن کشور فعال شود. فعال شدن این بخش‌ها خود نیازمند ایجاد تأسیسات زیربنایی از قبیل جاده، برق، آب و گاز است. در غیر این صورت تولید کنندگان انگیزه‌ی تولید را از دست می‌دهند، زیرا اگر قرار باشد هر کارخانه تولیدی خود جاده‌ی مورد نیاز را بسازد و برق و آب و گاز مورد نیاز را تهیه نماید، این کار اولاً از توانش خارج است و ثانیاً بر فرض این که توان چنین کاری را داشته باشد، هزینه تولید را بالا می‌برد و بالا رفتن هزینه تولید موجب بالا رفتن قیمت محصول می‌گردد و در نتیجه محصول از رقابت در بازارهای کالا باز می‌ماند. از این رو دولت باید برای تشویق تولید کنندگان و پائین آوردن هزینه‌های تولید این گونه تأسیسات زیربنایی را ایجاد نماید.

در ولایت غزنی باستان، تأسیسات زیربنایی از وضعیت بسیار نامطلوبی برخوردار است و در بسیاری از شهرها و مناطق جاده، برق، گاز و آب شهری وجود ندارد که خود عملاً باعث به وجود نیامدن کارخانه‌های تولیدی در این مناطق گردیده است. برقی که در مرکز ولایت و آن هم در چند منطقه نه همه مناطق، توزیع می‌گردد با نرخ سرسام آور (۴۷ افغانی در وات) است که عملاً هزینه‌های تولید را افزایش داده است.

۴- توسعه نیروی انسانی

تندرستی و تحصیل مهارت‌ها دو بعد اساسی سرمایه‌گذاری و توسعه در نیروی انسانی است، زیرا؛ سرمایه‌گذاری در تندرستی و سلامتی انسان‌ها موجب افزایش طول عمر، شادابی و ازدیاد قابلیت‌های پذیرش مهارت‌ها و علوم جدید و نهایتاً شکوفایی خلاقیت‌ها می‌گردد. سرمایه‌گذاری در آموزش‌های مناسب و هدف‌دار بعد دیگری از سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است. توجه به ذخایر انسانی و خلق ارزش‌های مادی و معنوی والا برای آموزش دیده‌ها و صاحبان تفکر و فن، اساس و زیربنای توسعه اقتصادی است.

اگر علل رشد و افزایش تولید در کشورهای پیشرفته را بررسی نماییم می‌بینیم که سهم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در نیروی انسانی بیش از دو سوم (۲/۳) افزایش تولید را در این کشورها موجب شده و یک سوم (۱/۳) بقیه به سایر عوامل تولید مربوط می‌شود.

در کشور افغانستان به دلیل مشکلات بهداشتی و کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر، سرمایه گذاری مؤثر در نیروی انسانی به ویژه در دو بعد مذکور از مهم ترین پیش نیازهای توسعه اقتصادی به شمار می رود و تا به این موضوع توجه جدی صورت نگیرد هر گونه پروژه توسعه در این کشور ناکام می ماند. بنابراین؛ ولایت غزنی از این رهگذر وضعیت مناسب نداشته و بر اساس مشاهدات در بسیاری از مناطق مرکز غزنی فرزندان این ولایت در زیر خیمه ها و روی ریگ درس می خوانند.

بایسته های توسعه اقتصادی در غزنی

بعد از فراهم شدن پیش نیازهای لازم در ولایت و همگام با کل کشور، این ولایت می تواند به عنوان یک ولایت توسعه مدار وارد مرحله جدید شده و چشم اندازی دیگری به توسعه اقتصادی داشته باشد و این ولایت برای تثبیت جایگاه خویش در میان سایر ولایات و به خصوص ولایت های همجوار، با انتخاب استراتژی های درست و منطقی به توسعه پایدار دست یابد.

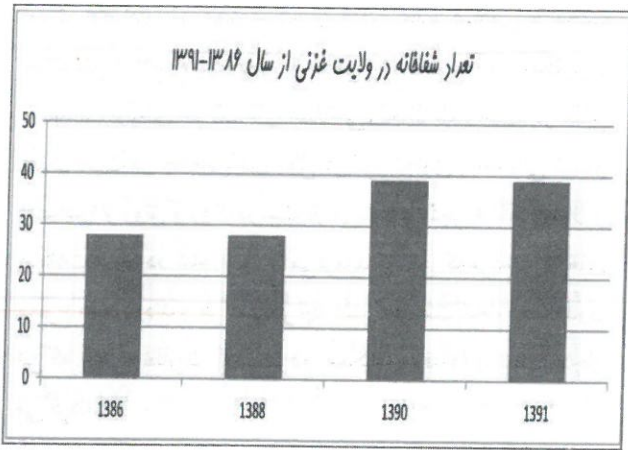
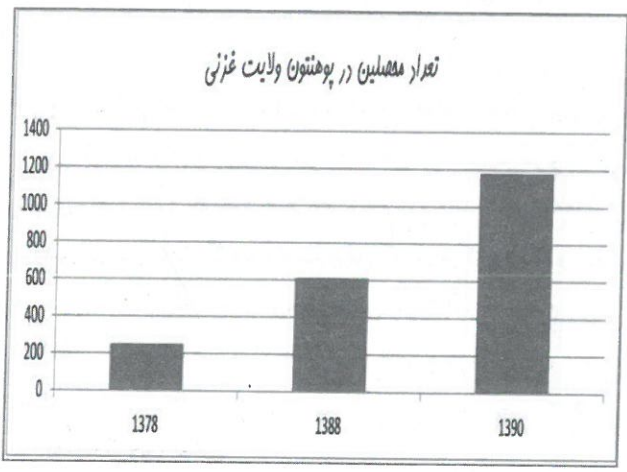
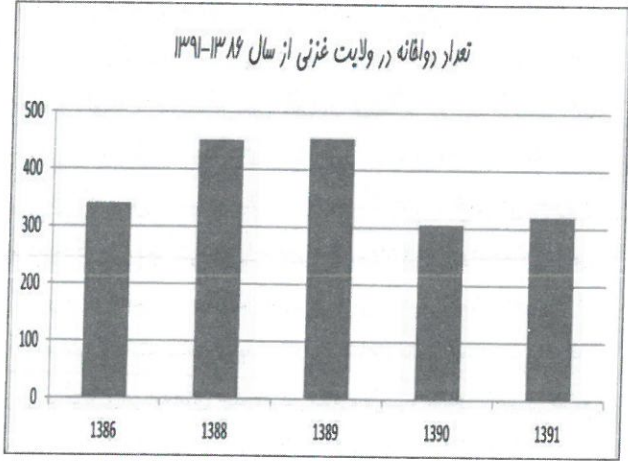
۱- تکیه بر بخش کشاورزی

از آنجایی که ولایت غزنی بیشترین درآمد را از طریق بخش

کشاورزی به دست می آورد، باید به این بخش توجه ویژه و اهتمام گردد. زیرا؛ این ولایت استعداد افزایش محصولات کشاورزی بالای داشته و بر اساس آخرین تحقیقات این ولایت علاوه بر محصولات مهم گندم، جو، کشمش، سیب، آلو و آلوچه و ... می تواند زعفران را که یکی از بهترین محصولات در دنیاست، تولید نماید. ریاست زراعت باید به دنبال شناسایی موقعیت های دیگر بوده و این محصول مبارک را تقویت نماید.

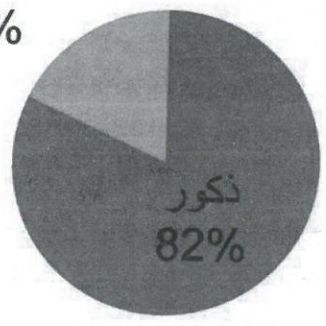
۲- گسترش بخش صنعت

ثمرات انقلاب صنعتی و نتایج آن در اروپا، آمریکا و ژاپن به تدریج این فکر را قوت بخشید که جهان سوم نیز برای دسترسی به رشد و توسعه اقتصادی باید قدم در این راه بگذارند و از طریق سرمایه گذاری در بخش صنعت و در نتیجه توسعه و گسترش آن راه را برای رسیدن به توسعه اقتصادی فراهم نمایند. بنابراین؛ ولایت غزنی که در کنار کابل و در مسیر شاه راه افغانستان قرار گرفته است، می طلبد که از مهم ترین شهرک صنعتی برخوردار باشد. زیرا؛ این ولایت می تواند بخشی از محصولات مورد نیاز کابل را تامین نموده و مردم را به اشتغال جذب نماید. لازم به یادآوری است که توسعه اقتصادی نیازمند علل و عواملی



نسبت دانشجویان ذکور به اناث

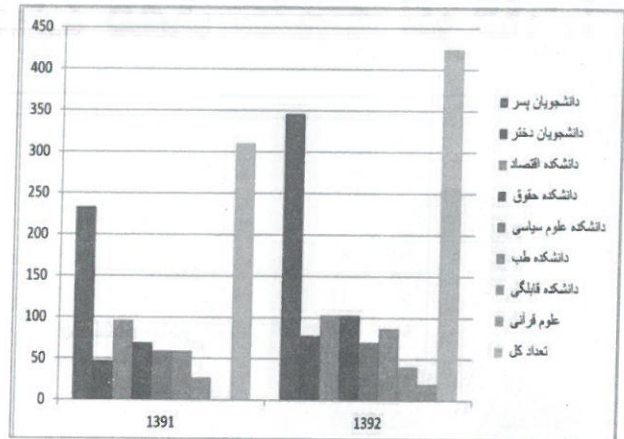
اناث
18%



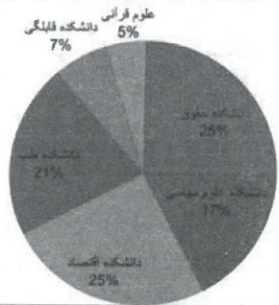
آمار فیصدی کل دانشجویان پوهنتون خاتم النبیین (ص)



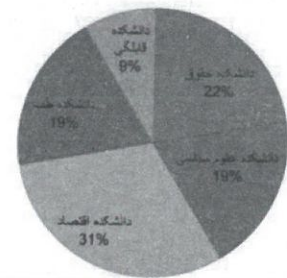
آمار دانشجویان شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)



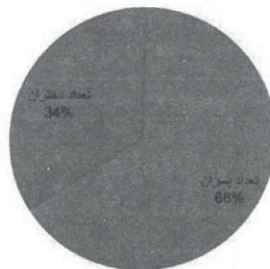
فیصدی دانشجویان خاتم النبیین (ص) در سال ۱۳۹۲



فیصدی دانشجویان خاتم النبیین (ص) در سال ۱۳۹۱



فیصدی جندر دانشجویان خاتم النبیین (ص)



است که دست انداز کاران ولایت از جمله والی محترم این ولایت، عوامل آن را فراهم نموده و ولایت غزنی و پایتخت فرهنگی جهان اسلام را به آن چه که شایسته و بایسته شان است، برساند.

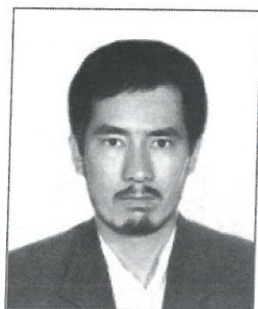
جمع بندی

ولایت غزنی یکی از مهم ترین ولایات کشور به شمار می آید، ولی این ولایت نسبت به ولایت مهم کشور مانند کابل، جلال آباد، هرات، مزار، قندهار و حتی پکتیا سهم ناچیزی از توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را دارا می باشد. این ولایت با اتکاء به منابع طبیعی، انباشت سرمایه‌ی بیشتر، دسترسی به تکنولوژی پیشرفته و مدرن می تواند مسیر رسیدن به توسعه اقتصادی را هموار سازد، زیرا؛ این ولایت از منابع طبیعی، مانند گوگرد، نمک، ذغال، سنگ، مس، سرب، آهن، طلا و لیتیوم برخوردار است که برای استخراج آن سرمایه، امکانات و نیروی انسانی متخصص لازم و ضروری می باشد. از طرف دیگر این ولایت به پتانسیل‌های موجود در بخش کشاورزی، از سرمایه‌های موجود و سرگردان این ولایت برای تقویت این بخش نیز استفاده شود و با مدرنیزه کردن و به دنبال آن افزایش میزان بازدهی، وضعیت صادرات این محصولات را بهبود بخشد و از این طریق به انباشت سرمایه پرداخته و سپس از سرمایه‌های فراهم شده در راستای استخراج معادن و دسترسی به تکنولوژی پیشرفته استفاده شود.

منابع

- تودارو، مایکل / توسعه اقتصادی در جهان سوم / غلام علی فرجادی / ج ۱ / ص ۳۳
- خلیلیان اشکنری، محمد جمال / فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی / قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی / چاپ دوم / ۱۳۸۳ / ص ۳۳
- میر جلال میر؛ مباحث اساسی اقتصاد توسعه؛ غلام رضا آزاد؛ تهران: نشرنی؛ ۱۳۷۸؛ ص ۸
- جبروند، عبد الله؛ توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)؛ تهران: مولوی؛ ۱۳۶۸؛ ص ۸۴.
- خلیلیان اشکنری، محمد؛ پیشین؛ ص ۲۵
- دهقان، محمد صادق، افغانستان و حق بر توسعه، همان، ص ۱۵۶.
- اداره مرکزی احصائیه جمهوری اسلامی افغانستان، سالنامه احصائیه ۱۳۸۸، کابل: ۱۳۸۹، ص ۱۰۳.
- علی آبادی، علیرضا؛ افغانستان؛ تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۰۱
- کتاب آماری سال ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد به نقل از: عظیمی، محمد اکرم؛ راه‌های دستیابی به توسعه در افغانستان؛ فصلنامه گفت‌مان نو؛ شماره ۴ و ۳ ص ۴۰
- مرکز احصائیه افغانستان، سالنامه احصائیه، ص ۱۲۹، ۱۳۹۲.
- توسعه پایدار / پیشین / ص ۱۰۱
- سایت بی بی سی با آدرس: «www.bbcpersian.com»
- نصیری، حسین / توسعه پایدار / تهران: فرهنگ و اندیشه / چاپ اول / ۱۳۷۹ / ص ۷۳
- UNDP. (United Nation Development Program).
- توسعه پایدار / پیشین / ص ۷۵
- مرکز احصائیه افغانستان، سالنامه احصائیه، ص ۱۱۴، ۱۳۹۲.
- گاتاگ، سابرانا، درآمدی بر اقتصاد توسعه، همان، ۳۴.

غزنی باستان، مهد علم و عرفان!



جواد محقق
استاد
دانشگاه خاتم النبیین (ص)
شعبه غزنی

پس که شنیدی صفت روم و چین
خیز، بیا ملک سـنایی بین
تا همه دل بینی بی حرص و بخل
تا همه جان یابی بی کسب و کین

مقدمه

فرهنگ و تمدن هر جامعه ای «هویت» آن جامعه است. آشنایی هر ملتی با فرهنگ، تمدن و پیشینه تاریخی کشورش، و درس گیری از نقاط ضعف و قوت آن، یک ضرورت بوده و آغازی برای بازشناسی دوباره هویت آن جامعه و یکی از بزرگترین و مهم ترین عوامل دگرگونیهای اجتماعی - فرهنگی، پیشرفت و حرکت به شمار می آید. بدون درک این که «چه بوده ایم» نمی توانیم به این که «کجا قرار داریم» و سر انجام «چه باید باشیم» دست پیدا کنیم.

فرهنگ و تمدن اسلامی که موسس آن وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام (ص) است، فصل تازه و درخشانی در تاریخ زندگی بشر گشود و با پیام آگاهی، آزادی و عدالت، راهی فراروی ملت ها نهاد که بزودی توانست تا دوردست ترین نقاط خراسان، ماوراء النهر و سند. در خاوران و از آن سوی، تا کرانه های آب های اطلس در باختران را در نوردد و با فرهنگ انسان ساز و تعالی بخش، تمدنی عظیم را با بهره گیری از دستاوردهای دنیای متمدن آن روز و تکمیل آنها، بنیان نهد و چراغ دانش و معرفت را در جهان بر افروزد. از این میان خراسان بزرگ، مرکز خیزشی عظیم در نشاط علمی و معارف دینی گشت. شهرهای چون: مرو، نیشابور، بلخ، هرات، سمرقند، بخارا و غزنی و دیگر شهرهای تاریخی خراسان مهد پرورش علم و علما گشت. از این شهرها آثاری در زمینه دین و علم پدید آمد که سیمای زندگی دینی و دنیوی مسلمانان را دگرگون ساخت.

یکی از این شهرهای مهم و تاریخی که مهد تمدن و علم و دانش محسوب می شود، شهر باستانی «غزنی» است. شهری که زادگاه و پرورشگاه صدها تن از فرزندگان و ستارگان علم و دانش در جهان اسلام است که هرکدام در پیشبرد

فرهنگ و تمدن اسلامی نقش والای ایفا نمودند. غزنی یکی از شناسنامه های پرافتخار این دیار و نماد تمدن دیرین، و جایگاه دانش و خرد و پیام آور تاریخ هزاران ساله این مرز و بوم است. انتخاب این شهر به عنوان «پایتخت فرهنگ و تمدن اسلامی در سال ۲۰۱۳» از سوی سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی کشورهای اسلامی یا آیسیسکو (ISESCO) در اجلاس نوامبر (۲۰۰۷) در شهر طرابلس کشور لیبیا، نیز نشان از اهمیت تاریخی و فرهنگی این شهر در جهان اسلام است. این مقاله بر آن است که گوشه ای از تاریخ بزرگ و پرافتخار این شهر باستانی را تقدیم خوانندگان نماید. باشد که مردم عزیز ما قدر شأن و مرتبه فرهنگ خود را بیشتر بدانند و برای احیاء فرهنگ و تمدن از دست رفته خویش تلاش نموده و بزرگان علم و معرفت سرزمین خویش را شناخته و راه و رسم آنان را اختیار کنند. دوره ها و موقعیت های تاریخی غزنی

الف) موقعیت فرهنگی شهر غزنی قبل از اسلام و بعد از آن به گواهی تاریخ غزنی نه تنها یکی از معروف ترین شهرهای افغانستان بلکه یکی از بزرگترین شهرهای تاریخی و فرهنگی جهان محسوب می شود که دارای قدمت چند هزار ساله بوده است که هم قبل از اسلام و هم بعد از آن، خصوصا در دوران حکومت سلسله غزنویان از لحاظ علمی و فرهنگی از موقعیت و جایگاه بالای برخوردار بوده است. قبل از اسلام یکی از مراکز معروف بودایی بوده و پس از فتح آن بدست مسلمانان دین های دیگر منسوخ، و از آن پس، یکی از مهم ترین مراکز علمی فرهنگی جهان اسلام شد. به خصوص در دوران سلطان محمود که از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است:

الحقیقه سنایی و ده ها کتابی دیگر در این شهر پدید آمده است.

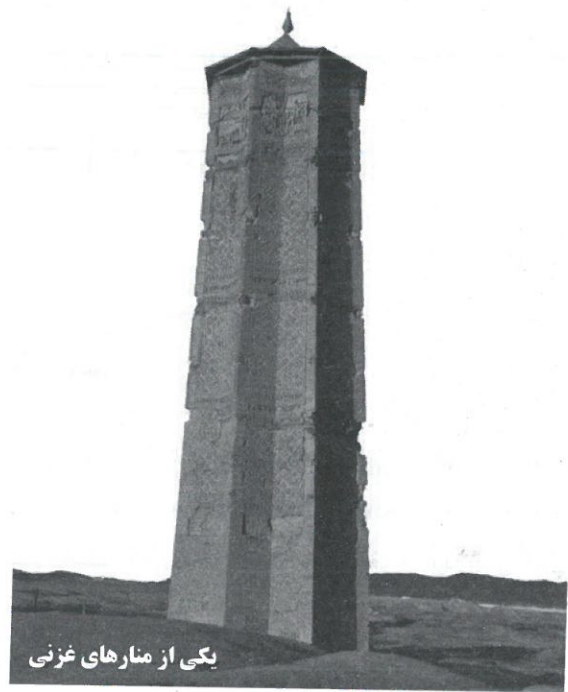
یکی از دانشمندان و عارفان این شهر حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی است که نقش بسیار ارزنده در شکوفایی فرهنگی و تمدن اسلامی به خصوص در شکوفایی شعر عرفانی در جهان اسلام دارد. سنایی یکی از مفاخر تاریخ ادبیات فارسی و از بزرگترین عرفای نام آور حیطه خراسان بزرگ است که در نیمه دوم سده پنجم و نیمه نخست سده ششم هجری در شهر پرآوازه و عارف پرور غزنین زاده شد.

«سنایی پس از گذشت نزدیک به ده قرن هنوز از مطرح ترین شاعران زبان فارسی است که نامش بر هر قلمی به بزرگی یاد می شود. زیرا نه تنها از کلامی استوار بر خوردار بوده، بلکه دارای اندیشه های نو و شیوه های بدیع بوده است که جریان شعر فارسی را همانند احوال خویش دگرگون ساخت. یکی از تحولات عمده که او در شعر فارسی ایجاد نمود، این است که اصول تصوف و عرفان و مفاهیم والای مغنوی را وارد شعر نمود. البته پیش از او نیز برخی از شاعران و گویندگان ابیاتی با مضامین عرفانی سروده اند که معروف ترین آنها عبارتند از: ابوسعید ابوالخیر، دقاق نیشابوری و ابوالحسن خرقانی. اما تفاوت سنایی با آنان در این است که او شعر عرفانی را به حد کمال رسانیده و مثنوی ها و منظوم های خاص برای بیان تمام افکار صوفیانه پدید آورد که حدیقه مثال بارز آن است.»

کتاب «حدیقه الحقیقه» سنایی و دیگر آثار او الگویی شد برای شاعران بزرگ بعد از او نظیر مولانا که آثار ارزشمندی همچون «مثنوی» را بوجود آوردند. تأثیر سنایی بر شاعران بعد از خودش همانند تأثیر «دکارت» در فلسفه غرب است بر فیلسوفان بعد از خودش:

«همانطور که دکارت پایه گذار جریان نوین فلسفه غرب است و تاریخ آن را می توان به قبل از دکارت و بعد از وی تقسیم نمود، سنایی نیز با ابداعات و تحولاتی که در شعر فارسی پدید آورد و با روح تازه ای که در آن دمید، توانست در پویایی و توسعه تمدن و فرهنگ اسلامی نقش اساسی را بازی کند. عظمت کار او در این است که شعر را در جایگاه واقعی خود نشانده بدین سان است که شعرش در زمان خود وی در همه سرزمین های فارسی زبان از کاشغر تا انطاکیه رواج داشت»

اکنون نیز پس از گذشت صدها سال همچنان یکی از



دوران سلطان محمود واقعاً یک دوران ترقی و پیشرفت علوم و ادبیات در کشور است و شهر غزنی در این دوران حیثیت دانشگاه شرق، کعبه فضلا و پرورشگاه گوینده گان بزرگ محسوب می گردید. دانشمندان رشته های مختلف در سایه حمایت شهنشاه به تالیف، تحقیق، سخن سرایی و نگارش در بخش های اخلاقی و ادب، آداب معاشرت، داستان و سایر بخش های ادبی پرداخته و آثار گرانبها را که نمونه خوبی برای بازمانده عرصه علم و ادب گردید؛ به یادگار گذاشتند. مساجد و مدارس کانونهای عمده تعلیم و تربیت به شمار رفته و تحصیلات عالی این عصر را آموزش زبان عربی، علوم شرعی، ادبیات، حساب، نجوم و طب و تعلیمات ابتدایی، قرائت، عقاید، عبادات و شرح حلال و حرام را در بر داشت و همواره چهار صد شاعر ملازم سلطان محمود بودند که در رأس شعرای دربار امیرالشعراء عنصری قرار داشت.

این شهر همواره مرکز علم و فرهنگ و مهد پرورش علماء، دانشمندان، شاعران و فیلسوفان و عارفان بوده است که به عنوان نمونه می توان به شخصیت های ممتازی چون ابوریحان بیرونی، حماسه سرای معروف حکیم ابوالقاسم فردوسی، مورخ شهیر ابوالفضل بیهقی، حکیم و عارف و شاعر نامدار ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی، شمس العارفین؛ سید حسن العلوی الغزنوی؛ شیخ اجل سرزری؛ قصیده سرای معروف فرخی سیستانی و عنصری بلخی، هجویری و صدها شاعر و عارف و عالم دیگر اشاره نمود. کتابهای همچون کشف المحجوب هجویری و حدیقه

درخشان ترین ستاره ها در گستره آسمان ادب فارسی است و رمز جاودانگی سنایی در نوآوری ها و نواندیشی های او است که بزرگترین شاعران و اندیشمندان که تأثیری شگرف در توسعه و شکوفایی تمدن و فرهنگ اسلامی داشته اند، تحت تأثیر افکار او بوده اند؛ که به تعدادی از این شعراء که اشعار شان الهام گرفته از اشعار و افکار سنایی است به اختصار اشاره می کنم:

الف) عطار: «شعر و سخن عطار؛ رودخانه ای است که از کوهسار بلند وجود عارفانی چون سنایی غزنوی، بایزید بسطامی، خرقانی و ابوسعید ابوالخیر سرچشمه می گیرد و در بستر تاریخ، اندیشه ها به هم می آمیزد و در عرصه هنر، سنایی و عطار و مولوی به گونه «شط شیرین و پرشوکتی» تشنگی روحی انسان را در طول قرون و اعصار سیراب می کنند.»

شاهکار عظیم عطار به نام «منطق الطیر» گرچه شهره آفاق است ولی همین منظومه بی بدیل مرهون خوانی است که سنایی صد سال قبل از او در منظر عارفان نکته سنج پهن و گسترانیده است. ساختار هنری و چشم انداز فراگیر در «منطق الطیر»، از ابداعات عطار است اما بسیاری از تمثیل و حکایات را می توان در آثار حکیم غزنه یافت.

ب) مولوی بلخی: مولوی یکی دیگر از ستارگان درخشان آسمان شعر عرفانی است که تحولی چشم گیر در تکامل شعر عرفانی بوجود آورد. و شعر عرفانی را جهانی نمود. مولوی با همه عظمت و بزرگی اش که سالیانه در بسیاری از کشورها ی اسلامی برای او بزرگداشت برگزار می نماید، عمیقاً متأثر از اندیشه و آثار حکیم و شاعر غزنوی است. وی در مثنوی شریف بارها از سنایی غزنوی سخن به میان آورده و با تعبیر «فخرالعارفین» و «حکیم غیب» از او یاد می کند.

مولوی هرگاه به مسایل عارفانه و عشق و ایمان صادقانه می پردازد، خود را به سنایی بیش از دیگران نزدیک می بیند. و به تعبیر محققان، مولوی بیشترین اقتباس را از آثار و اشعار سنایی داشته و این اقتدا و دلبردگی تا آن جا پیش می رود که برخی از حسادت بر مولوی خرده می گیرند و وی را متهم به پیروی بیش از حد از سنایی می کنند.

اکثر محققان بر این باورند که مسبب نظم مثنوی شریف تلاش حسام الدین چلبی است، وی از مولوی می خواهد که کتابی را به طرز «حدیقه» سنایی به نظم در آورد. مولوی نیز بر آن می شود تا با استفاده از حدیقه سنایی کتاب

ارجمند مثنوی را به نظم در آورد.

تمثیل و مأخذهای را که مولوی در آثارش بکار برده و از آن اثر بی بدیلی چون مثنوی را خلق کرده مرهون سنایی است وی در بسیاری از موارد به شعر یا امثال و حکم سنایی استناد می کند و می گوید:

خوش بیان کرد آن حکیم غزنوی

بهر محجوبان مثال معنوی

و یا مولانا در جای دیگر می گوید:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او

ما از پی سنایی و عطار آمده ایم

ج د) حافظ و علامه اقبال: اشعار عرفانی حافظ و غزلیات و مثنویات اقبال لاهوری نیز متأثر از افکار و اشعار عرفانی سنایی است که بسیاری از اشعار حافظ و همینطور اقبال لحاظ محتوایی برگرفته از اشعار سنایی است. اقبال لاهوری در مسافرت که به دیار غزنی داشته، با خشوع و خضوع و دلدادگی مثنوی ۳۱۲ بیتی را می سراید که حاکی از دلبردگی وی به مقام شامخ سنایی و زادگاه او شهر باستانی غزنی است:

آه غزنی، آن حریم علم و فن

مرغ—زار شیرمردان کهن

خفته در خاکش حکیم غزنوی

از —وای او دل مردان قوی

در فضای مرقد او سوختم

تا —ستاع ناله ای اندوختم

ای حکیم غیب امام عارفان

پخته از فیض —و خام عارفان

آنچه اندر پرده غیب است گوی

گو که آب رفته باز آید به جوی

منورشاه مالستانی در مورد جایگاه فرهنگی غزنی می نویسد:

«از نظر فرهنگی فرمانروایان غزنه، در کنار جنگ، لشکر کشی و تاسیس یک امپراطوری وسیع، در باره انکشاف و گسترش دانش، فرهنگ و هنر اسلامی نیز توجه ویژه ای را مبذول نمود. دربار سلطان محمود مرکب از علما و فضیلاب زمان بود. بعد از سلطان محمود، سلطان مسعود، سلطان ابراهیم و بهرام شاه نیز شاهان فضل پرور و ادب دوست بودند و به نوبه خود از هیچ نوع تلاش در رشد فرهنگ و تزئین شهر غزنه دریغ نوزیدند. سلطان محمود برای تزئین علمی و ادبی شهر غزنه و مبدل ساختن آن به یک شهر نمونه در سراسر بلاد اسلامی نیز از هیچ نوع سعی و تلاش

دریغ نورزیده و نامدار ترین دانشمندان، شاعران و ادیبان که سالانه مبلغ چهار صد هزار دینار برای آنها به مصرف می رسید؛ در دربار او وجود داشت. خود سلطان نیز در شعر و ادب دست بالا داشت و حتی برخی کتاب "تفرید الفروع" را که یک اثر معیاری مربوط به فقه است؛ به وی نسبت می دهند.

و همچنین «شهر غزنه در دوران سلطان محمود حیثیت یک دارالعلومی را داشت که بزرگترین و نامدار ترین دانشمندان آن عصر در بخش های مختلف علم و فرهنگ چون: شعر و ادب، طب، علم نجوم، تاریخ و امثال اینها مصروف تالیف، تحقیق، قصیده سرایی و نثر نویسی بودند و حدود چهار صد شاعر نامدار در دربار سلطان محمود زندگی می کردند که به طور نمونه می توان از عنصری، فرخی، سنایی، اسدی، مسعود سعد، ابوالفرج و سید حسن نام برد.

غزنی در عصر غزنویان نه تنها در جغرافیای افغانستان امروزی بلکه در سطح آسیا به عنوان یکی از مهم ترین مراکز علمی به خصوص در حوزه فقه و عرفان و فلسفه مطرح بوده است و دانشمندان زیادی را در این حوزه ها تحویل جامعه اسلامی نموده است. در دوران غزنویان فقه و عرفان و فلسفه نه تنها در این شهر با پیشرفت های شایانی دست یافت؛ بلکه دین مبین اسلام، ثقافت، فلسفه و تصوف اسلامی از طریق این کانون فرهنگی در هند نیز گسترش یافت.

ب) موقعیت اقتصادی و تاریخی غزنی قبل و بعد از اسلام غزنی یکی از شهر های معروف کشور است که به خاطر موقعیت خوب و اتصال نمودن شاهراه کابل، قندهار و هرات از اهمیت استراتژیکی اقتصادی و سیاسی مناسب برخوردار بوده و در دوران قدیم این شهر نه تنها در بازرگانی شهرت زیاد داشت؛ بلکه یکی از پر نعمت ترین شهر های کشور نیز به شمار می رفت و امروزه نیز از لحاظ اقتصادی از اهمیت و موقعیت خاصی برخوردار است.

از نظر سوابق تاریخی غزنی دارای پیشینه مهم تاریخی است که شهرت آن نه تنها مربوط به دوران اسلامی؛ بلکه در دوران قبل از اسلام نیز از اهمیت و شهرت زیادی برخوردار بوده است. آثار و شواهد به جا مانده از دوران گذشته و بالخصوص خرابه های بناهای گذشته تنها مربوط به دوره غزنویان نیست، بلکه نشانه از عمرانات قبل از غزنویان است.

«خرابه های غزنی تنها مربوط به دوره دو صد ساله غزنویان

نیست بلکه از روز گاران قبل التاریخ تا دوره های اخیر احفاد بابر گورگانی ها و بعد تر شواهد دوره یونانی، کوشانی، کوشانو ساسانی، یفتلی، زاوولی، آثار دیانت های بودایی، جینی، شیوایی، زونی (آفتاب پرستی) بقایای دوره های قرون وسطی اسلامی، صفاری، غزنوی، غوری و تیموری و گورگانی و ارغونی همه را در آنجا می توان یافت»

و همچنین منور شاه مالستانی در ادامه مقاله اش می نویسد: «از نظر اقتصادی دوران غزنویان یک دوران شگوفایی و رشد اقتصاد در کشور به شمار رفته و قرار اظهار عبدالحی حبیبی، عایدات تمام خراسان و ولایات غزنه با زابل، تخارستان، پیشاور، لاهور، ملتان، سند، ماوراءالنهر و خوارزم به استثنای غنایم جنگی هندوستان، بیشتر از صد میلیون درهم تخمین گردیده. و این عایدات با سرازیر شدن به غزنه؛ در اعمار کاخ ها، باغ ها، مدارس، مساجد، رشد هنر و فرهنگ به مصرف می رسید. از نظر ساختمانی و هنری دوران غزنویان و اخصاً دوران سلطان محمود غزنوی یک دوران درخشان در تاریخ غزنه به شمار رفته و عمرانات و بنا های تاریخی که عهد غزنویان در بعضی مناطق به شکل نیمه مخروبه باقی مانده و یا نام آنها در کتب تاریخ و بعضی اسناد درج گردیده است؛ همه آنها نشان دهنده عظمت تمدن غزنویان در آن دوران است. این عمرانات نه تنها در کشور های منطقه بی نظیر و از بسیاری جهات نسبت به سایر بلاد اسلامی برتری داشت؛ بلکه از لحاظ ثروت و غنای فرهنگی آشکارا با شهر بغداد همچشمی کرده و هیچ شهری از لحاظ شکوه و جلال به پایه آن نمی رسید. منار ها، قصر ها، مدارس و مساجد، باغ های زیبا چون: باغ پیروزی، باغ صد هزار، باغ غزنین، باغ محمودی، دشت شاه بهار غزنه و امثال اینها غزنه را به صورت عروس شهر ها جلوه داده و در تمام کشور های اسلامی بی نظیر بود. از نظر هنر و صنایع مستظرفه قرار اظهار خلیل الله خلیلی به نقل از ابن اثیر، "مقسم های آب باغهای دولتی همه از طلا و نقره بود که سپاهیان سنجر آن را به غارت بردند و دیوار های کاخهای سلطنتی را به الواح نقره آراسته بودند»

یکی دیگر از آثار تاریخی شهر غزنی مناره های این شهر است که نشان از آبادانی و رونق اقتصادی این شهر بوده است. این مناره ها که از خشت پخته ساخته شده است؛ از جمله ی با ارزش ترین آثار تاریخی این شهر و نشان دهنده عظمت تاریخی و اقتصادی این شهر در دوران

غزنویان است. این منارها در اوقات جداگانه و به وسیله افراد جداگانه اعمار گردیده اند. بنا بر عقیده عده ای از نویسندگان، منار اولی (منار شمالی) توسط سلطان محمود و منار دومی (منار جنوبی)، توسط سلطان مسعود بنا گردیده است.

قسمت سفلی این منارها هشت رخ و قسمت فوقانی آنها استوانه‌یی بود که در حصص مختلف با خطوط کوفی تزیین گردیده. و در چهار ستون پایینی آن سوره فاتحه به خط شکست نوشته شده است که نشان دهنده فرهنگ اسلامی در این شهر است. این منارها حدود (۶۰۰) متر از هم فاصله داشته و قرار اظهار بعضی از نویسندگان در میان این دو منار، یک بازار گوهر فروشی نیز وجود داشت. حفاریات باستان‌شناسی که در (۱۳۳۹) در این ناحیه صورت گرفته است؛ قصر مسعود سوم از بین همین دو منار کشف گردیده و شاید عده‌یی از نویسندگان قصر مسعود سوم را با بازار گوهر فروشی به اشتباه گرفته باشند. هدف از اعمار منارها، نمایش قوت و شکوه و جلال امپراطوری غزنویان است که نمونه‌ی خوبی برای یک عده مناطق دیگر گردیده و منار جام غور با منار دهلی با تقلید منارهای غزنی اعمار گردیده اند.

کاوش‌هایی که در (۱۳۳۸) به وسیله متخصصین ایتالی در این شهر صورت گرفت؛ آثار مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی با چندین محل بودایی و پیکره‌های بودا از مناطق مختلف این شهر کشف گردیده و ثابت ساخت که غزنی در دوران قبل از اسلام یکی از مراکز مهم بودایی بوده و معبد بودایی «شاهبهار غزنه» یکی از معروفترین معابد بودایی کشور در شهر غزنیست که در سه کیلومتری سمت جنوب غرب آرامگاه سلطان محمود غزنوی و در وسط یک دشت وسیع به نام «دشت شاه بهار» و بر فراز یک تپه سنگی که به نام «تپه سردار»، «تپه نقاره» و «بتخانه» نیز معروف است؛ قرار دارد. طوریکه از نام آن هویدا است؛ معبد «شاهبهار غزنه» یک معبد شاهی بوده و بر اساس نوشته‌های زایرین چینی و منابع عربی در بین صد ها و هزاران معابد «ویهار»؛ معبد «شاهبهار غزنه» نسبت به تمام آنها معروف تر بوده و نشان دهنده عظمت غزنی در دوران قبل از اسلام است. بر اساس این تحقیقات آثار زیادی مربوط به قرن سوم و چهارم میلادی از این معبد کشف گردید که در بین آثار کشف شده یک تعداد مجسمه‌های کوچک از گل پخته بیشتر جلب توجه می‌نماید. در اطراف معبد آثار «استوپه‌های»

خورد و کوچک نیز به ملاحظه رسیده و یادگارهای از عمرانات کوشانیها در این شهر است. بر علاوه معبد شاهبهار غزنه آثار دیگر تاریخی در مناطق مختلف این شهر نیز به مشاهده رسیده و نشان دهنده سوابق تاریخی و شهرت شهر غزنی در دوران قبل از اسلام است.

بالاحصار غزنی که بر فراز یک تپه بلند و در سمت شرق آرام‌گاه حکیم سنایی قرار دارد؛ یکی از محلات دیگر تاریخی غزنه است که در دوران قدیم یک مرکز نظامی بوده و در دوران هجوم انگلیس‌ها عملیات نظامی از فراز این تپه علیه آنها سازماندهی می‌گردید.

(ج) موقعیت سیاسی شهر غزنی

قبل از سلسله غزنویان در شهر غزنی ابوبکر لاویک حکومت داشت و در (۳۵۰) هجری الپتگین یکی از غلامان ترکی تبار سامانیان که به درجه سپهسالاری نایل گردیده بود؛ از اثر تیره شدن روابطش با سامانیان، به غزنی رفته و با تصرف نمودن شهر غزنی از ابوبکر لاویک، اساس یک حکومت محلی را در غزنه گذاشت. پس از الپتگین پسرش اسحاق ابراهیم و پس از وی دو افسر الپتگین هر یک بلکاتکین و پریتگین که مانند الپتگین قلمروشان از غزنه تجاوز نمی‌کرد؛ در این شهر حکومت کردند. پس از آنها امیر سبکتگین که موسس واقعی حکومت نوین در غزنه است؛ در (۳۶۶) هجری به حکومت غزنه دست یافته و مرزهای حکومت اش را از سمت شرق تا بلوچستان و سواحل رود سند و از سمت غرب تا هرات و نیشاپور به شمول تخارستان و بلخ وسعت داد. پس از سبکتگین پسرش محمود غزنوی که مقتدرترین و با نفوذترین شاهان سلسله غزنویان است؛ در (۳۸۷) هجری با شکست دادن برادرش اسماعیل، به حکومت غزنه دست یافت.

از نظر سیاسی این دوره مصادف با زمانی است که حکومت عباسیان رو به انحطاط بود و قلمرو آنها در بسیاری موارد از بغداد تجاوز نمی‌کرد. سلطان محمود با استفاده از فرصت در قدم اول به حکومت محلی داخلی یکی پی دیگری خاتمه داده و در یک فرصت خیلی اندک توانست کابل، لغمان، پیشاور، غرجستان، غور، بلخ، ماورالنهر، سمرقند و بخارا را با خراسان، ری و اصفهان تسخیر و با نابود ساختن تمام مخالفان مذهبی، خلفای بغداد را خوشنود سازد. به تعقیب آن سقیات خویش را تحت نام جنگ‌های مذهبی به جانب هند آغاز کرده و در جریان این جنگ‌ها هزاران بتکده را ویران و بر جای آنها مساجد را بنا نهاد.

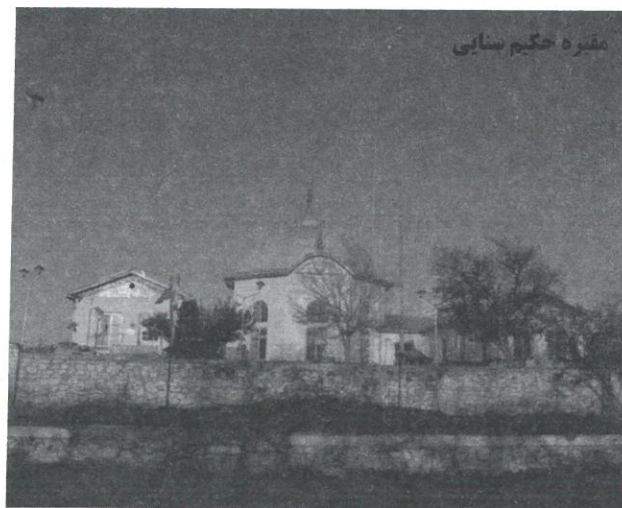
سلطان محمود غزنوی اولین کسی از شاهان مسلمان است که به سرزمین افسانوی هند و غنایم افسانوی آن دیار دست یافت. با این اقدامات نظامی سلطان محمود تمام مناطق شمالی هند را تصرف کرده و یک امپراطوری وسیع و یک حکومت متمرکز و قدرتمند را که از شرق تا رود خانه گنگاه، از غرب تا عراق و از شمال بحیره اورال و ماوراء النهر و بحیره خزر، از جنوب تا بحر هند وسعت داشت؛ تاسیس کرده و طول اعظمی این امپراطوری قرار اظهار عده ای از محققین، از شرق به غرب قریب (۲۰۰۰) میل و عرض اعظمی آن از شمال به جنوب قریب (۱۴۰۰) میل را در بر داشت.

همانطور که از سطور گذشته روشن شد، «غزنی» یکی از مهم ترین شهرهای تاریخی و فرهنگی جهان اسلام محسوب می شود که هم قبل از اسلام و هم بعد از آن از موقعیت مهم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برخوردار بوده است. قبل از اسلام یکی از مهم ترین مراکز دین بودائیان محسوب شده و بعد از اسلام - مخصوصاً در عصر غزنویان - غزنی مهد علم و دانش و پرورشگاه صدها تن از علما و دانشمندان بزرگ در جهان اسلام شد که هر کدام در رشته های مختلف علوم، کتاب ها نوشتند و در فرهنگ و تمدن جهان اسلام نقش برجسته و والایی را ایفا نمودند. انتخاب این شهر به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۳» افتخاری است بزرگ، و بهانه ای است برای دولت مردان و متولیان فرهنگی کشور تا با مطالعه گذشته تاریخی این شهر دست در دست هم داده، با همت و تلاش آنچه که در شأن یک شهر تاریخی و به عنوان پایتخت فرهنگ و تمدن اسلامی است در حوزه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، برای پیشرفت و توسعه آن تلاش نمایند. البته نه تنها شهر باستانی «غزنی» بلکه بسیاری از شهرهای افغانستان مانند بلخ، هرات، کابل، قندهار، بامیان و... دارای سابقه فرهنگی و تمدن بسیار بالا و پر افتخار است. که بایسته است مردم و دولتمردان ما کشمکش های بیهوده را کنار گذاشته و دست در دست هم داده برای احیاء فرهنگ و تمدن

گذشته و از دست رفته کشور تلاش نموده و سعی کنند موقعیت فرهنگی و پرافتخار گذشته خود را دو باره بدست آورند و با حفظ وحدت و برادری و کنار گذاشتن اختلافات مذهبی، نژادی و حزبی تلاش کنند میهن عزیز، زخم خورده و خراب شده خود را از نو بسازند. تا مردم ما بتوانند سربلند و با افتخار در کشور خود زندگی نموده و بیش از این آواره کشورهای بیگانه نبوده و به خاطر فقر فرهنگی و اقتصادی و عقب ماندگی سیاسی کشور خود، نزد دیگران سرافکننده و خجل نباشند. به امید برقراری صلح و دوستی و برادری و اخوت بین مسلمانان قهرمان افغانستان و عزت و سرفرازی مردم ما و توسعه و پیشرفت کشور عزیز ما افغانستان این نوشته را به پایان می برم.

پی نوشت ها

۱. ر.ک: ویکی پدیا دانشنامه آزاد انترنیتی: <http://fa.wikipedia.org>
۲. ر.ک: کلیفورد باسورث، ادموند، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۱ بعد و ر.ک: وسایت www.malistan.com مقاله منور شاه مالستانی.
۳. ر.ک: بشیر، علی اصغر، سیری در ملک سنایی، وزارت اطلاعات و فرهنگ، چاپ آزادی، حمل ۱۳۹۰، ص ۳۴.
۴. مقدمه دیوان سنایی غزنوی، با تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، موسسه انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۱.
۵. ر.ک: شفیع کدکی، محمد رضا، مقدمه بر منطق الطیر عطار، ص ۱۰۵؛ همایون، سرور، حکیم سنایی غزنوی و جهان بینی او، انتشارات کتب بیهقی، وزارت اطلاعات و فرهنگ، جدی ۱۳۸۹، ص ۱۲۸.
۶. ر.ک: مولوی، محمد، مثنوی معنوی، دفتر سوم. و زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، ج ۱، ص ۱۲۷.
۷. ر.ک: همایون، سرور، حکیم سنایی و جهان بینی او، پیشین، ص ۱۳۰.
۸. ر.ک: شرح جامع مثنوی معنوی، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۸.
۹. ر.ک: همایون، سرور، پیشین، ص ۱۴۲.
۱۰. مالستانی، منور شاه، www.malistan.com
۱۱. ر.ک: تاریخ غزنویان، پیشین، ص ۱۳۱.
۱۲. منور شاه مالستانی www.malistan.com



مقبره حکیم سنایی

غزنی در گذر تاریخ!



فہیم روستایی

دانشجوی دانشکده

علوم سیاسی

مقدمه

غزنی، غزنه و غزنین از جمله نامهای است که در طی سالیان متمادی از این دیار آزادگان و مرد آفرین که یک زمان عروس البلاد نامیده می شده نام برده شده است، غزنی که نیروی شگرفش قدرت مشرق زمین بوده است و در سینه خویش فرزانه گان زیادی را در عرصه های سیاسی، دینی فرهنگی، ادبی وغیره پرورش داده است که به عنوان نمونه از بزرگ مرد تاریخ (یمین الدوہ سلطان محمود) که در هنگام شکستادن بت سومنات جمعی از براهمه ها گفتند اگر سلطان بت را نشکنند ما چندین زر به خزانه واصل می سازیم، اما سلطان لقب بت شکن رابرجواہرات ترجیح داد و بت راشکست و از شکم بت آنقدر جواہر بیرون آمد که مساوی بود به آنچه برہمنان میدادند و نتیجہ حسن عقیدت در ساعت معلوم شد. محمود که صولت دولت آن از جرجانیہ تا گرگان واز کاشمر تا سومنات نواخته می شد ولا بد داستان های شگفت و روایات دل انگیز و تحولات فراوان دارد چنانکہ امروز صبغہ دیگری بر داشته است و از جملہ فرزندگان دلیر و قہرمان خانم زیبا شہید را میتوان نام برد، زیبا شہید کہ در زمان حملہ انگلیسی ها بہ دیاری کہ در ہر زمان بہ ہرقساوت پیشہ جزای بس سنگینی دادہ است و فرزندان این دیار گوشت و خون خود را سپہر دشمنان خونخوار گردانیدہ و قہر و فرزندان او همانند سیقراز آتش فشان است از محفل عروسی با لباس سفید همانند فرشتہ ها بر خواستہ با دستان پر از خینہ بہ یاری شوہرش کہ توپچی ماہیر بود می پردازد و آرمان های شربنش را قربانی دیار عزیز خویش نمودہ و تا آخر لحظات زندگی در برابر دشمن می جنگند. شوہر و برادر زیبا کہ توپچی ماہری بود و زیبای شہید با از دست دادن شوہر و برادرش با روحیہ قوی و عزم متین ہنوز ہم بہ یاری توپچی ادامہ دادہ و با دستان نازک و پر از خینہ اش بہ آنان گلولہ های توپ را آوردہ و بہ آنان نیروی می بخشد و در آخرین اوقات کہ شہر غزنی بدست لشکر قسی القلب انگلیسی ها و افغان های فروختہ شدہ فتح

گردید، زیبا کہ لباس مردانہ بہ تن داشت دستگیر و بعد از شناسائی بہ یک خانم انگلیسی تحویل دادہ میشود. او کہ یک زن وطن پرست و با غیرت بود اسارت را ننگ دانستہ و بی تابی فراوان از خود بہ خرج دادہ تا اینکه آن افسر زنانہ انگلیسی بخاطر خاموش ساختن زیبا، زیبا را نزدیک یکی از کلکین های بالاحصار آورده و از آنجا شہر غزنی را بہ او نشان میدہد تا بلکہ با دیدن شہر قدری آرام گیرد. زیبا کہ دنبال فرصت می گشت از کلکین خود را پائین انداختہ و جان را بہ حق تسلیم داد و در همان نقطہ کہ جسدش قرار گرفت مدفون گردیدہ و مدتہای زیادی مرقدش زیارت گاہ عام و خاص بود کہ اکنون در اثر بی توجہی مسئولین بہ ویرانہ ای مبدل گشتہ است.

این کہ غزنی امروز عنوان پایتخت فرهنگ اسلامی را پیدا نمودہ، ہمہ از برکت آن فرزندگان و بزرگ مردان تاریخ و مرزگشاہ بودہ کہ غزنی را بہ صورت یک پل استوار ساختہ بود میان تمدنهای ہند، خراسان، ماوراءالنہر، خوارزم، جبال، ری، اصفہان و بغداد در غرب کہ برعلاوہ ہزاران غازی، صدہا تن از دانشمندان، علما، روحانیون و اہل ادب از گوشہ و کنار در این شہر روی می آوردند. غزنی در آن زمان عروس البلاد بود؛ بلادی کہ دیوارہایش از یاقوت و مرمر با باغہایی با دہنہ های از نقرہ و دیوارہایی از پوشش نقرہ، مرکز فرهنگ، تمدن، صنعت و ... محل تجمع ہمگان گردیدہ بود. افغانستان در آن زمان بہ مرکز سیاست، فلسفہ، ادبیات و تمدن در آورده شدہ بود بہ طور کہ می توان در تاریخ سیاسی اجتماعی افغانستان از آن زمان بہ دورہ ر نسانس و شگوفایی تمدن انسانی یاد کرد. بعد از این کہ شہر

غزنی (عروس البلاد) از سوی جهان سوزان به آتش کشیده میشود و دارائیهایش که در حقیقت می توان زیورات این عروس زیبا گفت به تاراج برده میشود و غزنی در یک خاموشی به سر برده و همیشه مورد استفاده تا راج گردن و کلاه برادران و سودجویان قرار گرفته که در این اواخر به اوج خود رسیده بود. عروس خاموش که تنها معدن زر کشانش ارزش نفت سعودی را بقول معدن شناسان دارد، در اثر بی توجهی مسئولان و استفاده نابجا از آن، همه را بسوی مایوسی سوق داد. مسئولان بجای استفاده صحیح از این سرمایه ها، آنها را به مرکز آموزش و ترنینگ های والیان و رئیسان بی تجربه در آورد. اما زمان که غزنی به عنوان مرکز فرهنگی جهان اسلام اعلام گردید، یکبار دیگر گلهای امید غزنویان رو به شگفتن نهاد و غزنی یکبار دیگر بسان تازه عروسی در کنار چشمه ای، چهره عروسانه و مستانه اش را با ناز و کرشمه نشان داده و امید به دلها راه یافت. آرمان ها دو باره زنده گردید. یعنی آیسسکو در سال ۲۰۰۷ در طرابلس پایتخت لیبی که غزنی را به عنوان پایتخت تمدن اسلامی نامزد نمود، دلیل این امر آن بود که غزنی دارای سابقه درخشان تمدنی بوده است. اما اینکه چه موانع و مشکلات بر سر راه احیای دوباره تمدن فراموش شده غزنی قرار داشته، این مقاله گنجایش ذکر آنرا ندارد و فقط می خواهیم بگویم که این عنوان نسبت به تمدن گذشته غزنی و نام و شهرت غزنی به مثابه یک شعار بوده است به طور که هر لحظه که مست ثروت و قدرت می گشتند آن را به دهن انداخته و زمان که بیشتر مست می شدند، آنرا در زباله دان می انداختند. تا اینکه در ۲۳ حمل سال روان (۱۳۹۲) اولین جشنواره افتتاحیه در تالار ولایت آنهم با فضای مثل فضای محکه در پشت در های بسته برگزار شد به طور که دیگران منتظر فیصله نهائی بوده که عاقبت چه خواهد شد؟ و اکنون که ما در آستانه برگزاری جشنواره بزرگ این عنوان قرار داریم، بر ماست که دلها، غم و شادی و حتی دردهای خویش را یکی ساخته و بخاطر رسیدن به صلح، سازوکارهای نفاق را خاموش ساخته و وطن را بار دیگر در آتش نفاق نسوزانیم. عزیزان! انتخاب غزنی به عنوان پایتخت تمدن اسلام افتخار همه مردم افغانستان است و باید به این مقام ارزش مند تاریخی و فرهنگی ارج گذاشت.

نام های سلاطین دوره غزنویان:

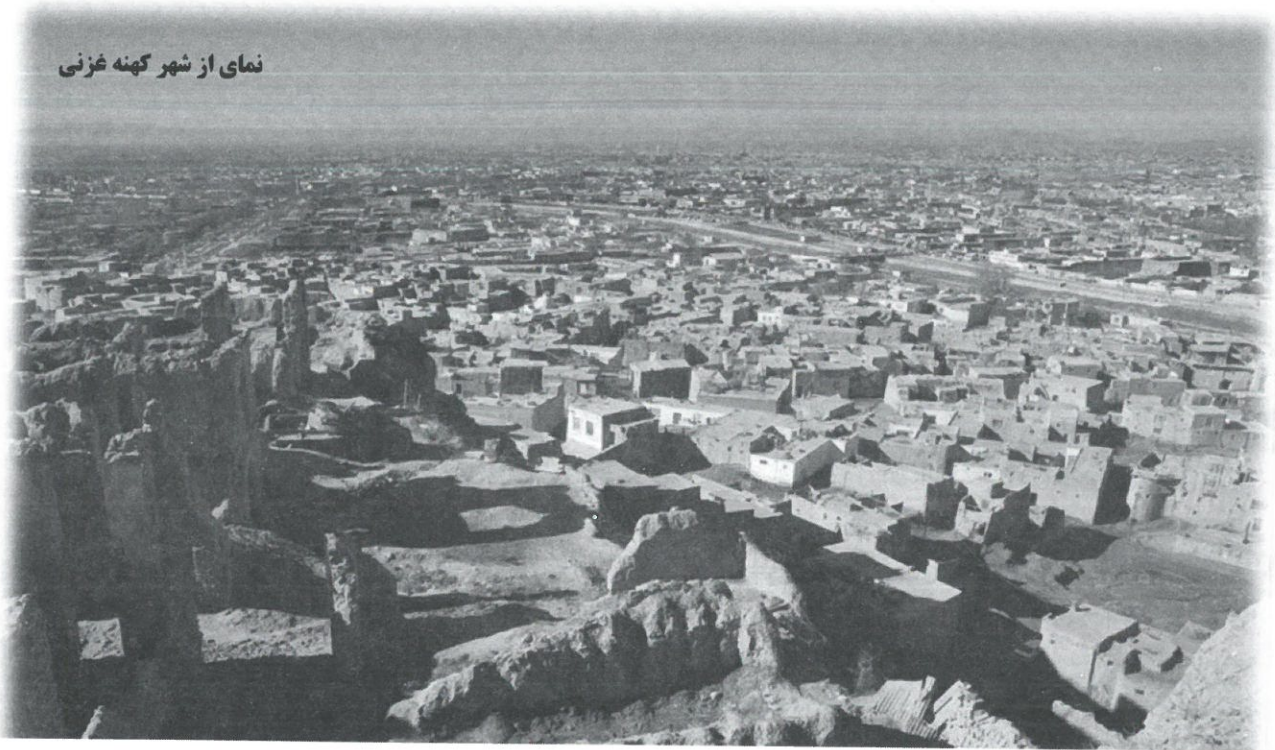
البتگین ۳۵۱، اسحق ۳۵۲، بلگاتگین ۳۵۵، پیریکاتگین ۳۶۲ - سبکتگین ۳۶۶، اسماعیل ۳۸۷، سلطان محمود ۳۸۸، محمد ۴۲۱، مسعود اول ۴۲۲، معدود ۴۳۲، مسعود ثانی ۴۴۰، علی ابوالحسن ۴۴۰، عبدالرشید ۴۴۰، طغرل غاصب ۴۴۴، فرخ زاد ۴۴۴، ابراهیم ۴۵۱، مسعود ثالث ۴۹۲، شیر زاد ۵۰۸، ارسلان شاه ۵۰۹، بهرام شاه ۵۱۲، خسروشاه ۵۴۷، خسروملک ۵۵۵-۵۸۲

مشاهیر و رجال (ارباب حل عقد) زمان غزنویان:

ابوالفتح بستی در دوران سبکتگین، ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی وزیر سلطان محمود، خواجه احمد بن حسن میوندی، حسن مکیال، وزیر نامور سلطان محمود - ابونصراحمد بن عبدالاصمد شیرازی در دوران محمود - طاهر مستوفی در عصر سلطان محمود و مسعود عبدالرازق بن احمد، ثقه الملک طاهر بن علی بن مشکان وزیر مسعود بن ابراهیم و ممدوح، حسین بن مهران در عهد سلطنت فرخ به وزارت رسید و در همان وقت معزول و محبوس در زندان جان داد، ابوبکر صالح در دوران فرخ زاد، بوسهل خجندی مدتی در دارالانشای محمود و مسعود به کتابت پرداخت در دوران سلطان ابراهیم به منصب وزارت رسید، عبدالمجید، پسر احمد بن عبدالصمد در دوران ابراهیم، مسعود و ارسلان شاه به وزارت بر قرار بود، جرجیریا (خرخیز) در روزگار فرخ زاد کار های سلطنت را انجام میداد، ابونصر منصور مشکان در دیوان رسالت محمود و مسعود رئیس بود، ایازایماق از مشاهیر در بار سلطان محمود مسعود و مدود خوارزمشاه التونشاش از افسران نامی محمود - ابو سهل بن حسن حمدوی یا حمدونی در عهد مسعود صاحب دیوان ری بود، عبدالله بن یوسف معروف به ابوبکر حصیری در نزد سلطان منزلت بسزا و رتبه ندیمی داشت، ابوسهل زوزنی در دوران سلطان وزارت لشکر (دیوان عرض) به وی مربوط بود ابوالفضل بیقهی در دوران محمود و مسعود وظیفه کتابت داشت، امام ابوالطیب سهل بن سلیمان صلوکی، دوران سلطان محمود بود و از خاندان علم و فضیلت بود.

شعرای زبان دری:

ملک الشعراء عنصری: نام او حسن کنیه اش ابوالقاسم نام پدرش احمد - امیر فرخی نامش علی کنیه اش ابوالحسن



شیخ ابوسعید ابوالخیر رحمته الله علیه از بزرگان مشایخ و کبار این طایفه است -

شیخ یحیی بن عمار سجستانی نام یحیی نام پدرش عمار -
خواجه ابو عبدالله طاقی، ابواسماعیل، کنیتش ابواسماعیل
و نامش عبدالله و لقبش شیخ الاسلام نام پدرش محمد -

علماء

شیخ رئیس ابوعلی سینا جدش سینا پدرش عبدالله و نام
اش حسین بود.

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی. ابوسلیمان خطابی
احمد بن محمد بن ابراهیم بستی. عبدالملک بن علی
هراتی ابومنصور ثعالبی آل میکال. ابونصر احمد بن علی
میکالی. ابوالفضل پسر ابونصر میکالی. امیر ابوابراهیم بن
ابونصر میکالی. شیخ ابی عبدالرحمان سلمی نام محمد نام
پدر حسین سلمی است. ابی بکر بن حسین بن علی البیهقی.
احمد بن محمد عبدالرحمان پادشانی هراتی. آدم بن
احمد بن اسد هراتی. جناده بن محمد بن حسین ازدی
هراتی. ابو عبیدالله عبدالواحد جوزجانی. ابوالخیر خمار.
ابونصر عتبی. ابو عبدالحی بن ضحاک بن محمود
گردیزی. ابوالمعانی نصرالله بن محمد بن عبدالمجید
غزنوی.

تخلص فرخی و نام پدرش جولوغ - غضایری رازی ابو
یزید محمد غضایری رازی اول مداح دیلمیان بود -
ابونظر عبدالعزیز منصور عسجدی مروزی - استاد
ابوالحسن علی بهرامی سرخسی از شعرا دربار سلطان و
از دانشمندان آن عصر است - محمد بن محمود بدایعی
بلخی - ابو محامد محمود بن عمر جوهری زرگر هروی -
حکیم ابوالاسحاق کسائی مروزی - ابونصر احمد بن
منصور اسدی طوسی - عماره مروزی - حکیم ابوالقاسم
فردوسی بزرگترین شاعر خراسان - مسعود بن سعد
سلمان - منوچهری - زینبی علوی محمودی - لیبی ادیبی
ابوالفرج رونی - سید محمد بن ناصر علوی غزنوی - سید
حسن غزنوی - ابوالفضل مسرور بن محمد طالقانی -
منشوری سمرقندی نام وی احمد نام پدرش محمد است -
صدراجل ملک الکتاب ابوالمحاسن جمالالدین یوسف بن
نصر کاتب - ابو سراقه عبدالرحمن پسر احمد بلخی -
ابوالمظفر بن ابراهیم بن علی پنجشیری - ابو عبدالله روز
به بن عبدالله نکتی لاهوری، مسعود رازی، مظفر
پنجدهمی، کوکبی مروزی ابوالمجد مجدود سنایی
غزنوی.

عرفا

شیخ علی هجویری دادا گنج بخش کنیت وی ابوالحسن
نام علی نام پدرش عثمان است - حضرت شیخ ابوالحسن
خرقانی عارف بزرگ سال ۳۴۸ ه ق -

تلاش ملی، برای شکوفایی فرهنگ ملی!



کمال الدین "عظیمی"

دانشجوی

دانشکده فقه و حقوق

مقدمه

فرهنگ ثمره ونتیجه دانش است نه خودآن؛ دانش ها ابرهاستند و فرهنگ باران، اگر بارشی در این ابر نباشد وجودش ثمربخش نخواهد بود. دانش بی فرهنگ در دنیا کم نبوده اند. از آن جمله می توان به تمام قاضیان بی اعتنا به حق، تمام سیاستمداران بی اعتنا به انسانیت، و همه دانشوران دیوسیرت اشاره نمود.

اگراداره امور جهان به کسانی که دارای فرهنگ بودند واگذار می شد، بی شک دنیای غیر از آنچه داریم، می داشتیم. ریشه بسیاری از سوءتفاهم ها و بسیاری از اختلاف ها، نداشتن فرهنگ است آنهم به صورت مطلوب؛ چون اگر فرهنگ نباشد غریزه ها و شهوت ها، در روابط بین همه افراد انسانی حکم فرما می شوند. غریزه ها و شهوت ها همواره از سودجویی و خودپرستی پیروی می کند.

مقوله ای فرهنگ هم فردی است؛ هم ملی وهم جهانی. بعد از عقب ماندگی و فقر، بزرگترین مسأله دنیای امروز، این مسأله است؛ صلح و سعادت آینده جهان به همان اندازه که به اقتصاد وابسته است به فرهنگ نیز متکی است.

در این مقاله سعی شده است پس ازنگاهی کوتاه به واژه فرهنگ، اهمیت تلاش ملی و پرداختن به مسایل فرهنگی در این عصر و زمانه که از آن به عصر «انفجار فرهنگی» یاد می شود روشن گردد؛ روشنی های که شاید ما را در جهت رسیدن به جامعه فرهنگی ومدنی دلخواه مارهنمون بوده و چراغی برفراز راه گسترش فرهنگ ملی ما باشد. نیم نگاهی به واژه فرهنگ:

درمورد واژه فرهنگ معانی زیادی ازسوی جامعه شناسان ارائه گردیده است، که پرداختن به تک تک آنها و بررسی نقاط قوت وضعف هریک از آن معانی بسی دشوارخواهد بود. ما به عنوان نمونه به چندتای آنها می پردازیم.

۱ فرهنگ پدیده کلی پیچیده ای از آداب، رسوم، اندیشه،

هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام، شکل می گیرد و قابل انتقال به نسل های بعدی است.^۱

۲ فرهنگ عبارت از: «مجموعه اعتقادات، رسوم، ارزش ها، فنون، سلوک و رفتارهای است که به عنوان میراث مشخص، حاکم بر روابط فردی واجتماعی است.^۲

۳ یونسکو: «فرهنگ عبارت است از: مجموعه چهره های شاخص، معنوی ومادی وعقلانی واحساسی است که توصیف کننده یک جامعه یا یک گروه اجتماعی و از طرف دیگرجامع هنرها، نوشته ها، شیوه های زندگی، حقوق بنیادین موجود انسانی، سنت ها و اعتقادات می باشد.»^۳

۴ فرهنگ دربرگیرنده اعتقادات، ارزشها، اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می شود.

دید گاههای دیگر آداب و رسوم را شالوده اصلی فرهنگ تلقی می کنند و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون درنظرگرفتن پایه های اعتقادی آن به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می گردد. اما در یک نگاه دیگر، فرهنگ عاملی است که به زندگی انسان معنی و جهت می دهد.

شاید بتوان گفت تعریف فرهنگ به عاملی که به زندگی انسان معنی و جهت می دهد منطقی ترین معنی، درتعریف این واژه باشد البته معنی داری زندگی انسان بحث های فراوان دیگری می طلبد که درجایش باید بحث شود تا این مسأله به خوبی روشن گردد.

فاصله ملیت ها و فرهنگ های مختلف ازچه راههای برداشته می شود؟

در این مسأله هم اظهار نظرهای مختلف از سوی جامعه شناسان مطرح گردیده است. از جمله برخی هامی گویند آنچه که مردمان را گرد هم جمع می کند، منافع اقتصادی مشترک است، که پایه اعتقاد به وجود طبقات اجتماعی است.

منافع اقتصادی مشترک به صورت مقطعی می تواند جمعی را در کنار هم بنشانند. ولی از ثبات دایمی نمی تواند برخوردار باشد.

به این دلیل که وجود طبقات اجتماعی حقیقی است، اما حقیقت و عامل دیگری هم هست. اکنون مردمان به صورت ملت های مختلف زندگی می کنند. چه عاملی باعث تکوین آنها شده است؟ از همین جاست که بعضی سوسیالیسم را منحصر می کنند به منافع اقتصادی. درست است که مهمترین عامل تجمع انسانها در این اندیشه عامل اقتصادی است، ولی عامل منحصر به فردی نمی تواند باشد.

از طرف دیگر نمی توان بشر را به کسب منافع مادی منحصر کرد. به همین خاطر است که به نظر بعضی ها ناسیونالیسم بورژوازی دشمن آزادی و فرهنگ تلقی شده است؛ چون هر ناسیونالیسمی در راه آزادی همه ملیت ها و شکوفا شدن فرهنگ های شان گام برنداشته است.

بعضی ها نژاد برتر را عامل پیدایش فرهنگ و تمدن و شکوفایی آن قلمداد می کنند. اما این نظریه هم نمی تواند واقعیت های موجود در جوامع انسانی را توجیه کند.

به باور ویل دورانت: «نژاد در ایجاد تمدن تأثیری ندارد. تمدن در جاهای مختلف یا در نزد ملت های که رنگ های گوناگون دارند آشکار می شود. خواه در پکن باشد خواه در دهلی... نژاد تمدن را نمی سازد بلکه تمدن است که ملت ها را خلق می کند. زیرا اوضاع و احوال جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی را به وجود می آورد و این فرهنگ نمونه خاصی را ایجاد می کند. فرد انگلیسی تمدن بریتانیا را ایجاد نمی کند بلکه از تمدن بریتانیا است که فرد انگلیسی ساخته می شود.»^۴ نتیجه گیری کلی "ویل دورانت" بعد از تحقیق و بررسی درباره عوامل ظهور و بروز تمدن ها و فرهنگ ها به این جا می رسد که هر نژادی می تواند آفریننده تمدنی باشد. در صورتی که عوامل و شرایط لازمه را داشته باشد و هیچ تبعیضی از این

ناحیه در بین ملت ها به چشم نمی خورد.

بنابراین نژاد یا قوم برتر وجود ندارد تا ما آن را محور قرارداد و اقوام دیگر را هر چند اقلیت هم باشند، خلع هويت کرده و به پای آن قربانی کنیم و وحدت ملی را از این طریق تأمین نماییم. از طریق دیگر تجربه تاریخ، هم بی بنیاد بودن این نظریه و شکست آن را به اثبات رسانده است.^۵

اکنون مسأله این است که چگونه میتوان با اعتقاد به وجود طبقات اجتماعی، مسأله ملیت را توجیه کرد؟ و عوامل توجیه کننده آن را یافت؟ در اینجا عوامل دیگری را هم نمی توان از نظر دور داشت که در شکل های مردمان مؤثر است و آن جمع روبناهاست. یعنی: فرهنگ های مختلف، که حقایقی مسلم اند.

«البته شخص یا کشور که می خواهد توسعه فرهنگی و اقتصاد دی داشته باشد، نباید سنت های صحیح خود را از دست بدهد و تابع سنت های دیگران گردد؛ بلکه باید سنت های اصیل را شکوفا کند.»^۶

چگونه می توان فاصله ملیت و فرهنگهای مختلف را از میان برداشت؟ شاید بتوان گفت، باشکفته شدن فرهنگ ها و سپس متحد شدن آنها، نه تحلیل بردن چند فرهنگ در فرهنگ بیگانه. مسلم است که شکفته شدن فرهنگ ها میسر نمی شود، جز با آزادی ملت ها..

تحول مطلوب رمز ترقی:

جامعه ای که ادعای گرایش به ترقی دارد، باید با دلسوزی و مراقبت تمام، نگران وضع فرهنگی خود باشد. ترقی به معنی ساده آن این است که تحول مطلوب در جامعه ایجاد شود و این تحول هم باید قبل از هر چیز ناظر به روح و فکر جامعه باشد تا شکل و ظاهر جامعه.

تجلی فرهنگ در جامعه، بدانگونه است که بینش افراد جامعه را وسیعتر نموده، انسان ها را نسبت به انسانیت خود آگاه تر ساخته بینش و لطافت طبع را می پروراند و مقاومت افراد را در برابر خودپرستی و تعصب و بدخویی می افزاید.

«وقتی همه عوامل موجود، زور، تهدید، پول و سیاست، از حل مسایل جهان عاجز ماند، فرهنگ باید پای به میدان نهد اگر گره ها گشودنی بود، سرانجام بدست آن گشوده خواهد شد و اگر گشودنی نبود، دلیل بر آن است که فرهنگ شکست خورده رمق خود را از دست داده و

دخالت مردان با فرهنگ در اداره امور جهان تا به حدی
هراس انگیزی کاهش یافته است.^۷»

تلاش ملی چیست؟

در عرصه جهانی، از جنبه «انسانی» که بگذریم، ویژگیهای
ملی و فرهنگی ملت ها سبب امتیاز و تفاوت آنها از
یکدیگر است...

ملت های مختلف با ویژگی های قومی خود در قلمرو
جغرافیایی گوناگون زیست می کنند و از حیث آداب،
رسوم، زبان و دیگر ویژگیهای فرهنگی و ملی در حکم
فرد واحدند....

همان گونه که هر فرد برای بهتر زیستن و خردمندانه
و آبرومندانه زیستن باید تلاش کند تا حال و آینده بهتری
داشته باشد، ملت ها نیز باید تلاش کنند تا حال و آینده
سرزمین خود را بهتر و بهتر سازند تا در عرصه جهانی
جایگاه شایسته داشته باشند که به این تلاش گروهی
«تلاش ملی» گفته می شود.

نتیجه:

به نظر می رسد در تلاش ملی هر ملت دو نکته بیشتر از
همه باید مورد توجه قرار گیرد: نخست: همه افراد باید
دست به دست هم دهند و در اجرای طرح های علمی،
فرهنگی و آبادانی خود بکوشند تا کشور خویش را از
جنبه های گوناگون پیشرفت دهند، که در این پیشرفت
توجه به علم و دانش همراه با معنویت، بهداشت، رفاه و آبا
دانی بیشتر باید مورد توجه و دقت نظر قرار گیرد.

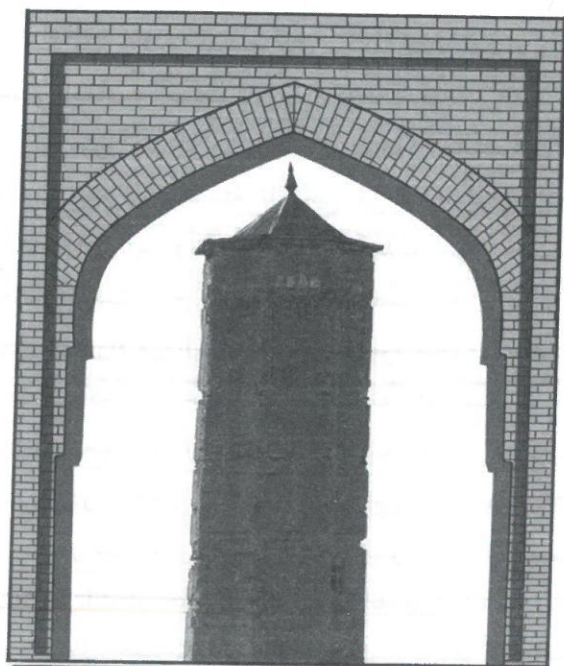
دوم: کسی که می خواهد به سرزمین و هم میهنان خود
خدمت کند، باید به حسب علاقه خویش به یکی از علوم
و فنی که کشورش بدان نیاز دارد روی آورده و به گونه
ای از سرزمین خود رفع نیاز کند.

با توجه به این مطلب حال که این فرصت برای مردم غزنه
باستان فراهم آمده و افتخار تاج گذاری "غزنی" به عنوان
«مرکز فرهنگی و تمدنی جهان اسلام» از طرف کشورهای
اسلامی به ویژه سازمان "آسیسکو" نصیب این خطه
فرهنگ خیز شده است، بانگاهی عمیق به تاریخ
افتخار آمیز این جغرافیای فرهنگی و تمدنی، و اینکه چه
عواملی در رساندن غزنی به نقطه های اوج درخشش
علمی و فرهنگی کمک نموده و چه مجموعه ای از
رویدادها در این محدوده تاریخی سبب ناکامی این ملت

شده است؟ با درک این واقعیت، می طلبد که با هماهنگی
اراده ها، با قدم برداشتن در راه گسترش فرهنگ اسلامی
و ملی، با استفاده از عقل و خرد جمعی خود سقف
اختلاف و تعصب را شکافته وارد فضای جدیدی شویم؛
گرچند دیرپایی مسایل فرهنگی بر کسی پوشیده نیست و
نمی شود ویرانیهای فرهنگی را یک شبه به آبادی رساند.
«مهلتی بایست تاخون شیرشد» ولی آنچه که لازم به نظر
می رسد تلاش پیگیر و مستمر نخبگان و فرهنگیان ما در
این عرصه است!

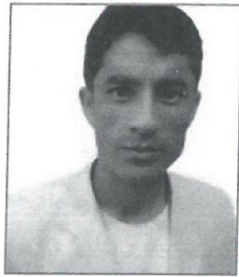
منابع:

- ۱- دکتر حسن انوری، فرهنگ روز سخن، انتشارات سخن، چاپ
اول، تهران، ۱۳۸۲، ص ۸۶۹
- ۲- حقوق بشرو آزادی های اساسی، دکتر سید محمد هاشمی،
تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱
- ۳- سید محمد هاشمی، پیشین ص ۴۹۹
- ۴- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج اول، ص ۱۵
- ۵- سروردانش، حقوق اساسی افغانستان، انتشارات مؤسسه
تحصیلات عالی ابن سینا ص ۴۶
- ۶- آیت الله جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ناشر مرکز نشر اسرا
ص ۲۱۸
- ۷- ر.ک: دکتر محمد علی اسلامی "ندوشن" تلخیص از کتاب
"به دنبال سایه همای"



غزنی ۵ اسلامی فرهنگ پایتخت ۲۰۱۳
Ghazni Capital of Islamic Culture 2013

غزنی ۲۰۱۳ و چالش های موجود



محمد نسیم باهنر

دانشجوی دانشکده

علوم سیاسی

آه غزنی آن حریم علم و فن

مرغزار شیر مردان کهن

آن دیار و کاخ کو، ویرانه ایست

آن شکوه و فال و فر افسانه ایست

اقبال لاهوری

مقدمه

هر چند گذشته تاریخی غزنه باستان غیر قابل انکار و بلکه کاملاً آشکار و فراموش ناشدنی است. و در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بیانگر مباحث بارز و سترک و ناگفته پیداست که حضور سبز دانشمندان بزرگ چون سنایی، البیرونی، شیخ علی لالا، هجویری، دبیر باتدبیر ابونصر مشکان، ملا فیض محمد کاتب هزاره، شمس العارفین و دهها شخصیت برجسته علمی دگر که همواره مشعل راه نسل امروز و فردای کشور بوده و افتخار می آفرینند و امروز اگر غزنی را زمزمه آبادی و سر بلندی است و به عنوان پایتخت تمدن فرهنگی جهان اسلام به معرفی گرفته می شود؛ همه به برکت قلم و قدم گذشته گان ماست که با اهتمام والای علمی ایشان و آبدات تاریخی که به شکل ویرانه و نیمه ویرانه هنوز هم گواهی روشن بر وجود اندیشمندان این مرز و بوم در گذشته تاریخی می باشد توجه جهان اسلام را به این ولایت معطوف و جلب نموده است. نه حاصل دست رنج بازماندگان شخصیت های فراتر از تعریف و راد مردان که تاریخ بر وجود شان می بالد ... با دریغ که نسل حاضر در صحنه نه تنها نقش در این افتخار معنوی ندارند که هیچ گونه احساس مسئولیت پذیری در رابطه با گذشته و آینده این مرز و بوم نداشته و حتا در میان هاله های از ابهام، خشونت، برادر کشی، انفجار و انتحار خود را گم نموده اند و پدیده شوم فقر که به قول حضرت علی (ع): «بزرگ ترین مرگ» است گریبان گیر مردم این سر زمین به ویژه مردم ساکن در این ولایت است که خود به نحوی بر مشکلات سیاسی و اجتماعی می افزاید و موجب ترور شخصیت های

کلیدی، تاجران و سرمایه داران ملی ما گردیده و هر روز بر طبل نا کامی زمامداران امور می کوبد. و از سوی دگر کم کاری های دولت مردان مرکزی در این فرصت زمانی که صرف در تلاش تقرر و توظیف چهره های حزبی شان به عنوان والی در این ولایت بوده اند نه شگوفایی فرهنگی، سیاسی و آبادانی غزنی بنا بر این سوالیکه ایجاد می شود این است که راه برون رفت از چالش های موجود در این شهر چیست؟ و نسل امروز من باب وارث دانشمندان بزرگ غزنه ای باستان که خود و بیگانه سنگ محبت اش را بر سینه می کوبند چه مسؤلیت دارند؟ آیا تنها بالیدن بر گذشته های تاریخی این سرزمین و این شهر کفایت می کند؟.

در این مختصر نوشتار تلاش بر آن است تا به سوالات فوق پاسخ ارایه گردد؛ اما قبل از آن چگونگی وضعیت امنیتی این شهر و عدم توجه دولت مردان مرکزی در این فرصت زمانی ایجاد شده مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

کلید واژه ها: امنیت، غزنی، دولت.

الف: چگونگی وضعیت امنیتی غزنی

با اینکه تأمین امنیت شهروندان با توجه به فصل اول ماده پنجم قانون اساسی افغانستان و ماده هفتم همین فصل که در مورد جلو گیری از هر گونه اعمال تروریستی تذکر رفته است یکی از وظایف مهم دولت است که باید با استفاده از امکانات دست داشته اش برای تأمین امنیت شهروندان نهایت تلاش نموده و آن را تأمین نماید. با ابراز تأسف و تلخی باید اعتراف نمود که نه تنها وضعیت امنیتی در افغانستان به ویژه غزنی باستان بهبود نیافته بلکه هر روز رو به وخامت می گراید؛ ترور کارمندان اداری نظیر رییس شورای ولایتی

غزنی، رییس ثارنوالی، معاون قبلی مقام ولایت غزنی در گذشته های نه چندان دور و انتقال ولسوالی رشیدان به بازار صداقت ولسوالی جغتو و انتقال ولسوالی زنخان در نزدیکی های مرکز غزنی در این اواخر از یکطرف موجب تشویش روحی ساکنان این محدوده ای جغرافیای گردیده و از طرف دیگر موجودیت دولت را زیر سوال قرار داده تا جایکه غزنی امروز به دوران قرون وسطی در اروپا تشبیه گردیده و گفته اند: «روز گاری دنیا از غزنه اداره می شد اما امروز چرا دنیا از اداره غزنی عاجز مانده است».

ب: عدم توجه دولت مردان مرکزی

غزنی با وجود این که یکی از شهر های مهم و تاریخی افغانستان است همواره مورد بی مهری و بی توجهی زمامداران امور قرار گرفته و در بسا اوقات روزگار تلخ را پشت سر گذرانده است. لشکر کشی^۳ غوری ها که در اصطلاح عامه مردم معروف به غور غزنی است وهمچنان صاعقه چنگیزخان مغول، لشکر کشی های انگلیس و شوروی که همیشه داغهای برقلب پایتخت آل ناصر بیادگار گذاشته است و ازدوران غوری ها به بعد غزنی کمر راست نکرد تا زمانیکه غزنی به عنوان پایتخت تمدن فرهنگی جهان اسلام از طرف سازمان جهانی آیسیسکو پیشنهاد گردید امید مردم ساکن در این ولایت دوباره گل نمود و انتظارات بالا گرفت هر چند کارهای در زمینه ای بازسازی آبدات تاریخی در این برهه ای از زمان صورت گرفته است اما آنچه انتظار می رفت انجام نیافته است به گفته ای موسی خان اکبر زاده والی ولایت غزنی^۴ به جز از وزارت اطلاعات و فرهنگ و امور زنان دگر هیچ وزارت مسئولیت شان را در راستای غزنی (۲۰۱۳) انجام نداده است و آنچه را گذشت زمان نیز به خوبی روشن ساخته است مبین این واقعیت است که شخصیت های کلیدی دولت مرکزی غزنی را لایبراتور آزمایش والی ها ساختند و هر کدام بالنوبه عوض بازسازی و نو سازی این شهر تاریخی در قسمت تعیین و عزل والی ها نقش آفرینی نمودند که حضور هفت والی در دهه اخیر گواهی بر این مدعاست.

نتیجه

گرچند معرفی غزنی به عنوان پایتخت تمدن فرهنگی جهان اسلام بیانگر ارزش های تاریخی و بازتعریف علمی آنست و با تمام کم و کاستی های موجود قابل

ارزش و در خور اهمیت است، اما چیزی که قابل بیان و لازم به تذکر است این است که تنها افتخار به گذشته ای تاریخی پاسخگوی چالش های موجود نیست و ما نمی توانیم به تمدن افتخار کنیم که در ساختن آن هیچ سهمی نداریم و در بنای آن هیچ رنجی را به جان نه خریدیم. بر این اساس بهتر است اگر نخبگان فکری و ابزاری ما پیرامون چگونگی وضعیت فعلی این شهر، نا امنی و بد امنی های کنونی، عوامل بسته بودن ۳۷ باب مکتب در این ولایت و جایگاهی این ولایت در ساختار سیاسی نظام حاکم تمرکز نمایند و این که چرا این ولایت با داشتن سابقه ای پر بار تاریخی، کثرت نفوس و وسعت جغرافیایی که دارد هنوز هم از ولایات درجه دوم افغانستان است در حالیکه ارتقای آن به درجه اول ایجاب فوریت می کرد و این مهم، حضور روشنفکران فعال جامعه را می طلبد تا با توجه به آیه شریفه قران کریم که می فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینفک ما بانفسهم. وارد عمل گردیده با در نظر داشت مسؤلیت دینی و وجیبه ملی خویش در قسمت ایجاد تحول شگرف و سازنده مساعی خستگی نا پذیر را به خرج دهند تا از یکطرف شاهد پیوند وثیق میان وضعیت گذشته و امروز غزنه باشیم و از طرف بر چالش های موجود در این شهر فایق آییم.

منابع

- ۱ دانش، سرور حقوق اساسی افغانستان، انتشارات موسسه تحصیلات عالی ابن سینا. کابل: ۱۳۸۹ ص ۵۱۸
- ۲ نشریه پیام خاتم، سال دوم، شماره دوم تابستان ۱۳۹۲ ص ۳۷
- ۳ مجله ۲۰۱۳، ریاست اطلاعات و فرهنگ غزنی، سال دوم شماره هفتم، ص ۹
- ۴ همان ص ۵
- ۵ نشریه پیام خاتم، سال دوم، شماره دوم تابستان ۱۳۹۲ ص ۲۱
- ۶ قرآن کریم سوره

ابوریحان بیرونی و ابوالفضل بیهقی کیست؟



بسم الله فهمی

دانشجوی دانشکده

علوم سیاسی

مقدمه

شهرت و شوکت غزنین وامدار اندیشه ها و تلاشهای علمی متفکرانی همچون البیرونی، بیهقی، سنایی، مسعود سعد، و... است. اندیشه ها و تراوشات فکری این نخبگان علمی در طول تاریخ مراکز آکادمیک جهان را مدیریت و رهبری نموده به عنوان منابع معتبر علمی مورد احترام صاحبان فکر و اندیشه است. نوشته حاضر نگاه کوتاهی انداخته به معرفی دو شخصیت علمی کشور که نقش اساسی در تحول و تولید علم داشته و بر آن است تا ابوریحان بیرونی و ابوالفضل بیهقی را به صورت کوتاه معرفی نماید.

۱. ابوریحان بیرونی

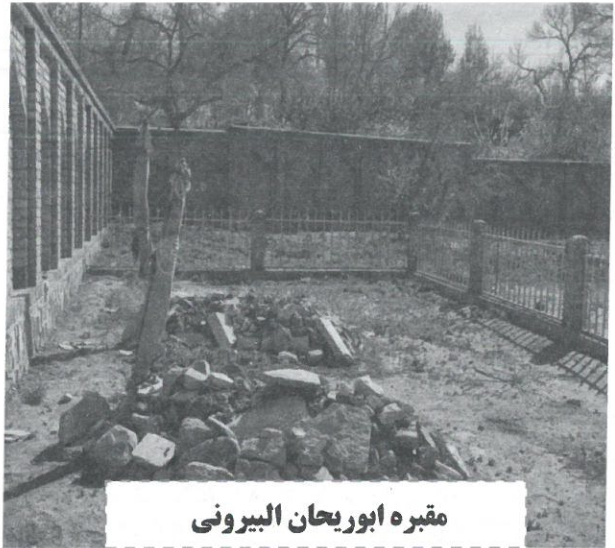
ابوریحان بیرونی از دانشمندان و نوایغ بلند آوازه سده های چهارم و پنجم هجری خراسان زمین منسوب بدربار دانش گستر دودمان غزنوی است. که دانش را به اوج قله های با عظمت رسانید.

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی در دوم ذیحجه ۳۶۲ه مطابق ۴ سپتامبر ۹۷۳ در شهر کت (کات) مرکز قدیم دهکده بیرون خوارزم چشم به جهان گشود. در آن روزگار خوارزم دستخوش حوادث سیاسی و اجتماعی قرار داشت. ضعف دولت سامانی و جنگ دوامدار بین شاهان سامانی و مخالفین اوضاع خوارزم را تحت تاثیر گذاشته بود. بیرونی در چنین شرایط و اوضاعی به تحصیل دانش پرداخت و سپس نزد دانشمندان مشهور مانند: ابونصر منصور بن علی بن عراق ریاضیات و ستاره شناسی و علوم متداول را آموخت. وی استاد خود را به احترام یاد میکرد و میگفت که من با شیر خانواده عراق بزرگ شدم اما ابونصر امر تربیت مرا بدوش گرفت. وی در شهرهای بغداد، قاهره، دمشق و... برای تحصیل سفر نموده. بیرونی در تمام رشته های علوم به تحقیق و مطالعه پرداخت و با فرهنگ اسلامی و علوم کلاسیک یونان باستان آشنا گردید و به حیث دانشمند بزرگ عصر خویش گردید. بیرونی علاوه بر زبان دری مادری اش به زبانهای دیگر عربی، پارسی سعدی، سریانی، یونانی، سانسگرت، زبان قدیمی یهود و... مهارت داشت. وی بر علاوه علوم ساینس و علوم اجتماعی در عین زمان شاعر و ادیبان شناس و اشعاری عربی سروده. وی شرحی بر دیوان شعرای عرب از جمله دیوان متنی نوشته و مجموعه مختار الاشعار را تدوین کرده است. ابوریحان در سال ۹۹۰م در زادگاه خویش به ایجاد رصد خانه پرداخت و وسایل ابتدایی استروномیکی را اختراع نمود. به قول یاقوت حموی قابوس بن وشمگیر منصب را به بیرونی میسپارد ولی از قبول آن امتناع ورزید. وی به سن ۲۷ سالگی هنگام اقامت در جرجان (گرگان)

اثر معروف آثار الباقیه را به رشته تحریر در آورد. این اثر ارزشمند بیرونی را به اوج شهرت رسانید. وی با پیگیری و شایستگی در اطراف تاریخ و فرهنگ ملل مختلف به مطالعه عمیق پرداخت و زبان آنان را آموخت. مهمترین مرحله رشد فکری بیرونی دوره جوانی وی بوده به طور که زمینه پژوهش و بررسی علوم را برایش مساعد ساخت.

در عصر مامون دوم کانون علمی و فرهنگی تشکیل گردید. در این مجمع علمی مشهورترین دانشمندان و نوایغ از قبیل فیلسوف و دانشمند بزرگ ابوعلی سینای بلخی، الخجندی ریاضیدان و ستاره شناس مشهور، ابوسهیل مسیحی دانشمند و طیب، ابوالخیر خمار طیب و مترجم. ابوالمنصور ثعالی ادیب و شاعر، ابونصر بن عراق ریاضیدان و نخستین استاد ابوریحان بیرونی، دانشمند و گنجینه دانش زمان البیرونی و غیره اشتراک داشتند. در این زمانه که اوج شهرت بیرونی بود مامون دوم پایتخت را از کات به گرگانیه (اورگنج) انتقال داد. این شهر در زیبایی شهرت داشت. چنانچه یاقوت حموی گفته است. من در حیات خود شهری بدین زیبایی ندیده ام و به قول اصطری اورگنج بزرگترین شهر خوارزم بود. بعد از آنکه خوارزم زیر قلمرو دولت غزنوی درآمد.

در آن عصر شهر زیبای غزنه مرکز فرمانروایی شاهنشاهی بزرگ خراسان سلطان محمود که از اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار بود. بنابه تقاضای سلطان محمود علامه بیرونی ابومنصور ثعالی ابوخیر خمار، رهسپار غزنه گردیدند. در آن وقت در این شهر دانشمندان و شعرا و نویسندگان مانند ابوالفضل بیهقی، ابونصر مشکان، فردوسی طوسی، عنصری، فرخی، عنجدی، ابوالفتح بستی، فقهی بزرگ ابوصادق تبانی مورد نوازش و احترام فرمانروای غزنویان قرار داشتند. هر کدام مقام خاص را در رشد فرهنگ و غنای ادبیات دری داشتند. ابوریحان بیرونی با دو تن همراهان خود در ردیف این دانشمندان در کانون غزنه با شکوه قرار گرفت. از احترام و توجه معلمان بزرگ غزنه برخوردار بود. هنگامیکه سلطان محمود غزنوی فتوحات خویش را به هند آغاز کرد، ابوریحان بیرونی را با خویش



مقبره ابوریحان البیرونی

همسفر ساخت. وی در آن سرزمین زبان سانسگریت در حین اقامت خود در هندوستان فراگرفت و با فرهنگ و زبان و ادبیات کهن و دانشمندان هند آشنا گردید و در اثر این سفر کتاب باارزش و بیمانند «ماللهند» را به نوشتار در آورد که از جمله منابع معتبر پژوهش در امر شرق شناسی است. به عقیده «آکادمشین روزین» در ادبیات علمی دوره باستان و قرون وسطی در شرق، اثری که بتواند با این کتاب معادل واقع گردد، وجود ندارد.

به قول «ت. ج. دی جور» استاد دانشگاه امستردام بیرونی، این کتاب خود از ناحیه عقلی و روحی کاشف هند است که معلومات مفید و ارزنده را در آن کتاب در مورد فرهنگ هند جا داده است.

بیرونی علاوه بر فلسفه شرق، با دانش و فلسفه یونان باستان نیز آشنا گردیده و کتاب عناصر اقلیدس و المخبسطی بطلموس و نیز سه رساله خود را به زبان سانسگریت ترجمه نمود. بیرونی دانشمند بلند آوازه فیلسوف ژرف گرا، مورخ توانا، معدن شناس، ژئولوژیست ریاضیدان مشهور در علوم مختلف علوم اجتماعی و ساینسی از توانایی بیکران برخوردار بود. اندیشه های علمی او ملاک معرفی شخصیت بزرگ این دانشمند است که روزگار گرانهای خویش را صرف تحقیق و نوشتن آثار علمی نموده که یکصد و پنجاه و دو اثر از این دانشمند گزارش شده که به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی ترجمه گردیده که مشهورترین آثار ابوریحان بیرونی عبارت اند از:

- ۱) کتاب القانون المسعودی فی الهیئه النجوم که یک دایره المعارف نجوم بوده و موضوعات ریاضی، مثلثات و... را در آن گنجایده است.
- ۲) کتاب تحقیق ماللهند به نام تاریخ هند شهرت دارد که در مورد فرهنگ، زبان، رسم و رواجها و عقاید مردم هند معلومات زیادی را در آن جای داده و این اثر گرانسنگ در سال ۴۳۲ هجری تألیف گردیده است.

۳) کتاب آثار الباقیه عن القرون الخالیه: این اثر در مورد فرهنگ و گاه شماری ایرانیان، خوارزمیان سعدیان، حرانیان، قبطیان، مسیحیان و یهودیان و اقسام اعیاد و ایام معروف اعراب تا زمان ظهور اسلام به رشته نگارش در آورده است که یک معلومات ارزنده در مورد فرهنگ جهان باستان می باشد.

۴) کتاب تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات الاماکن: این اثر را بیرونی در نخستین روزهای ورودشان به غزنی در سال ۴۰۹ به امر سلطان محمود غزنوی یک سوم آن را نوشت که یک نسخه آن در کتابخانه سلطان محمد فاتح در استانبول قرار دارد که شامل موضوعات کیهان شناسی و روشهای متعدد طول البلد و عرض البلد مناطق تذکر رفته است.

۵) کتاب الجماهیر فی معرفته الجواهر: این کتاب ارزنده در زمینه معدن شناسی است و از این جهت توانسته اطلاعات ارزنده ای در زمینه کانیات و معادن در اختیار علاقه مندان به این حرفه قرار بدهد که در نوع کم نظیر است.

۶) کتاب التفهیم: این اثر گرانسنگ در زمینه زبان و زبان شناسی و چگونگی ارتباط انسانها از طریق بحثهای زبانی است.

علامه ابوریحان بیرونی برخوردار از جهان علم بوده که در قلمرو جغرافیایی خراسان از استعداد و شهرت بی همتا برخوردار بوده که قرار قول نویسندگان از ۱۹۵ کتاب وی نامبرده شده که در زمان خویش مصدر خدمات ارزنده در عرضه علوم گردیده است. این شخصیت شهیر و دانشمند توانا در شام جمعه دوم ماه رجب ۴۴۰ ه. ق مطابق ۱۱ دسامبر ۱۰۴۸ میلادی در عروس البلاد غزنه چشم از جهان پوشید و در غزنی مدفون گردید.

مزار این ابر مرد دانش تا دهه پنجاه نامعلوم بود بالاخره در سال ۱۳۵۰ خورشیدی لوح سنگ مزار آن در جوار باغ بهلول دریافت گردید و بعد از تحقیق و بررسی دانشمندان افغانی مزار آن را در باغ مرحوم مولانا عبدالباقی غزنوی شناسایی و از طرف دولت وقت از مالک آن خریداری و وقف مزار بیرونی گردیده و از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ آن زمان اعمار و احاطه گردید و در سال ۱۳۵۱ سمینار بین المللی ابوریحان بیرونی از طرف دانشمندان داخلی و خارجی در کابل برگزار و روز اخیر این سمینار در غزنی به اشتراک دانشمندان افغانی مرحوم پوهاند عبدالرحی حبیبی مرحوم استاد خلیلی الله خلیلی، عبدالرئوف بینوا و مرحوم ابراهیم خلیل و مرحوم داکتر امیر محمد اثیر غزنوی و... در جوار مزار این شخصیت علمی تدویر و جاده بین شاهراه کابل الی ریاست معارف بنام جاده بیرونی مسما گردید. اما در سه دهه جنگ تمام درختان و احاطه مزار بیرونی تخریب گردید. بعد از کنفرانس آیسسکو در لیبیا از طرف کشورهای اسلامی در

سال ۲۰۱۳ غزنی پایتخت تمدن کشور اسلامی معرفی گردید و مزار ابوریحان بیرونی مانند دیگر آبدات تاریخی غزنی از سوی باستان شناسان وزارت اطلاعات و فرهنگ مجدداً بازسازی گردید و احاطه باغ مزار آن تکمیل گردیده است.

۲. ابوالفضل بیهقی

بیهقی از ابر مردان قلم پرداز و مورخ نامدار و مبتکر سبک تاریخ نویسی بزرگ دوره غزنویان است، که در طی دورانیهای هزار ساله آثار ماندگار و پربهای را بجا گذاشته به طور که تاهنوز آثار گرانسنگ آن در آسمان واقعه نگاری مقام سترگ را به خود اختصاص داد و جزو بهترین منابع تاریخی معتبر دوره مسعود غزنوی است که در بقا قسمت های زیادی از آن در جریان حوادث ناگوار تاریخی معدوم گردیده است وی، دبیر و مورخ پرآوازه و توانا و در نگارش حوادث تاریخی حق بین بوده که در دودمان دانش گستر غزنوی تمام روزگار زندگی را وقف نوشتن واقعات همه جانبه آل ناصر نموده و در فن تاریخ نگاری چهره مبتکر و خلاق بوده است. در فن واقعه نگاری، واقعه نگار کسی است که با صفای قلم توانای خود حوادث، فراز و نشیبهای دوره مسعود اول را توانسته به شکل دراماتیک و در قید زمانی نگارش نماید و واقعات های تاریخی را بر ملاک دیدگاه و بینش خویش توضیح داده و آن را به بهترین صورت تبیین نموده؛ به ویژه، صحنه های نبرد مسعود غزنوی با مخالفین اش، چالش دربار، موقعیتهای رجال دوره سلطان محمود و خود رأی بودن سلطان مسعود را مانند یک داستان نویس به شکل رئالیستی تبیین نموده به گونه ای که خوانندگان و مخاطبین خود را مجذوب شاهکار بی بدیل خویش یعنی تاریخ بیهقی ساخته است. از مزایای بی بدیل تاریخ بیهقی واقع بینی نسبت به حوادث است که خود بیانگر استعداد نویسنده است که یک تجارب و درس زندگی و انتباه برای مردمان جوامع مابعد است. بیهقی شخصیت متواضع، با اخلاق، باسپاس، نیکنام، حرمت شناس که در خلال وظایف دبیری دربار آل ناصر از کمال راد مردی، متانت و وظیفه شناسی برخوردار بوده است.

خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی در حدود سال ۳۸۵ هـ ش در حارث آباد بیهقی که از توابع نیشاپور خراسان است زاده شد و دوران کودکی این مورخ شهیر تاریک بوده اما از فحوای نوشته های بیهقی بدست می آید که او بعد از فراگیری دوران علوم متداول عصر در نیشاپور مانند بسیاری از دانشمندان دیگر راه غزنه را در پیش گرفت و در این شهر رحل اقامت گزید و تا پایان زندگی آنرا ترک نگفت. وی زنده بهار عمر پر ثمر خویش در دیوان رسایل سلطان محمود زابلی و مسعود عبدالرشید مسعود سوم فرخزاد که اغلب زیر نظر خواجه بونصر مشکان ابوسهل زوزنی قرار داشت. ابن فندق در تاریخ بیهقی زندگینامه مفیدی از خواجه ابوالفضل را نگاشته که گوشه ی از آن بیان

گردد:

او دبیر سلطان محمود بود به نیابت بونصرمشکان و دبیر سلطان محمد بن محمود و دبیر سلطان مسعود و سلطان مودود و آنگاه دبیر سلطان فرخزاد بوده است. از زمان که مملکت فرخزاد منقطع گردید انزوا اختیار کرد. یکی از نویسندگان در مورد شخصیت بیهقی چنین نوشته است: امام ابوالفضل بیهقی محمد بن حسین بیهقی در زمره دانشمندان درجه یک تاریخ و ادب قرار میگرد. وی در قرن پنجم اسلامی که ستارگان تابناکی در آسمان درخشان مداین و امصار کشورهای ما را نورانی داشته مردانی در دامن خود پرورده که بیهقی یکی از آنهاست. بنابراین توانایی قلم بیهقی در نگارش آثارش بیانگر شخصیت موشکافانه اوست که صحنه های فرمانروایی مسعود را به شکل استادانه و همه جانبه مورد پویایی قرار داده. مسایل سیاسی و اجتماعی در بار مسعود را بطور ماهرانه توضیح داده و تجارب تاریخی را به صورت ماهرانه ای انعکاس میدهد. ابوالفضل بیهقی مورخ پرآوازه دربار غزنوی اولین کسی است که حوادث دوره مسعود را به شکل عینی و گسترده مورد ارزیابی دقیق قرار داده و عامل عمده سقوط خانواده غزنوی در خود کامگی و استبدادگری مقامات بی تجربه بازماندگان غزنوی در میزان قضاوت تاریخی قرار داده و عوامل مختلف را در زوال این خانواده تأثیر گذار می داند.

مؤلف در مورد شهر و اوضاع اجتماعی غزنوی چنین نگاشته : ابوالفضل بیهقی چهره برگزیده زبان و فرهنگ دری با شیوه خاص به حفظ و گردآوری رویدادهای تاریخی دودمان آل ناصر پرداخته که محتویات تاریخی بیهقی حقایق را روشن میکند. گروهی نویسندگان و محققان را اعتقاد چنین است که بیهقی علاوه بر تاریخ مشهور خود آثار دیگری داشته اما متأسفانه همه ازین رفته است (۱)

بیهقی خبیره ترین مورخ خاور زمین است به گونه ای که اگر در آثارش به دید عمیق نگرسته شود، در خواهید یافت که وی رویدادها و حوادث را بطور واقعینانه بازتاب داده و طوری نوشته که خواننده را در چمنستان واقعات با کلمات دل نشین و ادبیات دل انگیز قرار داده که از ویژه گی خاص علمی و تاریخی برخوردار است. وی با وجود موقف در باری اش واقعگرای توانایی بود که لغزش و اشتباهات عصر مسعود را با سخنان واقعینانه اش توضیح داده است. که باظرفیت های ادبی و روان چون آینه ی شفاف، صحنه های تاریخ را بیان میکند. به همین دلیل تاریخ معروف او بیانگر شخصیت و مهارت وی در حوزه تاریخ نگاری است. زنده سال در پیش بونصر بود از سوی او، نوازش، شهرت، عز و جاه و نام یافت و بگفته خود وی، استادش او را مثل فرزندان خویش عزیز میداشت. بیهقی هر جا مطلبی را به استاد مستند می کند؛ منظور بونصرمشکان است. او در تاریخ مسعودی از استادش مشکان و منش و فضایل وی فصولی آورده است اما باید گفت: در بیان

تاریخ بیهقی نپرداخته اند. سبک بیهقی به قول ملک الشعراء بهار عینا تقلیدی است از سبک نثر بونصرمشکان چنانکه میان منش ابونصر و شاگردش هیچگونه تفاوت موجود نیست. (۲)

بیهقی مدت نژده سال از بهار زندگی، منشی دیوان وسایل غزنویان بود و تاریخ جامعی درباره دنیای معلوم عصر خود نوشته بود که به گفته بعضی، سی جلد بوده اما اکنون فقط آنچه راجع به عهد سلطان مسعود غزنویان میاشد در دست است که بتاریخ مسعود یا تاریخ بیهقی معروف است. در کل میتوان گفت که تاریخ بیهقی از رهگذر سادگی بیان، صداقت و ثروان، بیطرفی نسبی مولف در ذکر وقایع و روشنی زبان یکی از بهترین نثر فارسی است. این تاریخ از ۴۵۱ هـ. آغاز و در ۴۶۰ هـ. ختم گردیده است. درین کتاب مولف اسناد و مدارکی آورده که ترجمه عربی است وغالبا تاثیر نحو عربی در آنها محسوس است (۳)

مورخ بزرگ غزنویان از شاگردان با وفای ابو نصرمشکان سر دبیر بزرگ سلطان محمود غزنوی بود و نام استاد بزرگ خویش را باکمال ادب واحترام یاد کرده است که نمایندگی از حق شناسی بیهقی میکند و در تاریخ نفیس خود از بزرگواری، کرامت، مقام سترگ این استاد با ادب و حرمت زیاد وی در چندین جا که شایسته آموزگار حقیقی است ذکر نموده و به شاگردی این استاد خود مباحثات میکند.

ابوالفضل بیهقی در دوران انزوای خویش از امور دولتی به تصانیف آثار مختلف پرداخت که از آنجمله، تصانیف الکتاب و تاریخ ناصری از اول ایام سبکتگین تا اول ایام سلطان ابراهیم، روزمره تاریخ آنها را بیان کرده که تعداد آن به سی جلد زیادت بوده و محصول رنج و تلاش ابوالفضل بیهقی در فن تاریخ نگاری است که با فصاحت و بلاغت نوشته شده (۴) تاریخ بیهقی از جمله شاهکارهای بی نظیر در دنیای تاریخ نویسی به مثابه گنجینه دانش تاریخ است که ابعاد نهفته مهم تاریخ زمان خود (دوره غزنوی) را روشن میسازد و از سالیان دراز مورد توجه وارج مورخان جهان قرار گرفته و در دنیای کتاب از عظمت بزرگ برخوردار بوده؛ اما متأسفانه قسمت های مهم تاریخ بیهقی به جز دوره مسعود، تمام نگارشات تاریخی از دوره محمود تا دوره سلطان ابراهیم غزنوی نظر به حوادث تاریخی وتاخذ تازه های استیلاگران مفقود گردیده. اگر قسمت های زیاد این تاریخ معلوم نمی گردید، بهترین منابع دقیق دوره غزنویان برای مورخان و پژوهشگران میبود. صرف بعضی موضوعات در بعضی منابع ذکر گردیده که نمایندگی از پختگی و مهارت بیهقی در فن تاریخ نویسی است. مولف غزنویان در مورد موقف بیهقی چنین نوشته:

در زمان سلطنت عبدالرشید، ابوالفضل بیهقی مورخ بحیث رئیس دیوان رسالت تقرر داشته که از زمان سلطنت مسعود نیز در همین دیوان کار میکرده است. بهر حال وی این وظیفه را از دست داد به سبب

موضوعی چون عدم پرداخت مهر زنی متهم گردیده وقاضی غزنه او را به حبس محکوم نمود. در دورانی که طغرل سلطان را غضب کرده بود، بیهقی همراه با کارمندان رسمی دوره سلطان عبدالرشید در یکی از قلعه ها باز داشت شد.

بیهقی اندوخته های خویش را مرهون استاد عزیز خود ابونصرمشکان دانسته و در انشا و ادب شاگرد ابونصرمشکان رئیس دیوان رسالت سلطان محمود غزنه است، بدین سبک و روشی که بیهقی نوشته، گمان می رود دیگری نه نوشته باشد. اگر نوشته باشد باز هم نتواند به استاد پهلو زند. این تاریخ با همان شاهکار نثر در همه جزئیات آل سبکتگین وارد گردیده و کردار و گفتار دور غزنویان را با زبان ادب و محاوره نزدیک فهم در آورده است (۲)

ابوالفضل بیهقی در دربار غزنه در دفتر دیوان رسالت وظایف خویش را بطور صادفانه انجام میداد و به صفت یک خدمت گار واقعی بود. در اثر مساعی استاد بزرگ ابونصر به مقام دبیری دست یازیده و مورد توجه سلاطین غزنه بود و هیچ نظر سوء نسبت به دو دمان غزنه نداشت. وی نویسنده و مورخ حق بین بوده و دارای عفت قلمی میباشد. قلم این شخصیت حق بین هیچگاه از موثرات زمان

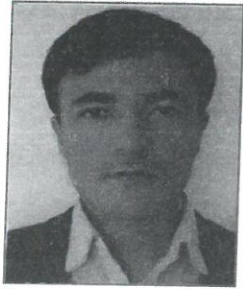
متاثر نگردید و نهصد سال قبل به مورخین و چیز نویسان درس علمی و عملی تاریخ نویسی داده است لذا حقیقتا او یک محقق بوده؛ اما در یفا که آثارش از بین رفته و سرمایه تاریخی ما را بی محتوا ساخته است. تا این که در سال ۴۵۱ هـ شروع به تالیف تاریخش نمود (۳)

بیهقی به حیث یکی از وفاداران سلاله غزنوی دشمن آشتی ناپذیر غاصبین سلطنت غزنوی بوده و علت برکناری بیهقی در زمان حکومت عبدالرشید در حکایتی چنین آمده که بیهقی یکی از غلامان عبدالرشید را که مرد مستبد بوده و تومان نام داشت و بر مردمان منطقه پشاور فشار و شکنجه روا میداشت، از کار برکنار کرد اما برکناری این غلام مستبد از کار موقتی بود. تومان حسن نظر سلطان را باز بخود جلب کرد؛ در نتیجه بیهقی برکنار گردید (۴) و در انزوای دور از دربار به سر میبرد تا اینکه در سال ۴۷۰ هـ ش در شهر غزنه وفات یافته و در حوالی غزنه مدفون گردیده و در مورد قبر آن تاحال ثابت نگردیده زیرا در حملات ویرانگر مهاجمین در این شهر آسیبهای زیادی رسیده که اکثر منابع مفقود گردیده است.

منابع:

۱. غزنویان متاخر، ص ۵۲.
۲. تاریخ ادبیات افغانستان، ص ۱۱۴.
۳. وضع اجتماعی غزنویان، ص ۵۳۴.
۴. مجله انیس، ص ۱۳۸، چاپ کابل.
۵. هزار سال نثر فارسی، کریم کشاورز، ج ۲، ص ۲۰۸.
۶. دیباچه تاریخ و تاریخ بیهقی، ص ب.

گذشته تمدنی غزنه، راهی برای فردای بهتر!



سید نظیم "سیرت"

دانشجوی دانشکده

فقه و حقوق

مقدمه

آریانای کهن، خراسان قدیم و افغانستان امروز کشوری است که در دراز نای تاریخ شکوه و عظمت ویژه داشته و مهد پرورش شخصیت های علمی و مسلکی در سطح منطقه و جهان بوده است. به خصوص ولایت غزنی با سابقه درخشان علمی و فرهنگی و به خاطر همان گذشته ارزشمند تاریخی شان، اوج شگوفایی و فرهنگ گرانمایه شان، به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۳ م معرفی شده است. متأسفانه در دهه اخیر به رغم شعارهای فراوان سعی و تلاش در جهت شناخت و بهره مندی ارتقای علمی، شناخت از مدنیت پر بار گذشته ان زمینه سازی برای ایجاد تاریخ آینده آن کاری انجام نشده است. با آنکه علم گرایی عقلانیت نو گرایی و نو اندیشی از نمونه های مهمی است که بسیاری از مشکلات جامعه را حل میکند. این نوشته بدنبال تبیین وضعیت گذشته، حال و رسالت ما برای فردای غزنه است.

کلیدواژه گان:

غزنی دیروز، وضعیت امروزی غزنه، راه کار برای غزنه فردا.

الف) گذشته تمدنی غزنه و وضعیت حال

غزنی که به قول ریس جمهور اسلامی افغانستان آینه افغانستان و شهر اولیا دانسته شده است. و شهری که در اعماق تاریخ کهنسال افغانستان نام و مدنیت پر بار غزنی که با مجد و عظمت از آن یاد شده است گذشته های مباهات آفرین و بزرگ آن حکایت گر و بیان گر یک مدنیت بس عظیم و شکوه مند است که در زمان دودمان علم دوست آل ناصر و سلطان محمود غزنوی شهر غزنی مرکز خوبی برای شخصیت های فرهنگی، علمی، دانشمندان و عالمان بنام آن روزگاران بوده است. پناهگاه و تکیه گاه خوب برای دانشمندان و قلم بدستان که در آرزوی بستر کاری بودند به شمار میرفته است. این گذشته های با عظمت، همچون اشعه نورانی در تاریخ کهن سال این سرزمین میدرخشد. حقیقت همان است که گفته آمدیم. اما مردم این سرزمین هم گذشته را به فراموشی خانه تاریخ سپرده اند و چیزی از گذشته غیر از یک تعداد افسانه های که نسل اندر نسل به میراث مانده که با بی باوری برای یک دیگر بازگو مینمایند در ذهن ندارند معرفی میگردد. شاید اشتباه نکنم که اگر بگویم عظمت پر

شور گذشته که در عصر طلایی در دربار غزنه ۴۰۰ تن این مردان بزرگ در زادگه خود با آنکه همه مردم با اسمش آشنایند اما ناشناخته باقی مانده است. آن مرد بزرگ را فراموش کرده ایم. سنایی شعر اندیشه را با شعر انگیزه پیوند داد. سنایی مسیر را طی کرد راهی را پیمود که دانشمندان در باره اش میگویند: او راهی را آغاز کرد و عطار آنرا وسعت داد" و مولانا آنرا به نتیجه وانجام رسانید. آری؛ سنایی با این عظمت و جایگاه عمیق که در عرفان دارد در سر زمین زادگاهش تنها است با افکار اندیشه هایش توسط محققان خارج از مرزها به مردم ما معرفی میگردد سنایی و سرزمین شان به فراموشی خانه تاریخ سپرده شده است و با کمال تأسف فرزانه شوریده (سنایی غزنوی) را در نوشته های محققان و پژوهشگران که در خارج از مرزهای افغانستان وجود دارند جستجو نمود اکنون به جای ان همه دلربایی ها و زیبایی ها در غزنه امروز دیگر هیچ اثری نیست آن همه شور و فریاد آنهمه سواران دلیر و رزمنده و کشور گشاه و عرفای نامدار خاطرات را یاد آورد گویا رویای ناپایدار بود که دیگر اثری از آن نیست عصر با شکوه محمود مسعود بهرم شاه غزنوی شادابی سرسبزی فضای حاگم در آن در سینه تاریخ فراموش کار سپرده شده است متأسفانه مردم این سرزمین اکنون بعد از گذشته های حسرت آفرین بر خاک سوخته حکم میرانند دیگر از شکوه و عظمت گذشته خبری نیست که نیست شهر آلوده به خاک و انبار کثافات از بین رفتن باغات سرسبز و شاداب و کاریزهای از بین رفته و خشکیده دیگر از قصر پیروزه و باغ پیروزی دشت شابهار و کشک مسعودی و مسجد مسعودی و مسجد عروس الفلک خبری نیست که نیست آن طوریکه شاعر این حقیقت را چه خوش ترسیم نموده و میسراید (شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار) فقط یادگار آن همه قصور برج و بار و قلعت غزنین که بیانگر

دوره های تاریخی خاص در کشور عزیز ما میباشد فقط فقط دو مناره از دست حوادث در امان مانده واز میان گرد و غبار جنگها و آتش سوزی های دوره علاوالدین جهان سوز جان سالم به در برده و همین اکنون با قد برافروخته همچون ستاره های درخشان میدرخشد که بیانگر مجد و عظمت دوره پر بار غزنویان میباشد و از آن گذشته با عظمت با زبان بی زبانی شهادت میدهد گویا همچون نیمی در صحرای بی کران دور از نظارت در معرض آب و باد و طوفان قرار گرفته و تپه سردار که یادگار دوره بودایی ها بوده و آخرین بقایای آن توسط تحجر گرایان و دگم اندیشان همزمان با بودای بامیان منفجر و به تل از خاکستر مبدل گردید تپه سردار که حکایت گر از یک گذشته پر بار تاریخی دیگری است که مدنیت آن روزگاران غزنه را در دل خاکی خود جاه داده است با آنکه مقبره سلطان عبدالرازق باز سازی گردیده اما در میان خانه های رهایشی دارد دفن میگردد مقبره سلطان محمود غزنوی که از دست برد حوادث روزگار تا جای در امان باقی مانده است زیارت گاهی است مورد توجه زائرین و مراجعین قرار دارد.

ب) آینده غزنه و رسالت ما:

درست است که پیشینه با عظمت و داشتن گذشته مقتدر افتخاری است که هر جامعه و ملتی نمیتواند از آن بهره مند باشد شهکار های ادبی هنری و اقتدار تاریخی مدالی نیست که به رایگان بر سینه هر قومی و مردمی آویخته شود اما باز گویی و باز خوانی این افتخارات در صورت که چراغ فراره نسل و عصر ما قرار نگیرد بی هوده و پوچ خواهد بود زیرا اگر نتوانیم از این گذشته غرور انگیز نصیب برای فردای نسل آینده خود داشته باشیم صرف افتخار به آن هیچ از درد های مارا درمان نخواهد کرد بلکه یک عمل غیر حقوقی و چندش آوری خواهد بود که مار از اندیشیدن فردا باز میدارد چگونه تفتخار کنیم که در ساختن آن هیچ سهمی نداریم . در بنای آن هیچ زحمتی را به جان نخریده ایم به کسی میتوان آفرین گفت که از شکست ها پیروزی بسازد و در پیشرفت و ترقی سهمی را متحمل شود ما که امروز نه تنها نیازمند اقتدار و عظمت گذشته بلکه محتاج گذراندن زندگی امروز خود هستیم و دست ما در تمام عرصه ها اعم از تامین امنیت ایجاد اخوت و برادری بلند بردن سطح ظرفیت تحصیلی و تعلیمی تامین رفاه اجتماعی ایجاد اقتصاد سالم دست مان به سوی بیگانگان دراز است که همواره باید از طرف آنان حمایت

شویم ت با تکیه به این امتیازات اعطایی آن در فضای نیمه امنیت به سر میریم پس با این اندیشه اگر خود را در مورد فردا بی نیاز سازیم و دلخوش به افتخارات گذشته سر مست غرور از شور آفرینی ها و شرر انگیزه های آن باشد

بنابر این بد نیست که صادقانه در مورد آن تامل کنیم که چگونه میتوانیم فردای نامعلوم خود را به گذشته سرمست غرور انگیز متصل نموده و از این گذشته با عظمت برای روشنی مسیر آینده خود و نسل فردا را فراهم سازیم

نتیجه گیری:

برای اینکه ما بتوانیم اضافه بر تجلیل شایسته و زینده تاریخ شکوهمند را برای نسل و جامعه فردا فراهم سازیم نوسنده چند نکته رابه عنوان پیشنهادات ارایه مینماید امید که پیشنهادات مفید و در بستر عمل بنشیند :

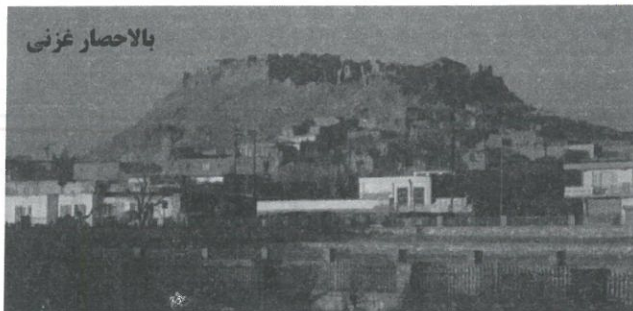
۱. دست اندر کاران امور کشور سرنوشت دیروز و امروز را به مقایسه گرفته و از کنار هم گذاشتن آنها طرحی برای فردا آماده کنند و گر نه تجلیل صرف از گذشته همان اندازه نفرت انگیز و بی معنا خواهد بود که نکوهش و انکار آن.

۲. تلاش و فعالیت هدفمند جهت برقراری امنیت صلح و آرامش و ایجاد فضای مناسب که در آن تمام اقشار جامعه احساس امنیت و صلح نماید تا در پر تو آن بتوانند مردم این مرزوبوم فعالیت های منظم و ارزشمند را با فراغ بال و روحیه باز برای فردای بهتر انجام دهد

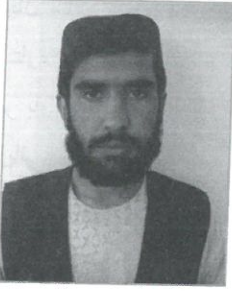
۳. توجه جدی دست اندر کاران تربیتی به معارف و آینده سازان از نظر بلند بردن سطح ظرفیت علمی محتوای کتب درسی، استخدام اساتید و معلمین متدین، متعهد و متخصص، ایجاد فضای مناسب تربیتی با امکانات (ساختن مکاتب وجود کتاب خانه دسترسی شاگردان به کتب تالیف معارف ...)

۴. خواهان توجه دولتمردان در مورد سرعت دادن و ایجاد توازن در امر بازسازی و مبارزه با فساد اداری و اختلاس در ادارات محلی و به ویژه، اماکن که باعث افتخارات غزنه امروز گردیده است. به امید افغانستان آزاد و آباد و سربلند در سایه معارف اسلامی.

بالاحصار غزنی



سیمه ییزی لوبی په غزنی کی!



انارگل «عظیمی»

د طب پوهنځی د دوهم

کال محصل

میدان د کرښو شاته ځایونه ټاکل کیږی او د میدان په یوه خوا کی یوه د خاورو ډیری یا کوری جوړیږی او دغی ډیری ته د یو گروپ یو تن درول کیږی چی ډیری د هغه بل گروپ له خوا وړانه نشی.

خو دغه ډیری قوی او پیاوړی ساتونکی غواری دی کس ته خوسی وایی د خوسی لوری یا گروپ غواری چی مقابل لوری وسوځوی که چیری مقابل لوری بریالی شی چی د خاورو ډیری یا کوری وړانه کړی نو یوه نمره اخلی. د هره ډیری وړانول یوه نمره لری او که چیری خوسی وسوځیدل نو هماغه گروپ بدلیری. د دغه کار لپاره بل گروپ غوره کیږی او تر هغه وخته دوام کوی تر څو یو گروپ وتوانیږی چی ډیری نمری لاس ته راوړی. او لوبه د ځان په گټه تامله کړی. البته دا لوبه په یوه پښه تر سره کیږی. باید لوبه کوونکی خپله پښه د شا له خوا په یوه لاس ټینګه کړی او خپل سیال ته په جگړه ورشی. دغه لوبه په اوږه او په یوه لاس تر سره کیږی او خپل سیال په زنگانه اړوی. او وهلی هم شی. د لوبی گټون کوونکی ډیره په ستړیا سره لوبه کوی او ډیره ستړی کوونکی لوبه ده. چی وخت یی له یوو یا دوو ساعتونو څخه زیات دوام کوی. او هر لوری یا گروپ چی ښه قوی یا غښتلی اندامونه ولری د هغه په گټه لوبه پای ته رسیږی.

غزنی د تاریخ هغه ځلانده پاڼه ده چی نه یوازې افغانستان بلکې نړی هم پری وپاری او فخر کوی. په تاریخی غزنی کی سیمه ییزی لوبی ډیری په زړه پوری او دخلکوڅوښی سبب گرځی. او د سیمه ییزو لوبو د سر ته رسولو له لاری هیوادوالو ته د یووالی او مرسته کولو روحیه منځ ته راځی.

سیمه ییزی لوبی بیلابیل ډولونه لري چی دا لوبی نه یوازې په غزنی کی بلکه د هیواد په گوټ گوټ کی دود لري چی دلته یی یوازې د لوبو نومونه تاسوته بیانیری او له دغو لوبو سره تاسی ټول بلد یاست او په آخر کی یوه لوبه په مسلسل توګه درپېژندل کیږی چی د هغو لوبو له جملی څخه لامبو وهل، نښه ویشتل، تیره غورځول، توپ بازی، لیوه او پسه، غولکی ویشتل، د کانی ویشتلو، سیالی، مندی وهل، توپ بنده، غیر نیول، سترګه پټونی، کاغذپران، اکوبکو، روند چرګ، خوسی، اله داد، پپشه کان ټال خورل، دبللی لوبه او نور...

ځنی لوبی د بوختیا او تفریح لپاره وی. انسان د ستړیا د له منځه وړلو لپاره هغه لوبی او فعالیتونه سرته رسوی ترڅو خوسی او خوشحالی احساس ور په برخه شی. له سیمه ییزو لوبو سره یی چی له پخوا زمانو څخه ز مونږ په هیواد او تاریخی غزنی کی دود لری ترڅنګ یی نوری رسمی او نړیوالی لوبی هم دود لری. لکه فوتبال، فوتسال د چمن پر مخ او د کنګل هاکی، والیبال، هندبال، بسکتبال، بایسکل ځغلول، غره ته ختل، کرکټ، ساکر او داسی نوری... او همدارنګه نوری رسمی لوبی زیاتی دی. او په هره برخه کی ځینی ځوانان ځلیلی دی. لکه تکواندو، بوکس، کانفو، کراته، جیجو، هوشو پهلوانی، کیک بوکس او نور دی. همدا راز یو شمیر نوری دروند وزنه لوبی چی ډیر زور غواری لکه وزن پورته کول، پری کشول، وزلوبه، تیره اچول، اس ځغلول او نیزه بازی.

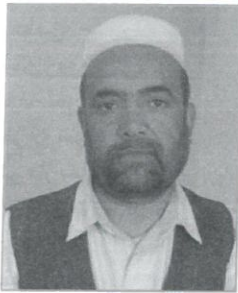
خوسی (لگد جنگ)

خوسی یو داسی سیمه ییزه لوبه ده چی په هغه لوبه کی له اتو تر لسو کسانو یا زلمیان پکی گډون کوی. چی دا اته یا لس کسان پر دوه بلو یا برخو ویشل کیږی چی هره بله یو امیر لری او یو پاک پراخ او هوار میدان چی میدان یی هم پر دوو برخو وویشی. او د



مراسم افتتاح جشنواره غزنی ۲۰۱۳

شخصیتونه مزارونه



اسدالله جلالزی

دسیاسی علومو

دپوهنځي محصل

یوشمیر څیرونکي وايي چې دی دحضرت حکیم سنایي، خواجه لایخوار او سیدحسن غزنوي سره هم لیللي کتل کړي. او دسلطان ارسلان شاه غزنوي (۵۰۹-۵۱۱) داحترام وړ هم و. مزار يي دکابل- کندهار په لویه لار دخواجه لایخوار زیارت ته څیرمه دی

۴. علی لالا صاحب

دعلي نوم علی لقب يي رضي الدين اوکورني نوم يي هم لالا دی، پلار يي شيخ سعيد لالا چې دحضرت حکیم سنایي (رح) دکاکا زوی و، حضرت علي لالا په تصوف او عرفان کې لور مقام درلود اوپه شعر او دب کې يي هم لور ځاي خپل کړی و، شيخ رکن الدين علاوالدوله يي په ولایت کې مقام دبايزيد بسطامي (سلطان العرفا) سره برابر بللی دی داستر عرفاني شخصیت په ۶۴۲هـ ق کې وفات شوی. مزار يي: دغزني ښار جنوب ته دروضي دکلي او غزني ښار دلار په سر دعلي لالا په کلي مي دی.

۵. سيد حسن اغا

سيد حسن سيد ناصر علوي زوی چې دپينځمې پيړۍ له شاعرانو او ولتي شخصیتونو څخه و او دحضرت سنایي له نږدې دوستانوڅخه شميرل کيږي دهغه پخوانی دوست مسعود سعد سليمان چې دده دمړيني په مال په بنديخانه و. له هغه يي دشعر په چوکاټ کې داسې ویرنه وکښه چې پکې يي دخپل زړه درد، ویر او ژړا ياده کړي هغه په دیرش کلني کې (۴۹۵-۴۹۹) داچې دغزنويانو دوامکني په وروستيو کې له پيژندل شويو شاعرانو څخه وو، شعرونه يي تر ډیره په ستاينه (مدح) کې دي. هغه په ۴۹۵-۴۹۹ کې مړ شو. هغه يي په اشرف الشعرا په نوم هم يا داوه خوعوام سيدحسن په همدې نوم پيژني، دهغه زیارت ته ښځې اونارینه راځي، دزیارت گومبزه يي له ۲۰۰ تر ۳۰۰ پورې مخینه لري

۶- سيد احمد مکی

خواجه احمد چې په سيدا حمد مکی شهرت لري. له ستر واولیو او و دشيخ علی لالا رضی الدين غزنوي خليفه هم و. او په عرفان کې دهغه مقام له ابو الحسن خرقانی سره پرتله کوي. له همدې امله هغه ته سلطان ذاکرين وايي دنسب لری يي تر امام موسی کاظم (رح) ته رسيږي. نوموړی په ۶۶۹هـ ق کې وفات شوی. سيداحمد مکی اسفرايني الاصل و او (د)فادقان جوردميکنگ) په کلي کې چې اوس يي گليباگان بولي اوسيده مزار: مزار يي په مدينته الاوليا دغزني په ښار کې دی چې اوس دغزني ننوی ښاريوه څنډه ده

دغزني لرغونی ولایت دهيواد په کچ يوله هغوو ولايتونو څخه دی چې له تاريخي پلوه دزياتو اثارو، ابداتو، اماکينو، ودانيو، اوځايونو درلودونکی دی. دهغوو معلوماتو اوڅيړنو له مخي چې دغزنوي سلاطينوپه پير کې دعلم اوفرهنگ اواندب په ډگر کې تربل هرفرهنگي اومتدمن کانون دلته زياته پاملرنه کيده. ددغې اسلامي امپراتوري په قلمروکي دفرهنگي، علمي، تصوفي اوروحاني شخصیتونو اوسيدلو دي ته زمينه برابره کړه چې يوازی دمحمود په دربار کې شاوخوا څلورسوه شاعران ژوند وکړي. دی ته ورته په غزني کې دعلمي او فقهی مرکزونو فعاليت ته په کتوسره داسلام دسيپځلي دين دپراختيا په برخه کې دغزنوي سلاطينو او پوهانوڅخه اوهاند ددي سبب شو. چې دبيلابيلو مناسبتونو اوسوبوپه وياړ دينی مدرسی، ځلي، اوماکين داسلامي سبک په درلودلو سره ودان شول اونن هم اسلامي نړی له سلگونو کلونو وروسته ددغه وياړ له امله ورته داسلامي نړی دتمدن اوفرهنگ دپلازميني لقب ورکوي. په لاندې کوچني ليکنه کې به ديوشمير هغووشخصیتونو اوځايونوپه اړه معلومات وړاندي کړو کوم چې ددغې امپراتوري دستتوپه ټينگولو کې يي رول درلود.

۱ خواجه لایخوار

ددغه سترفقير شخصيت او دحال دڅيښتن نوم محمد دی. دغزني له اصلي اوسيدونکو څخه و. دغزنويانو د دورې سلطان ابراهيم په وخت کې يي ژوند کاوه. هغه له وتلو عارفانو اوصوفيانو څخه و. هغه ته يي ملنگ هم وايه. دنړی او افغانستان ديو شمير پوهانو په وينا چې دغه ستر شخصيت دحضرت سنایي (رح) په افکارو اوحال کې روحي بدلون راوست. په گمان چې ددريم مسعود په پير کې يي له فاني نړی سترگي پټي کړي او اوس يي مزار په خواجه لایخوار ولي شهرت موندلی چې خلک ورته ډير درناوي کوي. موقعيت: دکابل - کندهار عمومي سړک، نوي ښار ته څيرمه داربابا صاحب دکلي شمال ته دبيرو زیارت کونکو يي دزیارت په دننه کې په ديوالونو لاس ليکونه کړی وو. نږدې درې سوه کاله وړاندي ديوي شخصي غوښتنې په بنسټ دا زیارت رنگ شو. ودانی دغزنويانو په دوران پورې تړاو لري. چې لاهم شته. يوځلي په ۱۲۷۰هجري لمريزکال مي جوړه شوه.

۲- شامير پاليزوان

دځينو څيړونکوپه وينا دسيدمير کلال زوی دی. چې دحضرت شاه نقشبند بهاولدين چې په بلا گردان يي شهرت درلود مرشد و. له بخارا څخه غزني ته راغلی. نوموړی دسابه تازه او نازکو بوتوپه خوراک دقناعت له کبله په پاليزوان مشهور شو. تاريخ دده دمړينه نيټه نه دښودلي او په هيڅ تذکره کې نه ده موندل شوي. ولسي وگړي دده په اړه ډيري کيسي لري. دزیارت موقعيت: دغزني دزاره ښارپه جنوب نيم کيلو متري کې دی چې اوس داسيمه هم دنوښار يوه برخه گرځيدلي. چې د شاه مير په نوم يي بولي

۳. تاج اوليا

دا ستر شخصيت يو شمير ليکوالو او مورخينو دسيد علي هجويري ماما او ځينو هم دحکيم سنایي خوريي بللی. او دنوم په اړه يي دنظر اختلاف شته. ديوي وينا له مخي نوم يي سيدعبدالله و او په بله وينا چې شيخ عمادالدين دی.

۷. شیخ عثمان هجویری (اربابا صاحب)

شیخ عثمان هجویری له سترو عارفانو اونوموتو سیدانوڅخه دي عثمان هجویری دسیدعلی هجویری چې به لاهور کې ښخ او زیارت یې په (داتای گنج بخش) مشهور دی پلار دی. دعلی هجویری مشهور اثر کشف المحجوب دی. چې په فارسی ژبه لیکل شوی. اوپه عرفاني ډگر کې شهکار بلل شوی. دهغه داتارو او علمي کارونو په اړه نور معلومات په لاس کې نشته. زمور دینانت لرونکی خلک یې زیارت ته راځي. څیرونکو دهغه دمړینې نیټه ۴۲۰ ق ښودلې.

دمزار سیمه یې دغزنی نوی ښار ته څیرمه په درې کیلو متری کې داربابا صاحب کلی دی

۸. خواجه بقال

خواجه بقال دخپل وخت نوموتی پوه او دامام شافعی دمذهب مشهور فقهی و. ښاغلی زرین کوب په خپل کتاب (سیردرشعر فارسی) کې دده په اړه کښلې دی. شیخ اوستر امام به غزنی کې دامام بقال په نوم یادیده چې دسلطان محمود به وړاندې یې زیات ځانگړی مقام او احترام درلود. چې همدا دبقال توری نوخت به تیریدو سره په بقال واوښته. دهغه ستر عارف دسلطان محمود غزنوی په پیر کې ومړ. دمزار موقعیت: دغزنی زاړه ښارپه سیهل ختیځ کې دخواجه بقال کلی دی.

۹. سلطان محمود

دسلطان سبکتگین مشر زوی په ۳۶۱ هجري سپوږمیزکال کې دنړۍ ته راغی. چې دانټه ۹۷۱ میلادی کال سره برابره ده، او ۴۲۱ هجري قمری دربیع الثانی ۳۲۲ مې چې ۱۰۳۰ میلادی کال داپریل دمیاشتی له ۳۰ سره سمون خوری په ۵۹۹ کلنۍ کې یې له نړۍ څخه سترگي پټې کړې. هغه په خپل وخت کې له سترواکمنو څخه وو. اولس ۱۷ ځله یې په هندوستان یرغلونه وکړل. له اسلام، هنر او ادبیاتو سره یې ډیره مینه وه، هغه لوی پوځي قوماندانان، انځورگران، عارفان، شاعران، موسیقي پوهان، عالمان او پوهان خپل دربارته راوبلل. د کرهنی، اوبادی، سخت مینه وال و. د عروس الفلک او دغزنی ستر کتابتون دهغه له شهکارونو څخه گڼل کیږي، سخاوت، میرانه، دچاروتدبیر، عدالت، او زوروتوب او تر ټولو مهم داچې اسلامي عقیده یې ترننه پوری په کتابونو کې ثبت دی. دمزار موقعیت: دکابل—غزنی په لویه لار، دفیروزه په ودانۍ (په روضه مشهور)

۱۰. دشیخ اجل مزار

شیخ محمدرزوی چې په شیخ اجل (رح) یادېږي. دشیږمې هجري پېړۍ له سترو عارفانوڅخه دی. دهغه دمړینې نیټه یې هم ۵۹۹ هـ ق کښلې ده. بمولانا یعقوب څرخي په وینا چې هغه له ابوالفضل څخه زده کړه کړې. حضرت مولانا جلال الدین په خپل اثر مثنوي شریف کې دده ستر عارف یوه خوږه کیسه لري: ((په غزنه کې یو زاهد دی لری پوهه مزی... نوم یې محمد او کنیه یې سرزوی)) دمزار: دشمس العارفین زیارت دلویځ لور ته په غونډۍ

۱۱. دمسعود منار

یوه له هغوو څلو څخه ده چې غزنویانو پکې دمعمارۍ هنر په ښه ډول په ډاگه کړی. دمسعود منار له پخو خښتو جوړ شوی. او دامنا له دوو برخوڅخه جوړ شوی. چې لاندی برخه یې اته څنډې لري. او پورتنی برخه یې دسټي په ډول ده. چې نیوي زلزلې په ترڅ کې رنګ شوی. اوس یې یواز اته څنډیزه اوستوری ډوله برخه پاته دي. اوبام ته یې دننه کږه وره لاره لري. دمحمود رضا دلیکني له مخي بکي دا توري کښل شوي دي (السلطان الاعظم ملک الاسلام علاءالدوله والدین ابوسعیدمسعود بن ظهیر الدوله امیر المومنین ابراهیم خلدالله

ملکه). دده منا(څلي) جوړونکی دریم مسعود په ۴۵۳ کې زیریدلی. او په (۵۰۸) له نړۍ کوچیدلی. دغه منار(څلي) په ۴۹۲ کال کې جوړ شوی دی.

دمنار موقعیت: دغزنی ښار شمال ته دسلطان محمود روضی ته نږدې به یوکیلو متری کې دی.

۱۲. دبهرام شاه منار

دامنار هم دغزنویانو په پیر کې دمعماري هنر د لورتیا بیانونکی دی. چې په کې دپخو خښتولوي اوناڅکي کښیدي شاملې دي. او داچې برخه یې خورا مهمه ده. په دې منارونو کې د خښتو اوډل اوځای پرځای کینه خورا ښکلا لري. دغه منا ته دننوتو وردوخت په تیریدو او دخاوروی په را ښویدو سره اوس دمنار په پورتنی برخه کې له ځمکي لور دی، همدا ډول په مناره کې په کوفي لیک، لیکنه لاهم شکاری. په منار کې دبنسټ ایښودونکي یادونه په دا ډول (السلطان الاعظم ملک الاسلام یمن الدوله و امین المله ابومظفر بهرامشاه خلدالله تعالی ملک) راغلي ده. دا یوه له هغو اېدو څخه گڼله کیږي چې له لیرو سیمو څخه یې لیدو ته خلک راځي. بهرام شاه دمسعودزوی، دابراهیم لمسی، دنویم مسعود کړوسی، اوسلطان محمود کوسی دی. چې په ۵۱۲ په شاهي گډۍ کښوست. دوه څلي یې په هندوستان هم یرغلونه وکړل.

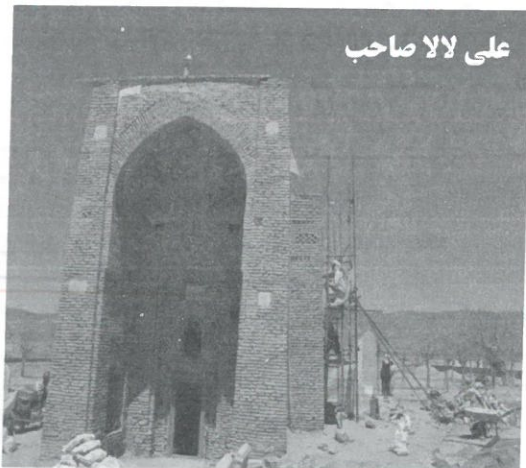
۱۳. شمس العارفین

نوم یې شیخ عبدالواحد اوپه شمس العارفین یې یاداو. هغه له سترو عارفانو. او صوفیانو څخه گڼل کیده. نوموړی په غزنی کې نړۍ ته راغلی، دتصوف اوازي یې په تیری اسلامي ښارونو کې خپري وي. خواجه معین الدین چستی غریب نواز (غریب پال) دهندوستان اجمیر ته له تگ وړاندې دوه کاله دده نوموتي شاگرد و. نوموړی داستاد خلیلی دلیکنو په بنسټ د شاه قسور گردیزی هم مهالی و. له هغه سره به یې په لیکلي توگه اړیکي ساتلي. شمس العارفین په ۶۰۱ قمری کال کې له نړۍ سترگي پټې کړې. مزار ته یې اوس خلک راځي او درناوی ورته کوي.

۱۴. خواجه ملکيار ولی

خواجه ملک الدین ملکيار ولی چې په (پرنده) سره یې شهرت درلود. نوموړی دشیخ عزیز الدین دانپال خلجي خلیفه دی. دغه ستر صوفي مسلک له پړاونو څخه له تیریدو وروسته دهندوستان په لوری لار ښیر کلونه یې هالته داسلام دسپېڅلی دین دخپرو لویو مقصد تیر کړل. جناب په ۶۹۵ هـ ق کې داجل داعی ته هرکلی ووايه، او دغزنی په ښایسته ښار کې ښخ شو. دمزار موقعیت: دکوشک په کلي کې دغزنی ښار شمالي څنډه څلور کیلو متری کې. نوربیا

علی لالا صاحب



فرهنگ و ادب



محمدجمعه مصباح، دانشجوی دانشکده
اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص) غزنی

غزنی من

سلام ای قلب میهن غزنی من
سلام ای مسکن من غزنی من
بود این افتخار غزنی من
که دارد چون تو گلشن غزنی من
به عالم سر بلند نام تو می شد
برای نام ماندن غزنی من
توهستی زادگاه شیر مردان
ز تو پیداست سرودن غزنی من
الهی تا ابد آرام بمانی
برای رشد کردن غزنی من
مداوم در جهان پیروزمانی
بسوی صلح رفتن غزنی من
بر آبادی تو گامها نهادند
تمام مرد و هم زن غزنی من
توهستی شهر صلح و شهر دوستی
که مصباح می سرودن غزنی من

قصیده ای از سنایی در مورد غزنین

ای در دل مشتاقان از عشق تو بستانها
وز حجت بی چونی در صنع تو برهانها
در ذات لطیف تو حیران شده فکرتها
بر علم قدیم تو پیدا شده پنهانها
در بحر کمال تو ناقص شده کاملها
در عین قبول تو، کامل شده نقصانها
در سینه هر معنی بفروخته آتشنا
بر دیده هر دعوی بر دوخته پیکانها
بر ساحت آب از کف پرداخته مفرشها
بر روی هوا از دود افراخته ایوانها
از نور در آن ایوان بفروخته انجمها
وز آب برین مفرش بنگاشته الوانها
مشتاق تو از شوق در کوی تو سرگردان
از خلق جدا گشته خرسند به خلقانها
از سوز جگر چشمی چون حقه گوهرها
وز آتش دل آهی چون رشته مرجانها
در راه رضای تو قربان شده جان، و آن گه
در پرده قرب تو زنده شده قربانها
از رشته جانبازی بر دوخته دامنها
در ماتم بی باکی بدریده گریبانها
در کوی تو چون آید آنکس که همی بیند
در گرد سر کویت از نفس بیابانها
چه خوش بود آن وقتی کز سوز دل از شوق
در راه تو می کاریم از دیده گلستانها
ای پایگه امرت سرمایه درویشان
وی دستگه نهیت پیرایه خذلانها
صد تیر بلا پران بر ما ز هر اطراف
ما جمله بیوشیده از مهر تو خفتانها

محمد رضا نظری،

دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه خاتم النبیین (ص) غزنی



شهر سلاطین

غزنی دوباره شهر سلاطین می شود
این غزنه باز غزنه و غزنین می شود
باقامت رسا و به رخسار ساده اش
گویا شبیه ماهی ره ی دین می شود
این غزنه در نهایت وصف عروس وار
نامش سروده های غزل گین می شود
آنگاه غزل به ساحت عرفان که پرکشید
جنس قصیده یک کمی غمگین می شود
عرفان به آن حلاوت خود در میان شعر
حالا دوباره تازه و شیرین می شود
محمود باسنایی و عطار و هجو و سهروردی
در پشت ماه غزنه به تمکین می شود
وقتی که اولیای خدا چله می کشید
این چله باز تازه و رنگین می شود
پایتخت یک تمدن و پایان انتظار
درد و هزار و سیزده تدوین می شود
یک غزنه افتخار به روی جهان کشم
آنگاه که غزنه یکه و گلچین می شود.

قصر زیخا

غزنی نهایتش به دل ماه می رسد
حالا به یک ضیافت آگاه می رسد
یک غزنی روح حضرت مجدد آدمی
از پیشگاه ساحت آن شاه می رسد
نگین رقم به دست سلیمان افتخار
یک تاشیبه حلقه ی دلخواه می رسد
در مرگ و نون قصر زیخا کنایه وار
یک همچو یوسف از دل آن چاه می رسد
مجنون بیابان غزنی امسال دلربا
لیلی خرام خورده به خرگاه می رسد
از غزنی یک روایت دیگر شنیده ام
راستش که غزنه همچو قمرگاه می رسد
از رد تیغ سبز قلم های بی شمار
آن ترک غزنه باز به درگاه می رسد
از عارفان غزنی پریسال و پیش پری
صد ها غزل رسیده و گه گاه می رسد
لایق شدی که باز چو خود، میشوی عروس
به! به! چه تحفه های که این گاه می رسد
یک تحفه از نهایت بالای این زمین
با چند حکایت از نفس راه می رسد

نقش حمایتی شعبه غزنی دانشگاه

خاتم النبیین (ص) از داوطلبان کانکور ولایت غزنی!

شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) امسال نیز مانند سال ۱۳۹۱ پذیرای جمع کثیری از داوطلبان کانکور بوده است. داوطلبان کانکور از ولسوالی های جاغوری، مالستان و قره باغ برای گرفتن کارت و شرکت در کانکور به شهر غزنی آمدند. هوای سرد و طاقت فرسای غزنی از یک سو، و پر بودن هتل ها و اماکن عمومی از جمعیت از سوی دیگر، داوطلبان کانکور غزنی را با مشکل مواجه ساخته بود، شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) بر اساس وظیفه اسلامی و انسانی تلاش نمود امسال نیز مانند سال ۱۳۹۱ متناسب با امکانات موجود برای تعداد ۶۰۰ نفر از این داوطلبان خدمات زیر را ارائه نماید:

○ تهیه خوابگاه: شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین، سعی کرد علاوه بر دو ساختمان دانشگاه و لیسه نور غزنه، منزل رهاشویی و مراکزی را در نوآباد تهیه نماید تا داوطلبان کانکور بتوانند به راحتی چند روز را که برای امتحان کانکور آمده اند بدون نگرانی و دغدغه نبود جای بود و باش سپری نمایند.

○ تهیه غذا: دانشگاه خاتم النبیین متناسب با امکانات موجود تلاش نمود تا برنامه غذایی داوطلبان را که در این مرکز اسکان داده بود، در سه نوبت صبح و چاشت و شب تهیه و تدارک نماید تا داوطلبان کانکور مشکل غذا و پذیرایی شان را نداشته باشند؛

○ حمل و نقل: امسال نیز دانشگاه مانند سال قبل طی یک برنامه از پیش تعیین شده، وسایل حمل و نقل این داوطلبان را فراهم نمود تا داوطلبان کانکور را برای گرفتن کارت و شرکت در آزمون انتقال بدهد.

○ وضعیت صحی: شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین علاوه بر اسکان و امکانات رفاهی توجه به وضعیت صحی داوطلبان نیز داشته است، داکتران دانشکده طب این دانشگاه به طور بیست و چهارساعته در خدمت این داوطلبان بود، اما در صورت لزوم اگر شبانه این داوطلبان نیاز به شفاخانه را داشتند تیم خدماتی این دانشگاه به زود ترین فرصت به شفاخانه های غزنی انتقال می دادند.

○ برنامه های فرهنگی: دانشگاه خاتم النبیین امسال نیز مانند سال قبل برنامه های فرهنگی و تربیتی مانند نماز جماعت، دعا و نیایش را برای این داوطلبان مهیا ساخته بود.

○ کلاس مشاوره و راهنمای کانکور: شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) برای آگاهی داوطلبان کانکور امسال کلاس های مشاوره

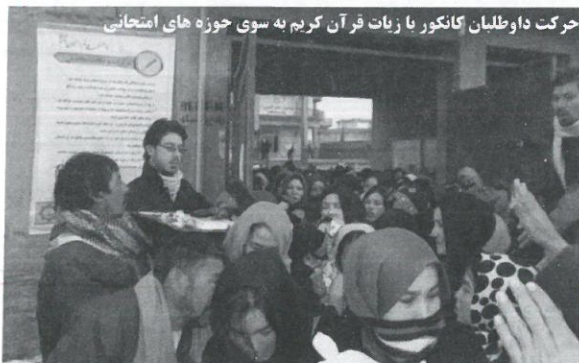
و راهنمایی کانکور را نیز توسط کارشناسان دایر نمود که این برنامه با دعوت از استادان هیئت کانکور از کابل، استادان دانشگاه غزنی، استادان کورس خوارزمی از کابل، با حضور آقای اخلاقی نماینده مردم غزنی در پارلمان، آقای احمدی معاون مقام ولایت، عبدالجماع جامع رئیس شورای ولایتی غزنی در سالن کتابخانه این دانشگاه برگزار شد، این برنامه برای بالابردن ظرفیت علمی و تست زنی و انتخاب رشته بسیار مفید واقع شد.

○ سرانجام شرکت در امتحان کانکور: امتحان کانکور ولایت غزنی روز جمعه و شنبه تاریخ های ۱۳ و ۱۴/۱۰/۱۳۹۲ در مقر اصلی دانشگاه غزنی در منطقه جوز برگزار شد.

مراسم افتتاحیه امتحان کانکور ولایت غزنی، با حضور هیئت کانکور از کابل، موسی خان اکبرزاده والی غزنی، آقای اخلاقی نماینده مردم غزنی، عبدالجماع جامع رئیس شورای ولایتی غزنی، استاد حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) با جمعی از استادان این دانشگاه، آغاز شد، و در حضور نماینده های از خواهران و برادران با نظارت هیئت کانکور صندوق سوالات بازگشایی شد و ساعت یک برنامه امتحانات رسماً آغاز گردید.

قابل یاد آوری است که امسال حدود دوازده هزار داوطلب کانکور در امتحانات کانکور غزنی شرکت نمودند.

آمریت فرهنگی_ تربیتی غزنی



سومین جشنواره فارغ التحصیلی دانشگاه خاتم النبیین (ص)



به کشور اسلامی مان افغانستان که بتوانند مصدر خدمت برای مردم
ستمیدیده ما گردد.

امروز بعنوان استاد شما که سالهای زحمت کشیده ام و امروز ثمره اش
را به دولت افغانستان تحویل می دهم می خواهم که همیشه سعی و
تلاش شما برای آبادی کشور عزیزمان افغانستان باشد و شما چراغی
باشید که برفراز فضای تاریک افغانستان روشن شده و فضای تاریک و
جهل آلود افغانستان را روشن سازید.

بعد از سخنرانی دکتر، داکتر ثریا دلیل وزیر صحت عامه سخنرانی
نمود خانم دلیل ضمن تبریک به مسوولین و دست اندرکاران دانشگاه
خاتم النبیین (ص)، نقش دانشگاه در توسعه و انکشاف کشور را نقش مهم
و ارزنده خواند و بیان داشت که هر نوع توسعه و انکشاف می تواند
مرهون نیروهای انسانی یک جامعه باشد. هم چنین وزیر صحت عامه
افغانستان، دانشجویان را تشویق نموده و گفت شما دانشجویان شما
فروختگان باید گامهای بلندی برای آبادانی کشور برداشته از
مشکلاتی که فرا روی تان قرار می گیرد نترسید و با بی عدالتی ها
مبارزه کنید تا کشور عزیزمان آباد گردد، شما نیروی جوان و تحصیل
کرده دختر و پسر می توانید آینده سازان مملکت ما باشید و مردم
افغانستان را از وضعیت فقر و بی عدالتی رهایی داده و به سمت
خوشبختی سوق دهید.

رئیس موسسات خصوصی تحصیلات عالی کشور آقای ترشت وال
یکی از سخنرانان محفل بود، آقای ترشت وال نیز ضمن تقدیر و تشکر
از مسوولین دانشگاه بر موقعیت و جایگاه ویژه دانشگاه خاتم النبیین (ص)
در میان موسسات و دانشگاه های خصوصی تاکید کرد که با معیارها و
شاخصهای مختلفی که وزارت تحصیلات کشور، موسسات و دانشگاه
های خصوصی کشور را مورد ارزیابی قرار می دهد دانشگاه خاتم
النبیین (ص) توانسته است که جزء مقام های نخست قرار گیرد.
آقای ترشت وال خطاب به دانشجویان گفت:

سومین جشنواره فراغت دانشجویان دانشکده فقه و حقوق، علوم
سیاسی، اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص) با حضور دکتر عبدالقیوم
سجادی، ریاست دانشگاه خاتم النبیین، دکتر عبدالعلی محمدی معاونت
علمی-تدریسی، مسعود ترشت وال رئیس موسسات خصوصی
تحصیلات عالی، نماینده های مردم در پارلمان و سنای کشور، وزرا،
اساتید مرکز و غزنی این دانشگاه، شخصیت های سیاسی و مردمی،
اولیاء دانشجویان و دانشجویان، در تالار کابل - دبی، روز پنجشنبه
۱۳۹۲/۸/۱ برگزار شد.

محفل با تلاوت آیات نور بخش وحی توسط شیخ عبدالکبیر حیدری،
قاری بین المللی کشور آغاز شد و سپس همه به احترام سرود ملی
کشور قیام نمودند، در این جشنواره برنامه های زیبایی مقاله، سرود،
اجرا شد.

اولین سخنران محفل دکتر عبدالقیوم سجادی ریاست دانشگاه بود که
ضمن خوش آمد گویی به تمام مهمانان حاضر در محفل و فراغت
دانشجویان که جشنواره به نام آنها برگزار شده است، به خانواده ها و این
دانشجویان تبریک گفت.

آقای دکتر سجادی در بخشی از سخنرانی شان افزود: من امید وارم تا
شما دانش آموختگان عزیز برای ماستری و دوره های بالاتر اقدام
نمایید و تنها به لیسانس اکتفا نکنید او گفت فراغت تحصیل به معنای
پایان یافتن تحصیل نیست بلکه صرفاً مقطعی از تحصیلات ما به پایان
رسیده است و مسیر همچنان ادامه دارد چرا که پیامبر گرامی اسلام
فرمود از گهواره تا گور باید به دنبال کسب دانش و علم و دانایی بود.

دکتر سجادی همچنین اضافه نمود: امروز بهترین روز برای من است
که در جشن دانش آموختگان عزیز شرکت نموده ایم و ما امروز
حاصل سالها زحمات مان را جشن می گیریم و خوشحالم از اینکه
توانسته ام کوچکترین خدمت به مردم رنج دیده افغانستان نمایم و این
هم پرورش استعداد های جوان این مملکت و تحویل این نخبگان را

تعداد داوطلبان شرکت کننده در کنکور ورودی سال ۱۳۹۲، نزدیک به ۱۰۰۰ نفر؛

تعداد پذیرفته شدگان، ۸۰۶ نفر؛

تعداد (صنف) گروههای درسی، ۴۱ گروه؛

تعداد کزیدت های درسی ارائه شده، حدود ۲۸۰۰ کزیدت؛

تعداد کادر علمی دانشگاه، ۴۹ نفر؛

تعداد جلسات امتحانی، حدود ۷۳۰ جلسه؛

تعداد عناوین دروس ارائه شده، حدود ۹۵۰ عنوان درسی؛

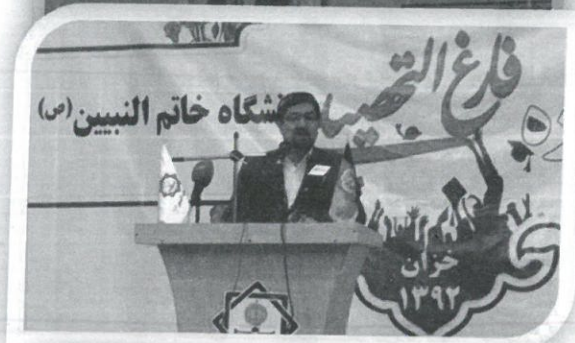
تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه، ۱۴۷ نفر در چهار رشته حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد و جامعه شناسی.

دانشگاه خاتم النبیین (ص) که اینک در ختم ششمین سال فعالیت خود قرار دارد، هفتمین بهار فعالیت خود را در حالی آغاز می نماید که دارای سه شعبه: در شهر کابل، شهر غزنی و ولسوالی جاغوری می باشد.

در خاتمه جا دارد از همکاری و حمایت شایسته مسئولان محترم وزارت تحصیلات عالی به ویژه ریاست موسسات تحصیلات عالی خصوصی، در جریان فعالیت دانشگاه تشکر و قدردانی نماییم.

محل با اهدای لوح تحسین برای دانشجویان فارغ شده خاتمه یافت.

آمریت فرهنگی - تربیتی غزنی



۱. از نظر وزارت تحصیلات عالی میان مدرکی که از دانشگاه های دولتی و غیر دولتی گرفته می شود هیچ تفاوتی وجود ندارد.

۲. از نظر کار در ادارات دولتی بین فارغان خصوصی ودولتی هیچ تفاوت وجود ندارد.

۳. اگر دانشجوی دانشگاه خصوصی به عنوان کدر فارغ شود می تواند در دانشگاه های دولتی به عنوان استاد جذب شود.

۴. در بورسیه تحصیلی نیز هیچ تفاوت بین خصوصی و دولتی وجود ندارد.

پس از فراغت جای نگرانی برای شما دانشجویان برای کار و جذب در مراکز دولتی وجود ندارد.

یکی از سخنرانان محفل، سخنرانی دکتر عبدالعلی محمدی معاون علمی - تدریسی دانشگاه بود. دکتر محمدی نیز ضمن اظهار خورسندی از سومین جشن فراغت دانشجویان، گفت همانگونه که استحضار دارید دانشگاه خاتم النبیین (ص) در بهار سال ۱۳۸۷ به طور رسمی آغاز به کار نمود این فعالیتهای در نخستین سال فعالیت دانشگاه خاتم النبیین (ص) که با نام «موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین (ص)» به فعالیت آغاز نمود:

رشته های تحصیلی دارای مجوز در آغاز فعالیت موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین (ص) عبارت بودند از: فقه و حقوق، علوم قرآنی، فلسفه و تاریخ که در نخستین سال فعالیت، تنها برای رشته حقوق به جذب محصل اقدام شد.

تعداد داوطلبان شرکت کننده در کنکور سال ۱۳۸۷ حدود ۵۴۰ نفر؛

تعداد جذب شدگان برای اشتغال به تحصیل، ۲۵۰ نفر؛

تعداد (صنف) گروههای درسی، ۵ گروه؛

تعداد کادر علمی در آغاز فعالیت، ۴ نفر؛

تعداد واحد (کزیدت) های درسی ارائه شده در نخستین سال فعالیت، ۱۸۴ کزیدت؛

تعداد عناوین درسی ارائه شده، ۲۲ عنوان؛

تعداد جلسات امتحانی در سال نخست، ۱۰۰ جلسه؛

تعداد فارغان نخستین دوره تحصیلی، جمعاً ۱۷۵ نفر.

ب. فعالیتهای انجام گرفته در سال ششم فعالیت این دانشگاه؛ سال ۱۳۹۲. این فعالیتهای در حالی انجام یافت که موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین (ص) به دانشگاه خاتم النبیین (ص) ارتقا یافت و علاوه بر آن، موفق به دریافت مجوز برگزاری دوره ماستری در رشته های حقوق و علوم سیاسی با پنج گرایش: حقوق جزا و جرم شناسی، حقوق بین الملل، حقوق عمومی، علوم سیاسی و روابط بین الملل گردید که در حال حاضر حدود ۱۵۰ محصل در این برنامه ها مشغول به تحصیل هستند.

رشته های تحصیلی دارای مجوز از سوی وزارت محترم تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۲ به ۱۲ رشته تحصیلی بالغ می گردد که عبارتند از: فقه و حقوق، علوم سیاسی، جامعه شناسی، علوم قرآنی، اقتصاد، مدیریت، کمپیوتر ساینس، انجینیری سیویل، انجینیری برق، طب معالجوی، تکنالوژی طبی و قابلگی عالی.

اولین محکمه تمثیلی دانشکده فقه و حقوق شعبه غزنی!

دانشکده فقه و حقوق دانشگاه خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی با هدف ارتقای ظرفیت علمی و عملی دانشجویان رشته فقه و حقوق، اولین محکمه تمثیلی را با همکاری محکمه استیناف ولایت غزنی در دانشگاه خاتم النبیین برگزار نمود.

این محفل با حضور استاد حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین، نیازمحمد سهاک رئیس مالی واداری ولایت، آمریت ترافیک غزنی، رئیس محکمه جزائی استیناف، رئیس محکمه مدنی استیناف، برخی دیگر از قاضیان این محکمه، اساتید این دانشگاه و جمعی از محصلین دایر گردید.

استاد حبیبی رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) در آغاز محفل گفت: در دین مقدس اسلام در مورد جایگاه قاضی دو دسته روایت وجود دارد. دسته‌ای منصب قضاوت را مختص پیامبران و جانشینان آنها دانسته و غیر آن را اهل شقاوت می‌نامد؛ دسته‌ای دیگر قاضی را چهار گروه ذکر می‌کند و فقط یکی از آن چهار دسته را بهشتی معرفی می‌کند.

در حدیث از امیر المومنین (ع) نقل شده است که آنحضرت خطاب به شریح قاضی فرمود: ای شریح در جایی نشسته‌ای که در این جایگاه جز سه نفر قرار نمی‌گیرند، یا پیامبر یا جانشین و وصی پیامبر یا انسان شقی و بدبخت! در حدیث دیگر آمده است که قاضیان چهار دسته‌اند، سه دسته از آنها در آتش‌اند و فقط یک دسته در بهشت است.

الف. قاضی که ظالمانه حکم کند و خود نیز از این قضاوت ناعادلانه خود آگاه است، او در آتش است.

ب. قاضی که ظالمانه حکم می‌کند ولی خود او از بی‌عدالتی که انجام داده بی‌خبر است، او نیز در آتش است.

ج. قاضی که به حق حکم می‌کند، و قضاوتش در واقع صحیح است ولی اتفاقی و بدون علم و آگاهی قضاوت صحیح انجام داده است، او نیز در آتش است.

د. قاضی که عادلانه و به حق حکم می‌کند و این قضاوت را از روی علم و آگاهی انجام داده است، او در بهشت است.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین افزود به اساس این روایت قاضیان به بهشت می‌روند که قضاوت عادلانه و به حق حکم کنند و این قضاوت را از روی علم و آگاهی انجام داده باشند، این است که قاضی باید با دقت و بر اساس موازین قضاوت که از سوی پیامبر (ص) بیان شده حکم کند؛ یعنی اولاً: بداند موازین قضاوت صحیح چیست، ثانیاً: آن قوانین را با دقت اجرا کند و چیزی وی را از اجرای عدالت باز ندارد.

با در نظر داشت این نکات، روشن می‌شود که حق قضاوت و حکم کردن اختصاص به پیامبر یا امام معصوم و یا کسی که از سوی ایشان معرفی شده و

آن قاضی استحقاق عقوبت دارد. برگراری محکمه تمثیلی برای دانشجویان که فردا در منصب قضاوت می‌نشینند در نوع خود یک تجربه عملی خواهد بود، لذا این محکمه مورد تشویق هیئت داوران و تمامی شرکت کنندگان قرار گرفته و برای دانشجویان دانشکده فقه و حقوق مفید و ثمر بخش بود.

ساختار محکمه تمثیلی: هیئت قضائی شامل عبدالحی اختری رئیس، محمدرضا قربانی و محمدحکیم رحیمی قاضی، سید نظیم سیرت سارنوال و ذبیح الله شریفی منشی، از دانشجویان دانشکده فقه و حقوق ایفای نقش می‌نمودند.

در این محکمه، پولیس قضایی، متهمین، شاهدین بر موضوع جرم و هیئت داوران از محکمه استیناف شامل رئیس محکمه جزائی استیناف، رئیس محکمه مدنی، رئیس محکمه ابتدائیه و قاضی انور رحمانی یک تن از قاضیان این ولایت تشکیل شده بود که روی پرونده جرم قتل، سرقه، نقش بازی کرده بود.

آمریت فرهنگی _ تربیتی غزنی



دانشگاه خاتم النبیین (ص)



حقوق عمومی
حقوق بین الملل
حقوق جزا
جامعه‌شناسی سیاسی
روابط بین الملل

املا، تئود و تخصصی

ماسترک

جریان دارد

نیت نام

تاریخ مراجعه: از ۱۵ خرداد ۱۳۹۲
آدرس: کابل، کارته ۴، سرک اول شماره تماس: ۰۷۸۷۷۰۰۷۰۰

221119
5289

MAG
F A 33



دکتر عبدالقيوم سجادی
نماینده منتخب مردم
غزنی در پارلمان
و رئیس دانشگاه
خاتم النبیین (ص)



اوهمداهيله مور په دغه ملي او اسلامي يون اوحرکت کې هوډمن او هوډيالي کوي. دخاتم النبیین (ص) پوهنتون له دين سره دعلم پراخول اوداسلامي اخلاقو په درلودلو سره دپوهي پالل خپله دنده اورسالت بولي. وياړې چې د2013 کال په درشل کې ((داسلامي نړۍ فرهنگي پلازمېنه)) په هيواد کې دلومړي معتبر اووتلي مرکز په توگه په غزني کې ديوې خانگې په پرانيستلو سره دغزني دفرهنگي او اسلامي ثقافت دمرکز په تصوير او انځور کې خپل لوړ او وړ رول ادا کوي. دعلم اوپوهې دغښتلي ونې دودې غوړيدو اودعلم دپوهې دپراختيا.

Khatam Al-Nabieen University has chosen promoting knowledge embedded with religion and expanding rationalism together with Islamic morality as its mission. With the arrival of 2013, since Ghazni was named the Islamic World Cultural Center, Khatam Al-Nabieen University, as the first reliable and renowned academic center, has played a significant role by establishing a branch in Ghazni with the aim to reflect cultural image and Islamic civilization

Web: www.khu.edu.af

Email: info@khu.edu.af / info.ghazni@khu.edu.af

info.jaghori@khu.edu.af